

وصح للمسلم نكاح المرأة الكتابية اي اليهودية والنصرانية ذميمة كانت او حرة الا انه لو نكح حرة في دار الحرب
 فقبل انما كره اذا قصد الوطى وقيل اذا قصد استبدالها كما في المحيط والكلام مشير الى انه ليس للمسلم ان ينجس
 كافر غير با ولا للمسلمة الكتابية وسجى والى انه لا يحل وطى الكافرة بملك اليمين لانه كالوطى بالنكاح
 كما في التحفة قرستان في كتاب النكاح

ولا للمسلم نكاح امرأة كافرة غير كتابية كالوثنية والمجوسة والمرته كما اشار اليه فلا يجوز به الوطى
 كما بملك اليمين في المحل المراد

Süleymaniye - U Kütüphanesi	
Kisim	Esat ex
Yeni No	1
Eski No	2214

کتابخانه
پاکستان

شرح تاریخ افغانه



۶۶۱۴

کتابخانه افغانستان
کتابخانه ملی افغانستان
کتابخانه ملی افغانستان
کتابخانه ملی افغانستان

کتابخانه ملی افغانستان
کتابخانه ملی افغانستان
کتابخانه ملی افغانستان

گنجینه ملی افغانستان	۱۳۴۱
کتابخانه ملی افغانستان	۱۳۴۱
کتابخانه ملی افغانستان	۱۳۴۱
کتابخانه ملی افغانستان	۱۳۴۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِسْمِ تَعِينِ

همدراز کلمات اول مبدع کائنات و موجد مصنوعات جنابک اتخاف کرده معلا ساجه تقدیسی اولمغه شایان و حقیق قدر که صحایف مکنونات نکاشته قلم ابدی و عزت و سعادت دارین دستیار می عنایت و توفیق و ذلت و کدابی حکم دیوانخانه قضا و قدری ابد و کن قل اللهم مالک الملائک توت الملائک من تشاء و تنزع الملائک من تشاء و تعز من تشاء و نذل من تشاء بيدک الخیر انک علی کل شیء قدير کلام مجیدی ابله باصره کلیله انظار توتیاسای تنویر و تحدید قلمش در و وصلوات نامیات و تحیات فایجات اول خلاصه موجودات و نقاوه ممکنات جنابک هوض مورد لشنکان امت و منبع ذلال فیاض فیض شفاعت اولان خاک پاک مشکساینه شایان ابلاغ و اهدا در که وجود شریفی باعث ترتیب مقدمات مصنوعات و ذات قدسی الصفاتی سبب ترکیب بسایط و مرکباند و ترضیه و تعظیبات صافیات حیات دین مبین و هدایات راه یقین نجوم الزهرات ال واصحاب و اتباعه و ادر که سعی و همتلری مقیم ماند کان دیجور حیرته نجم هدایت و غبار سمند جهاد پیشه لری مجاهدان صمیم الاجتهادک توتیای بصر بصیرت لری بدر ابعاد سبب شریک کتاب مشکین نقاب اولدر که جناب نسق ساز کارگاه جهان و شیرازه بندنه کتب اسمان جل شاننه و عم نواله حضرت لری اقتضای حکمت علیه و سبق عنایت از لیه ابله تجدید قواعد دین مبین و احیای سنن نحر اولین ایچون علی وفق العاده اسباب خیر و صلاحی اماده ابدوب وقتا که نوبت خلافت روز افزون عثمانی و عطیه گیری وراثت تحت سلیمانی خلاصه دودمان خلافت و نقاوه خاندان

سلطنت

سلطنت صاحب قران دور زمان طلسم دجه امن و امان مظهر تائیدات حی و قیوم مولی ملوک العرب و العجم و الروم الا وهو السلطان الاعظم ابن السلطان المعظم ابو الفتوح و المغازی السلطان الغازی احمد خان ابد الله الملك المنان حضرت لری ینک شرفند باب دولت لری اولق مقدر و مپسر اولدی عهد مینت ما نوسلر نه پیرایه کتابه روزگار اولمغه شایان بیجه بیجه معالی امور و مصباح جمهور پیاپی جلوه کر مجلای ظهور اولوب نظم سنین دو انتظام هجره نبویه ینک یوز قرق بر حدینه واصل و عهد خلافت علیه پکرمی النبی سنه به متواصل اولدقده انقن اعمال حسن اشتمال اولان شاهد نور سیده صناعت طبع عالم مثال دن منصبه ظهورده طرازنده حله وجود ابله خرامیده اولارق عرض دبدار ابلدی پس بوفن بیع الغور و عجیب الطور بله تکثیر کتب و احیای معارف و فنون و زمره طلبه علوم بو یوز دن شاد و مسرور بیور لقی همتنه التفات رجاسیده حالاد دولت علیه ابد استمرارده تشریف ساز مقام صدارت عظمای سایه انداز مسند و کالت کبری وزیر بر جهمس فطنت مشیر عالی همت باب مداین الطاف و کرم داماد شهریار معظم اعنی به حضرت ابراهیم پاشایسر الله میاروم و مایشاء حضرت لری ینک پیشگاه مکارم دستکاه لری بنه عرخی حال اولند قده نتایج افکار اصابت شعار لری و تفاریح ارای مملکت از لری مقربن صلاح اهل عالم و متضمن نظام احوال امم اولوب بوفن مفیدک حصولنه رغبت و زمره موحدینه بو طریقیله امداد و اعانت لازمه ذمت علوه همت و مهمه اساطین دولت ابدو کی علم عالم شمور لری نده ظاهر اولمغه هماندم عقلاء اولی الابصار و فصلاء ذوی الافکار ابله عجاله افداح مشاؤون و مدیران اصابت اپین از کان دولت ابله فتح باب

محاوره بیوروب بوامر ذیشانک اساس و مبناسی قواعد شرع مبین
 و اسخه البنیانه تطبیق و توفیق ابله مرصوص و مأسس قانق رعی رزین
 صواب دبدری بیورملغله حالامتعهد امانت کبری فرمان فرمای مسند
 فتواعقله کشای مشکلات خلق عالم شیخ مشایخ خیرام علامه عصر
 فرید دهر مولانا عبد الله افندی حضرت نرندن استفتا اولنوب اشرف
 مناعی و احسن صنایع اولغله منافع عامه بی متضمن برفن مفید اولدوغین
 اشعار و قلم معجز رقم حکمت امیز لبله افتا و بیان بیورملر بله موجب
 عمل اولنق باندن جانب شهریاری عالم پناهدن خط همایون شرف
 مقرون شرفیافته صدور مینت و ورود بله دامن قیامت دکین عنوان
 مفاخرت و ذکر بالجمله وسیله اولغچون سرد فترما محمد نلری بیورلدی
 بناء علی ذلك بو طبع مطبوع و رسم مرغوبك انوزج وجودی و غونه
 ظهوری اولمق ایچون اقدام مبادی فنون عربیت و عنوان علوم شریعت
 اولان فن لغت ابله ابتدا مناسب کور بلوب کتب لغات میانده صحاح
 جوهری ترجمه سی اولان وان قولی نام کتابك جودت و ندرتی و طلاب
 علومك رغبتی و تحصیلك عسرتی مقرر اولغله طبع و رسمه مباشرت
 اولندی لکن نسخه لری کیاب و ظفر یاب اولدوغن نسخ دخی خبط
 و خطادن خالی اولیوب خط همایون و اشارت علیه ابله تکمیل مأمور
 اولان فضلانک نهذب و تنقیه نه اشتغال لری اثناسنه کارخانه طباعت
 عامه سی گاه بگاه خالی قالب تصبیع اوقانندن تحاشی ملاحظه سیله
 مرحوم و مغفور له کاتب چلبی الملقب بحاجی خلیفه خالص النیت شاگرد
 الذممت خیر خواه دین و دولت بر ذات عالی همت اولوب بالجمله مولفاتی
 تعظیم

تعظیم شان دوات اهنامیه ذبب و زینت بولغله تحفه الکبار فی اسفار
 البحار نام کتاب لطیفی اگر چه قلیل الاوراق جمعی صغیر لکن معنا و مفادده
 بی نظیر حقا که سالکان راه جهادک براو محرار هجر حازقی و غازیان مجاهدان
 صمیم الاجتهاد کوهنمای صادقی نصیاح و وصایای خلوص امیزی جهاد
 اندیشانک مایه التیمیزی بر نسخه نفیسه اولغله تا لیف عده پاره و تصانیف
 مفید سندن انتخاب اولنوب لک دخی عباراتی طبع و تمثیل و اشکال
 و صورتی تصویر و تشکیل و بعضی محسنات ضمنی ابله عاجزانه توضیح
 اولنوب ابدی خواص و عوامده تحفه سینه بر مرکز ار و عنجه نوشکفته
 بهیه بر یاد کار اولمق امید بله طبعنه شروع و عنایت حق ابله ایکی نسخه
 مرغوبه دخی حسن ختامه رسیدن اولمق خلافت مالک شرقیه ده مدت
 مدیده دن برومتد اوله اموری حاوی و اول اقطار ده زمین ایراند طوایف
 اغوانیان و عجمیان و مللی سایر میاندن ظهور و حدوث ابدن و قایمی
 محتوی تاریخ سیاح در بیان ظهور اغوانیان و سبب انهدام بناء دولت
 شاهان صفویان نام کتاب عبرت نما و بصیرت افزایه ظفر یاب اولوب اسان
 لا تنندن ترکیه تبدیل و ترجمه و بسمه خطوطیله توفیری باندن اذن
 و رخصتی متضمن فرمان عالی ارزانی بیورملغله نسخه مرقومه نلک طبعنه
 شروع اولنوب فاله الحمد و المنه اتمامی مبسر اولدی اصحاب انصافدن
 نیاز مندانه تخی اولنور که تعبیر و ادا ده و رسم و املا ده
 واقع اولان هفوات و عشراتی عفو و قصور
 و کسوریزی صفر جمیل ابله
 سبوریون لر

صورت امر شریف
 ترجمه مذکور نك نفعی عام و سبب تیقظ اولی الافهام اولمغله انتشار منافعی چون
 بسمه خطوطیه نكثیر بفره اذن و رخصت ویرم لکله بمنعت او انیمه دیو حکم

محل صح

صورت عرض حال
 دولتلو و سعادتلو
 حضرت نوری صانع اولسون
 خا کپای دولترینه حقیرانه عرض اولنان ترجمه تاریخ سیاح در بیان
 ظهور اغوانیان و انهدام بناء دولت شاهان نام بحاله نك فن بسمه ابله تو فیری
 و ایادی ناسه و وصولی رأی رزین اصف نظیر لنده مناسب کور پلور ایسه
 بسمه سی بانده اذن شریف لرین متضمن امر شریف عنایت پیور لوق بانده
 امر و فرمان دولتا و سلطانم حضرت نرینکدو

ابراهیم

فهرست کتاب	مقدمه در بیان ظهور	ز بی در بیان بقیه احوال
	دولت شاهان و مدت	شاه عباس ثانی
	حکومت ایشان ۲	۳
تفصیل احوال شاه	احوال مادر شهزاده	بیان احوال میرزا عباس
سایمان		
۴	۶	۷
وفات شاه سایمان	احوال شاه حسین	عدد شاهان صفویان
۷	۸	و مدت حکومت ایشان
		علی و فوق تواریخ عثمانیه ۹
النکات فی زوال دولت	عدد ممالک ایران	بیان احوال اغوانیان
شاهان		و سبب ظهور ایشان
۹	۱۰	۱۱
بیان احوال جنگ	ذکر مسالک و مسافات	لوصاف قندهار
اغوانیان	من شهر اصفهان الی	
۱۳	قلعه قندهار ۱۵	۱۶
سبب استیلاي شاهان	نیمه مافی الباب	بیان عصیان یورکی خان
هچمیان بقله قندهار		والی کورجستان
۱۶	۱۷	و انهم زامش ۱۷

امدن یورکی خان باصفهان واعتذار کردش در پیشگاه شاه جمجاه ۱۷	امدن اباچی از جانب پادشاه هند برای استرداد قندهار ۱۸	ندبیر کردن شاه ورجال و فرستادن یورکی خان بالشکر کوچستان ۱۸
برای استحکام قلعه قندهار و دفع مطالبه پادشاه هند ۱۸	بیان احوال میراویس ۱۹	امدن میراویس باصفهان واحوال سارثش باشاه ورجال ۱۹
عرفحال دادن میراویس در پیشگاه شاه برای رفتن بحج شریف ۲۱	استفتاء کردن میر اویس از علماء حجاز ۲۲	عودت کردن میراویس باصفهان از طریق حج ۲۳
امدن پیام اباچی از جانب چار مسقو باصفهان	ومشورت رجال در احوالش ۲۳	ندبیر میراویس در احوال اباچی مسقو ۲۳
عزیمت کردن میراویس از شهر اصفهان بجانب قندهار ۲۶	وصول میراویس بقندهار	وندبیر کردن برای قتل پورکی خان والی قندهار ۲۶
مشورت کردن میراویس باغوانیان بعد قتل پورکی خان ۲۷	عزیمت کردن میراویس برای فتح قلعه قندهار ۲۸	مشورت کردن اغوانیان بعد فتح قلعه ۲۹

مکاتبات و مراسلات عن جانب میراویس بارجال پادشاه هند ۳۰	سفر عجم در قندهار و سر عسکری خسروخان ومحاصره قندهار ۳۱	ندارک کردن میراویس برای مقبله بالشکر خسروخان ۳۲
فراغت کردن لشکر عجم از محاصره قلعه قندهار ۳۳	وفرار کردنش وانهزام شدنش ۳۳	وفات میراویس ۳۴
جلوس میر عبد الله در تخت قندهار ۳۴	بیان احوال میر محمود و قتل کردن میر عبد الله و جلوسش در تخت قندهار ۳۵	سفر کردن عجم فی الدفعة الثانیة برای تخلیص قلعه قندهار ۳۵
سر عسکری صفی قولی خان و احوال فرزندش خان نوجوان ۳۵	انهزام عسکر عجم ۳۵	وقتل شدن سر عسکر صفی قولی خان و فرزندش نوجوان خان ۳۷
ندبیر رجال عجم برای سفر بجانب اغوانیان ۷۳	وسر عسکری لطفی علی خان واحوال جزیره بحرین ۳۷	استمداد عجم از دولت پورنقال ۳۸
امدن میر محمود بکرمان ومحاصره و تسخیر کردن بکرمان و جنگ کردن ۳۸	یاالشکر لطفی علی خان وانهزام میر محمود و فرارش در قندهار ۳۸	نفاق رجال عجم در حق لطفی علی خان ۳۸

بیان احوال اعتماد الدوله فتحی علی خان و زویرات و حال رد حقیقش ۳۹	قلع کردن دیبهه کاز اعتماد الدوله بنفاق رجال عجم ۴۰	احضار شدن لطفی علی خان از شیراز و حبس شدن شرح در شهر اصفهان ۴۰
دیوان کردن شاه و مرافعه شدن خصم با اعتماد الدوله ۴۰	الجواب عن جانب اعتماد الدوله ۴۲	بیان کردن احوال لطفی علی خان ۴۷
تثمه در بیان بقیه احوال لطفی علی خان ۴۸	بیان ظاهر و علامت سماوی و ارضیه فی الدوله الصفویه ۴۹	عزیمت کردن میر محمود بجانب مملکت کرمان ۴۹
عزیمت کردن میر محمود از کرمان بجانب اصفهان و فرستادن خان هویزه ۴۹	از جانب شاه برای تجسس احوال میر محمود و خروج لشکر عجم از شهر اصفهان ۵۰	تحریر و ندادن کردن عسکر در شهر اصفهان برای مقابله بالشکر میر محمود ۵۱
قدوم لشکر میر محمود در جوار اصفهان و مشاوره کردن رجال عجم ۵۰	برای مقابله بالشکر اغویان ۵۱	مقابله کردن لشکر عجم بالشکر اغوان و انهمزام شدن لشکر عجم ۵۲
ضبط کردن اغویان اوردوی عجمیان بعد الغلبه ۵۳	مشورت کردن اغویان بعد الغلبه برای رجعت در کرمان ۳۵	فرستاده شدن خان هویزه برای تجسس احوال اغویان ۵۴
ارسال شدن مکتوب از جانب خان هویزه مصلحه با اغویان ۵۴	احوال جولفه ۵۶	رسیدن پیام از جانب خان هویزه با اغویان و فراغت ایشان از رغبت مصلحه ۵۹
مباشرت اغویان بمحاصره اصفهان از جانب جولفه ۵۷	رسیدن پیام از جانب خان هویزه با اغویان و فراغت ایشان از رغبت مصلحه ۵۹	رسال شدن خان هویزه از جانب شاه برای مصلحه با اغویان ۵۹
میان احوال فرح ایاده انهمزام اغویان در هجوم بجسر شیراز ۵۸	مبارزه با اغویان و فراغت ایشان از رغبت مصلحه ۵۹	هجوم اغویان بجسر اب سپاد و مباشرت ایشان در محاصره تمامی شهر ۶۰
انهمزام میر محمود در جنگ اهالی قصبه بن اصفهان ۶۱	احوال آمدن عسکر عجم برای امداد اصفهان و انهمزام قرنداش علی مردان ۶۱	استمداد شاه عجم از جانب وختان خان والی کورجستان ۶۱
احوال شهزاده طهماسب و میرزا صفی ۶۲	احوال میرزا اسماعیل و میرزا صفی ۶۳	تأهل کردن طهماسب در شهر قره بن بخریک رجال بدنهادش ۶۳

زیل در بیان وقایع غریبه
در اصفهان از شدت
محاصره ۶۳

و جمع و مراجعت کرد
ناس بدولت خانه ۶۴

مراجعت کردن ناس
بجانب خان هویزه ۶۵

هجوم و غلوه کردن ناس
پسر ای شاهی ۶۶

بیان احوال خادم احمد آغا
۶۷

بیان احوال قحط در شهر
اصفهان ۶۸

عدد مقتولان از شمشیر
و هلاک شدگان از قحط
در شهر اصفهان ۶۹

تسلیم کردن شاه حسین
تاج شاهی و تخت ایرانی
بجانب میر محمود ۷۰

وضبط شهر اصفهان
واحوال سائر درمیان
اغواون و عجم ۷۱

ضبط شهر اصفهان
و ترتیب الای و رفتن میر
محمود و شاه حسین ۷۲

بدولت خانه و جلوس
میر محمود در تخت شاهی ۷۳

احوال جمع و تحصیل
خزینہ از جانب میر
محمود ۷۴

ارسال کردن عسکر برای
فتح قزوین و وقوعه قزوین ۷۵

بیان قتل عظیم در اصفهان
۷۶

گفتاری پند امیر سیاح
۷۷

ترفع شدن قدر اغواون
و تعیین حدود و مراتب
در میان ناس ۷۸

ندارک کردن ذخایر برای
اصفهان ۷۹

مشورت کردن اغواون
برای ندارک عسکر ۸۰

ندارک اغواون برای فتح
و تسخیر بلاد در حوالی
اصفهان ۷۷

فرستادن عسکر برای فتح
شیراز ۷۸

سر عسکری فریدون
خان از جانب طهماسب
و عزیمت بایالت بریه ۷۹

اطاعت کردن اهالی
کشان ۸۲

وقعه امان الله خان
۸۳

عزیمت کردن میر محمود
برای تأدیب اهالی شهر کز
۸۴

ظهور جنون میر محمود
۸۵

قتل کردن و اسببصال
کردن میر محمود
شهرزاده کان عجم ۸۶

روایت کاذب فی سبب
اسببصال شهرزاده کان
۸۷

بیماری میر محمود
۸۸

فرستادن سید علی خان
بجانب قزوین و انهرامی
اوست ۸۹

جلوس اشرف بجای محمود
و قتل کردن محمود
۹۰

اوصاف و مناقب میر محمود
۹۱

بیان احوال برادر میر محمود
۹۲

بیان مقدار عسکر اغواون
و عدد ایشان ۹۳

احوال اشرف سلطان
۹۴

بیان فرستاده کردن میر
محمود اشرف خان را
بزندان ۹۵

اسمالت دادن اشرف
خان با اهالی ایران
۹۶

مخفی اولیه که اشبود استان ظهور را غوایانی و انهدام بنام دولت شاهانی
 متضمن ترجمه نیک اصل اصیلی اولان کتاب عبرت حیرت انسابک
 مسودی ملت مسیحیه دن عالم فسیحه الفضا ده سیر و سیاحتی ملتزم
 و امور غریبه و وقایع بدیعه ضبط و تحریر نه ملازم ارباب سیاحتدن قابل
 سداد ملحوظ ارتسام رشاد طوبی شان هدایت نشان بر شخص سیاح
 مرجو الفلاح مأمول الصلاح اولوب فی الواقع منصفانه تحریراتی و حکیمانه
 ادا و تعبیراتی سیاح مرقومک تجسس الامور صاحب فرست دانی قواعد
 حکمت اشناهی قوانین سیاست تمیز احوال ملک و ملت اهل خبرت بر مرد
 عاقل و تجربه دقیق امورده صاحب فطنت فرد کامل ابد و کنه دلیل کافی
 اولد و غندن ناشی لسان لاتن اوزن جمع و ترتیب ابلد و کی تاریک سباق
 و سیاقنه تعرض و مضمون عبارتنه زیاده و نقصان و تحویل و تغییر مراد
 اولنیموب لسان ترکیه تبدیل و ترجمه ده و معنایی ادا و تعبیرده عین
 مقصوده موافقت بولنق اوزن صرف مکنت عاجزانه قلنشدن فلاله
 التوفیق للصواب والیه المرجع والمآب ترجمه الحقیر الفقیر

ابراهیم من متفرق کان
 درگاه عالی

قطب کردن اشرف خان و ارسال کردن نعشه
 شاه حسین را و نسلی شهزادگان بشهر قم
 دادن خاطر اوست ۹۱
 ۹۴

تکلیف کردن شاه حسین فرستادن اباچی از جانب
 نروچی دخترش اشرف سلطان بجانب
 اشرف خان ۹۳ طهماسب ۹۳

عزیمت کردن ارسالان عسکر اشرف خان
 خان از جانب طهماسب یقز وین و مقابله وانهزام
 بجانب شهر قم و قدوم ۹۹ لشکر عجم ۹۶

احوال امان الله خان احوال میاجی میر محمود
 ۹۶ ۹۶

احوال مادر میر محمود خاتمه ۹۷
 ۹۷

(Faint bleed-through text from the reverse side of the page)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على جميع الانبياء والمرسلين اما بعد
بو عبد عاجز و فقير و حقيرنا چیزی تو افلرها پندن سیما حان بسیار مسکت
شعار طریق لرینه سعی و سلو کیده تحصیل مال و منال سود اسندن فارغ
البال و ما سوای جناب خالق الموجود اندن کف عنان امال اجتهاد ن
کنند و مه نسبت حسب حال و بوندن اوز که مسند و معال اولد و کی
خارج دایره قیل و قال ابد و کن یقینا بلوب بو عالم کون و فساد قسیحة
الفضاده بیانی تک و تاز ابله دار و دیاری شماری سیره و تاشاهو اسی لا جرم
از کتاب تعب طریق سیاحت و محل بار کبر ان مسافر ندره و اگر چه بحریه
امور سود اسی لا بد هو ادت روز کار ناهموار ابله منکسر الحاظ و فی اللیال
والنهار ظهور و قایع مختلفه الاطوار ابله دل و دوتون کدر الود اولمقدن
عبار ندر احق یوما فیوما بلکه انا قانا مشاهده اثار قدرت نامتناهی
و مطالعة آیات باهرات جناب خدای ذوالجلالی ذوق روحانی و موجب
نشاط و انبساط درونی ابد و کی دخی اولی الابصار ذوی الاعتبار قنده خفی
و پوشیده دکلر بنابرین بوننده کترین دستایه شوق رؤیت عجایب
و تازیانه از روی بحریه غرایب ات سوق دلفریبی تقریبیله لازمه ذمت
طریق اولان سیر و سیاحت ستمنه عطف عنان عزیمت و اقطار غریبه دن
بلاد و امصار شرقیه جانب لرینه اماله زمام عاجزانه همت بر له بعد مدت
دار ملاک زمین ایران کرسی ممالک شاهانی افتخار صغویان شهر شهیر

اصفهان و وصول بولوب بو خطه جلیله حکمت علمیه ریانیه مقتضا سنجه
حقیره بر مدت جای قرار و اشخوری پاپند سمنند اختیار و لمغله ایام مکث
واقامت و هنگام ارام و راحتند انتساب لسان تقریبیله گاه سرگذشت
عجیبانی متضمن کتب معتبره توار میخلر بنی تتبع بر له صرف اوقات و گاه از باب
دانش ابله صحبت و اختلاطی التزام و گاه ظهور و حدوث ابدن و قایع
غریبه و دواهی عظیمه و شذرو مندر اقوام متنوعه و هرج و مرج طوایف
مختلفه عجیبان و اغوائیان ابله سرکردن وادی حیرت اولوب بالجه روی
زمینده ممکن اجناس ناسه دوام و قیام دولت اسپانی ادراکله بر اینده مجلا
و طوایف مختلفه و ملل متفرقه عالم اولی الابصار یینه باعث انهدام بنیان
دولت اولان احوال و اطواری اذعانده بر مرآت عبرت نفاذ ذوی الافکار اولان
مدققین و محققینه بصیرت افزا اولمق ملاحظه سیه روز بروز بالمشاهده
اطلاع و بالمعاینه علم و وقوف تحصیل ابلدیم اموری جمع ابد و ب بر عجاله
یازدم و نفی عام اولمق ایچون ادای مقصوده السنه حکمادن اولان
لسان لا یظنی اختیار ایتدم مقدمه در بیان ظهور دولت شاهان و مدت
حکومت ایشان منظومه سلاک سنین هجر نده منسلاک تاریخ وقتا که طقون
یوزالتخی سنه یه بالغ اولوب نظم پرانتظام سلاطین محمّدات اثار عثمانیانه
فوت خلافت سلطان سلیم خان علیه الرحمة و الغفران حضرت نارینه
پد اما تشرینه مفوض اولوب قلم و حکم عرب و عجم و روم اولمق تقدیر
لمیزلی اشکار اولمش ابدی عهد سلطنت سعادت قرانلر نده ممالک شرقیه دن
خطه ازو بایحانه بانی بناه دولت شاهان و مؤسس اساس جمهور خانه دان
عجیبان اولان شاه اسماعیل اردبیلی بن شیخ چیدر بن شیخ جنید بن شیخ ابراهیم

بن شیخ علی بن شیخ موسی بن صفی الدین اسحق ظهور ابدوب دول سابقه دن
دولت فارسیه تعبیر ابله شهرت زده افاق عالم اولان دولت قدیمه بی
زعیمه احیا سوداسیله و اول دولت رجالندن تعداد اولتیق هواسیله
مسند نشینی دارا و جم ادعاسنی کند و بی حسب حال قلوب باعث حدوث
دولت صفویه اولدی سلطان سلیم خان ابله واقع معارکدیه کلمه کوکبی
اقباله کورینوب بعد الانهزام مخنی بر کشته و چوق زمان مرور ایتیموب
کندوسی دخی گرفتار بجه شیر اجل و تاج و مخنی ترک ابدوب یرینه اوغلی
طه ماسب شاه اولدی اندن صکره ناک اوغلی اسماعیل بعده خد ابله بعده
عباس بعده صفی بعده دیگر عباس شاه اولد بیلر و اشپو عباس اول پیوک
عباس دیکله شهرت بولوب تاریخ هجرتک طقوز یوز طقسان دورت
سنه سنه تخت شاهی به جلوس و قرق بش سنه مدت شاه اولمشدر
و مالک عجمه بجه و لایتلر ضم و الحاق ابله دولت صفویه به استحکام
و یرمشدر بیک او توز دورنده قندهان سفر ابدوب اول اولکده هند
پادشاهی النندن الوب دولتته ضمیمه قلمشدر بیک قرق بر ربیع الاخر نده
فرح اباد نام محله و فات ابدوب یرینه نبیره سی شاه صفی اون سکر یاشنده
ابکن شاه اولوب اون دورت سنه مدت شاه اولمشدر بیک الی بر تاریخنده
ینه عجم دولتته نوعا ضعف طاری اولغله هند پادشاهی عسکر کوندروب
قندهار قلعه سی و اولکده سنی عجم استیلا سندن تخلیص و فتح و تسخیر
ابدوب دولتی ضمایندن قلمشدر تاریخ مز بوردده سلطان مراد خان
بغدادی فتح و تسخیر ابدوب بمالک عثمانیه به الحاق شاه صفی ایسه جانبینه
حواب و مقابله دن عجز بی ادراک ابدوب دولت علیه ابله مصالحه بی ترجیح

ورای

ورای صواب کوروب بوجا بدن ما و ن الغائله اولد و غی برله قلعه
قندهاری هند بیلر النندن فتح و تسخیر سوداسیله الی بش تاریخنده ماه
شعبانک التجی کوننده اصفهان دن حرکت و اول جانبه عطف عنان عزیت
قلوب قسطن نام شهره و اصل اولد قده اجل ایریشوب راه قندهار دن
فارغ و شهر رمضانک اون ایکنجی کونی طریق اخر ته رو برام اولمشدر و کوچک
شاه عباس نام اوغلی اون ابکی یاشنده ابکن یرینه تخت شاهی به صعود
ابدوب شاهلقد بر مدت استقرار و دولتته نظام و یروب استحکام بولد قده
قندهار تسخیری اهتمامنه دوشوب بیک الشمس تاریخنده مهمات کثیره
و عسکر و افره ابله اول جانبه عزیت و جوار قندهان وصول بولد قده
هند پادشاهی طرفندن عسکر کثیر ابله مأمور اولان پادشاه زاده
حروب شد بده و قتال عظیمه دن صکره عاقبت مغلوب اولوب منزه ما
فرار و طوایف اغوانک هند بیلر عصیان و عجزله امداد و اعانتلری
نقر بیدله قندهار قلعه سی و اولکده سی ینه عجم شاهلرینک دست
استیلا سنه گرفتار اولدی زیل در بیان بقیه احوال شاه عباس ثانی
مقدمه هند عسکری قندهار اولکده سنی عجم النندن قلع و نزع ابلد کلری
اشاده خراسان اقلیمه دخی دست درازلق ابدوب ضبط و تسخیر ابلر یله
خراسان ملکی اول و قعه ده فرار و بر جانبه چکیلوب اختفا پایش ابدی
بود قعه عجزله هند بیلر غالب کلوب قندهار اولکده سنی ضرب دست ابله
اخذ و ضبط ابلد کلر بی ملک مرقوم تحقیق ابلد و کی برله هند بیلر النندن
ملکی تخلیص هواسی و اخذ انتقام سوداسی جای کیر ضمیری اولغله شاه
عباسه ایلجی کوندروب و عبودیت نامه یازوب مضمونده ملاطفه بوللو

کنایات تحریر و بومخلص کنایات عن جد بالارت والاستحقاق اقليم خراسان
مالکی اولوب خانه دان صفویه جانبینه برد و لوسوه قصد نیز سبقت ایتش
دکل ایکن جانب شرقیدن سواد الوجه بر سبع ظهور و طرفلر بکزه
اولان مضرتة قناعت ایتیموب سزک تقریبکز ابله ملک موروثی بدیدن
نزع و تحت و تاجی غصب و ر بوده قلمق سزک علوشانکز و عالمه عالی نامکنی
و طرفزدن حقوق جوان هر حاله حرکت و رعایتده سعی و اهتنامز و از ایکن
ستایسته میدرد بوبو کونه عبارات و کنایات تحریری برله ملک مرقوم
مشاهدن استمداد ایلدی و من بعد دخی شاهک خلوص و صداقتند
ثابت قدم و خیراندیشلقه راسخ الدم اولمق اوزن تعهدلر ایلدی بنه
علی هند اساه عباس فرصتی غنیمت عد ایدوب کرکی کبی ندارک ابله خراسان
سفر و اقليم مرقومی هند بلر لندن الوب نمالکنه ضم و الحاق و ملک خراسان
ایله شروط و قیودی متضمن عهد و میثاق عقد ایدوب ملک مزبوری
حکومتده ابقا و تقریر و عملی منقرض اولنجیه دکن حکومت خراسان
کند و لرندک قالوب عجم شاهلری طرفلر ندن تعرض اولنماق اوزن منشورلر
یا زیلوب و یرلدی و بعد الا نقرض عجم شاهلری طرفلر ندن کیف ماشا و
اقليم مرقومه حاکم نصب و تعیین اولنه دیو عهد نامه لرنوب و یرلدی
شاه مرقوم دخی بکرمی بش سنه مقداری مدت تحت شاهیده کامران
اولوب خرم اباد نام محله وفات و تحت و تاجی غیریه سپارش قلده
فعلی هذه بيك بش طقوز تار یخنده ماه محرک بکرمی بشی کوننده ایکنی
میرزا صفی تحت شاهیه جلوس ایدوب فرمان فرمای ملک زمین ایران
اولدی شاه مرقوم ایسه اشای حکومتده بره پب و هولناک رو یا کوروب

خوف

خوف و تشویشده دوشدی و تبدیل نام ابله تغییر قضای ازل نمکندر
ملاحظه سیله صغی نسیمه اولنور ایکن اسمنی سلیمان اسمنه تغییر ایدوب
امن بعد شاه سلیمان نسیمه اولنوردی و کورد وکی هولناک رو یا ناک اتری
اگرچه کند و عهدنده ظهور ایتدی لکن فرزندی شاه حسینک شاهانی
زماننده بالمعاینه وجوده کلدی تفصیل احوال شاه سلیمان شاه
مرقومک بر سلطاندن اوج فرزندی وجوده کلوب سنا صغری شاه
حسین ایدی و شاه سلیمان مرقوم بد جبلت و مذموم الاخلاق عجول
و غضوب بی رحم و بی شفقت غایت ابله خود بین و خشین بر مرد ناقص
اولوب بر کون فرزند امجدینک مرضیسی اولمیان بعض ناهموار حرکتی
مسموعی اولدوغی برله نار غضبی اشتعال بولوب نه شفقت پدران طبعنده
ذن دکلوه یجان ونه مشفقین رجا و نیازلری دروننده بایکیر امکان اولوب
دردمندی ادنا جرم ابله قتل ایندردی دیگر فرزندی پدری شاهک
بو کونه تحور بی و غضب الود حالی کوروب کند و یه خوف و هراس عارض
و وهم تشویشده تابع اولوب پیشگاه شاهیدن نفرت و ابا و نجه زمان پدری
حضور ینه وار میوب عزات نشین زاویه تجرد اولمش ایکن شاه ساجانه
عاقبت فرزند امجدینی بی جرم قتل ایلد و کنه نوعاندامت و تا سفال
و یروب اور تا نجه او غلونی کورومک ارزو سیله حضور ینه دعوت ایچون
امر کوندردی لکن شهزاده نوجوان برادری مقتولک احوالنده پریشان
الخطار اولوب وهم و خوف کند و یه غالب وادی حیرنده عاجز و در مانده
پیم جان عزیز ابله السعید من اتعظ بغيره کلامی مضمون فکر ایدوب بر او غردن
شاهک پیشگاهنه وارمدن تحاشی و اجتناب ایدرک پدری برادر مقتولک

حالتند امته القا و کندی حقنه مروت و شفقت پدرانه همچنانکه تحریک
و ترغیب و بویابنده ارشاد و الزام اسبابی ندارد که اشتغالند بکن بویابنده
تشبیه بولد و مقامید بله بر کون پدری شاهک خاص با چرخه سنه دخول
والنه تبرالوب انظار شاهانه و تریه ملوکانه بله پرورش یافته اشجار
بالابلند و مژده دن بر نهال سر و قدی اظهار تهور یله صور تقاطع ابلک
مباشرتن کو ستردی شهزاده درد مندک مقصودی شاهی ارشاد و الزامه
محصور بکن عکس قضیه ظهور ابدوب شاه خشین و خود بین و غایت
ايله کند طبیعت اولغله شهزاده نظریفک تراکت امیز شفقت اندکیز
حرکتی فهم و ادراک ايله مقید اولیوب انجق تهورانه وضع و حرکتی
اند یشه سنه دوشوب احوال سایر یه صرف زهن اتمیوب شاه بی
مروتک تنور غضبی بونک دخی حقنه پر نار و قتل و اسنیصا ان حکم و
قوریچی باشی چاغردوب بلا امان قتل ابلک اوزن امر و تنبیه ابلدی
قوریچی باشی مرقوم عاقل و دانا صا حبر رای و ند بیروار باب شفقت
و مرحمتدن بر مرد کامل اولوب ولی زعمی بولمان شاه سلیمانک جگر گوشه سی
و فرزند معصومینک قتلنه صادر اولان امر و عزیمت ناشایسته سی طور
طبیاع آدمیان دایره سندن دور اولوب با خصوص بویله بر معصومک
خون ناحقی کندی دست مباشرت یله افشان اولغی زیاده گریه کوروب
بووادی عزیمت حیرت اشمالده بر زمان مخیر و سرگردان اولدی و بذل
مقدور یله بویابنده شاهک نار غضبی تسکین و نایره سوء قصدی اطفا
و سکونت بولمق اسبابی ندارد کندی شمیر ساق اهتمام ابدوب پیشگاه شاد بی
مرونده بو کون کلام مصلحت امیزه اغاز ابلدی نیم مروندلو شاهم ولی نعمتم

مرحمت شعار افندم سلطائم حضرتلری بو عبد احقر صداقت پرور ه
کترین قوللری عنایت کوستر شاهم مروندلو افندیک محض عنایت
وا حسانلرندن مالک اولوب قوشاندیغ شم شیر تیزم مجرد شاهمک
دوشمنلری اولانلرک خونین ریزان و افشان و اعدای دولتندن اخذ
انتقام برله دنیا ده بر نام و نشان قومق ایچوندرو اولانان و نعمت یله پرورده
وانظار علیه شاهانه بله پرورش یافته اولدوغم خاندان عظیم الشانه
بو کونه خیانت و ولی نعمت افندیک نور دیده لری اولان فرزندان بی
گناهلرک ناحق بره سفک دمالرینه مباشرت و بو طریقیله الیوم القیام
هدف لغت خواص و عوام اولغله العیاذ بالله تعالی وسیله اولمق ایچون
دکدر بو امر منکره تصدی قولکزه کون حیزر امکان اولیوب شاهمک
فرزند بی گناهی رینه نیم کی نجه لک قتل اولی و بکان نسبت اسهل و اهورندو
بلکه شاهمدن بکا لطف و احساندر زیر اوندن اقدام فرزند امجد بگری
قتله امر و جواز بیوردیغکر اشتهاده بو خصوص میان خلقده عظیم کفت
و کو اولوب قلوب ناسه تو عا برودت ایرات و بالجه قوللر بکزرک جناب
شاهیلرینه اولان میل محبتلرینه فتور کتوروب بارگاه دولت پناه کزدن
نیجه لرینک نفرت و وحشتلرینه سبب اولمش ابدی دیوب مرقوم
قوریچی باشی چاغردوب حضور شاهیده گاه واقع حالی عرض
و اعلام گاه دروغ پر فروغ و ضرور مصلحت امیزلر ایراد و حسن تعبیر ايله
کلامین تزیین و پند و نصیحت یوللو تضرع و نیاز طریقیله سلو کیده
هاقبت الامر شاه بی مروته پشیمانی و ندامت ال و پروب فرزند بی قتل
ایتدر مک نیت قبیحه دن و بو امر ناشایسته یه عزیمتدن فراغت یوزین

کوستر مغله قوریچی باشی یه انجاملنده خطاب ابدوب دید بکه ناره غضبیم
اطفا و سکونت بولدی و بو خصوصه بکاندامت ال و یردی بی ایقاط
ابدوب بک خدمت مبرور ک و وبالدن صقند یغک غیرت و حیت و افره ک
و خلوص و صداقت اوزنه خاندانزه اولان خیراندیشلغک ظاهر
واشکار اولوب عندیزده مقبول و پسندیده اولدی امثال و اقرانک پنهنده
باعث امتیاز برسی جمیلده بولنوب اثارن مشاهده ایدرسن انجق بونیت
و عزیت ناشایسته مز و بو خطا الود حرکتز من بعد اپکیز پنهنده ستر و کتم
اولنوب بوسرخفی و مکتوم اوله و افراد افر بک دن بفر دیو حاله واقف
اولیوب بوماده نسیمانسیا فراموش اولنوب زینهار و زینهار فرزندم
دخی ماجرادن بر تقریبیله خبیر و اکاه اولیه دیوشاه مرقوم قوریچی
باشی یه محکم تنبیه و تا کید ابدی قوریچی باشی دخی شاهک صد اقتکار
بنامسی و دولت صفویه نیک رفعت خواهی اولمق فکر و ملاحظه سیله
اگرچه بوسر و رازی دیکرانه کشف ایتدی و لکن حسن ندبیر و رای
رزین اولمق اعتقاد بله شاه زاده بی دوستانه ایقاط و من بعد رضای
شاهی یه موافق حرکتده بولمق و هر حالده امرینه رام و شاهک منفوری
اولان وضع و حرکتده متصدی اولمق تنبیهی متضمن پند و نصیحتلر
ایله طرح و تسویه قلبیغی بناء ندبیرینه استحکام و یروب غفلت ایله
بر مخالف شی ظهور ایلماک ایچون شاه زاده بی ماجرادن خبیر و اکاه
قلبی امر صواب عد ایلوب محرم اسرار قلبی پس کل ماجاوز الاتنین
شاع کلامی مفهومیندن تغافلدن غیری سوء ندبیره سالک و ناقصه العقل
نسوان طایفه سنه حقه سر مکتومی و دیعه قلمی رای ناصوابه متصدی

اولوب اول امرده شاه زاده نیک والده سنه حقیه خبر کوندروب واقع
حالی بلندردی و اوغلی شهزاده بی شفقت مادرانه مقتضای سنجه پند و نصیحت
ابدوب من بعد عاقلانه وضع و حرکتده حکیمانانه وادبانه شاهک درگاهنه
ملازمتده قصور ایلماک اوزنه توصیه و تریبه و بوسر مکتومدن بفردی
اکاه قلماق اوزنه تا کید و اکید تنبیه و سپارشلر ابدی احوال مادر
شهزاده چون شهزاده مادری ماجرادن اکاه اولدی دروتنه خوف
و هراس مستولی و فکر و اندیشه کندویه غلبه ابدوب واقع حالی اگرچه
خفی و مکتوم اولمق اوزنه شهزاده یه اعلام و افاده ابدی و شفقت
مقتضای سنجه تریبه و توصیه ده دقیقه فوت ایتدی لکن نسوانه مقدر
نقصان عقل و رای و ندبیرده عجز و فتور خلقی و رویت و تشبیت
امورده قصور جبلی حسبیه بوامر مو حشک فکر و اندیشه سیله غم
و کدر و الم کون بکون افزایش بولدی و من بعد غضب شاهیدن امنیت
اعتقادی یا تکلیه فاسد اولدی تا که برکون فرزنددی شهزاده ایله نهانی
کورشد که طبعنده شفقت مادرانه بالضرور هیجان ایتیکله اوغلاونه
بو گونه پند و نصیحت ابدی که نم نورد بدم اوغلم قرداشک بی چاره دن
نه منند جرم صادر اولمش ابدی که پدیری بی مروت اول مظلومی قتل
ایتدردی مادامکه شاهده بو گونه غضب و ظلم و غدر بله اوده طبیعت
وارد و مزاجنه افراط تهور غالبدر ادنا بهانه ایله سنی دخی قتل ایلاک
امر مقرر درانک ندامت بی ثباتنه اعتماد ویشیمانی سریع الزوالنه طپنق
و مروت و شفقت پدران سنه ایناتق محضی حماقتدر شمشیر خونریزندن
رها بولمده اوز که طریق بودر که تغییر نام و تبدیل جامه قلب لباس

درویشانه گیره سن و عزم سیاحت ایدوب بودیاردن نابود و نا پیدا
اوله سن و کوزک کوردوکی یره کیدوب بر زمان کم نام اوله سن جلادی امان
شمشیر تیزینه طعمه اولدن شاید که بو طر بقیله رها بولمقدن بدل مقدر و
ایله سن دبد که شهزاده نور سیده جوانک درونده مادر مشفقنه نک پند
و نصیحتی جا بکیر اولوب سوز بله عامل اولغه قایل و بو وجه اوزن
اسباب نجاته تشبته ما بل اولوب هماندم کسوه درویشانه رغبت
وصوب مقصوده عزیمت برله مادر مشفقنه سیده وداع و سرای شاه
اولان دولت خانه دن بر تقرب غریب ابله چقوب هی و ذی درویشان
و تبدل نام و شانبله اول دیاردن نابود و نا پیدا اولدی بر قاج ایام مرونده
شاه سلیمان شهزاده نک احوال ملامت مورثه واقف اولمقدن اطراف
واکنافه ادملر تعیین و ر قلم ارسال ایدوب شهزاده نک بولنوب اله
کتور لاسنه هر جانبه نک و یو عظیم نقید و اهتمام قلد بلر و هر چند که بو بابده
جستجو ایدوب سعی و کوشش قلد بلر شهزاده نک نام و نشاندن آر بولمق
مایوس و نا امید اولدی بلر شاه سلیمانک دخی سینه پر کیننده فرزندی غم
و عاری و بوقضیه نک حجاب ناری یو ما فیو ما از دیاد بولدی چون
شهزاده نک حقنه صدور و ورود بولان سوء قصد بی وقتل و از لاسنه
ذاهب اولدوکی عزیمت ناهموارینی بر فرد بلیموب بو خصوصه واقف
قلدیغی محرم اسراری انجق قوریمچی باشی ایدی واقعه باعث و بادی
اولدر دیوب قتلنه فرمان ایدوب بار سردن دور و راس مقطوعی سرای
میدانده غلطان قلد بلر قوریمچی باشینک قتللی ماده سی میان ناسده
گفت و کوا اولوب عاقبت شهزاده فرارینک مادری اولان سلطانک

دخی

دخی مشهوری اولمقدن چان بیوهم و وسوسه غالب و فرزند سی شهزاده نک
غیبتنه مدخلی ایدوکنه شاه واقف اولمش فکر و اندیشه سیده اسکیجه
شاهدن خلاص بولمق ملا حظه سیده اول دخی کندوی نلف
ایلیک اسبابنه مباشرت ایلدی عاقبت بوقصد بله بر کون بالای بام سراپ
چقوب کند و سن زمینه انداخته قلوب خرد خاش اولدی بو خبر
موحش ندامت انکیز دخی شاه سلیمانک گوشنه لاحق اولمقدن الم و کدری
صد درجه از دیاد بولوب دل مجروحنه حزن داغ اوزن داغ اولدی
سلطانله علاقه دار بولمغله بو طر بقیله نلغنه غایت متکدر اولدی
واگرچه ماسبقه اشندامت ابله نادم و پشیمان اولدی لکن کوفت کوی
خلقه و شماتت ناسه کوچیله محفل اولدی منوال محرر اوزن شاه سلیمان
ایکی نفر فرزندی دبد ارندن محروم اولمقدن میل و محبت پدرانه بالضرور
طبعنه حرکت و قلب بی رحمیه شفقت و مرحمت بر مقدار رمیده اولوب
میل و مودتی او چخی فرزندی میرزا حسینیه عطف و اماله برله علاقه
ایلدی میرزای مرقومک بیوک والده سی هنوز سرای شاهیده مقید
بولمغله شاد جانیندن مرقومه یه رعایت و التفات ابله نوازش خاطر
قلنوب میرزا حسینیه یاتنه موجود بولنوب والده سنی مقامنه
مشفقانه تربیه و مادرانه نظارت سیمارش اولندی و معلم تعیین اولنوب
تحصیل علوم و فنون و معارف اسبابی اهتمانده دقیقه فوت اولندی
میرزا مرقوم دخی اگرچه نظرده خور و حقیر و قصیر القامه قدملری
دخی بیتاق ایدی لکن عقل و زکاده و فهم و فراستده عقل اول اولوب
صاحب استعداد اولمغله پدری شاه سلیمانک مرقومک حقنه میل

و محبتی بود ما فیوما ترقی بولدی و حضور شاهى به مدد او متدن منفك
اولیوب شاهك رضاسنه موافق وضع و حرکتی سعى و كوشش ابله
شاهك درون جذب و تحصیل علوم و معارفه سعى بلیغ ابدوب پدر
و مادرینك حسن نظرلى و شاهانه تربیه و پرورشلرینه اهل و مستعد
اولوب همتلر ببله مدت قلیله ده صاحب كمال اولدی حضور شاهینه
حرکات و سکناتی پسند ببله اولدوغندن غیرى رجال دولتی قاتله دخی
مقبول و مرغوب جمله نك قلوبن صید و شکار ابلش ابدى حتى پدرینك
حال حیاتله ولی عهد تعیین اولتی اتفاقى گفت وگو اولمش ابدى بیان
احوال میرزا عباس شاه سلیمانك دیگر سلطانندن میرزا عباس نامنده
برفرزندى دخی اولوب اكن میرزا مرقوم پدرى كبی كند طبیعت و خشین
اولوب تحصیل علوم و معارفه نامستعد لکن فارس و جنگ اوروداته
بهادر جسور و دلاور و الات حرب استعمالی فتنه ماهر اولوب اکثرى
اوقاتن سلحشورلق و تیر و توفنك انداز لغه صرف ابدوب بوفنده
فربدو بكانه لکن علم و معرفتله بی بهره جاهل و نادان قالمش ابدى وفات
شاه سلیمان برمدت سلطنتدن صکره شاه سلیمان علیل المزاج و صاحب
فراش اولوب بالین موته باش قودى حیاتندن نا امید اولیحق رجال
دولتنی حضورینه دعوت و جمع ابدوب پند و نصیح یوللو و وصیتلر ابلدی
میرزا احسینك علم و حلمی و معارف و فنونده فضل و کمالینى تفصیل و بیان
و میرزا عباسك جهل و نادانلغنی و حر و ب وقتاله مپیل و استعدادینى
تعریف و عیان و شرح و بیان ابلد كنه تحت و تاج شاهى بی میرزا احسیننه
ودیعته و وصیت قلدی و بو حال اوزنه وفات ابدوب دار اخرته کیتدی
فی

۸ فی الحال میرزا احسینك پیرك والد سى قیزلر اغاسیله اتفاق اوزنه سرکاران
دولت اولان رجاله مراجعت و متوفى شاهك و صیثی اوزنه میرزا احسینك
تحت شاهى به جلو سننه اقدام و کین منصبه ببله ابقا و استقرار کین ترفیح
قدر و منزلات برله کامیاب کینه بر مبلغ نقود و یرمك و عده سیله ترغیب
و تحریص قلوب میرزا عباس تحت شاهى به قایم اولق تقدیرنه غضوب
و خشین و خود راى اولدوغنه نچکرى حقارت ابله قتل و منصوب و مال
و منالندن دور ابلد كبی بدیعى اولدوغندن غیرى باب جنگ و قتالی
فتح ابدوب ارلمش دولت الدن کیدوب بالجه راحت و آرامكز مشقته
مبدل اولور دیو میرزا عباسه میل و رغبتدن جمله بی تغییر ایتد یلر
وفى الوقع رجال عجم دخی فریضه جهادى رقبه لرندن اسقاط ابدوب
حضور و راحت حضری تعب و مشقت سفره ترجیح برله تن پرورلر
و ذوق و صفایر ستلر اولوب كمال خواهش ابله میرزا احسیننه میل و رغبت
و هماندم تحت شاهى به اجلاس ایتدوب میرزا عباسى حبس ابلد یلر
احوال شاه حسین چون شاه حسین ذاتله معتدل حلیم و کریم و عالم
و فاضل کسینه ابدى تحت شاهى ده استقرار بولد كنه برنجه مدت صلاح
و تقواطر بقلرینه سلوکیه زهد و انعام و منهیاندن ادنا بر فعلی مرتکب
اولمش دکل ابدى لکن تقدیرازل برله نجهز ماندن برو مزاج دولت صفویان
معلول و بناء نظام اتفاق و اتحاد جمهورلری شقاق و نفاقه مبدل و خرابه
یوزطوتوب انهدامه مشرف اولمش ابدى الناس علی دین ملوکوم
مفهومی امکان پندیر ظهور اولیوب مجرد شاهك صلاح حالی و اعتدال
و تقوایه سلوکى بیماری فساد طبایع ناسه درمان کافی و اصلاح

مزاج دوات بیمار لینه علاج وافق اوله میوب بالاخره شاه حسینی دخی
تقوا طریقتدن فراغت و خلقنه اقتدا و موافقت برله مجبور قلب پلر
لخلاصه نتیجه حالاری برقیافته کیردی که شاه و رجال عوام و خواص
خواب غفلت ایله و عیش و عشرته شغلیله برکونه مستغرق اولدیلر که
بالجمله وقایع لیل و نهار دن بی خبر لر اولوب امور دولتری و مصالح
جمهوری رؤیت و تشبته مقید و ملتفت بر کلامی نافذ صاحب
بصیرت کسنه لری قالمیوب شاهنی دخی خواب غفلتدن ایقاظه قادو
برخیر اندیشلری بولندی مسود تاریخ اولان سیاح مرجو الفلاحک
عجم تاریخلرندن ایلیق اوزن شاهان صفویانک عددلری و مدت دولتری
ضبطنده نقل و روایت ایلدیغی صورت بودر که تحریر اولندی مترجم تاریخ
بو حقیر بر تقصیر دخی عاجزانه ظفر یاب اولدو غم کتب توارخ عثمانیه ده
ضبط اولندیغی اوزن شاهان صفویان احوالی علی الترتیب جمع و درج
و خلاصه ایدوب شاهان صفویانک ظهورلری تاریخی و عدد و ترتیب لری
و هر برینک تاریخ ولادت و تاریخ جلوسی و مدت دولتی و عزل و وفاتی
تاریخی ضبط اولتوب بوحله ثبت و قید اولندی و مسود تاریخ اولان
سیاح مرجو الفلاحک شاهلرک حقیقته نقل و روایت ایلدو و کی
احوال کتب توارخ عثمانیه ده ضبط و تحریر اولندیغنه چندان مخالف
اولمیوب روایتین بپننده ایچق بر قاج سینه تفاوت اقتضا ایدر غالباً بو
اختلاف دخی کتب تاریخ نسخه لری ایادی نسا خدن ضبط و خطا
اوزن تحریر اولندیغندن ناشی واقع اولمشدر پس کتب معتبره
توارخ عثمانیانه ترتیب شاهان بومنون اوزن ضبط اولمشدر

اول شاهان صفویان شاه اسماعیل بن شیخ حیدر طقوز یوزالی تاریخنده
اون دورت یاشنده ایکن خروج ایدوب و شاه عنوانینی طاقنوب بکرمی دورت
سنه حکومتد نصبره او توز سکر یاشنده وفات ایشدر ثانی شاهان صفویان
شاه طهما سب بن شاه اسماعیل طقوز یوز او توز تاریخنده اون ایچق یاشنده
ایکن تخت شاهی به جلوس واللی دورت سنه سلطنت ایدوب الشمس
اوج ایچق یاشنده پسر کهتری حیدر میرزا و مادری میا شریله نسیم اولنوب
هلاک اولمشدر مراد خان ثالث عهدنده تهنیه سلطنت ایچون اشبو شاه
طهما سب طرفندن نامه وهد ایایله حاکم روان و فخران طوقاق خان
ایلچی کوندوبلوب طقوز یوز یمش دورت سنه سی اوایلنده محرز شرف
تقبیل رکاب فتا بتاب اولمشدر ثالث شاهان شاه اسماعیل ثانی طهما سب
طقوز یوز سکسن دورت تاریخنده او توز سکر یاشنده ایکن تخت شاهی به
جلوس و برسنه و پدی ای شاهلق ایدوب او توز طقوز سنه پکی ای عمر دن
صبره وفات ایشدر رابع شاهان صفویان سلطان محمد اینه طقوز
یوز سکسن بش تاریخنده تخت شاهی به جلوس و اون سنه سلطنتدن
صبره عزل اولمشدر و خامس شاهان صفویان شاه عباس اول بن
محمد بن طقوز یوز طقسان بش تاریخنده اون سکر یاشنده ایکن باباسی
یرینه تخت شاهی به جلوس و قرق ایکی سنه سلطنتدن صبره الشمس
یاشنده وفات ایشدر سادس شاهان شاه صفی بن صفی میرزا ابن شاه
عباس بیگ او توز سکر تاریخنده اون سکر یاشنده ایکن تخت شاهی به
جلوس و اون دورت سنه سلطنتدن صبره او توز ایکی یاشنده وفات
ایشدر سابع شاهان شاه عباس ثانی ابن شاه صفی بیگ واللی ایکی تاریخنده

اون ابكي ياشنده ابكن تخنه جلوس و بگرمي بش سنه سلطنت ابدوب
اونوز بدى ياشنده وفات ايشدر نامن شاهان شاه سايمان كه مقدمات
صفي نسبه اولنوردى ابن عباس ثانی بيك تمش بدى تاريخنده بگرمي
ياشنده ابكن تحت شاهي به جلوس و بگرمي سكر سنه سلطنت ابدوب
قرق سكر ياشنده وفات ايشدر تا مع شاهان و اخرايشان شاه حسين
بن شاه سليمان بيك يوز اوج تاريخنده بگرمي بش ياشنده ابكن تحت
شاهي به جلوس و بگرمي طقوز سنه سلطنت دن صكره تحت و تاج ايراني
مير محموده تسليم ابلدى فعلی هذا اول شاهان صفويان اولوب باني بناه
دولت روافض اولان شاه اسماعيلك ظهور نندن اخر شاهان اولان
شاه حسين تحت و تاج ايراني سردار اغويان اولان مير محموده تسليم
ابدنجه طقوز نفر شاهلرك مدت دولتمري كتب تواريخه ضبط اولند و غي
اوزن ابكيوز بگرمي سكر سنه مقداري زمان اولمش اولور النكات في زوال
دولت شاهان اگرچه بو عالم كون و فسادده سابقه و لاحقده ظهوره
كلان دولتمرك طلوعی و زوالی و اعمارنك مدت امتدادی و انطوا سی
و ظهور و زواله تقديم و تاخیری همان افراد نی ادمك ولادت و مماتنه
وسنين عمر ينك و فرت و قلتنه مشابه جناب خدای متعالك ارادت
عليه و تقدير از ايمه سنه منوط درو بو مدعا معرفت الله بر له بهره ياب بالجملة
ملل متنوعه و اديان مختلفه عالم اربابنك مقبول و مسلدرا انحق عقد
و حل امور جمهورده قصور و فتنق و رفق مهام دولته فتور و راي و نديبير
مصالح ناسده اهمال و نهاون و كسور مقوله سی تقايص ظهور قضا و قدن
پادی و باعث اولوق اعتقاد پله دولت صفويه نك رتبه انقراضه ادبارينه
اصحاب

اصحاب دقت و ارباب فر است ظاهر او معنا بو كونه اسباب و علل ايراد و بيان
ابلسلر در اولاخفي اوليه كه دولت صفويه تعبير اولنور جمهور و عجمك
باني بناه دولتمري اولان شاه اسماعيل دن شاه حسينه كنجه مدت ماينده
شاهلرك استيلا ابدوب قبضه تصرفلرينه ادخال ابلد كاري بمالك
اون التي عدد مقداري اقليم عرفيه به بالغ اولور كه اقليملري بونلر دو
عراق عجم خوزستان لورستان فارس كرمان مكران سجستان قندهار
زابليستان خراسان مازندران كيلان ازربايجان روان شروان طاغستان
و كورجستان و شاه اسماعيل مرقومك ظهوري زماننده اقاليم مذكور نك
هر برينه مستقل برويا ابكي و يا اوج ملك بولنوب و هر برى بر مقدار
مملكته باشلور ياشنه مالك و متصرف تا بيمورك دست استيلا سي اول
دياردن کوتاه اولوب چكوب زایل اولديغي زماندن برو شاهلرك
ظهورينه كنجه طوايف ملوك اولمشلر ابدى بو حال اوزن فيماينهم اتفاق
و اتحاد بولنمديغندن غيرى ملك و مملكت تراعى بران خالی اوليوب
متفرقه القلوب و پريشان الاحوال بلوك بلوك اولوب بولنمشلر ابدى
چماهير عجميان ايسه اول ظهورلر نندن بر نجه مدته كنجه بازار كارزار
مدعالي نيه رواج و برمه و تاسيس دولتمرينه سعي و اهتمامه بالضرور
متفق الدرور بولنمديغلى اجلدن بمالك مرقومه بي تعب يسير و زحمت
قليله ايله قبضه تصرفه كتور و بوب دايره دولتمريني از زماننده وسعت
عظيمه ايله توسيع قلمشدر در و اون التي عدد اقاليم عرفيه ده بگرمي
سكزدن زياده سني و سنوي مذهب ملوك اسلام بولنوب شاهان
بد نهادل جمله سن قلمدن صكره اولان و اسبابلري ديغي قتل و استيلا

ایشان در دو بولمر بر حکمت غریبه در گه بونجه اقالیک متصرفاری اولان
طوایف ملوک اهالی اسلامدن سنی سنوی اعتقادلر اکن روافض
ظهورنده ملک و مملکت تراعدندن و باغ و یاغچه و تارلا غوغاسندن ناشی
بغض و عداوت و کین و غرض و پرودت اثفا قلمینه مانع حاجز و اتحاد
اوزن مدافحه قیدنده اولملرینه سید سید اولوب بری برلرینک ملک
و عرض و ناموسی زوالنه و بنای دولتلری انهدام و اضحلالنه بفرق
مقتل اولد بلر و بوندن اغریدور که فرزندان دانا یان عجم بو حکمت
باهره بی اذعان اتمیوب بونجه دارودیان استیلارینه باعث سهولتلری
اولان معنایی فهم و ادراک ایدمیبوب قبضه تصرفلرینه ادخال ایلد کیری
مالکک ضبط و ربطنده قاعدی تا بییدی دستور العمل قلوب هر بر
اقایی اولاد و اولاده ارثیه انتقال ایلک اوزن برر خانه و یروب ضبط
ایتدر دبلر مرور ایامیده خانلر نصب و عزلدن امینار و مملکتارنده مستقار
اولوب انلردخی طوایف ملوک حکمنده اولد بلر وقت حاجتده هر فرد
کندی حالیده مقید اولوب شاهلرینک و بری برلرینک امداد و اعانتلرینی
مهم ایلدند بلر و متصرف اولد قلمری مملکت کندولرینه ارثله منتقله اولغله
بو نعمت جلیله شاهلرینک دوام دولتندن ایدوکن بلد بلر و نصب
و عزل و تادیب و قتل کندولرندن مرفوع اولغله شاهلرینه چندان
طاعتلری اولیوب حقوق دیوانیه لرینی دخی خزینه شاهی پارسالده تکاسلری
کالده اولوب هوا و هوسلرینه تابع اولد بلر ثانیاً عجم دولتنگ فریضه
جهادی احیایده جک عدوی قوی الاقتدارلری اولیوب بونجه زماندن
برو وقوع بولان جنک وجد اللری اکثر یار عایا مقوله سی عجزه
وضعهفا

وضعهفا ابله اولوب دولتارنده وجودی مهم مهمات سفریه والایات حرب
و قتال نندار کنده و ترتیب و تجهیز عسکر مهمه سنده اهمال و تکاسلی اوزن
اولوب بوا مر واجب الاذعانده غفلت اوزن اولدیلر ثالثاً شاه عباسه
کنجه عجم شاهلری حکم و حکومتلرینه و عزل و نصب و سایر امورلرینه
مستقل اولوب شاه عباسدن صکره کلان شاهان زبون دست تسلط
مخدام اولملرینه بنیان دولتلری مشرف انهدام اولمش ایدی رابعاً شرب
مهر بیوک شاه عباس زمانندن بروا دن عام صادر اولمش یوللو عوام
و خواص ناس میانده بردولومنیوع اولمیوب صغیر و کبیرلری اشکان عیش
و عشرته مبتلا مورد دولتلری کورلمه دن قالمش ایدی حتی شاه حسین
تحت شاهیده استقرار بولد قدده صلاح و تقویه مهملی غالب اولغله
بو فساد عظیمک علاجی ندبیر و نندار کنده مباشرت ایدوب شرب خمری
اشد عقوبت ابله منع و نفس اصفهانده و اتصالیده واقع چولقده
یولنان خمری بالکلیه یره دوکدروب ملوک نصار اباچلرندن غیری بررده
قطره خمر بولندقدن صکره شیرینی دخی من بعد خمر اتمس و نلردیوانیک
و شد بد تنبیه ایش ایدی انجام کارینه منتج اولدی بو مرضه مبتلا اولمش
خلق صبر و تحمل ایدمیبوب و ما لوف اولد قلمری شربدن امساکه
قدرتلی قالمیبوب علی الاتفاق صغار و کبارلری بریره جمع اولوب
یوبانده چوق مشورتلر ایلدیلر و کافی الاول شرب خمره شاهدن اذن المق
ند بیری نندار کنده اولد بلر عاقبت شاهک بیوک والده سنی بو مراد لری
حصولنده واسطه ایدنوب حیلله طریقلرینه تشبث قلد بلر و شاهک
بیوک والده سی اتفاقلر بده تارض ایدوب طیبیلره حیلله تعالیم و بوداء
وضعهفا

مهلاکه تناول خوردن غیری در مان مبسر دکادر دبدرد پلر اصفهان
و جوافه ده باده آثری بونیبوب ملوک الجیارینه مراجعت ابلد پلر چون
مراد لری حیلله یه مبنی ابدی همان برابکی قدح می تناول ونوشیله شاهک
بیوک والد سنک بحرانی محته یوز طوندی بو تقر بیده شاه حسین دخی
مشفقان پند ونصح نمند ابرام والاح ابدوب ابا واجد ادینک مسالکته
ترغیب ابد رک سوزن کچوردی و برابکی پیاله ابله مشق ابد رک دفع
غم مرتبه سنه وارد پلر بو کون دفع غم یارین دعوت کیف دیه رک شاه
مزبور بر کونه مبتلا اولد بکه اموری کور مکن بالکلیه فارغ اولوب
ذوق و صفایه مشغول و خولنده و سازنده لر بله مجلس ارا اولوب امور
دولتی بینه ره حاله سپارش قلدی چون زمام حکومت رجالک الینه کیردی
وقصد فاسد لری بو یوزدن تشبث بولدی من بعد امصار و اقطارده
غادر و مغدور ظالم و مظلوم حق و باطل ارا نیوب ایراد و مصرف لری
بانیبوب روح دولتلری حالت ترعه واردی روایت اولتور که شاه حسین
تماما عمرنده قزل رنگ لباس کیمدی و عادت لری اوزن خانلر خانی اولانلر
قرمزی رنگ لباس کیمیوب احمق بر کسنه قتل اولتیق اقتضا ابلد و کی
کونلرده کیرلر شاه حسین ایسه بر فردی قتل ابلیبوب بر دفعه یا بجه سنده
قوشلره توفنک اتوب بر قاچن دو شرب و قتل ابلکله بو باده دخی
کند و یه ندامت ال و یروب خزینه خاصه دن ابلکیوز تومن اچه تصدق
اپیش کریم الطبع محب فقرا حایم و سلیم صاحب جود و احسان کسنه
ابدی لکن پادشاهلره کورن السیف و الاحسان تو امان کلامی مفهومندن
غفلت ایله انقلاب دولتلری زمانه مصداقت ابلدی ماشا الله کان
ومالم

ومالم یشالم بکن خامس اطو ایف عجم اهالی اسلام دن ک جنوب اسلام ۱۲
دعوا سنده غایت ابله اصرار اوزن اولد قلدی حالده بو عجبدر که شعائر
اسلام دن معدود فرایض و سنتی اسقاط و اهمال ابدوب با خصوص
رابطه قوییه و اعظم سبب نظام دولت اولان قانون شرع اصفهانده و بلاد
سایره ده اجرا اولنقده اهماملری اولیبوب بو باده وضع و حرکت لری
مختل و مشوش اولمش ابدی حتی شاه عباس زمانده تقود اچه دایره
دولتلرندن طشره اخرد یان کتسون ملاحظه سیله فریضه حجتی دخی
منع و اسقاط ابدوب مملکتلر نده بولنان مقبره لرینی زیارت ابله اکتفا
اولتیق حیلله سیله بینه اموال و تقود د یارلرنده قالمق ند بیرلرینه قرار و یروب
من بعد حجه کیدن لری کاه سر اوکاه حکامه اذن ایچون مبلغ عظیم و یروب
بو مراد لرینه مصارف کتیره و مشقت عظیمه ابله واصل اولور لر دی
و بو خصوص شاهلر کسوه تدبیر و طمع خاملرندن ناشی بر معنا اولق
اعتقاد بله صلاح و تقوایه راغب اولوب حجه کتک ارز و سنده اولان
عوام و خواص لیل و نهار شاهلر بیک دولتی زوالینی حتی و درگاه ذوالجلاله
مناجاندن خالی اولمازلر ابدی و کذا سایر مظلوم و مغدور عجزه و ضعف
شاهلر بیک زوال دولتی دعاسنی با حکمت خداورد زبان ابد غمشلر ابدی
ساد سبب الجاهر حال عجم ابلکی فرقه متفرقه اولوب بری برلر بینه ضد کامل
اولمشلر ابدی امور دولتلر نده بر فرقه نیک مناسب کور دوغی خصوص
البتده اول بر فرقه معقول کور میوب بو شقاق عظیم جمله دن زیاده انهدام
دولتلر بینه باعث بلکه علت مستفله اولمشدر بیان احوال اغوانیمان
وسبب ظهور ایشان لر باب وقوف و اصحاب دانش اولانلر بو باده نقل

و روایت اول نور که طوایف اغوان فی الاصل بحر جز ساحلند طاعستان
اتصالند واقع شروان و لکه سنده یا خود باب الابواب خارجند طاعستان
زبلند واقع بحر زده ساکنه و مجهوله الاصل بر طایفه در ویا بونلر قوم
جز زویانلردن بر قوم و یا خود بر شعبه اوله لر طایفه مرقومه عادت
مسغره سی اوزن ایران زمینه و سایر اتصالیند واقع مالکه اقل ابدوب اول
دیاری نهب و غارت ایتلریله تیمور ظهوری اثناسنده اول نواحی فتح
و تسخیر اولنوب اهالی ایران بونلردن تشکی و تطلم و فساد لرینی اعلام
ایلد کلرند تیمور خان طایفه مزبور بی دیار اخره اجلا و یوز قوناق
مسافه لرلردن تبعید ابله متعهد و ملتزم اولوب جانب شرقه ایران زمین
نهایتند قندهار اطرافند هند ابله مایند و واقع بحر ابریه لرده
اسکان ایلدی تا کم بو طر بقله زمین ایرانک جانب غربنده واقع مالک
اهالیسی مرقومونک نهب و غارت ابله معتاد لری اولان ایصال مضربلردن
راحت و اسوده حال اوله لر بعض کتب توار یخند طایفه مزبور ارمنیان
جنسندن اولق اوزن نقل و روایت اولنور وزیرا شروان اولکه سی
سابقده البانیانسمیه اولنوب اهالیسنده البانیلر دید کلری کتب
جغرافیاده مسطور و مصر حدی بویه او تجمه اغوانیلر البانیلر غلطی
اولق غالب احتمالدر و حالا شروان اتصالیند قره باغ ناحیه سنده
واقع ارمنیان مناستری قند سار سمیه اولنوب سر طر یقلر ینه اغوانیج
دیر لکه ارمنی لسانی اوزن اغوانلرک باش بوخی دیک اولور وایالت کجه
وروان و مجوان نواچیلرند و کیلان حد و دنده ساکن و صغناق تعبیر اولنور
جهالده ممکن ارامنه طایفه سی حالا بونا میله افغان ایدوب اغوانلق

دعواسن

دعواسن ایدرلر و احتمالدر که سر طر یقلری اولان قند سار باش بوخی
اسکانلری اثناسنده قندهارده ممکن اولغله قندهار لفظی دخی مرور
ایامیله قند ساردن غلط اولمش اوله زیرا قلعه مرقومه بعض کتبه
اسکندر بناسی اولق اوزن تحریر اولمشدر طوایف مرقومه اسکانلری
اثناسنده ارمنیلر ایین و مذ هبنده اولد قلری دخی محقق اولوب چون
وطن اصلیه لرلردن دور و مهجور و بالکلیه ایاب و زها بدن ممنوعه منقطع
اولد پلر اهالی هند ابله اختلاط و الفت و موانت پیدا ایدوب علی مهل
جمله سی مسلمان اولد پلر و حالا طایفه مرقومونک کندولری بشر دکلری
اتمک اوزن حاج واری بر نشان قورلر غالباً ایین ارمنیانده اولد قلری زمان
جاهلیت لرلردن قالمش بر سمدر و فی الاصل نهب و غارت ابله ابا عن جد
ما لوفلر و خلقتلری دخی یا غما و تراج هواسی اوزن مجعول اولوب
مسکنلری دخی سر حد اولغله جنک اور اولمشدر در بیان احوال جنک
اغوانیان طایفه مزبور نک جنک و قتالده معتاد لری اولان طور و طرز لری
بویه در که اولایچیلرند اعلی و ادنا ضابط نامنده وافر کسنه لری اولوب لکر
معرفتله بله مراد ایلد کلری و قتله در حال الاپلرین قوروب فی الحال صف
صفت اولورلر و بجه زماندن بر و تعلیم و تربیه اولمش عسکر مثلاً و جنکه
الای وصف اولق نظامی طریقلرینی کند و قاعده لری اوزن خوشبجه
بلورلر و بو خصوص جمله ضابطان و نفراتک معلوم و مضبوطی اولغله
سرکار ده اولنلر ینه چندان زجت دخی و یرمز لر جنکه مباشرت
ایلد کلرند صفلری ترتیب و تنظیم اولنوب جمله ضابطان عسکرک ایلر و سنده
طور لر و جمله دن اقدام ضابطلری جنکه اقدام و مباشرت ایدرلر

لسانلری اوزن ضابطلرینه نساچی و پلوان دیرلر تاه کاکار زاز جنک
قز شوب اشناد بولدقه ضابطان کیر و چکوب کیر و دن عسکره
و کیفیت جنکه نظارت ایدرلر و دشمندن یوز چوروب کیر و دوغش
کسنه اولور ایسه بلا امان قتل ایدرلر و بومقوله لک قان و قتل هدردر دیرلر
حئی اصفهان محاصره سنه ابوساباد دیککه معرف جسرک قریبده عجم
ایله اغوانک محاربه لری اولدقه بو حقیر بویله مشاهده ایلدم که
اغواندن برکسه نک جنکه صاغ الی مقطوع اولوب دشمندن کیر و
دوغش عسکرک قفا سنه طوروب نساچی تعبیر اولنان ضابطلر مر قومی
جنکدن قاچش طن ایدوب قتل ایلک مراد ایلدیلر اولدخی حالتی بیان و صاغ
قولی جنکه مقطوع اولدوغن بلد ردکه ینه ضابطلر کیر و
دوند و کنه راضی اولمیوب ای خند و نابکار صاغ قولک کیتدیسه او غور
دینه صول قولک ایله جنک ایله و اولدخی کیدرسه اغزک ایله دشمنه
صال تا که بووجه اوزن اجر جز بیلنه نابل اوله سن دیویته جنکه سور دبلر
برغرب حاللری دخی بودر که عسکر قفا سنه اولان ضابطلر جنکه
مقتول اولانلرک جسدلری چقار مغه مأمور لردر لکن یوزن
دشمندن دوندردکن عسکره مقتول اولانلری و ارایسه سائر له تبرت ایچون
اولمقوله لک جسدلرن چقارمازلر و قالدر میوب میداند بر اغوب دفن ایتزلر
غابت ایله مزراق و قلیچی ایو قوللنور لر و سریع و چاپکرا اولوب قلیچی
ویا مزراقی یه دوغشسه اندن ایتزدن فی الحال یردن الورلر کامل فارسلردن
فی الجمه توفنک اند ازلق دخی بلورلر اصفهان کلدکرنه چپلاق و عریان
ایدیلر بعد اللری نه اموال و افره کیر و ب لبا سلی نینی و الت حربلری مکمل
قلد پار

قلد پلر و جنکه کثرت مداومت طریقیه فنون حریمه ده بر قات دخی ۱۴
مهارت حاصل ایتدیلر میدان جنکری غابت ایله مدوح و معتبر و ممتاز
اوزن در زیر میمنه و میسره و میانه الا پلر و صغیر بغایم ب دشمنه جمله و
هجومه یک درون اقبال و ایدارده جمله سی یک شناس معاتوجه و معارجعت
ایدرلر و لکن بر قلعه و یابر شهر محاصره سی طریقلری نینی هنوز بلرلر و مترسرنه
اید و کندن بی خبر لدر حالا اصفهان ایالتنه صوینی ایچنده کفایت
اوزن اولان نجه بیلاد و قرا قبضه تصرفلرینه کیر مامش ایدی زیرا
کندولرینه استحکام و یروب محکم مترسلر ایله قورینور لردی اغوانیان دخی
بومقوله رده تلف نفوس و اگور میوب چندان اهتمام ایدن لردی صوینی
طشره دن قنوات ایله کلان امصار و بلاد ک صوین قطع ایدوب
یسرت ایله الوب ضبط ایدولردی طایفه مز یون عسکرکی جنک وجداله
دائر امورده حاکم و ضابطلرینه فوق الغایم نقاد و مطاعلردر بر مرتبه ده که
هیچ ملو کدن برینک عسکرکی بونلره قیاس اولماز حئی بالدفعات مشاهده
اولندیکه عسکرلری پراکنده هر فرد کند و ایشنه مشغول و سیرو پانده کور
ایکن ضابطلری طرفندن برادنا کسنه کلوب فلان یه جمع اولمق ایله
مأمور سکر دیو خبر و یردو کی برله هر فرد مشغول اولدوغی ایشی و طعام
اوزن دخی بولنسه نناولی ترک ایدوب فی الحال محل مأمورده جمع اولوب
حاضر و آماده بولنور لردی سردارلرینک امر و نهینه انقیاد و امتثالده
جمله دن اغرب حاللری بودر که قلاع و بلاد و امصار دن برین ضرب
دستلر بیله فتح ایلدکرنه اول یرلونک اها لپسی جواهر و نقود نینی علنا
باشنه قویوب کزوب یور یسه عسکر بدن و توابعدن بر فرد زنده کور

تعرضه و دست دراز لغه تصدی ابلزلر حتی زیده ذکر اولند و غی اوزن
محمد خان ایله اشرف خان جلوسلری نزاغنده اغوان عسکری اچکی شقی
او اوب شهر اصفهان اها لپسی نهب و غارت احمالندن دکانلر نی قیا یوب
و هر فرد خوف و وحشته دوشمش ایکن بو حالت اشرف خان سمعته
لاحق اولد و غی برله مناد پلرند ابدوب هر فرد بلا توقف دکانی اچوب
کما فی الاول کار و کسبه مشغول اولوب بوبله برهنکام اختلافه بر فرد مزه
مقداری ضرر و کزند ترب ایلدی اسراینی فیما بینهم بیع و شرایه چندان
رغبت ابلزلر کتاتنه کسوب خدمتله رینه استخدا ابدرلر و ازاد ایتمکی سورلر
و چوق کسنه لری قتال وقتنه تقر بیدله قتل ایتمش بولنلر بله اولاد لری نی
کندولرینه اولاد ایدنک عادتله بدرزنا و لواطه پیدلرند نادری بولنور
و بومقوله لک جز الری تربیتی فوت ایتملر اوردولری و سائر منازل لری
بی نظام و ملوسدر بر حیوان اوردولر نه مرده بولنسه لاشه بدر ایجه دخی
اولسه تحمل ایدوب تخلیه ایتملر و کندولری دخی طوار لری راستنه
یا توب فالقمعی اعتیاد ایدنشلر در طعاملری قلت اوزن اولوب و انواع
اطعمه بلیوب جزئی شی ایله قناعت ابدرلر اثنای سفر لنده صغیره کبیر لری
محمد خان و ارنجه طواده قاورلمش بغدادی اکیله اکتفا ابدر لری
بالجمله امور لنده متوکملر دن فی الاصل رعا یا مقوله سی و بریه
خلق اولملر بله کسوده و اطعمه ده هنوز تن پرورلق ایله مألوف
اولماملر در چولفه شهر نی فتح ایلد کارنده نجه لری صابونی پلنر و یاسکر
صانوب جامه لری نی کند و ولایت لری جامور بله یقاز لری نباتات بریه نک
اکثر نی با خصوص لخنه بی حیوان مثالویرلر اثناء سفر لنده بر باغر سغه

صو طولدر وب بالرینه قوشانور لروقت حاجتده استعمال ابدرلر نقل ۱۵
اولنور که چولفه فتحندن صکره اغوانک لری بر حاجت اچون برامنیکنک اوینه
واروب اولدخی اگرام مراد ابدوب هندستاندن کلش تازه قر تعید ایله
مملو بر قوانوس مربانی او کونه قویوب الیه بر عاشق و برمش اغوان تناول
ایتد که حظ ایدوب بتون مربانی ییوب کند و سنه بر ضرر ترب ابلماش
طعام پد کلر نده بر در لو تکلف لری و سینی و صفره و پیشکر غایله لری اولمیوب
هر نه یرده اولور سه اوتور وب اتی و پینری و سایر ادملر نی اتمک
اوزرینه قویوب لر و اطعمه نفیسه دن بر در لو طعام بلزلر و صودن
خیری برشی اچمز لرباسلری بر ملتک لباسنه مشابه اولمیوب غایت
عجوبه هیتمدر با خصوص قفتانلری بر در لو هب او کنده دوشربلی
فیل خور طرمی کبدر بجا قلمری چپلاق و قبازدن بول پاچالی دیزلق کیوب
اته سوار اولدقلر نده طوماق کبی ایقلر پنه بر پارچه دری چکوب بنر لری
اعلا و ادنی نک آموزنده بر رشالی اولوب کندولرین کونشدن و سلحله رین
یغموردن انکله حفظ ابدرلر بیاض ویشل و قر مزی الوان بز لری بریه
کتوروب باشلرینه صا رلر او کلر نده او جن کوستروب اکسه ده یاری
یله وارنجه طیلسان مثالو صا رلر و اکثر یا اورتیه یا شلوا اولانلری
دخی زلف تاشور لراکن عجمه غلبه دن صکره طور عجم اوزن کینوب
مندلدن غیر یسنی استعمال ابدوب دیزه وارنجه زرباق قفتانلر کید پلر
انجق بول پایا لود بزلق لری ترک ایتمد پلر و هر نه یرده اولور سه دوشمه
ارامیوب توزو طویراغه بقمیوب حلقه حلقه اوتور لرنسوانلری
نقاب ابلیوب پوز لری اچق کز لری حسنلری بک نادری اولور

اکثر یا کریمه المنظر بد چهره را اولوب نقابه دخی حاجتگیری بوق قولاً قلرینه
وند بک بالورلرینه وارنجه عجملر بار کیرلری بوینته اصد قلری کبی دورلو
دورلو بو نجه طاقنورلر باشلرینه شبوه لر اوورلر بار کیرلر قویروغن کسوب
صاچلرینه ضم والحاق ایدرلر قوشاقلرینی بالای سینه ده مه لری التونه
قوشانورلر تا که مه لری سار قوب ظاهر اوله ایقلرینه عجم پاچو جن کیرلر
چامور بولاشدیفی برله اللربنه الوب عریان ایق کیدرلر نچون بولله
ایدر سکرز دیدیکمز ده ایاق بیقانورلرکن پاچوج ملوس اولد که جدیدن
المق اقتضا ایدر دبو جواب ایدر لر دی ذکر مسالک و مسافات من شهر
اصفهان الی قلعه قندهار کرسی ممالک ایران ومقر حکومت شاهان
اولان شهر اصفهان زمین ایرانک جانب غربیسنده اقلیم عراق عجمک
وسطنده مقتضای فن جغرافیا اوزره بنمش سکرز درجه طولده واقع
اولوب کذلک قاعده مملکت قندهار اولان قلعه قندهار ایران زمینک
جانب شرقیسنده هند اتصالینده یوز درجه طولده واقع اولوب مسافت
مابین بکرمی ابکی درجه اولور که خط مستقیم اوزن کاربان بو مقدار
مسافه فی الشمس الی کونده و سوار مجرد قرق دورت کونده و اولاغیله
کیدن بکرمی ابکی کونده قطع ایدر انجق مقتضای فن اوزن استقامت
واستوای طریق شرط اولوب بو مثلاً و مسافه بعیده ده ایسه شروط
مذکور هتک وجودی حیزامکانه اولمیوب اعوجاج وانحراف طریق
وارتفاع وانحطاط جبال و وهاد زمین محقق اولغله مسالک مرقومه
واقعه مطابق ذکر و بیان اولنسه شایاندر پس فی زمانها اوردین
وصادر بک متواتر نقل وضبطنه موافق اولان بودر که اصفهانندن

قندهار

قندهار ابکی طریق وارد ریری معمور و آبادان و بری بریه و چولستان اولوب ۱۶
باد سمومدن دخی خالی دکلدن معمور اولان یولدن کار بان طقسان کونده
وارر و چپار یعنی منزل کچه بور میوب انجق کوندز یوریکله الی کونده
وارر بریه دن اولان یولدن الشمس کونده وارر لر و یاز کونده ذکر اولنان
یولدن عسکر و کار بان مرور ایدر مز قش کونلرینه مخصوص
یولدر معمور یولدن دخی کیتد کارنده نهر سجستان کنارینه وارد قلرینه
برقاج کون مکت ایدوب کرکی کبی صولنوب بووجه اوزن چولدن
قندهار کیدر لر اصفهانندن قندهار معروف و مشهور اولان طریق
بولدر در انجق عجم شاهلری قروینه و طهرانده اقامت اوزن بولند قلرینه
قندهار کوندرد کیری عسکر اکثری یا مشهد و هرات یولیه کیدوب
کیشلر در بو بولز یاده معمور و آباداندر اوصاف قندهار قلعه قندهار
روم ابلنده اولان قلعه لر ک رسم و شکلنده در علی روایه اسکندر بناسی
اولوب بعد هند پادشاهی بروقتنده قبضه تصرفنه کتوروب تجدید
ایتشدن فر آنچه معمار لر بنه بنا ایتدروب متانت و یرمشدر و سرحد هند
بولغله استحکامنه کرکی کبی همت و اهتمام اولمشدر سیب استیلای شاهان
عجمیان در قلعه قندهار وقتا که طوا ایف اعوان دست قهر تیمور خانیه
رک و وطن ابله شروان اولک هسی سمیترندن تبعید واجلا و هند بریه لر بنه
اسکان و ایطان اولند پلر بر مدت اول بریه لده ساکن اولوب مرور ایام ابله
جبال و صحرا ره یابلوب وافر عشا یرو قبایل اولد پلر و کیمی قونار و کوچر
و کیمی بلاد و قراده متمکن و هند پلر بله الفت و موانت ایدوب اهل اسلامدن
اولد پلر و هند پادشاهنک کاهر عیننده و کاه محافظه سرحد لری خدمتند

بولنوب غالباً قلعه قندهار مرو و ایامیله دخی بوبله برنقر بیله دست
رساری اولوب کندورینه استحکام و یرد پلر ایران زمیننه اقل و عجم پلر بی
کافی الاول نهب و غارندن یران خالی اولد پلر شاه عباسه کلجه بوفساد
و شقاوت علاچی بولنمیوب اغوانلرک طغیان و زمین ایرانیه مضر تلری
دفع و رفع اولنق حیز امکان اولدی بو حال اوزن ابکن شاه عباس تحت
شاهی یه جلوس ابدوب اغوان طایفه سنک زمین ایراندن دفع
مضر تلری ندبیر وند ارکنده اولدی بالدفعات مکالمه و مر اسله برله
بوصلحتک حصو لنه سعی و اهتمام ابدوب فایده و یرمدی بالاخره هند
پادشاهی ابله عجم شاهی بینده خصومت و عداوت غلبه ابدوب آتش
حرب و قتال اشتعال بولدی فرصت طفر و غلبه شاه عباس طرفنه
ال و یروب هند عسکری مغلوب اولدی بو تقر بیله قلعه قندهار بالجمله
توابع و لواحقیه و طوایف اغوانیان ابله هجرتک بیک او تو ز تار میخنده
ضرب دست شاه عباسیه فتح و تسخیر اولنوب من بعد محکوم شاهان عجم
اولد پلر چوق کچیمیوب هند پادشاهی ابله شاه عباس بینده قندهار
اولکده سی مع لواحقه عجم شاهلری ضبط و تصرفند ترک اولنق اساسی
اوزن صلح و صلاح عقد و تهید اولنوب شاه عباس قندهار قلعه سنه
استحکام و یروب طوایف عجمدن کفایت مقداری محافظه نصب و تعیین
و قبایل اغوانک نظام و انتظاملری باندن اهتمام تام و هند پادشاهی ابله
ما پلر نده منعقد مصالحه نک شروط و قیودینه مخالف وضع و حرکت
اغوانیانک من بعد مکنت و اقتداری قالماق ایچون اوزر لرینه عاقل
و مدبر اصحاب رای و ند پیرولات و حکام و محافظه نصب و تعیین ابلدی

نیمه مافی الباب مخفی اولمیه که قندهار تابع طوایف اغواندن غیر حضاری ۱۷
تعبیر اولنور برجنس اغوان دخی واردر که بو طایفه دخی نجه نجه عشایر
و قبایله منقسم قندهار اولکده سی شمالی و اتصدالنده اوز بیک یرلر بله نواحی
قندهار بیننده ممکن اولور لکن قندهار اغوانی سنی مذهب حضاری
اغوانی اسیسه ز فاضی اولوب بو طایفه اوتته دن برور فض و اعتزالده هم مذهب
عجم اوللر بله بروفته عجم شاهلری اطاعتندن روگردان اولمیوب هند
طرفلر بنده و یاغیری یه کرها و طوعا میل و اطاعت ایتمام مشلر دن تا اول وقت
کلجه که قندهار تصرفی دست اغوانیانده استقلال بولوب نوبت حکومت
اغوانیان میر خودک بد استقلالنه و دبعه قانمش اولدی میرم قوم تحت
قندهار ده قرار داده اولد و غی برله سنی اولان اغوانلره اذن و یروب حضاری
اغوانی نهب و غارتیه مشغول اولد پلر انلر دخی مقاومت قادر اولمیوب
احواللر بی پیشگاه شاهه عرض و محضر لر ابدوب تشکی و تنظیم و استناد
اپلر پلر بر نجه زمان شاهک امداد و اعانتنه متر قبلر عاقبت الامر ما یوس
ونا امید لر اولیجق میر محموده تابع و اکعسکر اولد پلر و جنکره معا کیدوب
بولند پلر بیان عصیان یورکی خان والی کورجستان و انهر امش بوندن اقدم
بیک یوزاون دورت تاریخی اثاسنده عجمه تابع کورجستان و ایسی یورکی
خان شاهک اطاعتندن روگردان و هواسنه تابع اولوب بوفساده
عزیمت و تمشیت اسبابی ندرکنده ابکن جاسوسلر شاهی ابقاط ابدوب
شاه دخی ناره فتنه نک اطفوا سکانی ندبیر بنده صرف مکنت شاهانه
و خفیه ادملر کوندروب کورجستانک بوی بکلی رینه وعد و وعید لر ابله
استمالث و بورکی خانه متابعت و طغیان و عصیانده موافقت ایلامک اوزن

ایضا واکید و شد بد ثنیه و تا کید را پلیدی لکن مزبور یورکی خان
دماغنه مضمرفسادی اجرا بلکه محکم تدارک کورمش بولنگه
اخر بوفسادی کتم و ستر ممکن اولیوب بر زمان مرورنده عصیان و مخالفی
ظاهر و اشکار اولدی شاه دخی واقف قضیه اولحق عسکر تدارک و کجه
والپسی کلب علی خانی سر عسکر نصب و تعیین ابدوب یورکی
خان تا دینه کوندردی جانبندک عسکری تلاحی ابله جک یورکی
خانک بوی بکری جنکدن متحاشی بر جانب کیدوب چکلد پلر سار عسکر
ظا یفہسی بونلری کوروب انلره دخی فتورال و یروب یورکی خان جانبی
مغلوب اولحق خان مرقوم منہز مافرا ابلدی چون بازار کارزار زمکاه
صا و ولوب بر طرف اولدی کورجستان بکری نه سر عسکر عجم کلب علی خان
جانبندن علی مراتبم نوازش خاطر و اکرام و افره اولند قده محل معار که دن
قالقوب تغلبس جانبند عزیزت ابلد پلر قلعه مرقوم ماها الپسی مدافعه یه
اقدام ایلوب کورجستان بکری توسط پلر بله فی الحال قلعه تغلبسی
کلب علی خان طرفنه تسلیم ابلد پلر آمدن یورکی خان باصفهان
واعتدار کردش در پیشگاه شاه جمجاه مرقوم یورکی خان طاغله
محضن ابدوب یا نندک عسکر فالحق افعال ناہم وارینه نادم اولدی مرقومک
قرنداشی شاه یا نندک دیوان بکی اولوب شاہک خدمتند بولنگه فی الحال
مکتوبلری بازوب اعتدار واستغفار جاسندک اولدی و کندوسی دخی غیری
سلامتہ چان بولوب در حال اصفهانہ متوجه اولدی وصول بولحق
کند و قلیجن بو پندہ اصوب شاہک دیوانہ واردی شاہک ایاغنه
دوشوب کمال ایتھال و مسکنت ایلہ تصرع و نیاز لری ایلدی شاہم جرم
وعصیانہ

۱۸ وعصیانہ مقرر و معترف و نادم و پشیمان در گاہنہ کلام دیلر سک کندو
قاجملہ بار سردن بی دور ابلہ دیلر سک کرمندن بو مجرم نمانی عفو
و ازاد ابلہ دیند کده قرنداشی دیوان بکی و سایر هوادار لری اولان مقرر بلری
دخی و الکاطمین للغیظ مضمون اعلان و عفو ابلہ معامله اولی اولدوغی
جانبی رجیح و بیان و شان و شوکت شاهان مجرملره انعام و احساندر یوللو
کفتار لری بلہ ستاہه ابرام و الحاح ایتملر بلہ خان مرقومک جرایم ماجرا سندن
شاهی بالکلیہ کچورد پلر و شاہک کرمنه هزار تحسین و افرینلر دیوب
هزار و صد هزار القیشلر چاغرسند پلر آمدن ایلی از جانب پادشاه ہند برای
استرداد قندہار کیف ما اتفق ہنوز یورکی خانک داستان احوالی افواہ
ناسدہ کفت و کو ایکن ہند پادشاهی کمال کرمیت ابلہ قندہار قلعه سنک
استر دادی سودا سنہد و شمش و بود عوا ابلہ الی تعیین ابدوب اولد دخی
ات بو یمنہد و شوب رہ براہ اولمش دیوسر حد ایران و الیلری بارکاه
ستاہه عرض و اعلام ایتملر بلہ بو پیام ملامت انجام متواتر و شاه و و چالہ
فکر و اندیشہ مورت بر معنای مو حش اولمغله ارباب مشاورہ و اصحاب محاورہ
اولان رجال و اعیان بر یردہ جمع اولوب باب مکالمہ یی کشادہ قلدیلر
و ایلیچی مرقومک حقندہ عنفیله معاملہ اولنوب جواب یاس ابلہ عودت
ایتدر لک و یا خود ایلیچی یه معتاد دولت اوزن اکرام اولنوب بر مدت
جوابی تا خیر ابلہ تدارک کوریلہ دیو و افر مناظرہ ایتد پلر اخلاصہ
ایچنک ورودندن اول بومہمہ کور بلوب ایلی یه لازم کلان
جواب دخی صورتہ افراغ اولنق لازمہ ہمت اساطین دولتدر
دیو و اتفاق ارای شاه و رجال بولنگہ قلعه قندہار کرکی کی متانت
ونداریک مہمات ایلہ کما هو حقہ استحکام و یر بلوب عجالہ محافظہ سچون

بر مدت مسافرانه مکث و اقامتدن صگره جواب قطع و پیام یا س ابله
از جاع و اعاده اولنه دیو قضایای مشر و تلری بو یوزدن نتیجه بندیر اولغله
رأی و تدبیرلری استصواب اولنوب جمله دن امضای قبول ابله ختم کلام
اولندی لکن بوامرک تنفیذ و تمسیتته بر عاقل و دلنار شید و توانا سر عسکر
نصب و تعیین اولنوب بحاله صوب مرامه ارسال و محلنه ایصال الزم
لوازم لازمه و اهم مهمه و امور عظیمه دن اولغله اتفاق یورکی خانک
وقعه سی و شهر اصفهانده صورت و سابق مذکور اوزن موجود بولنه سی
بوزمان مضایقه و وقت احتیاجه مصادفت ابلدی تدبیر کردن شاه
و رجال و فرستادن یورکی خان بالشکر کورجستان برای استحکام
قلعه قندهار و دفع مطالبه پادشاه هند پس یورکی خان اتفاق رأی شاه
و رجالیه بین الاقران و الامثال انتخاب و امتیاز اولنوب مملکت کورجستان
ینه کندی یه توجیه و منشوری نام بدنامنه یاز بلوب قندهار محافظی
نصب و تعیین اولندی و بو وضع و تدبیر فرزندان دوراندیشان عجمیانه
خیلی خوش کورینوب روی نشاط و سمیت خطوط و انبساط اظهار ابدوب
دبیلر که اولا یورکی خان تقریبیه کورجستان عسکری قندهان
چکلوب کیتد کله کورجستان عسکر دن خالی او ایچق اول طرفلردن
مأمون الغابله او اور زانیابورکی خان شاهمزرک ازاد کرده و عفو و عنایت
دیده بنده سی اولغله مأمولدر که ما جرای من بعد فراموش ابلیموب
خدمات دولته و او غور شاهیده باش و جائیه خدمت و صدق و خلوص
برله بذل مکنت ابدوب من بعد عصیان و طغیان فکر بنی دخی ابلیه الثابو بله
بررار و نامد از خائیه و مکمل و جنگ جوی عسکر بهادر ابله قندهار

محافظه

محافظه سنه استحکام و یرد بکمز حالت هند پادشاهنک مجموع و معلومی ۱۹
اولیحق احتمالدر که دعوان فراغت و قلعه قندهار استرداد ی بابتده
چندان افراط ابرام و الحاح اوزن اولیه فعلی هذا یورکی خان مهمات
ولوازم کوروب یرینه فرنداشی او غلی خسرو خانی کورجستانه قائم
مقام تعیین و کورجستان عسکر نی الوب قندهان چقوب کیتدی
وصول بولد قلعه قندهان متانت و استحکام و یردی طوایف اغوانی
ضبط و ربطنه الوب نظام و انتظام و یردی اطرافه هجوم واقیندن
و بالجمله همجوان ایصال مضر نندن دست تعرضلرین کوتاه ابدوب حکم
و ضبط اکید و شدید ابله جمله سن مضبوط و محکوم قلدی بو وجه ابله
عجم شاهنه صدق و خلوص برله خدمات مبرون وجوده کتوردی
و اتفاقا بویا آمده میراویس دخی افوان طایفه لری اوزن کلدار یعنی محصل
الاموال نصب و تعیین اولنمش بولندی بیان احوال میراویس میرمر قوم
طوایف اغوان پینلرنده غایت ایله معتبر عزیز و مکرم منول عنقا کسنه
اولوب بالجمله اغوانیک میرمر قومه کمال انقیاد و اطاعت و توجهلری
اولد و غندن کنند و یه بر مقدار غروردخ عارض اولمش ایدی هند
اهالیسی ابله علاقه ابدینوب کند و مالی ابله بر قاج بلوک کاربان هند
تاجر لریله معا تجارت و هنده کیدوب کلور لری ایدی و الی قندهار یورکی
خان واقف احوال اولیحق میرمر قومک بو کونه طور و طرز ابله تعظمنی
حضم ابد میوب نذلیل و تحقیری ندبیر بنه بلکه اموال کثیره یه طمع ابله
زوالی قیدنه دوشدی حضورینه کتوردوب اکرام و استمالت و نوازش
بخاطر مر اسمنه کاپنبنی رعایت ابله خاطرین الالوب اینانوردی

و بر همه ایراد بدوب عاقل و مدیر اولد و عاقل رویت و تشیی ایچون
سنی اصفهان کوندر منک مراد مندر دیوب حصوله کلب و کی تقدیرده
تجه بجه و عدل ایلدی آمدن میراویس باصفهان و احوال سائرش باشاه
و رجال میرمرقوم خانک سوز بنه راضی اولوب اصفهان روانه اولدی و و راه
اولدخی برله والی مرقوم مکتوبلری یازوب دولت شاهیه خلاف عرض
ایلدی و حامل مکاتب میراویس بود یارک ذی قدر تکرند ندر مجرد دیارده
وجودی باعث فتنه درو عصیان و طغیان دماغنه مضر درو وصولند
اخذ و ضبط اولوب بردخی بودیان کله سنه جواز ویرلیه دیوتا کید ایله
تحریر در عقب چپار ایله طریق اخردن شاه جانینه ارساله شتاب ایلدی
میرمرقوم اصفهان داخل اولدوخی برله کوز حسنه قودیلر نینه اوغرادوغن
بلوب مغموم و متکدر اولدی برجه ایام بو حال اوزنه فکر و اندیشه ده
اولدی عاقبت شاه جمجاه دولتی مختل و مسوش اولوب ایکی فرقه
متضاده یه منقسمه و بری برلینک علیهنده اولدقلرینه واقف اولیجق
بر مقدار متسلی اولدی سلامت ایله رها طریقلرینه تشبث ایدوب
بطر بقبله اعتماد الدوله و دیوان بکی و سائر سرکارده اولان رجال دولت
ایلله کورشمکه و بیساقیلر معیتله شهرک مسیره برلرینی کزوب سیر
و تماشایه اذن الدی در حال اعتماد الدوله یه واروب خاکپایته یوز سوردی
کرانبها کشمیری شالارهن و ذی قیمت هند تقارقلرندن هدیه بهیه لر
احضار و اهد ایلدی اعتماد الدوله نیک طرف فکر لر ی ایله دخی فراد او فرادا
کوریشوب هر زیننه علی حد هم هدایا عرض ایلدی ایرته سی کون
شاهک دیوان بکنه واریدی اکادخی کون کون هدیه عرض ایدوب
انک و

۲۰ وانک طرف فکر لر بله دخی کوریشوب هدایا ویردی بر قاج کون
مرورنده قندهار و البسی یورکی خانک قندهاشی اولوب شاهک دیوان بکی
اولانک عظیم جمعیتی اولدوغن خبر اولوب علی طریق الزیاره حضورینه
واردی اکر امور عابت ایدوب یاننده الیقودی مجلس صحبت تمام اولیجق
قندهاشی یورکی خانک وضع و حرکتن سوال ایلدی میرمرقوم دخی
حکیمانه طور ایله باب مداهنه یی فتح ایدوب مدارا طریقیله یورکی
خانک مدح تناسنه مبالغه ایلدی یورکی خان عاقل و مدبر صاحب رأی
رزین رعایا پرور جسور و دلاور شاه جمجاهک صادق بنده سی اصل
و اصیل بر مرد کامل در و بو ائاده قندهان والی نصب اولندوغنی محضی
اصابت در هندی یاد شاهی دخی واقف احوال اولیجق دعوی قندهار دن
قاوغ اولمه سی شاهد عادل درو بر قاج ایام سعی و همتی ایله اول دیار فوق
المال مول معور و ابادان اولق امر مقرر در دین کون دیوان بکی صبره
تحمل ایدوب حاضر بالمجلس اولانلر خطاب بولو کلامه اغاز ایدوب
دین بیکه بنم قندهاشم احمق اولمشدر بو کونه مدح و تناسنه او بوب هزار
و صد هزار تومن دینارک صرفیله تحصیل ممکن اولمیان صادق دوستی
ادراک ایلدوب میوب خلافی عرض ایلک نه حماقتدر و ایرته سی کون
قندهاشنه مکتوبلری یازوب واقع حالی بلدردی شاهک سرانی سنک
مدح و ثنا کله ملو قلوب غیرتک ایله خاکپای اولان بر محب صاقینی بچون
شاهه خلاف انها عرض ایلدک دیو وافر تعزیر و سرزنش لر ایلدی میر
مرقوم بر اکی کون حلو لنده اعتماد الدوله طرف فکر لر بله مجلس ار اولدقلرینی
خبر اولوب علی سبیل الزیانه اول ارایه عازم اولدی البتهال و تواضع برله

جمله دست و دامن بوسی و عاقلانه تذل اظهار ابدوب قارشورند
قایم اولدی بر مقدار آمدن صکره اعتماد الدوله کلامه آغاز ابدوب دیدی که
یکن کونکرده طرفه کلد بکرده مشغله کثیره مزدن ناشی قند هار و الپسی
یورکی خانک کیفیت احوال سو ال ایلیکی فراموش ابدوب و اقسا ولد و غک
مرتب اول طرفلک حالن بزه افاده ابله دید که چون میرم قومر جال عجمک
شفاق اوزن اولدوغن تحقیقا بلش ابدی جمله سی ایکی فرقه متضاده
اولوب د ایاری برلرینک علیهنه نفاق و غرض و بغض و عداوت اوزن
اولد قلرینی بالمشاهده و بالمعاينه کورب احوال نا هم وارلرینه کرکی کی علم
و اطلاع حاصل ابلش ابدی اسلوب حکیمانه اوزره حرکت و جوابه جبارنده
لمصاحه بر مقدار تردد اوزن اولدی اعتماد الدوله ارام ابدی عجمک شفاق لرینه
موافق احضار قلدی یعنی جواب مذمتده قصور قوم یوب یورکی خانک
سوء حالن تمام شرح و بیان فرست یاب اولدی سوزلری مسهوع ابدوب کن
فهم و ادراک ابدوب حصنندن اخذ و انتقامده سعی و کوشش ابلدی
انجامنده یورکی خان بر قاج سنه بوندن بوبله قند هار و الپسی اولورسه
اول دیارده فساد عظیم ظهور اید جکی امر محققد رکندوسی سحر و شام
مست مدام عسکرینک ضبط و ربطی التمه اولیوب هر فرد هوا سنه
تابع رعایا بر ایا نیک عرضنه و مالنه و اهل عیالنه دست دراز قلری حدن
مجاوز اولد لرینی گاه غصب و گاه سرقه و بلوک بلوک کورجستانه کوروروب
عادتلری اوزن فروخت ابدوب ککندوسی دخی عسکر و خزینه جمعی
سودا سیله عسکره بوزو یروب غالباً کورجستانده اجر ابدوب کی عصیان
و طغیان فسادینی بوانشاده فرصت بولوب فعله کتورمک طمعنده دو

بوجه عسکر کثیره و خزینه و افره جمعده سعی و کوششی عن قریب ۲۱
هند پادشاهیه انفاق و اتحاد عزیمتده و با خود غیره برفساد عظیمه
جسارتنده دلیل و اصحدر شاه دار احشمتک موردیده کار از موده اباعن
جد مجرب الاطوار خان زاده خانلری هم دین وهم مذهب معتمدلری
وار ایکن بر کافر و جاهل و نادان بی ایمان والی نصب اولنوب اهل اسلامه
تسلیط و اول سد سد پد سرحد شاهی امرینی بویله بر عجمک با جنسه
توفیض محضی سوء نیت بیرو طوز و طرر عقلدن دورو بعید بر امرندامت
انجام ابدوب کی لظهر من الشمس و ایمن من الامسدر دید که چون دیوان
یکی فرقه سی اعتماد الدوله فرقه سنک خلافنده ابدی میرم قومک
بو کونه بسط کلامندن اعتماد الدوله و طرفلر لری فوق الغایه ممنون
و مخطوط اولیحق فرقه مخالفه واقف احوال اولدوغی تقدیرده میرم قومی
مضرتندن صیانت ملاحظه سیله اعتماد الدوله پند و نصیحت بوللو
کلامیله عرض حال تسوید ابدوب حجه کتیکه شاهدن اذن طلب ابله دیو
میراویسه خطاب و سلامت طرفقنه تشبیه رمز و ایما ابلدی میراویس
بو کونه اسلوب حکیمانه اوزن حرکت و شقین فریقینی دل خواهر لرینه
موافق مدار ایوللر بنه سعی وسلو کیله طرفقنه میل ایتدردوب ایکی فرقه
اربابی دخی میرم قومک صلاح حالنه و زهد و تقوا سنه و شاه دار
احتشامک خالص و فخلص بنده سی اولدوغنه حضور شاهیده شهادت
و حقنده شفاعت و یورکی خان میرم قومک حقنده یازدو کی احوال مجرد
نفسانیت و اغراض فاسده و افکار باطله دن ناشیدردیو تفصیل و بیان
ابدوب کلرنده شاه جمجاه اعتماد و میرم قومک بلجه جرایمندن

چگونگی حقیقت عفو تمام ابله معامله و معرفت کتبر بغلرینه مطابق بند کاز
خیر اندیشاندن عدو شمار ابلدی بوخبر مسرت مالدن میراویس
خبیر و آگاه ایچق گاه شاد و مسرور و گاه فریفتد شقاق و نفاقندن
بر اثر موخس ظهور ابدرا حتمالیه غم و دردن خالی اولدی عرض حال دادن
میراویس در پیشگاه شاه برای رفتن حج شریف میرمقوم دور بین
و عاقبت اندیش اولدوقنه بنه ثبور طونده دو کولک کرک مفهومی
اوزن بر قاج ایام مرورنده مفصل عرض حال یازوب حج شریفه اذن طلب
ابلدی مفهومی بر قوللرینک مقصودی بالجمله غوابل دنیایی ترک
ابله من بعد بقیه عمر عزیزی مقدرم مرتبه سی صلاح و تقوی به سی
وسلو کیده لیل و نهار دعای دوام دولت شاهی یی ورد زبان ابدنوب
بر قاج سنه اول مقامات متبرکه ده مسکنت اوزن مکث و اقامت و قاضی
الحاجات در گاه ذوالحلاله توجه برله عبودیتند عاجزانه صرف مقدر
مقصود اولوب بعد زمان بنه عودت و شاه جمجاه مر و نلو افندیک
هنایت مالا غایه لری عبد حقیر لری حقیقت مبذول بیور بلور ایسه
عزم اخر اولدقچه خطه اصفهانده مقیم و اهل عیالم بند لرنی دخی بود پار
جلیه به کتور دوب اذن و رخصت شاهانه لری در کار بیور بلور
ایسه قبیله می دخی شهر اصفهان فر بنده فرمان بیور لدخی محله اسکان
و ایطان ایلمک مطلوب بدردیوب مفهوم عرض حال شاه جمجاهک معلومی
اولیچق میرمقومک حج شریفه عزیمتند اذن و رخصت ارزانی و بر فرد
مانع و مزاحم اولیه دیو محکم تنبیه ابلدی بنابرین میرمقوم ندادکن
کوروب بالجمله خدم و حشبه در حال اصفهانده چقوب حج شریفه

۲۳ عازم و متوجه اولدی مکه مکرمه یی واروب علما و صلحا و اشراف ناس
ابله کوریشوب انلره دخی علی حد هم عجم دیاری تفار بقلرندن هدایا
پندل ابلدی ادای فریضه حجدن صکره مدینه منوره کلدی مقامات
متبرکه کی زیارتندن صکره انده دخی علما و صلحا ابله کوریشوب هدیه لر
و یروب اشغالک پید ابلدی بعد الا یام بنه مکه مکرمه یی کیدوب انده
بر مدت مقیم و مجاور اولدی علما مجلسنه مداومت ابدوب فضل و کمال
اظهار ابلدی علم مباحثه لری اولان محله ملازمت ابدوب مکه مکرمه
فضلا سی کند و یی میل و محبت ابلدی استفتا کردن میراویس از علماء حجاز
بعد زمان فضلا ی مدققین ابله کند و سنه مخصوص اولوب در و نده
مکتوم و مضمیر اولان احوالی کشف ابدوب اعفاد و اطمنان تحصیل
ابلدو کی کسینه لری خفیه مذاکره و مکالمه یی مباشر اولوب و انلردن
نچه نچه امور نده استفتا مراد ابدوب کند و مطلوبی بوسیاقند تسوید
ابدوب عرض ابلدی بز مملکت ایرانک نهایت شرف سنده بمالک هدایا صلانه
اهل اسلامدن سنی سنوی برالای عشائر و قبایل منقسم خلق از بر نچه
مدت روافضه دن عجم شاه لری اوزر لر یزه غلبه ابدوب زبردست قهر
و تخت تسلط لرنده عاجز و در مانده محکوم لری اولمشردر حالا تحت
رعیت لرنده اولد و غمظا بقیه عجم پی حد و پی حساب و انواع تعدیلرندن
غیری یوز یوزه و کوز یوزه قار شوجهار یار کوز بنک بعضی لرینه شتم
و دشنامی اشکار ابدر لر و حالا اوزر یزه حاکم و والی اولق اوزن بر جاهلی
و نادان کافر بی ایمان کورجی خانی کورجی عسکر بله محافظه نامیده
تعیین ابدوب خلاف شرع مبین نچه نچه اموری زنگاه کرده و جبر و عر ضه

واهل و عيال مره تعرض و دست درازلق و اولاد چیزی گاه غصبت و کا
سرقه طریقیه الوب کورجستانه کوندروب فروخت ایدر لر و نسوان چیزی
رفاضی و کورجی کافر لری جبر او قهر اتزو بیچ ایدر لر بزعا جزله غیرت دینیه
ال و یروب بونلره قلیچ چکسک سرعاجا اثر میدرو و یوامرک تمشینی حرب
و قتاله موودی اولد قده و آنلر غازی مقتولمز شهید اولور می و عون جنات
حق ابله باد ظفر و غلبه طرفره و زان اولد قده و وافضک اموالی حلال
و غنیمت اولور می و انلری سبی و استرقاق یا خود مملکتی جوار و اتصالمزده
اولوب اسلام اوزن اولان هند پاشاهنه تسلیم ایلسک شرعا رخصت
و و امیدر بزه بیان بیورک دیو رجا ایلد که جواز بنه دائر متعدد فتوای
ویرد بلر و با جمله فضیله مدینه و مکه جواز بنه مشعر تصدیق و اضلال
ایتدی لر میر مرقوم دروننده مکتوم و مضمیر نیت و عزیمت امر بی و تنفیذ
و تمشینی بوجه مشروح اساس شرع اوزن مبنی قلد قده مدت مجاورت
نهایت اوروب جانب اصفهان و براه اولدی ننه مافی الباب عجم شاهلرنده
نوبت حکومت ایران بیورک شاه عباسه کانبه طو اطف عجم فریضه
حی ادا یه مداومت ایدوب سنه بسنه انلردن جم کثیر حجه متوجه
اولوب اهالی مکه و مدینه انلردن منافع و افره ابله منتفع اولور لر مش شاه
عباس بو حکمی تغییره سعی ایدوب بالاده اشارت اولند و غی اوزن امواله
ناس مملکتند قالمق فکر ابله اماملرک مقابر فی یار نیله اکتفا اولنق ند بیرین
اپاش و عواخنا سدن مچهلری بونی اعتقاد ایدنخس ایدی اول اجلدن
عجم طا بغه سی خراسان اولکه سنده مشهد امام رضایه و بغداد اولکه سی
اول ائناده قبضه تصرفلرنده بولنغله جوارنده واقع مشهد امام علییه

۲۳
و مشهد امام حسینیه متوجه اولد بلر و مقامات مذکور بی زیارت
ایدن زوار کر بلائی نسیمه اولنوب حالا بو قدر ابله حجه وار مدن عوام
ناسدن مچهلری اکتفا ایدر لر لکن بو فریضه بی بالکلیه اسقاط ممکن
اولیوب ینه بعضیلری فرصت و امکان بولد قچه حجه وار مقدمه بذل مال
ایدوب سعی و کوشش ایدر لر و بو خصوص عجم شاهلر ابله اهالی مکه
و مدینه می ائند سبب برودت عظیمه او باشدر عودت کردن میراویس
در اصفهان از طریق خج میر مرقوم ادای فریضه خج نصکره عودت
ایدوب شهر اصفهان وصول بولد قده رجال عجم ابله کور بشوب مکه
مکره جانیندن احضار ایلد و کی عود و عنبر مثله و هدایای کورنیه
بخششی ابله مچهلرک درون صید و جذب ایلد رک احباب کثیره پیدا
ایلدی و رجال دولت بیننده معتبر اولوب مظهر الطفات اولدی حسن
حالی و عاقلانه و ادبانه وضع حرکتی و خلوص و صداقت الود بر مرد کامل
اید و کنی شاهه قول قول عرض ایلد کارنده شاه دخی میر مرقومه محبت
ایدوب بعضی اموردت مشورتلر بنه ادخال ایدر لر دیو تنبیه ایلدی
امدن پیام الی از جانب چار مسعودر اصفهان و مشورت رجال دو
احوالش کیف ما اتفق اول ائناده مسعود چاری طرفندن بر الی
انتخاب و تعیین اولنوب حدوده کش و شاه جمجاهه کلمک ایچون
اذن طلب ایدر دیو سرحد و ایلری جانیندن عرض و اعلام اولنمش
رجال عجم بو خبری کتورن کسنه بی احضار ایدوب اول الی نه منند
اچیدر اسمی نه در ونه جنسدر دیو سوال ایلد کورنده اسمی

اسرائیل هر بدر جنس ارمنیدر مولدی قپان نام مخلدر دیو جواب
ویرد کده ارمی الاصل اولدوغن اشتد کارنده مختل الدماغ اولد بلر اصلنده
قیانلی اولوب بزم رعایا مزایکن مسقو چارینه برطر بقله انتساب سببیه
شمی اچیلک پاره شاهمزک حضورنده رسم اچیان اوزن او تور بزدخی رجال
دولت رعایا مز مقوله سی ارمی کافرینه التیام واکرام قیدند اولمق بروجه
معقول و مناسب اولیوب بونک کلمسنه رخصت و برلسون مسقو چاری
کندی جنسندن برغیری اچلی کوندرسون دیو مشاون لرینه نتیجه
ویرد کارندن صکره اول وقتده شهر صفهانده فرانجه پادشاهی طرفندن
اقامت اوزن بولنان موسی پیشل نام اچلی به دخی خیر کوندروب سوال
ایلد بلرکه مسقو طرفندن بر اچلی خبری کلوب ادینه اسرائیل دیر لر مش
اول شخص نمنند کسنه درنه جنسدر و مسقو چارینه انتسابی نه
تقر بیدیه در معلومکز ایسه بر قائمه یازوب لر فرزه دوستانه فاده اینک دیو
التماس ابتدا بلر اول دخی جوابنده کلان اچیلک اصلی ارمنیدر تجار مقوله
سندن اولوب فرنگستانه دوشمش فرانجه عسکری ار اسنده بر مدت قهوه
جیلک ایدوب بعد جنگچی یازمش وافر سفر کرده موجود بولمغله
کند سنه و برضا بطلک و برلمش بعد نمچه یه کیدوب لسان ایدی تقر بیدیه
ایو پولدش نام قوجه قرالک بعضی خدمتند بولمش اندن دخی مسقوه
کیدوب زاق قلعه سنده کند مه بیک باشی ضابطلغی و برلمش بو تقر بیدیه
وطن اصلیه سنه قریت حاصل ایدوب صلدر جم ارزو سنه دوشمش
ونمچه چاساری طرفندن مسقو چارینه شفاعت ایدردوب التماسیله
اچلی تعیین اولمش بر اصل زاده کسنه اولیوب رعایا ز مقوله سی اولمغله
اپاچلک

۲۴۸ اچیلک عنوانیه شاه جضوزینه واروب او تور مغه شایان ارباب اگر آمدن
اولیوب سفلی جنس دنی الاصل بر ارمنیدر چون اول زمانده فرانجه لوابله
نمچه لو بپنندن قتال وجدال در کار ایدی اچلی مر قوم ایسه نمچه چاساری
شفاعتیه اچیلک پایه سنی اکتساب ایش ایدی اول اجلدن مقتضای
وظایف اچیان اوزن فرانجه اچلسنه دخی اسرائیل مر قومک حقنده اول
وقتده عداوت اوزن معامله حسب حال اولمش ایدی غریبه قره باغ
اولکه سنده متوطن ارمنیان سر طریقاری خلقه خبر و یروب کاملارندن
استخراج اولمش و کتابلرنده یازمش اولمق اوزن بوسنده زده زمین پرانده
ارمنیلر جنسنندن بر پادشاه ظهور ایدرو بو پراره غالب اولوب تحت
حکومتنه ادخال ایدرو ارمنیان دولتی قدیمده اولدوغی اوزن وضع
اولنه عودت ایدردیو میان ارمنیانده کفت و کوا اولوب چهلری اعتقاد
وانتظارند اولمش بر معنای غریب اولمغله شاه دولتند دخی اخبار اولمش ایدی
اچلی مر قوم مسقو جانندن بحر حزر ابله شر وان اولکه سنده ساحل بحر ده
واقع نیاز اباد نام محله کلوب اندن شهر شماخی به کابجه اول طرف ارمنیلرندن
مانته او چیوز ادم یاز بلوب عظیم حشمت و وفار اوزن شماخی شهر پنه بش
پوز نفر ادم ابله واصل اولدوغی متواتر اولمش ایدی و اچلی دخی حیله کار اولوب
جلب منفعتی ایچون تنهاده بولدوغی ارمنیلره بن ارمنیلر پادشاهلری
نسلندتم دیو خبر و یروب بپنلرنده بومدعا عظیم شیوع بولمش ایدی
کتابلر یزده یاز بلان چقدی ظهور ایددی بوزره پادشاه اوله جقدر
ولایت دعواسنه گلش در غیرت و حجت بزمدر دیو رعایا بر یا غیرته
دوشمش ایدی فرانجه اچلسی واقف احوال اولمق شاه دولتند خیر

گویند در بیکه بو خصوص از میان عالمینك استخراجی اولق اوزن
کتابلرنده یازلدیغی نقد یرده اسرایل اوری افضنك حروفی قلب مکان اولسه
السراروی اولوب لسان سر یانده پادشاه دیک اولور بو کونه ظنیات
ووهیبات عبت ابد وکنه ساده دل اولان عوام انتقال ابد میوب و مدعی
حمله کار بو کونه صنایع ابله مدعاسنه رواج و یرمک قیدنده اولور سه
بوندن یرفساد عظیم ظهور ایتمک غالب احتمالدر وقتیه دفع ندارکی
کورمک مہمدر دبد کده واقع حال شاهه عرض اولیحق فکر واندیشه یه
واردی ودر حال اعتماد الدوله یی چاغردوب اچی مرقومک کلمه سی می
مناسب یو خسه کیر و عودت ایتدیرلمه سی می مناسب ارباب مشاوع
مشورت ابدوب بران اول بونک قیدی کولسون دیو تنبیه ابلدی
ندبیر میراویس در احوال اچی مسقوینا برین بالجمله اعیان ورجال دولت
یرره کلوب چوق محاور ابلد بلر عاقبت بو عقده مشکل بندک حل
دستوار الحصول اولغله میراویسی دخی دعوت ابدوب مشورتلرینه
ادخال ایتدبلر چون باب محاور فتح اولوب دارمکلمه کشاده اولدی
هر فرد عقلی وادراکی مرتبه ده سوزسو بلکه ما ذون اولوب کیمی اچی
مرقومک کلمه سن و کیمی کیر و کلمه سن مناسب کوروب اهورن الشرین
تر جیح اولند یغندن چوق قیل وقال اولدی انجامنده میراویسه خطاب
اولنوب سزدخی شاه جهجاهک صداقت پرور بندہ سی امور دبدہ و کار
ازموده عالم وفاضل خیر اندیشی اولدیغکزده بر فردک ریب واشتباهی
قالمیوب لایقدرکه سزدخی بو بابدہ ذاتنکزده جمیلی خلوص وطویت
و عقده حل اموردہ استقامت طبعکزمقتضاسنجه صواب دبدکز اولان

جهتی عیان و بوقضیه ده عند بکزده مرجع اولان شکلی تصویر و بیان
ابده سزدبد کارند میراویس هضمالنفسه عتدار واحتقار طریقاری
مراسمی تمامادا ونکمیل وکستاخانه وضع وحرکتک غایت محاشی
واجتناب اوزن اولدوغی صورت وسمای اظہارند نصبرکینه جمله نک
ایرام والحاکی مشتداولیحق منازع فیہاماده پیدار بو کونه تقریرہ مباشر
اولدی بوداعی دولتکزک رأی ناجیزو عقل کم اندیشه کون اچی
مرقومک بوجانبه کلمه سی مرجع ووجه کورینور زیرا بو ارایه
کلدکد الیکزده بولولوخش اولور برفته یقاطنه فرصت بولمازہ مباشرت
سوداسند اولدوغی فهم اولنسه علاجی بولنوب یا حبس اولنور ویا
مسموما اهلاکی اسبابنه تشبث اولنور لکن اذن و یرلمیوب بو شهره
کلدوکی صورتنه مسقوچار بنه کیر و عودت ایتدیرلمه سی اقتضا
ابلدوکی تقدیرجه مسقوچار ایچسی قبول اولنوب کیره کوندرلدوکنه
لا محاله عاره حجاب ابدوب کورجنسه کر کدر بونار عار ابله غرتہ دوشوب
یر بیوک نار غوغا علوی اشتعال بولوب فساد عظیم باعث وبادی بر
معنا اولسه کر کدر یا خصوص که یورکی خانک بوندن اقدام خیانت ابله
فرار ابدن سانه زرمی خان نام قرنداشی مسقوده ابلن بو فرصت لنه
کیروب مسقو قرانی اغوا و ترغیب وعلیمکزه تحریرکده دقیقه فوت
ایمیوب وساططیلہ دولتکزدن اخذ انتقام سوداسند اولسه کر کدر
مشهور و معلومکزدرکه سابقه مسقولو طرفندن کلمش اولق اوزن
شروانده برستی صاحب فساد ظهور ابلدکده دفع ورفعی عابله سی
دولتکزی اتعاب ابدوب نه مرتبه ده خزینہ کثیر کز و عسکر وافرہ کز

انلافنه باعث اولمشدر شمدي ايسه مسقو چاري غيرت جاهيله سي
مقتضبا سجه بنفسيه حرک و اوزمه بکزه کلمه مسارعت ايدرسه دفعي
مشکل برداهيمه واهيه اولور غالب احتمال دخي بودر که اچلي مرقومي
کيرودوندر مک مراد ايدن سکن سوز بکزه ايله عامل اوليوب درونده مضمير
واکن علاماتي ظاهر فتنه بي شروان اولکيه سنه فعله کتور مکه متصدي
اوله حال بوکه با جمله مملکتک زکرا عياسی ارمنييلر و مقول کسنه لر اولوب
ادنا بهانه ايله تبعيت ايدوب خزينه دخي و يررر نتیجه کار العياذ بالله تعالی
سفلک دمايي حدی متضمن قتال وجدال مشتبه و ممتد مؤدی اولور
کورجستان خلقي هم اپين وهم مذهب ارمنيان اولملر ايله موافقت
ايدوب انلر دخي بای وجه کان مسقوي تحريك و طرفلر يينه جذب و جلب
ايدوب الكفر ملة واحدة مضموني اوزن نجه يوز بيك عنده و مرده دن مرکب
کروه باطله اوله جقلر ني فکر و ملاحظه بيورک با وجود قندهار و البسي
يورکي خان ايله دخي مخاربه طر بقني الدن قوم يوب و اول دخي سابقه اجراه
قادر اوليد و غرغی ض فاسدی تشبته فرصت ياب و تحصيل ابلدوکی
خزاین کثيره بذليه قندهار اطرافنده واقع ملل مختلفه دن جمعنه قادر
اولدو غي عسکر ايله حرکت و هندی پادشاهني دخي مملکت و يرمک و عديله
تحريك و نجه امور دن استمداد ايله و احتمالدر که طوايف اغواني دخي
برتقريله طرفنه جذب ايدوب کند و سنه عسکر ايدنه زير ابن قولکز
طوايف مزبوننک کلداری اباکن صغير و کبيری سوز مدن خارج
ناهموار ايشه وضع و حرکت ايمد کلر ني کوروب و عين اليقين بلوب
بنی خلاف انها ايله اول ديار دن طرد و تبعيد ايدوکی مجرد بوکونه بت

فاسدينه

فاسدينه تشبث و يرمک ايجوندر و حالا العياذ بالله قضيه مخزون روعا
اولسه دخي بن قولکز اغوانلر ايجنده اولدوچه برادر او فساده متصدي
اوليوب اطاعت شاه جمجاهده با جمله ثابت قدم و راسخ الدم او جقلرينه
متکفل و بيکام موافقت ايله تکميل ناموس دولت شاهيه بذل مقدر ايله
جکلرينه ضامن و متعهد هم ان سز وقت حاجتده بروطر فلرک ندرکني
کورک الاخلاصه دفع مخذورات ايجون اچلي مرقومي بران اول طرفکره
کتور مکه بذل همتکز مناسبدر و الاينه سز اعلم سز دبد کده مير مرقومک
کلامين جمله تحسین و عاقل و مدبر دور بين و عاقبت انديش خیر
خواهي دولت بر مرد کامل اولدو غنه مداد انصافله نتیجه نسلمی چکوب
انگشت افرين ايله حجتين مهور و امضا قلد بلر و ميرک تقرر ين قلمه لوب
نقير و قطمير شاهه عرض ابلد بلر حضور شاهيه م قبول و پسند ايله
اولوب نوازش خاطر يته اهتمام قلم بلر و خاعتلر کيدروب اغوانيان
اوزن کافي الا اول بيک رکدار نصب و تعيين ايدوب مسارعت اوزن قندهار
گوندر دبلر و اچينک کلسنه دخي قرار و ير بلوب در عقب احضاری
ايجون ادملر تعيين اولنوب اتناي زاهد لوازمی کورنک اوزن ر قلد ياز دبلر
عزيت کردن مير اويس از شهر اصفهان بجانب قندهار چون مير
مرقومک حصول مافی الضمير يته بو مقدر خونيه وجود يذير اولدی
قندهار و البسي کند و سيلاه حسن زند کانه مير عابت ايلک يابنده ا کيد
و شديد ثنيه کاغذ لری و يرلدی امثال پيننده امتياز و کافي الا اول اغوانيانه
بيک تعيين اولنوب کند يه التفات و اگر امير سپارش اولندی و اعتماد الدوله
سزانه تربيه و مکتومانه توصيه لر ايدوب دولت شاهيه خوف اولان

اختلال نمونه دار اولی تقریبیله قندهار و پسندن سوخت فهم و حسن
اول نور سه فرصت یاب اولد قده بلا تا خیر قتل و دولته عرض و افاده یه
توقف ایله دیونیمیه ایلدی و بدینه بومعنائی متضمن مهور و مضمی سند
دخی و یردی ساهک دیوان بکی دخی قندهاری مرقوم یورکی خان مکتوبلر
یا زوب میر مرقوم دولتک مجرب الاطوار خیر خواهی و ساهک نظر کرده سی
اولدوغن شرح و بیان و خانک دخی محب صادق و هر حاله ثنا کاری
اولدوغن تفصیل و عیان ایدوب تطیب خاطر میر ایله تقید و اهتمام باینه
کرمیت اوزن اولدخی سپار شلر ایلدی و حصول میراویس بقندهار
وندبیر کزن رای قتل یورکی خان والی قندهار میراویس دخی من بعد
توقیفی جائز کور میوب رسم و داعی یرینه کتوروب وطن اصلیه سی اولان
جانب قندهار متوجه و عازم راه اولدی گاه شاد و مسرور طی مراحل
گاه فکر انجام کار بله قطع منازل ایدرک وقتا که صوب مقصودینه وصوله
قریب اولدی لایلر قور بلوب عزت و اکرام بله قلعه قندهار داخل ایدی
والی و اغوان اکر امنده اهتمام ایدوب بوجه مسافرت بر قاج کون زیارت
و تبریک قدومه رعایت قلدیلر بعد خان طرفندن اذن و یر بلوب
چفتلکنه و ار نجه تشبیه قلدیلر چفتلکنه مکت و آرام ایدوب شنایان
و بیکانیه ان دخی تبریک قدوم و تبریر رخ ایله زیارتنه مداومت ایتدیلر بعد
الایام عشائر و قبایلدن وجوه ناس و اصدقا قدیمه ایله حرمانه صحبت
و کشف باب نیت قلوب عمده مرامه موصل طریق تحصیلنده کمال تحری
قلدیلر طوا برف بلا و جک دخی سر قبیلله لری داخل مجالس اولوب محرم
اسرار اولدیلر انفاقلرنده ثابت الاقدام و تشبته جان و باشر ایله اقدام

تعهد ایله

تعهد ایله جهانه معاهده ال اوروب معاهده لینه استحکام و یردیلر اعتماد
الدوله نیک یورکی خان حقنده و یردوی سندی از یر ایدوب من عند الله
کندولر پنه نعت و بو فرصتی غنیمت عد ایلدیلر قزلباش و روافض
و کور جیانک ظلم و جور بنی ذکر و یاد و اهل عیال لرینه تعدالینی و نجه نجه
افعال و اقوال شنیعه لرینی ایراد و تعداد ایدوب غیرت اسلامی در خاطر
ایتدیلر با جمله امورده میراویسک رای و تدبیرینه متابعی بر قات دخی
در عهد و ایمانیه التزام ایتدیلر وقتا که قضایای مقصود لری اتحاد
قیجه سن و یردی ندر کار کور بلوب اسباب تمسیت مرام آماده
قلنددی چون بو بنانک طرحی لاحاله بنیان دروغ یا فروغه و بو مصلحتک
حصولی لاجرم حیلله و خدعه رسم و شکنه افرغه محتاج ایدی میر
میران اغوانیان هادم خاندان شاهان فتنه عجمیان الحاجی میراویس
غیرت نشان حجت عنوان بر کون بر مغلظه ایله والی قندهار اولان یورکی
خانه کلوب قبایل بلا و جدن فریاد و فغان و انلردن تشکی و نظر اظهار
والان طوا برف مزورن اشقیاسی کلوب زده اغوانلرک او بیلرینه حمله و هجوم
و بالجه اموال و اشیا لرینی نهب و غارت قلدیلر و مواشی نامنده حیوانلرینی
سوروب کیمتدیلر دهور و غنه فروغ و یردکن یورکی خانه غیرت
ال و یروب کورجی عسکرینک سر بلو کورینی احضار و فی الحال طوا برف
عسکر حاضر و آماده اولوب در حال بلا و ج اشقیاسی تعقیب ادک و بن دخی
بعد العصر قیو خلقم ایله سوار اولوب بکامنتظر اولک و یراویسه دخی
خطاب ایدوب سن دخی شتاب ایله ندر کنه قادر اولدوغک اغوا بارک
ایله فلان محله بکامتر قب اول اول محله ملاقی اولدوغن دمنکره

پیشتر ده آماده اولان کورچی عسکرینه واصل اولوب جمله مزیک جسم
کجه سرعت و وقت سحرده سرعت ايله على الغفله بالوج اولرینه جمله و
هجوم ايله روز دیوم نوال مزبور اوزن نثیمیه و تا کیم ایلد کند جمله سی عجاله
حاضر و آماده صوب ما مورلرینه راهی اولدی لر میراویس دخی کمال
سرعت و عجله برله بالوج قبا بلی بالو باشلر نندن محرم اسرار و متفق اغراض
اولنلرینه خبر اوچروب نلری و قعه دن خبیر و خواب غفلتدن ایقاظ
ایدوب غیرت کونی بو کوندر ما بینه زده معقود شروط عهد و میثاق
بو کون اجرا اولجق وقت فرصتدر دیو اول طرفی اکاه قلد قده بروده
عجاله تبارک ایلد و کی اوج بیک سوار ی اغوانله محل معهوده مشتاب ایدوب
جان و دلدن یورکی خانک ورودینه مترقیب و فرصتغه مترصد اولدی
برخطه زمان مرو زنده یورکی خان یرمقدار قیو خلقیله ساده نغره ایله
چقوب کلدی اغوانلر ایکی شق اولوب سلامنه دیزلدیلر یورکی خان
هنوز احوال دن غافل اورتی لرلرینه کلد و کی برله بحر زخار انتقام اغوانیان
حرکت و جانب کورجیانه سیلان ایدوب یورکی خان نادان میان
جداران صفین ده مثال فرعون بی ایمان غریق بحر هلاک اولدی و بو
مهلاکه دن بر فرد ساحل سلامته چقمدی و قنده هان خبیر ویره جک
برکسنه بولندی مشورت کردن میراویس باغوانیان بعد قتل یورکی
خان مقصود اغوانیان بو یوزدن حاصل اولجق میراویس جمله اغوانی
بریره کتوروب مشورت ایلدی وینه پند و نصیح و وعده و وعید لر ايله
و مصاحبت امیزدرو غلر بله اغوان طایفه سنی نبت و عزیزیمتارنده
دوام و ثبات و بو طریق یقینه تشبیه امور لر نده باش و جان ايله اقدامه رغیب

و تحریرین

۲۸ و تحریرین ایلدی اولان محسین و افرینلر و مدح و ثنا لر ایدوب بر خوردار
لوله سز دین اسلام او غورنده حقیر خدمت مبرون ده بولندی کز سکه بی
مر مرده قازوب روز قیامتده کن السنه عالمه ذکر و یاد بکزه باعث بر
اثر جمیل قود بکزه جمله کزک قضاسی مبارک و سعیه کز مشکور اولسون لکن
معلو مکز اولسون که اعتماد دوله نک یورکی خان قتلنه اولوب سزه ابراز
ایلدی کم فرمانک اصلی اولیوب ساخته ایدی انجق غیرت دینه ظهور
ایدوب من بعد صبر و محله طاقتم قالمیوب سزی دخی بو بله برور طهیه
او غرتمه غیرت و حجت دیندن ناشی مجبور و مضطر اولدم مضامنا مضامنا
بوند نصکره بزه لازم اولان بودر که جمله مزیک دل و یکه درون غیرت
قوشاغن میان اجتهاده بند ایدوب دین محدی او غرینه جائزی باشتری
قد ایلدوز چونکه بو تقریبه عجم شاهلرینه عصیان ایش بولندق
بوندن بو بله عجملر یاننده اذیت عاصی و باخی اولوب لامحاله عسکر تدرکنده
اولوب اخذ انتقام قیدنده اولور لر العیاذ بالله فرصت بولوب غلبه
طرفلر نده واقع اوله جق اولور سهذ کورنیزی با جمله قلمدن چکوروب
نسوانیزی و اولادیزی سی و اسیر ایدر لر دیند و کنده اغوانیان بو مهلاکه یه
القای ایادی ایلد کارینه نو عاندامت ال و یروب پیر و اختیار لر ی سوزه
افاز ایدوب عجم دولتی ذی قوت و قدرت صاحب باس و مکت بر
دولت عظیمه اولوب زایسه انلره نسبت بر اوج قبایل و عشائر رعیت
مقوله سی خلق ایکن انلر ايله مقاومت و پیخته قهر لر نندن رها و سلامت
نه جای امکان و نه حیز تصور در دیند کارنده میر مرقوم عالم و دانا و فصاحت
و بلاغتک دخی میر مشار بالینانی اولغله کم من فئته قلیله غلبت ایت

قرآنیه فی قراءت و مضمونه موافق پند و نصیح ابله درونلرینه تقویه
و یردی ینه بعضیلر اطمینان و خاجان درونلری سکونت بولیبوب
بز جمله مز عجم شاهلر ینه خیانت اتمامک و اطاعتلرندن بر طریق ابله
روکردان اولماق اوزن متعهد اولمش و بو عهد مز یین مز ابله
تا کید ایشزد در حال بو ابله ایکن انلر ابله مقادله یه مباشرت مز شروع
اولور می دید کلر نده میر کلام مز قوم جوابنده عجم طائفه سی حدی
تجاوز ایدوب نچد زماندن بر و عرضمه و اهل و عیال مزه تعرض و حالا
اوز ریزه بر کافر بی دین حاکم نصب و بو جمله دن اشنع چهار یارکز ینه
شتم و دشنامی یوز ریزه قارشوعن قصدار نکاب و التزام ایلر ابله عهد
نامه مز شروطنی تغییر و معاهده مز نقص و فسخ ایلد کاری جائبلرندن
واقع اولدوغی مقرر دره انلر ابله قتال اوز ریزه فرض عین اولمش در دیوب
علماء حجازک بو جمله یه د اثر و یردکاری فتاوی مشرفینی و بوندن اقدام
علمای هند و علمای اوزاء النهر جائبلرندن دارک ایلدوکی متعدد فتاوی
ابر از ایدوب بو مشککلرینی دخی بو وجه اوزن حل ایلدکه اکثر ینه
غیرت ال و یروب جهاده میل و رغبت قلدیلر و راغب اولمیلر دخی
خواه ناخواه تبعیت کوستر دبلر عزیت کردن میراویس برای
فتح قلعه قند هار غبری ننفید امورلر ینه مباشرلر اولوب اوکار نجه کیدن
کورجی عسکرینی قرق ایچون طاغلر ده و اوهرده ساکن طوائف
بلووجه عجمالده ملر کوندورب محل مرور و عبورلرینی محکم سد
و بند ایلدیلر و انلرک چوغی بلووج و اغوان اللارنده اسیر و تلف اولوب
کورجستانه سلامت ایلد عودت ایلدیلر اقل قلیل اولدی میر

مشیر

مشیر صاحب رأی و تدبیر دخی یاشنده موجود اوج بیک مقداری اغوانیلر
هی وزی کورجیان و عجمیان ایلر متوکلام علی الله قلعه قند هار جائینه
متوجه اولوب بین العشائین مساعدت تحت برله علی الغغله قلعه مز قومیه
اسهل وجه اوزن دخول و عجم ضابطانی و بقیه السبوق کورجیان قتل
و استیصال برله قلعه یی محکم ضبط و مخوف و مخاطره اولان یرله وقت
سحره دکن محافظه لر و قره غوللر تعیین ایلدیلر مشورت کردن اغوانیان
بعد فتح قلعه صباح اولدکه جمعیت عظیمه و دیوان اولوب شاهه میل
و رغبت کوستروب بو حرکت رضاداده اولمیلر دخی قتل ایدوب
ظهور فتنه احتمالی دخی بو طریقیه دفع و رفع ایلدیلر بعد ینه ادا اقداح
مشاور ایدوب کند و امور لر ی مذاکره سینه شروع برله تعداد احتمالات
و هر حاله احتیاطی کندولر ینه حسب حال ایلدیلر پس چون بو قدر
وقعه پنجه قهر شاهیدن خلاصه کفایت ایتدوکتی اذعان و عجم دولتی
کندولرندن اخذ انتقامه و ارقوتی بازویه کتورجکی فکر و اندیشه
و مقاومت عجز و قصورلرینی ملاحظه قلدیلر بعضیلر برای احتیاط
ماجرایی هند یادشاهنه عرض و اعلام و غیرت دینه مقتضاسنجه
وقت حاجتده امداد و اعانتلر ینه حاضر و آماده اولمق رجاسنی مناسب
کوردیلر لکن میر مشارالیه بو کونه ارایه راضی اولمیلر ینه تقویه
قلوبلری باینده بو صورت اوزن بسط کلام ایلدی ای قوم اغوان الله
متوکل اولوب خاطر یگری خوش طوئک بزم نیت خالصه مز و ایلکن عون
جناب حق ابله مکنت عاجزانه مز برله بز عاجزلر و افض توانلر ینه غالب
ولورزمه بادی عزیز یتمزده طرف حقدن بزه میسر اولان سهوات الیزده

پرسند قو پندر مع هذا که دولت شاهان نا اهل اللرنده قالوب نجه زماندن
پرو مشرف انهدام اولمشدر اصفهانده اقامتم اثناسنده بالجمله حاللرینه
واقف اولمشدر رجال دولتماری ایکی فرقه اولوب رائی و تدبیرده بری
برینه ضد کمال هر فرد نفسی نفسی دیوب مدار عیش عشرته شغل
ایدوب مهام دولتی فراموش اولمشلردن نه اسباب سفره ونه نظام
مملکته صرف ذهن ابدن اهل بصیرتاری قالمشدر طرف حقندن دخی
کندولرینه بلا تاز اولمشدر مسعودن ایچی کلوب شروان و اذربایجان
ارمنیلرینی عصیان ایتدر دوب کورجستان دخی مسقوه تابع اولوب
خرکت شاهی ظهور بلا و هجوم اعدایه عظیم تر لدر در بوکونه غایله وار ایکن
اوز ریزه سفر امر دشوار در اولور سه دخی ندر لک تام ممکن اولمیوب عون
یاور یاوریز اولوب یتنه نصرت و ظفر بزمد رنعود بالله مقاومت مکنه
اولدوغی صورت ره غالب اولسه هند پادشاهنه تحصن و التبحر حاضر یزدن
ولکن بدل و جو یز ایله کعب ابلدی کمز مال و ممالک غنیمی بلاط ایل احرک الیه
و یرمک و رعیتی قبول ایتمک رواد کادر همت عالی ایدوب قندهار دن
یومیه بجه راجح دورت و قیه التوتی و اطراف دن حاصل اولان اموالی
کند و مزه امساک و سایر مال غنایم ایله محتاج لر یزی اغنایه سعی ایدلم
دید و کنده جله نیک قلبینه قوت حاصل و من بعد فر بصره جهادی احیایه
راغبلمر اولوب بو بایده اتفاق و اتحاد دور فر ددن مخالفت صادر اولماق
اوزن مصحف شریفه ال اوروب بین غلیظ ایله معاهده لرینی تاء کید
ایتدیلر و میراویسی کندولر یتنه سردار اتحاد ایدوب صغیر و کبیر بیعت
ایلدیلر مراسلات و مکاتبات از جانب میراویس بجانب شاه عجم چون

میرمرقوم وجه محرراوزن خلقنه پند و نصیح ایله تقویه بولدردی کندوسی ۳
دخی استقلال بولوب مقرر حکومت قندهارده استقرار بولدی خدعه
حریه طریقیلرینه رعایت ایدوب حکیمانیه وضع ایله مدارا و مروت
سمت لرینی الدن قوم یوب شاه طرفنده اعتماد الدولته مصنع مکتوبلر
یا زوب بلا تا خیرار ساله شتاب ایتدی مضموننده بنم مروئلو عنایتلو
ولی نعمتم افندم سلطاتم حضرت قلی کترین بنده لری شهر اصفهانده اقامتم
اثناسنده بو احقر لینه خاک کپای ولی نعمی یه یوزلر سورمکه اذن
شرف ارزانی بیورلدوغی تقریبله قندهار و البسی یورکی خانک احوالی
تفحص بیور بلوب سو و حرکتی و عاقبت اول مملکتده باعث فتنه اولدوغی
خاک کپای دولتارینه حقیرانه افاده اولمش ابدی الخاله هذه بو عبده عاجز
قندهار و وصول بولدوغم اثناده چوق کپیوب طوایف اغوان تجمع و بیورکی
خانک ظلم و جور مالانها یتنه سنه حمل و طاق کتور مد کلرندن عاقبت
خدعه ایله کند و سنی قلعه دن طشره چقروب و بر محله جهله سی هجوم برله
قتل اولمشلردر بعد برتقریب غرب ایله قلعه یی دخی الوب کندولری
ضبط اولمشلردر و بو عبده حقیر بکزی دخی بولوب بولدروب چفتلکندن
کشان کشان افغان و خیزان قندهار کتوروب جیرا و کرها کندولر یتنه حاکم
و سردار اتحاد اولمشلردر و شمد بک بو یوزدن عصیاناری ثابت اولغله جمعیت
عظیمه لری وارد راجح بو یتنه لری دولت شاهی نیک خیراندیشی و قوللغنده
ثابت قدم صداقت پرور بر عبید مملوکی اولدوغم ریب و اشتباه بیور لمیوب
بو بله بروقت اختلاله کندولر یتنه برنادان و ناخق شناسی باش بوغ
ایدغیوب بو عبده احقر کی شاهک صد اقتکار یتنه سنی اوزلر یتنه حاکم

نصب ایلدکاری حالت ینه قوت بخت دولتکزدندوزیر ابو قلری اوزرلنده
اولد قچه بو اختلاک دفع ورفعه جان و دلدن سعی ایدوب انشالله
تعالی حسن رأی و تدبیر تو سطیله هر مشکل اسان اولور و یونانزه فتنه اب
تدریج ابله اطفاسکونت بولوب کافی الاول مملکت شاهی نظام ماهو المرام
ایله انتظام بولور لکن بو خصوصی صورت آخری ده خاکپای دولتکزه عرض
واقاده ایدور ایسه وجود ویرلیه همان بو طرفلرک احوالی بو قواکر
تفو بض اولنوب بر مدت اغماض العین ابله معامله بیور بله و تهوور ایدوب
خود بیلرک سوز بله بولر برفتنه اوزر ینه عسکر کوندر لیمه زیر جمله سی
ایاقده اولوب یا مقاومت سورد اسبله قتاله جسارت ایدر لرو یا خود دولت
طرفندن عسکر کت اوزر کله چکن ایشدوب مقاومت قدر تلی
اولدوغن حس ایدر لسه الان بعضی بارینک لساندن جاری اولدوغی
اوزر خوفه دوشوب سلامتلی ملاحظه سیله ملکئی هند پادشاهنه
تسایم ایدر ل خلاصه تدریج و تائی و حزم و احتیاط بو عقده مشکل
بندک حلنده لازم و مهم اولغله بو طرفلرک نظامی بو عبد عاجز لینه تفو بض
بیوریلوب اشارته جسارت اولدوغی اوزر بر مدت اهمال و امهال
هسو رنده تدریج و تائی اصولی قواعدنه رعایت اولنور سه عون حق بله
و همت بی همتا کز بله غایت سهوات اوزر مقصود و مراد نه ایسه حصوله
کلور مکاتبات و مراسلات عن جانب میراویس باو حال پادشاه هند میر قوم
اوتهدن پروا غنیبا و اسخیان فایت ابله متول هنده تجارت ابله مخصوص
کار بانی کلور کیدر عنقا و نامه ارا کسنه اولغله هند دولتی رجالیله با خصوص
هند سرحدلنده اولان ولات ابله دوستلق اوزر معامله طریقلر نده

قصود

۳۱ قصور قوم میوب کند و سنه و افراشنا و احباب و خیر خواه پید ایش ایدی
پس انلردن مقرب پادشاه و نافذ الکلام اولانلره مودت نامه لر تحریر
و وساطت لربله وقعه مرقومه هند پادشاهنه عرض و اعلام اولنق
مناسب هد ایلدی و معتمد و قابل خطاب سو اله و جوابه قادر کند و سنه
خیر خواه کسنه لربله ارسال ایدوب هر برینه اقتضاسی اوزر حالنه
مناسب و شائنه لایق هدایا دخی فرستاده قلدی مضامن مکاتب
بو صورتیه فراغ اولنیش ابد بکه ماجرا تفصیلا شرح حیوان اولنوب مفهوم مکر
اولد قده بودخی معلوم مکر اوله که بزمر اغونلرک بو امر خطیره جسارت لربینه
باعث و نادی مجرد پادشاهان اسلامیاندن همجواریز اولان پادشاه
علو الشان پادشاه هند حضرت لربینه عنایت لربینه مغرور ادر و وقت حاجته
غیرت دینیه مقتضاسجه امداد و اعانت و حمایه و عیانت پادشاهان لربینه
اغوانیان اوزر لرندن بی دریغ بیور ملری رجا و امید یله در و عهد
و اتفاقلری و قول و قرار و اتحاد لری بو کامبند رکه اگر عجم شاهی اوزر ریزه
عسکر کوندر لسه اغور دینه بدل وجود ایدوب دین باهره محدی به
یولنده جهادی التزام ایدر زرو افاض بد نهادت تحت حکومتنده اولغی
من بعد قبول ایتیموب اهل اسلامدن بر پادشاه ذی الاقتدار کزیر جناح
جایه سنه التجا ایدوب کند و مزه مسند و ملجا ایدینور ز و مملکتی دخی
دست تملکنه تسایم ایدر ز دیون پنتلر نده ثابت قد ملر و جمله سی یک دل و یک
جهتلر در پس وقوع و تئی اولنور که واقع حالی شوکتلو و قدر تلو پادشاه
اسلام پناه هند پادشاهی مر و تلو افند بیزک پیشکاه مکارم دستکاهلرینه
تعبیرات حسنه برله عرض و اعلام بیور سزرو افاض بد فعال بزلردن اخذ

انتقام سود اسپاه مضایقه ویرز سه صاحب چقمه لری مقتضای غیرت
دینه و لازمه شان و شوکت پادشاهانه لر بدر علی ای وجه کان ملک
حفظ و حراستنه عدم مکتبزی ادراک ابدوب طرف پادشاهلر پنه
تسایم ابدوز قدیمه نبرو کند و افند بلر بیزلر درو و رجال و اهالیسی با جمله
دین قزند اشلر بیز در انجق اول امر ده فسخ مصاحبه جانبلر نندن واقع
اولیوب صرف خزینه ایله عسکر تدارک وارسالده عجله بیور مسونلر
شهر بلك دعای خیر ایله حسن همت پادشاهانه لری ونظر و توجه کیا
اثار لری طرفزه محضی امداد و اعانت اولوب انشاء الله تعالی دعای خیر لری
توسط ایله اعدای دینه عاجزانه مقدور بیز ایله غالب اولور ز اغوانیان دخی
وحشی قوم اولوب ایکی عسکر بریره کلد که بعضی قصاص طهوری احتمال ایله
شاید که بعضیلری عجم طرفلرینه میل ایله باعث فتنه اوله منوال مشروح
اوزن واقع حال همد پادشاهی رکابنه عرض اولند که محظوظ اولوب
میرمرقومک ادملرینه کرکی کبی رعایت واکر آمدن صکره مطلق بلر پنه
موافق جوابلری یاز بلوب عودت اولند بلر میرمشیار ایله بو کونه کاتب
مدارات امیزلر بله جانینه خواب غفلت ایچون پستبراحتی بسط و تمهید
ابدوب اول جانبلر دن محمل الظهور محظوری بر مدت تا خیر و تبعد ابلد که
ترتیب عسکر و تنظیم امور مملکتنه صرف مقدور ابدوب ایکی جانبه میل
ورغبت کوستر نلر دن دخی وافر کسنه لری قتل و استیصال ابلدی سفر
عجم در همد هار و سر عسکری خسرو خان و محاصره قندهار بر مدت
حلولنده میراویسک احوالی شاه و رجاله حقیقی اوزن عیان و عصیان
و طغیان روز بروز زیاد بولدوکی غایان اولیجق دفع ندیرلرینه مباشر
اولد بلر

اولد بلر و بویاننده سابق الذکر اسرا نیل اوری نام مسقو اباجیسی دخی ۳۲
اصفهان کلوب نامه سن تسایم ابلد که مضمونی مجرد مراسم دوستلغی
تجدید و احیایه محصور اولوب اچینک لسانندن دخی مملکت دعوا سنده
وار منیلره پادشاه اولق فکر و سودا سنده اولدوکی معلوم و بعضی
ارمنیلره پادشاه نسلندم دیدوکی مطلق انلره تعظم و رعایت واکر امده
امتیاز بولق ملاحظه سیله ابدوکی محقق اولیجق شاه و رجال محظوظ
اولوب حدندن زیاده اکرام و ادای رسالتدن صکره نامه و یروب
عودت ایتدر د بلر اول دخی اثر درهان قلعه سنه وصول بولد که مرد اولمش
دیومتواتر اولوب بو غایله لری بالکیا مندفع اولیجق قندهار تسخیری
ایچون عسکر کوندرمکه قرار ویرد بلر وارکان دولتلی شقاق و نفاق اولد
بولغله بومادده دخی گاه اتفاق و گاه اختلاف ارالی در کار اولوب انجامنده
کورجیلر انتقامندهینه کورجی عسکری مقدم اولور و کورجستان عسکر دن
خالی اولیجق اول طرفدن دخی امنیت کلی حاصل اولور ملاحظه سیله
مقتول یورکی خانک قزنداشی اوغلی خسرو خانی کورجستان
منسویله سپه سالار نصب و تعیین ابدوب با جمله کورجستانندن
تدارکنه قادر اولدوکی کورجی عسکر بله قندهار فتح و تسخیرینه
کوندرمکه قرار ویرد بلر لکن چون رجال عجمک امور مهه مشورتلری
عیش و عشرت و محاون جمعیتلری ادا اقداح می نابدن عبارت بر کیفیت
اولمش ابدی بو حال نا همور لری البته اختلافلرینه بادی اولوردی بوندن
قطع نظر رجالک بر فرقه سی هر حالده کورجیلرک علیهنده بولمق معتاد لری
اولوب فرقه مرقومه بود فعه دخی خسرو خانک سپه سالار رتبه سیله رفیع

قلند یکنده حظا تیموب عاقبت خسرو خان کورجی عسکر بله قندهاری فتح
ایلد و کی تقدیرده کورجیلره غرور حاصل اولوب اطاعت شاهیده ثابت
الاقدام اولمازلر دبوچه نجه صغری و کبری ایلدله انجامنده کورجی عسکرینک
معیتلر بنه اون الی بیك قزلباش عسکری ضم والحاق و عباس قولی بک
اوزر لر بنه باش بوغ تعیین و خسرو خان نه مصارف سفر ایچون مطلوبی
اولان ایلکوز بیك تو من اچیه فرقه مخالفه نك سوقیله یا لکز التمش بیك
تومنه حصر و عباس قولی بک عجمه باش بوغ و جمله یه ناظر و مصرف
اولوب بیك یوز بکرمی دورت تار یخنده مشهود بولیله قندار سفر بنه عزم
راه ایلد بلرند ارك کردن میراویس برای مقابله بالشکر خسرو خان میر
مرقوم عجم دولتی طرفندن قندهار تسخیر بنه کورجیان و عجمیاندن مرکب
لشکر و افره تدارک اولنوب صوب مأمور عزیت اوزن اولد قلی بی استماع
ایلد کده کند و یه متانت و استحکام قیدنده اولدی اکیملری بیچدروب
ایچرویه الدی و عجم عسکری کلجکی بوللرده اون قوناق مقداری مسافه
یردن بالجمله محصولاتی درج و قلعه یه نقل و سائر اوتلری اتشه و یردی
دورت بش سنه مدت کفایت ایلد جک زاد و زخیره یی ایلکی سنه ده جمع
ایتدی اطراف و اکنافده یول اوزرنده اولرده واقع قریلری صعب الطریق
طاغاره جقدی سواری عسکرینک اکثرینی در بندلره و کچدره تعیین
ایلدوب کند و بنفسه بالجمله پیاده و بر مقدار سواری عسکر بله قلعه یه
قیاندی عجم عسکری کچ کلکله میرمرقوم محاصره ده محتاج اولدوغی اوزمن
کرکی کی کوردی بعد زمان عجم عسکری اثنای خربنده قاسمه قریب وقتده
چقه کادی کوردیلر که قندهار اطرافی جمله خراب کوی کندی قالمش عجم

عسکرینک

عسکرینک کتوردکاری زخیره دخی قلت اوزن اولوب وادی حیرتده ۳۳
سرگردان قالدیلر نه چان قلعه یی محاصره ایلدوب جنکه مباشرت ایلد
مجبور اولدیلر میراویس ایسه قزلباش عسکرینک کثر تن کوروب
وزخیره لری قلت اوزن ایلد و کین بلوب طشره چقیغه مناسب کورمیبوب
قلعه دن جنک ایلدی فراغت کردن لشکر عجم از محاصره قلعه قندهار
و فرار کردنش و انهرام شدنش قلعه متانت اوزن اولوب مدت مدتی
محاصره یه محتاج ایلد و غن عجم عسکری ادراک ایلد بک مایوس اولدیلر
و بویامده زخیره لری دو کتوب اطراف و اکناف دخی بک پان خراب
اوتلری یاغش بولنوب ایام شتا دخی تقرب ایتمکله عجملرک احوالی دیکر
کون اولدی نه طور مکه قدرت و نه عود ته مکتت حیرت تصور اولدی
میان عسکرده ظهور فتنه و خسرو خانه قصد هجوم مقرر اولدیحق مشورت
ایلدوب قلعه تسخیری سودا سندن چار ناچار فراغت ایتدیلر برای
سلامت عجم عسکری بریولدن عازم راه اولدی کورجی عسکری دخی
ایلکی بلوک اولوب بر بلوکی مهمات ایلد اخر یولدن کیدوب خسرو خان
دخی الی بیك کز بده کورجی عسکر بله قفادار اولدی عسکره ناظر اولان
عباس قولی بک اختلافی کوروب قندهار فرار و عجم عسکرینک حال
دیکر کونندن نقیروقطه میرچا پحاق خبر و یردی میراویس دخی بالجمله
احوال عجمه و سلامتیله عودنلر بنه وسیله اتخاذ ایلدند کاری طریق لرینه
ونجانلری امید بده واقع رای و ندر بیر ناصوابلر بنه واقف اولدیحق فی الحال
سواری عسکرینه خبر کوندروب یاغش جمع ایتدی و سکر یوز عدد مایه
دوه احضار و انلره ایلک پشرا دم پندردی و زنبق تعبیر اولنور بر قاج عدد

طوب دوه لره تمهیل وکند و بنفسه عسکرینک اوکونه دوستوب عجم
عسکرینه قفادن وصوله اقدام تام ابتدی سپه سالار عجمیان اولان
خسر و خانه نشوب جمله و هجومه مسارعت و جنگ وجد الله دلیرانه
غیرت ابدوب عاقبت خسر و خان منهزم و مقتول و کور جیانندن بش
یوز نفر مقداری چایک فرار سلامت بولوب باقیلری جمله طعمه شمشیرتیز
اولوب یانلرنده موجود مهمات سفیری لری تمام میراویس طرفندن اخذ
و ضبط اولندی یرتسی کون قزلباش عسکری راهی اولدوغی بوله مبادرت
ابدوب انلرک دخی باش و بوغلری اولماغله بردلو دشمندن احتیاط
ایده جک نظاملری بولنمیوب علی الغفله اوزرلرینه جمله و هجوم ایتدکارنده
بردلو مقاومت اقدار لری بولنماغله اچلرندن برفرد خلاص بولمیوب
جمله سی اغوانلر الله مقتول اولد بلر بعد اغر لقی ایله کیدن کورجی عسکر بنی
تعمیه متوجه اولد بلر لکن خسر و خان معارکه سنندن سلامت بولان
کورجیلر بولره ملاقی اولمش و ماجرادن خبر الممش بولنغله مهمالمن
مدافعه ندرکنده اولملر بله اغوان عسکری اوکارینی سد ایتیک
قیدنده ایکن السنور الما پوس فهو اسخه جمله کورجیان یلک دل و یلک جهت
سل شمشیر ابدوب اغوانلر اوزرینه جمله قلد بلر اغوانلر اکی شق اولوب
بو طریق ایله کورجیلر یول بولوب میانلرندن کچوب کیتد بلر چون
اغوانلره دخی بر تاج کون ایچنده وقوع بولان وقایع تعب و زحمت و پروب
کند ولرینه نوعا ضعف و همتلرینه فتور عارض اولمش ابدی پس
چچانلری قومیهلم عنایت حقندن بو قدر یوز اقلنی بزه نعمت عظمادر
بونک شکرین بله لم دیوب کورجیانی تعقیبدن فارغ اولد بلر و سالماستاد

ومسرور قندهان رجعت و اموال غنائی جمع و نقل ابدوب تقسیم ایتد بلر
غنیلر اولوب شنلکرا ایلد بلر و بوندن صکره دخی میراویسک و فائنه
کلیجه الی یدی سنه مرورینه دکن هر سنه عجم طرفندن قندها تسخیرینه
عسکر تعیین و ارسال اولنوب با حکمت خدا قزلباش عسکری هر یاق
مغلوب و منهزم کیدر لردی وفات میراویس بیدی سنه مقداری زمان میر
مشیر و نامدار مقرر حکومت قندها رسیده استقلال اوزن قرار داده اولوب
حسن رأی و تدبیر بله عجم دوائی کبی بر قوی الاطوار دشمن ایله مقاومت
اقتدار حاصل ایلش ابدی بواشاده میرم قومک بنای وجودی تعاقب
امراض ایله متزلزل اولوب مشرف انهدام اولماغله بالین امله سر نهاده اولدی
بو حالت ملالت ماثربا جمله اغوانیانه حزن و کدر و پروب غایت ایله پریشان
الخطار اولد بلر بیرونلری عیاده سنه ملازمت ابدوب امور لرینه توصیه
و پند و نصیح نیازینه مداوم اولد بلر میرم قوم ضعف درونلری مشاهد
ایدیجکینه تقویه و تسلیه لرینه باعث نصیحتلر و امور جمهور لری قوام
ودوامنه بادی وصیتلر ایلدی اولامور بکزی جناب حقه نفویض
ابدوب طریق جهادده بذل مقدور ثابا هر حاله همتکزی عالی ابدوب
جمله کز متفق یک لحم و یک جسم اولوک من بعد و افضیه سرفرو ایتمیوب
جان و با شکر ایله دفع مضر ثلر نده اجتهاد ابدک عجم دوائی رجالی شتفاقدن
پری و با جمله خلقی نفاقدن خالی اولمیوب دولتلری مشرف انهدام اولمشدر
انلرک کشرتندن و حشمت کاذبه لرندن سزه و حشمت و دهشت طاری
اولمیه سز اتفاق قلب و اتحاد درون اوزن حرکتده او اوب متوکلا علی الله
اندره غالب اولوب اصفهانه دخی ظفر یاب اولور سکر مقوله سی و صایادن

صکریه وفات ابدوب دار بقایه انتقال ابدی جلوس میر عبد الله در تخت
قندهار چون میراویس وفات ابدی برینه قندهار می رسید الله مقرر
حکومت قندهار ده استقرار بولدی و میرمقوم بالطبع جنگ وجدالی
مومیبوب راحت حضری تعب سفره ترجیح ابدوب بر قاج ایام مرورندن
صکریه اغوانلری یانه جمع و علی طریق المشورت بوبله بسط مرام ابدوبکه
هر بار جنگ ابدوب بوبله قورقور روز حتمل چکمدن مرادیز اوزن عجم ابله
مصالحه ابدوب راحت و امنیت اوزن اولوق بزه اولی دکلیدر شمد بیکه
هاله قندهار شک و فانی تقریبیه بو مقصودی تحصیل سی ابدوبکه
فرصت دروغ غالب احتمال بودر که شاه بوباید سوز چیزی رد ایتیمه پس بر
ادم کوندن لم شاه قندهار اولکه سنی توابع برله بزم و اولاد و اولادیزک
تصرفنده ابقا ومن بعد ارامزه قزلباش قارشیوب تکالیف شاقدی
دخی اوزر بزدن رفع ابدوب سغه ده شاهک خزینه سنه وانی دخی کند و مز
تحصیل و تسام شیطیه بر مقدار و معتدل حقوق دیوانیه و یوب وجه
مشروح اوزن شاه ابله صلح و صلاحه طالب اولسک مناسب و شاه دخی
ما مول اولنور که بوضورنده صلحه قایل و راضی اولور دبدکنده اغوان
طائفه سی میرمقومک بوبکونه کلامندن حظ ایتیموب پیدلرنده اختلاله
بادی و میرمقومک حقنه جمله کج محبتی عداوت منقلب اولوب درونلری
نفرت و برودت اوزن اولعله یوز طوندی و وافض النندن رها بولمش ایکن
ینه رعیتی قبولدن غیر یوزیزه قار شو چهار یار کزینه شتم و کوزیزه قارشو
اهل و عیال مزه دست درازلق و ادنا بهانه ابله بزم ابله معاشره بی فسح
ابد جکری امر محقق ایکن صاحبه نچه راضی اوله لم دیو پیدلرنده چوق گفت
و کواولدی و من بعد جهاده بندل مجهود ابله افشاء بر ابد جکری سهری

برله

برله عهد و میثاق ابدوبلر لکن میر عبد الله بوبکونه عزیمتند مضر
اولوب و اغوانلندن بعضیلرینی وعد و وعیدلر ابله رای و ندرینه رغبت
ایتدر دوب طرفکی رغنه میل ایتدر مش ابدی و بو مضمونی متضمن مکتوب
یازوب بر معتمد امیده حقیقه شاههار سال ابلک اوزن ابدی بیان احوال
میر محمود و قتل کردن میر عبد الله و جلوسش در تخت قندهار اول ثناده
میر محمود اوزن سکزیاشنده بر نورسید جوان بوانوب عوجه سی میر
عبد اللهک تحت تربیه سنده ابدی بزی ایدری میراویس وفات ابدوبکه
ذکور دن اوج اولاد ترک ابدوب بونلر ایچنده محموده میل و شفقتی غالب
ابدی و جمله جنگ کرده پدر ببله معا بولنوب جنگه استعدادی کاله ابدی
قندهار آشنه سپارش ویاننده بیویوب تربیه اولنغی وصیت و و دیعه ابلش
ابدی بواننده محمودی اغوانلر ما وقعدن ایقاظ ابدوبک لیل و نهار
عوجه سی مجلسلرینه مد اومت ابدوب بوسره واقف اولغه جد و اهتجام
ابدی عاقبت بر کون یازیلان مکتوب الله کیروب مطالعه ابدی بوسری
کنم ابدوب مترصد فرصت اولدی بر کون اراق بولوب قایم الی الی
عوجه سی میر عبد الله او یقوده ایکن قتل ابدی دیار عجمک بعضی سر
حدارند و قندهار ده دخی معتاد قدیلری بوبله در که شهورک میداننده
نواقت تعبیر اولنور بر یوکسک قوله بنا ابدلر اول قوله اوزر بنه ایکی کوس
وضع ابدلر شاه طرفندن و یا غیریدن خلقه اعلام اولیحق بر امر مهم
واقع اولسه اول کوسلری ضرب ایدوب صداسی اشدلدوکی برله جمله
ناس اول میدانه جمع اولورلر پس محمود عوجه سنی قتل ابدوبکی برله
مکتوبیلری الله الوب سرعت ابله نواخته چقدی کوسلری ضرب ایدوب
جمله اغوان اول محله کلوب جمع اولدی میر محمود دخی او قور بازار دانش

اربابندن اولمغله نصرت و فریضه جهاده دارنجه نجه ایات قرآینه و الجهاد
حرفتی و خلقتی حدیث نبوی بی قرائت ابدوب فضیلت جهادی شرح
و بیانندن صکره عم میر عبدالله قومنه خیانت ابدوب کند و ذوقی
و حکومتده بر قاج کون راحتی فکر بله بزی ینه و افاض النه و یرمک استر
دیوب میر عبدالله شاهه یازدوغی مکتوبی اغوانلرک الینه و یردی
و صوت بلندن ابله اکاه اولک که بن انی قتل ابلدم دبد که اغوانلر مکتوبی
او قویوب مضمونی مجودک تقریر بنه موافقی بولنوب و فی الاصل مجود پدیری
زماننده واقع معار که لک جمله سنه موجود بولنوب دائنده شجیع و فارس
و جمله نک کند و سنه میل و محبتی دخی در کار اولمغله مجود اون سکر
یاشنده حاکم نصب اولنوب جمله سی بیعت ایلد پلر و سنایوبک قرداشنی
قند هار و الیسی تعیین ایلد پلر وجه مشروح اوزن میر مجود تحت قند هارده
استقرار بولیحق شاهه مکتوب یازمقدام میر عبدالله ابله متفق اولانلری
پکان یکان قتل ایلدی و عسکر نظامی قیدنده اولوب اولامرده جوار
قند هارده واقع حضاری تعبیر اوانور و افاض اغوانلر اوزرلر ینه سفر ایدوب
انلری نهب و غارت ابله مشغول اولدی طوایف مرقومه شاهه احوال لرینی
عرض و افاده و استمداد ایلد پلر شاه طرفندن اهماال و مسامحه اولنوب
فریاد رسلری اولما مغله اخر انلر دخی اغوانلره تابع اولوب یکن دل و یک
جهت اولد پلر عجبک مشکلی برابکن ایکی اولدی اغوانلرک متفق اجناسی
دخی ایکی ایکن اوچ اولدی سفر کردن عجم فی الدفعة الثانية برای
تخلیص قلعه قند هار و سر عسکر صغنی قولی خان و احوال فرزندش خان
زوجوان چون اغوانیانندن اوچ طایفه متفق الحال اولدوغی خبر دولت
شاهی یه واصل اولد که بوماده کند ولر ینه زیاده کدر و یروب مشورت

ایلد پلر

۳۶ ایلد پلر اغوانلر علی حاله بر مدت دخی ترک و اهمال اولنوب علاج لری
گوراند و کی تقدیر چه عاقبت دولت شاهیه بر فتنه عظیمه و قوعنه باعث
اولورلر بونلرک ندر کی کور بلوب دفع مضر لری امور مهامندن ربای
طریق کان کور لملودرد یوقزار و یرد کلر نندن صکره کلیمت لو عسکر تدارک
اولنوب صغنی قولی خان سر عسکر تعیین اولنوق اوزن ا تفاق ایلد پلر
مرقوم صغنی قولی خان مقدما صفا نده حاکم اولوب رجال دولت لر ینک
امور دپده و کاراز موده معتدل و دانا کسنه لری ابدی شاه حسینک کورنده
رجالک ایکی فرقه اولوب اختلاف لری تقر بیلده عزل اولنوب کند و
خانه سنه گوشه و حدنده منزوی اولمش ابدی بود فعه سر عسکر لک
تکلیف و ایحق قبول ایتدی بعد شاه حسین طرفندن صغنی قولی خانک
ایاغنه خلعت و عادت لری اوزن جواهر ابله مرصع تاج کوندر بلوب نامنه
سر عسکر لک منشوری یازلدی خان مرقوم ینه قبولدن اجتناب
و بوندن اقدام خصوص مزبون تعیین اولنان سر عسکر لر بو ایشک
عهده سندن کلکه قادر اولد پلر زیر اسر عسکر لر امور لنده مستقل اولیوب
اوزر لر ینه ناظر نصب اولنوق سر عسکرک مراد لری اوزن حر کته مانع بر امر
ناصوابدر مطلق طوایف عسکر سر عسکر دن خوف و رجاده اولد قجه
جنک شد تنه تحمل ایتمز بوندن دخی اشنع بودر که مادامکه دولت شاهی
ایکی فرقه مختلفه در دشمندن اخذ انتقام بر وجهله حیز تصور دکلر
زیر ابو صورنده سر عسکر اولانلرک چدویاتهاون اوزن اولوب غالب و مغلوب
اولسی بکساندر علی کلاله تقدیر ین فرقتینک بری خلا فنده بولنسه
کر کدر و ین دخی بو خد متک عهده سندن کلم دپوعذر لر بیان ابدوب

سر عسکر لکن ابا ایلدی ینه زجال دوات مشاونه به رغبت ایدوب
بو خصوصی مکالمه دن خالی اولد بلر لکن کند و جنسارنده صغی قولى
خان دن غیری بوامرد شوارک عهد سنیدن کله جک برکسنه بولتوبوب
مر قومی ارض او الزام قیدنده اولد بلر التزاملری فایده و یرمیوب حیلله
طریقلرینه ذاهب اولد بلر مکر صغی قولى خانک اون بدی یاشنده
پرنوجوان اوغلی وار ابدی جمله نیک اتفاقیله اوغلاننه خانلق و سر عسکر لک
و یرلک مناسب کورلدی تا کم بو طریقیله پدری اوغلوننه اولان محبت
مقتضا سنجه غیرته کلوب و سفره معا کیدوب امور بنه نظارت ایدیه فی الواقع
جوان نور سیده شاه جمجاه جانبندن خلعت و مجوهر تاج و خانلق
منشوری و سر عسکر لک عنوانیله مکر م اولیحق قبولنده مسارعت ایدوب
پدرینک ایاغنه دوشدی هزار و صد هزار رجا و نیاز لر بله پدرینک
گوکلن میل ایتدوب سفره معاکمک اوزن ارض ایلدی پس پدری صغی
قولى خان انام و انکم و اولاد کم فتنه لکم ایت قرانیه مفهومی اوزن فرزندینه
اولان میل و مودت سوقیله مهماتن کور مکه مباشر اولوب انجمنده
معتاد لری اوزن شاه جمجاه طرفندن عالی ضیافت اولوب مرصع تاج
کیوب قلیچ قوشانوب دو تمشات و یر بلوب و اول اته سوار اولوب شاه
صر ایدن اول کونده مکمل لایلر ایله قزویندن چقوب راه مشهد و هرات
ایلله عازم سفر قندهار اولد بلر صغی قولى خان اوغلونى امور سفره
قطعا قار شد یرمیوب جلیله مباشرتی بالذات کند و سنی التزام ایلش ابدی
فی الحقیقه خان مر قوم مالک ایرانده نامور و جمله نیک عندنده معتبر بر صاحب
رئی و ند پیر کسنه اولغله سر ای شاهیده اوغلی قاچ قوشانوب تاج

و خلعت

۳۷ و خلعت کیوب بو کونه التفات شاهانه ایلله ملتفت اولد و غندن نقص
قزویندن و طراف و اکنا فدن ذکور و انان دن لاپلری سیرینه بی حد و بی
شمار خلق جمع اولوب حاضر اولمشلر ابدی وجه محرر اوزن صغی قولى خان
واوغلی سر عسکر نوجوان خان اون النی بیگ قزلباش عسکر بله اصفهان دن
چقوب مکتب و شاق لری دخی حاضر و اماده کمی پیشرو کمی پیرو کمی مهمن و کمی
میسر فر یاد فغانلر و صورت یلند ایلده عال ایدرک چقوب کیتد بلر انهرام عسکر
عجم و قتل شدن سر عسکر صغی قولى خان و فرزندش نوجوان خان حضاری
اغوانی عجم عسکر بنک و رودی خبرن اشید یجک فی الحال میر موجوده واقع حالی
یلدروب استمداد ایلد بلر میر موجود دخی قطعا توقف ایتدوب امداد لرینه
عسکر تعیین ایدوب عجم عسکر بنک استقبالنه مبادرت ایتدیلر صغی قولى
خان عسکر ک روحی مشابه سفده اولغله عسکر دن منفک اولما زدی اوغلی
ایسه نوجوان اولغله اوچیو ز نفر مقدار سواران فارسان ایلله صید و شکار
ایدرک عسکر دن ایر یلوب ایلروده بولندی کیف ما اتفق اغوانلر ک قره
غولنه مصادفت ایدوب بلا توقف هجوم ایتدیلر طرفیندن جنک
وجدال اشتماد بولیحق خان نوجوان اغوانلر انده مقتول اولدی سایر
معبتنده اولان قزلباشلر دخی هلاک اولوب بش النی نفر چاپک فرار لری
کو جیلله قوزنلوب صغی قولى خانه بو خبری ملالت اثری بیلدوردیلر استماع
ایلد و کی برله مد هوش و لای عقل عسکر ک ترتیب و تنظیمی مهمه سنی فراموش
و بومهلکده دن غفلت ایدوب در حال سلی سیف ایلله اغوانلر جانینه
نوصولده شتاب ایلدی عجم عسکر صغی قولى خانک کمال غضب و تهور
ایلده عنان اختیارى الین کیتد و غن کوروب سرعت ایلله پیر و اولد بلر

اغوانلرك دخی میر اسد الله نامنه برکسنه لری وافر عسکر یله کلوب
آمد لر بنه بنشدی ایکی عسکر ملاقی اولیحق صغی قولی خان جبهه
عسکرده بولمغله جمله دن اول اغوانلر ایچنه اوغرایوب جنکه اقدام ایلدی
بازار کار گزار قتال ره اوج بولمغله صغی قولی خان قتل اولنوب عجم عسکر
منهز مافران یوز طوندی جزئی عسکر قورتلوب اکثری هلاک اولدی لیر
اسد الله مهماتی اخذ و جمع ایلدوب ولایتنه نقل ایتدی اغوانلر بو یوزدن
غنیلر و عظیم شاد و مسرور لر اولدیلر من بعد اغوانیان قلب قوت بولوب
عجملرک بختی اولجانبه برکشته اولدی ند بیرر حال عجم برای سفر در جانب
اغوانیان و سر عسکر لطف علی خان و احوال جزیره بحرین بو خبر
موحش عجم دولتیک سمعنه لاحق اولیحق غایت ایله مکدر و پریشان
تخاطر اولدیلر و من بعد بودردک علاجی ند بیرنله عاجز قالدیلر نه چان
یغنه مشاؤون مجالسی قوریلوب ند بیره باشلدیلر اغوانلری علی جائهم ترک
ایتمک دخی بر طریقی یله مناسب کوریلوب و ارفوقی بازویه کتور مکنه ینه
کلیتلی عسکر و برمد برسر عسکر تعیین اولمغله اوزن قراروردیلر و اعتماد
الدوله نیک انشته سی لطفی علی خانی جمله سی مناسب کوروب مأمور قلدیلر
عسکرندارک اولنوب مهمات سفریه کوریلور ایکن جزیره بحرین
جانبندن فریاد جیلر کلوب جزیره مرقومه بی بر قایح سنه دن برو مسکت
امامی عجم التندن الوب ضبط ایلد و کندن غیری بندر عباسه تعدالی
حندن بیرون اولمغله تقدیم اهم الزمدر ملاحظه سیله خان مرقومک
کوریلان ندارک ایله بحرین سفرینه عزیمتی ایلدی در دیوب بعضی رجال دولت
پورای و ند بیره ذاهب اولمغله بنه اثار شفاق میان رجالد طهون کلوب

مصباح تینک

مصباح تینک فوئنه باعث اولدی و جزیره بحرین بصره دن اشا غله بحر ۳۸
فارسک ساحل غربیسنده ساحله قریب مخرج در مرورد بر محل اولوب
وقروده دخی بر قایح ناحیه توابع لرلی اولوب بو جانبه سفر قندهان
سفر دن اسهل کوریلوب قریب مسافه ده بولمغله اکثری رجال بحرین سفری
تقدیمتی ترجیح ایتدیلر اسمداد عجم از دنمای پور تقال لکن جزیره مرقومه
عجم دولتیک عسکر و مهمات نقل ایتدن جنک سفینه لری اولیوب دیو
جزیره سنه ادم کوندروب پور تقال کفره سفندن اجرت ایله سفینه لر
طلب ایتدیلر پور تقال دخی شاه عباس زمانندن شا حسیننه کالج عجم
مشاهلری طرفندن بزه ویربله کلدی و صریحی و یروب ایلد بگر تقدیرده
نه مقدار سفینه استر سکز و پرزدیو جواب ایلد کلر نه ایچنی مرقومک
یویا بده و خصنی بولمغله در عهد ایلدی و فی الحال سفینه لری حاضر
واماده قلموب یوله روانه اولدیلر قرق الی بیگ مقداری قزلباش
عسکر دخی صوب مأمور لر بنه روانه اولدیلر بندر عباس قریبه
ساحل بحر و وصولر نده پور تقال سفینه لری دخی کلوب او محله بنشدیلر
جزیره بحرینه مرور مراد ایلد کلر نه سفینه لر اوزوینه باش بوغ اولان
قیودان و عد اولنان اچنه نیک کلدی و غن خبر الدوکی برله سفینه لر بی الارغه
ایلدوب کسنه بی سفینه لر ه المدی لطفی علی خان دخی یوله روانه اولدی و غی
برله خلا فنده اولان فرقه فرجه بولوب شاهم بحرین ایچون بو قدر اچینه
پور تقاله ویرمک مناسب دکلر بواچیه بوندن اهم بر مهمه صرف
اولسنه اولی در و بونک بر مقدار بی مسکت امامنه ویردی کمز تقدیرده
جزیره بی طرفزه رد ایلدوب مجدد اصیل و صلاح دخی عقد اولنور مثالو

سوزار بله آنچه نك دخی ویرله سی منع اولنش ابدی پور تقال قیودانی
اچنه نك كلدوكن تحقیق ایلدوکی برله کیلرینی یلکن ابدی ب دیوه عودت
ایلدی قزلباش عسکری خایب و خاصر بقعه قالدیلر آمدن میرمچود بکرمان
و محاصره و نسخیر کردن کرمان و جنگ کردن بالشکر لطفی علی خان وانهزام
میرمچود و فرارش در قندهار بوار القده میرمچود کرمانه کلوب محاصره ایله
کرمان شهر بنی و قلعه سنی الدی عجم عسکرینک فی الاصل مقصودی
یوایدی که بحرین فتحی میسر اولد قده کرمانه کیده لر واندن کرکی کبی ندارک ایله
قندهان وان لر چون میرمچودک کرمانی الديوکی خبر سر عسکر لطفی علی
خانک معلومی اولدی عجم عسکر بله سرعت ایدوب کرمانه واصل اولدی
عجم عسکری و فرت اوزن بولمغله اغوانلر ایله عظیم جنگ ایلدیلر عاقبت
غالب اولوب کرمانی الديوچود دخی منهزم اولوب قندهار جانبینه فرار
ایلدی نفاق رجال عجم در حق لطفی علی خان چون بو خصوصی لطفی علی
خان شاه دولتینه عرض ایدوب و عسکره علوفه و ذخیره طلب ایلدی
لطفی علی خانک خلافتده اولوب حسد ایدنلری شاهی اغفال ایدوب میر
مچوددن نان غنایم و اولطر فلرده ندارک اولنان ذخیره کفایت ایدردیو
شاهی اچنه ویرمدن منع ایلدیلر لطفی علی خانه کیفیت احوال معلوم
اولمچو عجم رجالینک کرماندن شیرازه کلجه هر نقدر مالکانه و چفتدکری
بولندیسه جمله سنی غارت ایدروب ذخیره لرین عسکره توجیه ایلدی
و بولدوکی دوه و سائر حیواناتی اخذ ایدوب خلافتده اولانلره رعا عسکرک
اعلوفه لرینی و بخشش لرینی دخی ندارک ایدوب توزیع ایلدی بعد عسکری
الوب شیرازه روانه اولدی شیراز شهری اصفهاندن اون ایکی قوناق
مسافه ده اولوب عجم رجالی اصفهانده لطفی علی خانک بو گونه حرکتی استماع
ایلد کرانه

۳۹ ایلد کرانه مرقومه بغض و غرض و کین و عداوتلری قات آند رقات اولدی
و شاهه واروب لطفی علی خاندن شکایتلر و اظهار نظر ایلدیلر خان
مرقوم مأمور اولدوکی جانبیه کثیوب ولایت خراب ایدرک شیرازه بو گونه
حشمت و قهور ایله کلدوغی دماغندن فساد اولدوغنه علامت در دبدیلر لکن
شاه بود فعه مرقوملرک سوزلرینه التفات ایشیوب اغوانلره غالب
کلدیغندن غایت ایله شاد و مسرور اولدوغندن لطفی علی خانک
هرند کلو جرمی و ارایسه ده عفو ایلدیم دیو جواب ویرمکه مسفورلری
اسکات ایلدی بیان احوال اعتماد الدوله فتحی علی خان و تزویرات رجال
عجم در حقش لطفی علی خانک خلافتدیر لری شاهک بو گونه مودت امیز
کلامن اشید یجک نار حسد لری ثنور سیننه پر کینلرند اشتعال بولوب
اتش غرض ایله یا توب یا قلوب هلاک اوله یازدیلر نه چاره بینه بو گروه مرده
بریره جمع و مقتضای بدنهاد لری اوزن مشورت و لطفی علی خانک علمیه نه
باش و جانلر بله حیلله ندیرلرند و ارمقدورلرین صرف ایدوب لطفی
علی خان حالا اعتماد الدوله نك انشته سی و مخصوص چراغ افروخته سی
و اعتماد الدوله دخی شاهک نظر کرده سی و معتمدی اولوب خان مرقومه
سر عسکرک ابقا اولنوب برد فعه دخی اغوانلره غالب اوله جک اولورسه
شاهک کیتیلر میل و محبتی بونلرک جانبینه منعطف اولوب بونلر بزه غالب
و سوزلری حقمزده نافذ اولوب مضر تلری محقق اولور مثلاً و سوزلر بله
بری لرینی تحریص و تحریک ایدرک حیلله بوللرند نك و تازانندیلر عاقبت
حیلله و تزویرانیه بوماده لری تشبیتی طول و درازد شوارا حل مشکل
الفصل برصورتیه افرای ایلدیلر چون بواثناده شاه حسین دخی بالحمه
رجالیه اصفهان شما پسندن اون ایکی قوناق مسافه ده واقع طهران شهرناه

مکت و اقامت اوزن ابد بیلر بوفرقه ضلالت طریق محل و مقامه مناسب
حیله نسیم ابدوب منلا باشی و حکیم باشی و ساطلر بله تشبته دوسیاق
اوزن مباشر اولد بیلر اولاسوء قصدر بنی اعتماد الدوله نانیانشته سی
و چراغ افروخته سی اولان لطفی علی خانک حقنده اجرا یه قرار و یرد بیلر
منلا باشی و حکیم باشی ایسه اندرون سرای شاهیدن معدود مقر بیلر دن
اولغله حضور شاه یه وار ملر بنه عادت امانع و مزاج اولیوب برکون
ایکپسینه پیشک شاهیده مند لر بنی چقاروب فریاد و فغانه باشلد بیلر
و اعتماد الدوله طرفندن حدود عثمانیه یه قریب محله ساکن اکراد
بکر بنه باز لاش برقطعه مکتوب شاهک الفه صوند بیلر مضموننده اوتهدن
بروبه بنده معهود و مکتوم اولوب فرصته مترصد اولدوغز خصوصک
حصولی روغال اولدی همان عجاله اوج بیک اقلو تدارک ابدوب بران اول
طهران عزیمت و وقت ایله شاهک سر ابنه سرعت ایدوب جمله عالم پستمر
راحتده و شاه و توابع خواب غفلتده ایکن سرایه هجوم و دخول و شاه ی
اخذه صرف همت ابدوسن دیو تحریر اولنش ایدی مضمون مکتوب
شاهک مفهومی اولیجق مبهوت و متحیر ساده دل اولدوغندن حیله
احتمالی فکرندن غافل نه ابدو جنگ و نندیه جکی بلدی بنه مرقومان کاو
کزار بازار حیله یه رواج یرمده جد و اهتمام ایله کوردک می شاهم معتدک
اولان اعتماد الدوله ساکنه رتبه خیانتنه جسارت ایلدی لطفی علی خانک
بو نجه عسکر بیله شیرازده جمعینی مجرد بونک را پیله در مرادی مطلق سزی
کوردلره اخذ ایتدردوب کندوسی دخی شیرازدن عسکر بیله عجاله کلوب
اصفهان ضبط و تسلطندرو بونک قیدی کورملکده عجاله بیورمکزام
مهامدندر مکتوبک حیله یا احتمالی عدم امکانه دوزیر اعتماد الدوله تک
کندی

۴۰ کند و مهر بیله اولدوغی مشهور دیگر در فی الواقع دقت ایله مکتوبک مهری
شاهک منظوری اولدقدن اعتماد الدوله تک مهری اولدوغی لاشبیه اولیجق
شاهه اعتماد کلوب در عقب قور میجی باشی بی احضار و اعتماد الدوله تک
سرمقتوعن حضور شاه یه کتورمک اوزن فرمان ایلدی قلع کردن
دیدن کن اعتماد الدوله بنفاق رجال عجم بنه مفسدان مرقومان رجبا
طریقنه سلوک بیله بنه ایزه یلر بنه استخکام و دروغ بی فروغلی کشف
اولماقی ایچون برقات لباس حیله دخی لباس ابدوب شاهم تهور بیله قتل
اولسون باری کوزلر بن چقاروق ایله اکتفا اولسون دیو نیاز مند
اولد بیلر و بویله اولسه دولتک دخی کندوسندن سوالی لازم نجه امور
معطل و بونجه مال و منال و جوهری ضایع اولماز دیو دلیل چکد بیلر
و بوا تناده هر چند که شاه اعتماد الدوله بی حبس و یا خود حضور بنه
کتورمک مراد ایلدی مرقومان دامن غیرتی در میان ابدوب شاه ی منع
و عاقبت ایکی دیلر بن چقار دوب بو حال ایله جبر ایتدیله شاه بو حالت
غریبه ظهورند کیتد کچه فکر و اندیشه بحرینه طالیدی کاه نار غضب
و تهور بیله یاندی یاقلدی کاه خطا اولق احتمالی خاطرینه خطور ایله
ندامت چکدی و بویله بر مجرب الاطوار صادق قولندن بو کونه خیانت
صدوری حیزامکا نیدردبو ملاحظه یواردی مکدر الحال و مضطرب
الاحوال اکل و شرب و خواری ترک ایدوب اول کچه کندوسن محافظه ایتدردی
و بو عجبیه تفکر بله نجه بقالیدی عاقبت عجله ایلدوکنه پشیمان اولوب
منلا باشی و حکیم باشی بی احضار و سز بنی بوماده ده غالباً خطایه سوق
ایتد بکر و بونک حقیقتنه واقف اولق اقصای مراد مدار اعتماد الدوله
کوزلر بنه نهار اولسون دبو حکم تنبیه ایلدی احضار شدن

احضار شدن لطیفی علی خان ارشیراز و حبس شدنش در شهر اصفهان
بوائناده شیراز حاکنه رقم یازیلوب لطیفی علی خانی اخذ و قید
و بند ابله اصفهان کوندرمک اوزن تنبیه اولندی شیراز حاکی مضمون امری
عمله کتورمک طرفقار بن تفکر ایلوب برکون لطیفی علی خانی آورد و سندن
خانه سنه دعوت و کند و سنه بر عالی ضیافت ترتیب ایلوب اثنای
حجبتده بر مقدار خلوت و مجلسی اغیار دن تهی قلوب شاهدن لطیفی علی
خانک حقه صادر اولان امری الننه و یردی خان مرقوم مضمون امره واقف
اولحق قطعاً مخالفت سمتن کوسترمیوب عادنلری اوزن ابکی الکرین بری بری
اوزر بنه وضع و سمعنا و طعننا دیوب امر شاهه تسلیم اولدی بو منوال اوزن
اصفهانه ارسال اولنوب محبوس قلندی دیوان کردن شاه و مرافعه
شدن خصماً با اعتماد الدوله بو ایامه اعتماد الدوله ک خلا فیکر لری فرصت
یابیلر اولد قجه اعتماد الدوله حقه نفاق و نغیبه و انواع حیل و تزویر ایلله شاه
حضورنده مدعالر بنه فروغ و تقویه و یرمه دن خالی اولد بیلر لکن شاهه
بو ماده ده شبهه عارض اولوب غرض فاسد ایلد و کنه بر مقدار میل
و یرمش ایلدی اول جلدن حزم و احتیاط و بو ماده منک حقیقتنه بعد
حراب الکوفه واقف اولمق ایچون غلبه دیوان اولسون و هر فرد بیلد و کنی
و کوردوغنی حضور شاهیده اعتماد الدوله ک مو اوجه سنه ایراد ایلسون دیو
تنبیه ایلدی چون اعتماد الدوله ک قلع اولنان دبه جهاندیدلر بنگ
یاره لری بر مقدار اوجه اولمش ایلدی بر دیوان عظیم قوریلوب انک دخی
احضاری مراد اولنوب خصماً سیله رو برو حضور شاهیده مرافعه
اولملری فرمان اولندی شاه دخی دقت و اهتمام ایلدوب ندرج و تانی اوزن
طرفینک

و تانی اوزن طرفینک سوال و جوابی فهم و ادراک ایلد و کسمع بصیرت
ایلله بود دعوی استماع ایلد مراد ایلدی دیوان قوریلوب جمله رجال
واعیان وار باب دیوان جمع اولد قده اعتماد الدوله ک دخی کوزلرین
تغلیوب کشان کشان حضور شاهیده دیوانه کتوروب برکوشده
اوتورنده بیلر چون مجلس دیولنلری حاضر و اماده اولدی شاه جمجاه
فرمان ایلدوب اعتماد الدوله فتح علی خان حقه هر فرد بیلد و کنی حضور
شاهیده مرقومک مو اوجه سنه سو بلیه و سنندی نایسه ایراز ایلد
و اعتماد الدوله دخی قدرتی مزینه سی مدافعه و حقه ایراد اولنان مو اده
علی الانفراد جوابی و ارایسه سو بلیه دیو فرمان صادر اولدی و مناد بیلر ندا
و بود دیوان و دعوی اذن عام و رخصت نام و یرلدی فعلی هذا مناظره یه
ایغاز اولنده دیو شاهدن خطاب صادر اولحق تلپس ایلپس نهاد قزلباشک
یری فی الحال یا غه قلوب میدان زورده کر بند غیرت ابله قائم و بو کونه
کفتان اغاز قلدی اولا اعتماد الدوله ک اغزندن اشوب معتمد و معتبر
ک سنه دن بو بله استماع ایلدم که اعتماد الدوله برکون شاه حسپنک پدری
متوفی شاه سلیمانک صورتا زیارتنه واروب قبری اوزن طوروب ششم
خلیظ ابله خطاب و ای شاه سلیمان شهیدی حالک نجه در بنم پدری
بی کنه قتل ایلد ک دخی اوغلاک شاه حسیننی عن قریب پدرم انتقامی
ایچون قتل ایتد رمکه صرف مقدور ایلد رم دیش نایا بو غرضنی اجرا
ایچون اگر ادبکلر بنه یازد و کی مکتوب کیجه کوندز جینده محفوظ
و کند و سنه مخصوص مهر بلیه مهورد در بونک ساخته اولمق احتمالی و امکانی
دخی یوقدرو بالئاد ولته دار مهمه مشورنلری اقتضا ایلد که کندو

دائرة سنده اولان طرف کیرلر بله مشورت وانلر ابله مذاکره و مکالمه وانلرک
راي و تدبير بله مباشرت ابدوب شاهزک دائره سنده اولان رجال دولتي
مشورته ادخال ايموب دانشموب قطعا مورد دولته قارشد در ميوب حجر
و حجر مقوله سي شاهزک دائره سي رجال و خدامي تحقير و تدليلدن
خالي اولدی رابعاً تمام ايران زمينه دائره دولت شاهيد و اقع ممالک
اهلني بر مرتبه طرفنه جذب و بند ايلش که شاهزک بر خصوص ايجونه
وقتي يعني خطي و فرماني اول ديانه وارسه اهلپسي اعتبار ايموب اعتماد
الدوله تعلیغه يعني مکتوبه رغبت و اعتبار و مضمون عمل ابدولر خامسا
کند و قيزلرني و قيزلري و اغوللري قيزلرني شاه دولته صاحب شان نام
مناسب و مملکت متصرفي اولان خانلره تزويج طرفه طرفنه جذب
ابلد و کي دماغنه اولان فساد بني وقتند اجه ايه تحصيل مکتب ايجوندو
سادسا اعتماد الدوله سني مذ هبدر از کي طابفهلر ندم عيندر و حالاً
طابفه مرقومه نك عصيان و طغياني اعتماد الدوله نك رای و تدبير بله در
دبد کده بود و غه فروغ و یرمک ايجون مهر يله مهور بر قطعه مکتوب
ايراز ابدوب سز که لزي بکری سز خوف و اندیشه ده اولميوب همان
شرواندن حرکت و روان قلعه سینه کچه واقع یرلري احد و ضبطه
مبادرت ابدوب سز بنم قرداشم اوغلي روانه خاندن بو خصوص کند و سینه
افاده اولمش اغماض العين ابدوب اوزر يکره عسکر کوند و ميه ديوتنيميه
اولمش مضمون مکتوب بوسباق اوزر تحریر اولمش ابدوب سابعاً قرداشي
اوغلري هنوز صغیر و نارسيدن اوغله قتلر ايکن انلره خانلق و يروب
بر سر حده والي نصب ابلدی تامنا انشته سي لطفی علی حافی مسکت
امامی

امامی اوزر يکره سر عسکر نصب ابدوب به نجه عسکر ندارک اولمش
و پورتقالدن سفینه لر کلوب بحر ينه نقل ابله تخليصی حد امکانه اولمش
ايکن نه بحر ينه کچدی و نه کرماندن اغوانلري تعقب ابدوب قندهان
کندی ائلاف خزينه دن غيری مملکت شاهي ني نهب و غارت ايتدر دوب
خراب ابلدی و کندی طرف کيرلري اولانلرک چفته مملکرتني صيانت ابدوب
شاه دائره سنده اولانلرک اموال و ارزاقلرينه تعرض ابلدی بوندن
ظاهر اولان بودر که بر جانبدن مسکت امامی بر جانبدن لزي و بر جانبدن
اغوان ممالک شاهي يه اعتماد الدوله رأيدله استيلا ايدوب کند و سي
تمشيت مافی الضمير ينه فرصت ياب وانلر ابله متفق و متحد اوله تاسعا
اعتماد الدوله نك بو کونه افراط اوزن کند و يه مخصوص خزينه جهينه
باعث و حالاً بو باده کمال اهتمام و حرصه بادی نه در الان انواع جواهر
والتون و کشالات و اوفادان و ذی قيم اسباب و اشيا و امتعه ني حسابدن
غيری طقوز يوز پیک تومانی مجاوز نقود خزينه سنده موجه دعو
دبد کده مواد مرقومه اعتماد الدوله نك مواحه سنده تقریر و قله بند کده
شاه اعتماد الدوله يه خطاب ابدوب بونلره دارچوايک و اريسه سن دخي
فرداد افراد ايمان ابله سکا دن شاهانم در کار در اسيدلم واقعيدني
بله لم دبد کده اعتماد الدوله قيام ابدوب تهيد کلام ابله بو کونه تقريره
اغاز ابلدی بنم شاه جهاهم مرجت کتبه فندم سلطانم خرتلري چون
لرادت شاهانه لري اقع حاله اطلاع تحصيل و حق باطلی بلدی علم
حاصل و هر فردک عالی حسن و قبحی ظاهر و اسکار اولوب معلوم علم
عالم راری بيوراني ايجون بوقرلر بني سو پلنگه تملن ابلدی چون ديدن

جهان بینلری چقارمزدن اول نبی سو پلئدی بگر اعدای بد خواهلر يك
اکاذیب واراجیف و تزویرات صریحهلرینه بوندن بویله و قوفی حاصل
ایلدیغکز بوقوللرینه نه فانه یله ویرر بور سو ایلغله زنده اولقدن
شمشیر شاهیدن قتل اولتیق بکانبست اولی وارزوی دل و دروغدر
باعث حقارت مجرد شاهمه اولان صداقت واستقامتدر یوزجه سو یلنن
سوزلر بالجمله کذب صریحدر حیلله و بهتان وافک و افترا دن عبارتدن
بیانه شروع ایلمس حیللری عیان و خدمات شاهیده طریق استقامتدن
زن مقداری عدم انحراف نمایان اولق مقرر در انحق خوفم بودر که شاهم
واقف قضیه اولتیق ندامت المنه کرفتار اولق ایله معذب ورنجیده
خاطر اوله سزو بو پنه کزی دخی قتلدن کف پدایدوب بو حال
ملامت اشمال اوزن نبی حیاته قویه سزدیو کفتار ملالت انار بسطنه
ایکن ماده متعلق جوابک واریسه انی کون لم دیو شاه جانبندن
هتاب امیز خطاب صادر اولغله اعتماد الدوله بیان کذب ماده عطف
لسان ابلدی الجواب عن جانب اعتماد الدوله جواب اول شاه سلیمان
قبری ماده سنه داتر شاهم دولت شاهیده اعتماد الدوله اولانلر
زیارت قبور مراد ابلد کارنده معتاد قدیم اوزن بالجمله قپو خلقلری ایله
معاکیدوب زیارت ایله گمشلردو بوقولکزیایسه زیارته واردکنه
قپو خلقدن غیری عجه عجه رجال دولت و علما و صاها معتلر بیه
گیتدیکم جمله یه معلوم قبره قارشوشم امیز کلام ناشاپسته می مجون بر
شخصدن غیری کسنه اشمیدی و اول دخی شقاوتی سببیه بوندن اقدام
تأدیب و قپومدن قپولمش اولوب بویله برشتی مفسدک خبر واحدی

۴۳ اعتماد سزا سندن اولور می انصاف بیور بیه حضور شاهیده بر قاج دکنک
ایله تخویف بیور لسون در حال کذب و کیملرک تحریک و اغواسی
اولدوغی نمایان اولور جواب ثانی بنم مهرم ایله شاهمک خلافتنه اولان
مکتوب ساخته دوزیرا معلوم کزدر که بر عجه زماندن برود و تمیزده پیدا
اولان ساخته جیلر فرمان و مکتوب و سکه دخی یا پوب تقلید ایدر لر
ونجه لری قتل اولوب یا لکلیه استیصال ممکن اولدی ونه بک التوتنه
تقلید ایدوب حضور بکزه کتور لردو کی وقتنه شخصص و تمیزده عاجز
قالمش ایدک بنم مهرجه تقلید لری خوش بوندن اسهلدر یازی بنم
دکدر معلوم کدر بوندن قطع نظر مکتوبیه یازمش که تاریخ مکتوبیک
ایرقمی کونی کجه سی اوج بیک دم ایله کلوب شاهک سرانی بصد سز
هدود عثمانیه جوارنده ساکن اگر ادبک لری هر نه مرتبه ده سرعت و عجله
ایلسه لرون بش کونده طهرانه کللری حدامکانه دکدر و شاهک
سرانی بصیق اوج بیک ادمک ایشی دکدر و بن دخی بونلردن خبیر
اولوب ندارک اوزن اولتیق کرک ایدم مع هذا که اول کون قوریچی
هاسنینک نبی اخذ ایلدی و کی کون اولوب برور اوند ارکله اولدم و حرمدن
طشره چقمدم العیاذ بالله بنه بوملعت اولمش اولسه وعدولر یک
ادعاسنه کون انشم لطفی علی خانیه بوفسادده یک دل یونمش
اولسم خان مرقوم بونجه مهیا مسکر بیه قرب و جوار اصفهانده حاضر
ایکن اگر اده مراجعت نه لازم ایدی حقیقتی بملک مراد بکزیایسه مکتوبی
سزه ویرندن سوال اولنسون کیمدن لمس ونه طر بقله انه ککیرمش
دشمن بیور لسون غورینه بو طر بقله واقف اولور سکر بعه واقع حال

بازوب مگر اعتماد الدوله بر کون کيفه مغلوب ابکن خلافت اولانلر
تحریر کی و بر مبلغ آنچه و بر مهلر یله مقرب و محرمی اولان خدمتکارلرینک
بری مهرینی قویسندن چقاروب بر ابکی بیاض کاغذ مهر ایوب اللرینه
ویرمش لا حقه خفی اولیه که عجم دولتند قانون قدیم اوزن اعتماد الدوله
اولانلر با جمله اموره مستقلا اولیوب کندولرینه مفروض اولان
دائرة دولتند واقع مالک اهل بسنک اموری ودعوا و نزاعلرینک
فصل و تعیینی و سایر مملکت اموری نه واریسه بونلر سپارش اولنوب
امور سایر دیر وضع بد ایدمزلر مگر که شاه طرفندن کندولرینه اول
ایشلرک کورمه سی تئیمه اولنه سفرلر اموری ایاجیلرک خصوصی
سر عسکرلرک عزل و نصبی قطع حدود احوالی و بونلرک مثال اموری
بالذات شاهلر کوروب رأبلرینه موقوفدر و اوتدن برورسم قدملری
یو ابکن بعضی شاهلر کند و توقور احتلری قیدند اولوب با جمله اموری
اعتماد الدوله اولانلر سپارش ابک دخی واقع اولغله شاه حسین دخی
یوتلر قیاس ایلر با جمله امور دولتی اعتماد الدوله سنه سپارش ایدوب
کندوسی ذوق و راحت مشغول اولمش ایدی و فی الواقع اعتماد الدوله
شاهک صادق بنده سی و هر حاله خیرخوه دولتی اولوب با جمله
امورنده اعتماد سزایر مرد کامل ایدی بنه علی هذا جواب ثالث تقریرینه
بویوزدن شروع ایلدی شاهم کند به مخصوص امورینه بنده لرینه
سپارش ایلدی و کی زماندن بر و شاهک دائرة سنده اولان رجال و خدام و
مقر بین حسد و عداوت ایدب امور دولتی کند و مه مخصوص معتدلریم
ایله مذاکره یی محتاج اولمش ایدم شاه دائرة سنده اولانلری هر چند که امور

۴۴ مهمه مذاکره سنه ادخال باش اولدم هر حاله بکار غما حسن رأی و تدبیری
قبول ایتوب دولتک فایده و ضرر بنی ارامیوب کندولری نفسانیت
ایله قضایانک عکسی ظهورینه جد و اهتمام ایدرلر دی و بوجه شاهمه
معلومدر دیوب بجه مواد بیان ایلدی جواب رابع مالک شاهیدن
بر مملکت شاهک رقمی یعنی فرمانی وارد قده مضمونیه عملده اهتمام اولنوب
خلقک امر شاهی بی یرینه کتور مکده نکاسلی و تهاونه جساوتلرینه
سبب و بنم مکتوبیه وارد قده بلا عت و بهانه مراد اولنان خصوصک
تشبته جان و باشیله قدامر هتیم ایلدک یسه باعث بودر که طرفندن
وارن مکتوب مضمونیه عملده اهمال و مسامحه ایلدک لری جنبه عندمه
شفاعت و عذر و عالت و هدایا و رشوت بر دلور قبول اولنوب امرجه
مخالف بولند قلمزنده لایحه قتل اولنجقلمر بنی یقیمتا بلوب و بر طریقیه
نجات بولیه جقلمر بنی ادراک و اذعان ایلشلر ایدی شاهک دائرة سنده
اولانلر ایسه هر بری علی حاله بر شاهدر نفع و ضرر عالم و شان و ناموس
دولت نه ایدو کتی فهم ایتوب و ارامیوب مجرد کند و فایده لری طمعیه
یو کون شاهدن بر مهم ایچون صادر اولان امره یارین مخالف امر صادر بله
کندولرندن خوف رفع و زایل و شاهی باطل و عاطل لکن ظاهرده
مصنوع و صورتامزین اکاذیب و ارا حیف کفتارلر بله خطا و غلطه سوق
ایدرلر دی جواب خامس شاهم اعتماد الدوله قیزلر بنی صاحب نام
و شان خانلره تزویج ایلدی دبد کلری واقع حالدرن بر شاهک ایام
دولتند قیزلری هم کللری اولیان نا جنس فرومایه لره و یرمک و امیدر
بولندن قطع نظر شاهک دشمنلرینه و یرمیوب خدمات دولتده

خاندان شاه جمجاهه خلوص و صداقت ايله ابا عن جد مجرب الاطوار
هدوح الاحوال قدیمی امکندر لری بکزه قیزویرد بکم محل اتهام میدر انلرک بری
شاهمک قوللری اغاسی رسم ثانی رسم میرزادرکه خدمات دولتکرده
خلوص و استقامت ايله شهرت بولمشدر و بری دخی محمد قولی خان درکه
حالاشهر شهیر اصفهان قائم مقام اولوب دولت صفویه نیک خیر اندیشی
و بودوات علیه نیک غیر نکشی شاهمک مقبول و معتبر صداقت پرور قولی
اولدوغندن حالا بوبنده لری نیک اموال و اشیای صیبت و تحریرینه
ما مور بیور مشلر درو بونلر دولت شاهیده عالی قدر و منزلت لری ایلکن
نه انکه شاهک خاطر ی بلکه قدیمی مغیر اولدوغنه دخی جواز ویره لری
جواب سادس شاهم بنم سنی مذهب اولوب لری کی الاصل اولدوغم
چله یه معلوم و دولت شاهیده سنی قوللری حددن بیرون در جمله من
صدق و خلوص اوزن شاهک استقامت پرور قوللری بیوز و هیچ بروقت
و حالده دن دکلو خیا نتمز وقوع بولیبوب مسروع اولما مشدر طرفندن
اولق اوزن لری بکلرینه یاز بلوب مهرم ايله تمهور مکتوب دخی ساخته دن
مضمونی تزویر و بهتان و افک و افترا در اعمال دوله نصب اولندوغنه
لری طایفه لر بنی عصیان اوزن بولدم طوایف مر قومه نهایت بمالک
ایرانده کوه البرزکی جبال رفیع التلال صعب المرور دشوار الوصولده
ساکن اولملر بیه انلرک صیبت و ر بطی لاجرم حسن ند بیر ايله گاه قهر و گاه
استمالت طرفقنه موقوف اولوب اسلاف ذوالابصار بکتر زمانلرنده
انلر عاقار شوحد و دلرده بر قاج بیگ مرتب جنگجوی عسکر حاضر و آماده
طور دقلرندن ماعد استام عباس انلر خزینه دن سنه ده بیگ بد پیون

قومان

قومان اچیه تعیین ایدوب کند و مملکت لری نینه کند و لری بیه ضبط ایتدرد ب ۳۰
واقتمضا ایلد کچه بو تقریر بیه طرف اخره دخی بر مقدار عسکر بیه امداد بیره
حاضر اولور لری الحاله هده کرک اول سرحد عسکر نیک علوفه لری
و کرک لری کیلرک اچیه سی بهر سنه خزینه شاهیدن اخراج اولندوغنی
معلوم کزدن لکن اول اچیه محلینه وار میوب شاهک دایره سی رجالی
پنلر نیک تقسیم اولندوغنی دخی معلوم کز اولسون طوایف مزبور نیک
صیب عصیان لری بودر سنیا لک تقریر بیه بنم ايله اتحاده دآرد عوالمی اولسه
کچن سنه تا دیپلری مراد اولنوب اوزر لر بینه کوندیر لان عسکرده
هر عسکر اولان اوز فرزندشم اوغلنی قتل ایتمز لری و اول ائنده عصیانی
اونکاب ایدن طاغستان بکلر نیک رجال بیه شمخال بکلر ایلچی کلوب
مومی الیه شمخال اطاعت زدن رو کردن اولما مغله طوایف مر قومه ايله
صلح و صلاح عقیدینه توسط و جرملری عفو اولنوب رای کاغذ لری
و یرمک نیازنده اولمشلر ایدی لکن بو خصص دخی ساخته و کندو
مصباح تلری ایچون حمله و خدعه یه مبنی ایدی زیر اوختان خان کورجستان
و الپسی بولنوب طوایف لری کی اینه عادت مسنره لری اوزن کورجستانی
نه ب و غارندن بران خالی اولیبوب عاقبت بالجمله کورجستان خلقی اتفاق
و نفیر عام اولوب هنگام شتاده لری کیلر طاغلردن زللی احیانده وختان
خان رای و تدبیری اوزده الشمسی شمس بیگ مقداری عسکر لری کیلر اوزرینه
وارمغه حاضر و آماده اولدقلر نی لری کیلر خبر الد قدیم بو غایله نی دفع ایچون
صورتا صاحبه رغبت و رایه طلب کوستر مشلر ایدی وختان خان دخی
وار قونیه تدارک کوروب حاضر و آماده و مباشرت اوزن اولدوغن

حضور بکنه عرض و اعلام ایلد کده رجال دولت مشاؤون ابدوب فی الواقع
وختان خان صرف مقدور بده طاغستانه طفر بولوب اخذ و ضبط
ایده جک اولور سه اندن محفل اولان ضرر و زیان لزر کیکلرک ضرور ندن
اشددر زیرابونجه ممالک ضبطنه کیروب مسقوابله همجوار اولور ادنا
بهانه ایله طرف دولت شاهیدن رنجیده خاطر قلنسه اطاعتدن چقوب
هم این مذهب اولان مسقو کفره سیده یکدل و یک جهت دولت
شاهی بی اتعاب ایللری مقرر در مثالو ترهات و صفری و کبری دنصکره
منلاباشی و حکیم باشی الصلح خیر دیوب ایچی دخی گلش طالب اولمش
بولنغله صاحبه جواز و در عقب چپار ایله طاغستانه الونک رای کاغذ لری
ارسال و وختان طرفنه دخی اید و شد بد رقم یاز بلوب مضمونه سنکه
وختان خان کورجستان و الیسی سن رقم شاهی سکا و صول بولدوغی
یرله طاغستان سفر ندن فراغت و بر بهانه ایله اول جانیده عزیتدن کف
عنان عزیت ابدوب زینهار و زینهار رقم وصولنده اتنه سوار اولمش
بولندک ایه اتندن ایند سن یولده بولند یغک تقدیرده در حال رجعت
و مقابله ده بولند و غک تقدیرده دخی شمشیر یکی نیامنه ادخال اید سن
ولز کبلره بر در لور رنجیده یه جواز کوسترمیه سن زیرا طرف شاهیدن اول
طوایفه رای ویرلشدرد یویاز بلوب چپار ایله کال سرعت اوزنه ارسال
اولمش ایدی وختان خان واقف احوال اولیحق بولکونه ندرک ایله
فرصت فوت اولدوغندن منکسر خاطر عظیم تا سف ایله بردخی عجم
شاهلرینک دشمنلرینه قلیچ حکمیه جکنه علی ملاء الناس بین ایلدی
وفی الواقع عینده صادق اووب من بعد شاهلره خدمت ایددی ازین جانب

شمخالک

شمخالک ایچینسی رای کاغذ لری الوب طهر اندن طاغستانه روان اولدی
پر فجه مدت مرورنده سائر قبایل بکگر ندن دخی ایللر کلوب شاه عباسک
قانونی اوزن وجه معاشلری طلب ایلد کلرند نوروز سلطاننه
دیوان عیدده طقسان دورت قیایل بکگرینک ایللری صرملر بی و رای
کاغذ لری الوب کتد بیلر جواب سابع قرند اشلم اوغلرینه صغیر لریکن
خالق و یروب بر منسوبه کوندردیغم واقعدر خاللق قانون دولت اوزن
خازنده لره طرف شاهیدن احسان اولنه کلشدر نیم بدغم دکلدن
منسوبلرینه کتد کلرند یانلرینه عاقل و مندر کتخد الر تعیین ابدوب
ظلم و تعدالر ندن و ناهموار حرکتلر ندن بوانه کلجه شکایت ایش بر فره
دخی یوقدر جواب نامن انشتم لطفی علی خان سرعسکر اولوب بحرین
جزیره سنه کچمدی و مسکت امامیله مقابل اولدی زیرا شاه عباس
کوننده پورتقالک اخذ و ضبط ایلد و کی بر لری تخلص ملاحظه سیده
انکیز و فله مک سفینه لری ایله پورتقال اوزرینه سفر اولنوب پورتقال
غالب کلکله قبضه تصرفنده اولان بر لری ردومن بعد در یادن مرور
و عبور ایدن تجار حیره تعدی ایلماک ایچون سنه بسنه خز بنه دن بیک
پشیوز تومان اچیه ویرلک اوزن معاهده اولنوب بزم و قتره کلجه و بزم
زمانزده دخی بر قاج سنه لک صره لری ویرلدی کوه و دیو قیودانلر بنه
خبر کوندروب کفایت مقدر سفاین رجال ایلدیکزده اجرت و صرملر بیک
بقیه سن طلب ابدوب طرفر دن دخی وعد اولنغله عهد و فایرله بلا عوق
و تاخیر دویتما کوندردیلر اجاره لری و بقیه صره لری خز بنه دن
هر از و اخراج اولنوب دایره شاهیده اولان رجال معتاد لری اوزن

خلافه ذاهب و دلائل و برهان را بر آید و ب مبلغ مرقومك اصفهان در
چشمه سنی مناسب کور میوب شاهه منع ایندردیلر پورتقال دونمائی
واقف قضیه اولیحق خدمتدن روگردان اولوب یرلر پنه عودت ایلدیلر
شاهم خز پنه دن چقان اچیه محلنه واصل اولماز پورتقال دوتماسی
دفترلر پنه نظر بیورد آره کرجالی پینلر تدهانی دخی تقسیم ایدوب اکل و بلع
ایلد کلمری فی الحال معلومك اولور لطفی علی خان سقینه سز بحر پنه
یکمک ممکن اولدی کرمانه سرعت ایدوب میر محمودی بوزدی و قوودی
کرمان یولیه تعقب ایلک خدامکانه اولدی بریه و چول اولوب چوق
مهماته محتاج ایدی بوملاحظه ایله شیرازدن معمور یول ایله کتک مراد
ایلدی عسکره علوفه وزاد و ذخیره و مهمات سقریه مصر فی ویرلمکه
رجالک مانع اولوب عسکر بولدوغی یردن المغه مجبور اولدی اعانتلری
ایچون بن دخی مالمدن اوج بیگ دوه بوکی پرینج کوندر مش ایدم جواب
تاسع ایام دولت شاهیده وافر خز پنم وارد ایاغنی جدخان زاده خان
اولوب اقربا و تعلقاتدن ارثیه و شاهم امور عظامی بو قوللر پنه سپارش
بیور مغله وافر خزینه یه مالک اولدم انجق طلبا و جبر ابر فردک حقن
المدم و کندیدن کسنه بی شکایت ایتدومدم دیومواد مذکور بی وجه
مشروح اوزن اعتماد الدوله تقریر و شاه سکوت معامله سیله دقت اوزن
استماع ایدوب حقیقت حاله واقف اولدی کندویه ندامت و پشیمانی
ال و یروب کوزلرندن یا شاران کی دو کیلوب سیلان اولدی صداقت
و خلوصنی در خاطر ایدوب رقت قلب ال و یردی اصلحه دیواندن قلقوب
عجالة دفع مجلس ایلدی فی الواقع دولت شاهیده بوبله بر کامل صاحب
رای

۴۷ رأی و تدبیر کسنه گلامش ایکن بونک دخی حالی بوبله اولیحق افتاب
دولت شاهان قریب غروب ایدوکی تقدیر یزدان طاهر و اشکار اولدی
شاه حسین بی چان نان و نعمتیه پرورده قلدیکی خدام خذلان انجام
شرلر پنه اوغرادوغنی یقینا بلدی و بالجمله دعوا و نزاعلری اغراض فاسده دن
کنایه و افک و افترا دن عبارت ایدوکنی بالمشاهده اذعان ایدی و باعث
فساد اولنلرک حقلرندن کانون جزالری ترتیب اولتمقد جان و دلدن
سعی و اهتمام قلدی و من بعد اعتماد الدوله بی پنه بو حالیه خدمتنده
استخدام و بالجمله امورنده استقلال و یرمک مراد ایلدی لکن گروه
ضاله قوی الاتفاق اولوب شاهک مقصود بی لغو و ابطال ایچون پنه
براهین اراز و سندن ات و دلائل احراز ایدوب نه مفسد لرک جزاسی
رتیبی ممکن و نه اعتماد الدوله ناک مقام اولده قیامنه تا ایل و نه کندو
ولا پینده کوشه و حدتده از وایه راضی اولوب بالاخره شیرازه نغی
و کوز حبسندمه اولوب هیچ بیگانه دن بر فرد یا ننه وار مامق و سو پلشمامک
اوزن اجلا و یومیه اللی تومان اچیه ایله متقاعد اولدی بعده میر محمود
اصفهانه وصول بولدوغی برله اغوانلره وصول مپسر اولسون دیو
قرلباشلر زهر لیوب قتل ایلدی لمر اعتماد الدوله شیرازه نغی اولند قدده
داماد لری اولان میر زارستم و محمد قولی خان شاهک مرغوب و مقبول
الطوار قوللری بوانغله عرض و ماللر پنه و منسوبلر پنه تعرض اولنمیوب
سائر ارباب اسنشان سنک اموال و اشیا لری مصادن و کندولری حبس
و مناسبلری دیگرانه توجیه و کماه اطلاق و مال و منال لری رد اولنوب
انجامنده مناسب طلبندن و اموردن بالکلیه کف پد ایللری شرطیه

گوشه انزو اکنند زینه مقام استقرار تعیین اولندی بیان کردن احوال لطفی
 علی خان خان مرقوم اصفهان که حبس ایکن علیل المزاج اولدی شاه
 طرفندن مخصوص طبیب تعیین اولنوب نصیح مزاج ابلدوکی برله
 محاسبه سی کور بلوب عسکر ک غارت ابلدوکی اموال و اشیا تضمین و ولایت
 تقاعد فرمان اولندی لکن جهات اربعه ده اعدای دولت حرکت در
 مرقوم لطف علی خان رنجیده خاطر قلندیکی حسبیله انلرک بر بنه لاهق
 اولمق سوداسنده اولور احوالیله رجال دولت طشره کتسنه جوان
 و یرمیوب نینه اصفهانده اقامت ابلدک اوزن کند و سنه تعیینات و یربلوب
 کوز حبسنده اولدی چوق کیمیوب اصفهان محاصره سی روخا اولوب
 بخت برکشته دولتک احوالی مشتد اولمق جمله نیک اتفاقیه اغوان
 عسکر یله مقاومت سیه سالار نصب و تعیین اولمق مراد اولندی وقتی
 کچدی و عسکرک قلبینه خوف طاری اولدی بوند نصکره بو خدمتک
 عهده سندن کله م دیواعتدار و ماجرای ذکر و یاد و علت و بهانه
 ایدوب بر طریقه قبول ایددی میر محمود خان مرقومک احوالنه واقف
 اولوب محبوس ایدوکن بلش ابدی اصفهانده طفر یاب اولدوغی برله
 کتوردوب اکراملر ابلدی صاحب نام و ستان اولغله خان مرقومدن
 اغوانیان زیاده خوف و وهم اوزن اولدقلرندن غیری موقوف تقریبه
 شاه ورجالدن رنجیده خاطر اولمش بکاصداقت ابله خدمت ایدو
 ملاحظه سیه میر محمود کخدمتده استخدام مراد ابلدی بوجمله برله نینه
 اجناسی قزلباشلرهمیل و رغبتی غالب و طهماسیه وصوله تشنه اولغله
 برکون اصفهانندن فرار ابلدی در حال میر محمود آگاه اولوب مناد بلر
 ندا

۴۸ ندا ابدی و عد و وعیدلر بله اخذ نینه تقید تام ایدوب آخر کار جوار
 اصفهانده بن اصفهان نام قصبه ده قزلباشلر طوب اظهار صداقت کاذبه
 و ملاحظه انعام سو قیله کشان و کشان قید و نید ابله میر محمودک حضور نینه
 کتوردیلر اولدخی امان و یرمیوب قتل و لاشه سن دورت شق ابدوب
 دورت یول اغزلر نینه براغوب اغوانیان کورد که شرنندن امین اولد بلر ابحق
 مقتول مرقومک اوغلی طهماسب ابله معافرا ایدوب بر زمان یاننده شهرت
 یولمش ابدی غفلت اولتمه که اقطار شرقیه ده واقع مالک و بلاد و قری
 و اول جوانب بریه لر نده ممکن اجناسی ناس و قیایل و عشایر و سائر طوایف
 مختلفه خلقی خلقت و جبلتلی مقتضای سجه اقطار غریبه ده ساکن
 و ممکن اولان اجناس ناسه خوریزلقه و غدر و ظلم و جورده بالطبع
 غالب و غایت ابله بی رحم و بی مروت ظالم و غدار لر در جنه کیز خانک مالک
 ماوراء النهره استیلا سی و هلاک و خانک خلفاء عباسیه دولتمه
 غلبه سی و نیورک زمین ایران و غیریه تغلی حد و حسابدن بیرون
 نفوس بشرک تلفنه بادی اولدوغی بو کافی دلیلدر عجم دولتمه دخی
 عجم دوائی خلقی همان بونلره قیاس ظلم و غدر و شقاق اوزن مجعول اولوب
 کرک اعناده اوله فتح علی خان و کرک انشته سی لطفی علی خان سرکزشتملی
 مجرد عجملرک زویرانی اولدوغندن ناشی بو قدر ابله ترتیب جزالنده اکتفا
 اولمش ابدی و الا حقلر نده ساخته قلد قلمری تر و یراتک ذره مقداری
 صحیح اولمش اولسه نه انکه قوم بی رحم قزلباش مرقوملری حیانه
 قویه بلکه اشده عقوبت ابله قتلدن غیری اولاد و انسابلرینی دخی معتاد
 ناشایسته لری مقتضای سجه خلاف طبایع ملل عالم استیصال ایدر لردی
 وانلردن بفر دقومانلردی نهمه در بیان بقیه احوال لطفی علی خان بالاده

اوزن وقتا که سر عسکر لطفی علی خان شیرازدن اصفهانه احضار اولوب
حبس اولندی شیراز جانبنده اولان طوایف عسکر اشیدوب مهیر
اواد پلر نه کند ولر بنه باش بوغ اولوق ایچون دیکر سر عسکر کوندردی
ونه زاد و ذخیره و علوفه لر بنه دائر امرار صادر اولدی کندولری من بعد
نه بوزدن حرکت و یا سکونت ونه ایشه مباشرت ایدر اچکری نی مشعر
یرکاغد وارد اولدی بر مدت انتظار ایله بعضیلری و همه تابع اولوب فران
یوز طوتد پلر عاقبت اعتماد الدوله فتح علی خانک دخی احوالی معلوم
و مسعود علی اولی حق و عسکره صاحب چقار کسنه بولند بختدن جمله سی
پریشان اولد پلر باش سز بوغ سز مرور و عبور ایلد کیری و لا پتلمری یقرق
یقارق چقوب کتد پلر عسکرک با حمله پریشان اولدوغن اصفهانده رجال
دولت استماع ایلد که خط ایدوب ممنون اولد پلر زیار بر قاج کون
اول عسکر لری خصوصاً پلر نه مشاونه اولنوب بعضیلری سر عسکر
کوندربلوب علوفه لری و تعیینات لری ویریلوب کله جک یاز ایچون
حاضر و آماده بولتله لر نی مناسب کوروب شاه دخی دورا یه تابع اولمش
ایدی لکن بنه شقاق و نفاق عادت لری نی رک ایتیموب بر بلوک رجال بوبله
رأی و تدبیر ایتد پلر که اشیو ایام شتا حلول ایدنجه بوجه عسکر
علی حاله قلوب بسلند بکی تقدیرده کز شتد علوفه لر نی وزاد
وذخیره لر نی و سائر هنکام شتاده محتاج اولد قلمری حوا ایچلری نی طلب
ایدوب بوجه مصارف اقتضا ایدر حال بو که کلچک یاز دخی بلکه
نچه زمان مرور بنه دکن عسکره اجتیا حیز اولماز بوبله اولنجه اتلاف
نخز بنه دن غیری بر شیبه مؤدی اولماز اغوان عسکر لری کرمانک منهرم
اولوب

اولوب کتدی بر نچه زمان ابقلمنه مر بخاری اغواندن دخی رای طلبی ایچون
ایچی کله جکدر لری کی طایفه لر بنه جمله رای ویرلدی و ختان خانک دخی
عسکر لری طاعندی مسکت امامنه بر مقدراقچه ویرا کله بحر نی تخلص
ایدنرز بوجه اوزن سهولت ایله هر ایش وجوده کلور صاند پلر فساده
مباشرنلر نلر نه چوق احتماللر ویرد پلر خیر لو مصاختر نلر صرفه زهن
دخی ایتد پلر ایچامنه اعتماد الدوله حقند و اقع فضا احتلری و سر عسکر
لطفی علی حانه اولان حقار نلری و وختانک دلکیر اولوب یین غلیظ ایله
امداد لر نلر نه چکلد بکی حالی با خصوص عسکر لر یینک بو گونه رسوا بلاق
ایلر پریشان ویرا کتد ورنجیده خاطر اولوب الان مالک عجمه بریرده
حاضر و موجود عسکر اولدوغن جواب اربعه ده اعدای دولت لری
خبر الد قلمری کی بو فرصتی کندولر بنه غنیمت عظمه ایدر پلر شاه ورجاله
اولمش اوله جق همان بز ایشیزی کون لم دید پلر فعلی هذا طاغستانه
واقع طوایف از کیان بکری بری بر لر نی تحریک و ترغیب و جنسز دن
اولان اعتماد الدوله نک قزلباشلر نه غما اصلی از کی و مذهبی ستی اولد و غیچو
کوزلر یین چقار د پلر دیوتهویج و محرک فتنه ایدر رک بر قاج کون ایچنده بر عظیم
جمعیت پیدا ایتد پلر اول بهار اولدوغنی برله عجم مملکت لر بنه افرین ایدوب
نچه نچه لر لری غارت ایتد پلر عجمک مدافعه ده اقتداری اولدوغن
حس ایتد کلمری کی اتفاق اوزن شروان اوزوننه هجوم ودار ملکی اولان
شماخی شهر نی اخذ و ضبط ایدر قار شولر بنه چقان قزلباش عسکر لری
قلیل و باش بوغ سز اولوب قلیچدن چور د پلر میر محمد دخی شروان و شماخی
لر کپلر دن ضبط اولدوغنی استماع برله غیرت و حجت طبعند حرکت

وکنند و بیه عظیم قلب قوت حاصل اولوب ز حال واعیانی جمع و مشورت
ابدوب اعتماد الدوله و سرعتر لطفی علی خان عجم عسکر بنگ پریشان
اولدوغنی حالی باخصوص از کیلرک شروان اولکه سنی ضبط و حالاً سائر
عجم دیارینی نهب و غارت مشغول اولدقلرین جمله یه عرض و افاده
ایلد که جمله ننگ دروننده غیرت و حجت هیجان و حرکت ایدوب یکدل
ویک جهت دیار عجمه افنه رغبت و بوعزیتلرند سرعت و مبادرت
ایتد بلر وار قونلرینی بازویه کتوروب عسکر جمع بر قاج کون ایچنده
تدارک لرین کوروب حاضر و آماده اولد بلر بیان ظهور علامات سماوییه
وارضیه فی الدوله الصفوییه بیک یوزاوتوز دررت سنه سنه خطه
نبر یزده عظیم زلزله واقع اولوب شهرک اکثری بناری منهدم اولدی و بجه
زمان امتداد اولوب سکسن بیکدن زیاده نفوس بشر و زمین هلاکه
متواری اولدوغنی شاهه عرض ایلد بلر اصفهان شهرنده ایام صیفه بلوت
نادر کورلمش ایکن اول سنه ده اصفهان اوزرنده طومان و بلوت برکون
اکسک اولدی کونش طلوع ایلد و کی وقتلرده افق اصفهان قان کبی
قزاروب کورینه وردی شاه حسین طهر اندن اصفهان کلوب شهره کیرد و کی
کونده ایش پارسه سی مثل او بر بلوت کند و سنی احاطه ایش ایدی مجملری
بو کون علامتیم جوانب اصفهانده مثال انهار سیلان دم و وقوعه دلالتد
دیو خبر و بر مشلر ایدی عزیت کردن میر محمود بجانب سلطنت کرمان
چون میر محمود ممالک ایرانه اقبین تدارکن کوردی شدت شتا و صوت
سرمایه بقیموب صوب مقصودینه متوجه اولدی کرمان اولکه سنه
واصل اولوب شهر کرمانی دخی محاصره ایلدی بر قاج کون نصکره درون

شهرده

شهرده موجود ایش پرستان کرمان شهری ویره ایله میر محمود تسلیم
ایلد بلر لکن قزلیاشلر بناسی برمتین قلعه سی اولوب قلعه ده متانت
وزاد و ذخیره لری و فرت اوزن بولمغله دروننده موجود لشکر قزلباش
کمال کر میت ایله جنکه اقدام ایدی بچک قلعه فتح و تسخیری طول و دراز
محاصره یه محتاج اید و کن اغوانیلر فهم و ادراک ایلر بله کندی احوال لرینی
مشاؤون دن نصکره بر مقدار اغوان عسکرینی محاصره ده قویوب سائر لری
هنوز اصفهان غفلت اوزن ایکن الغار ایدوب اطراف و کنافنی غارت ایلد
اوزن قول و قرار و پرد بلر تا کم بوعزیتلری حصول پذیر اولد قده کرمانه
عودت ایدوب کرمان قلعه سی دخی اول مقدار زمان مرورینه دکن زاد
و ذخیره لری فنا بولمق مضایقه سیله فتح و تسخیر اولنوب من بعد اغوانلر
قندهان عودت ایدوب بوضورت اوزن کندولرینه متانت و استحکام
و با جمله اسباب سفریه لرینی انده تدارک و جمع ایدوب مراد ایلد کوری
محلارک نهب و غارتنه کرماندن مباشرت ایدلر و کرمانی کندولرینه مرکز
حصن و ملجا و مقر ایدینه لر دیوند بیر ایتد بلر پس کرمان شهرندن
اصفهان شهرینه بکرمی بش قوناق مسافه اولوب وقتا که عجمک بریده
موجود عسکر لری اولدوغنی و هنگام شتا اولمغله عجمه دخی عسکر تدارکی
ممکن اولدوغنی میر محمود یقیناً خبر ایدی کرمان قلعه سی محافظه سنه
کفایت مقدار لری عسکر قویوب کرمانه و چایک سوار عسکرینی انتخاب
ایدوب اصفهان جوانبینی نهب و غارت ایلدک سودا سیله کرماندن سرعت
و جانب اصفهان رهرو بر اه اولدی و خفی اولمیه که میر محمود بوندن اسبق سر
عسکر لطفی علی خان مغلوب اولوب منهنز ما قندهان فرار ایلد کند نصکره

میرم قوم نچه زمان مرورینه دکن کرمانه کله چکنه عجم زجالی قطعاً حمال
ویرمدوکی کی میرم قوم دخی کرماندن اصفهانه کلوب اصفهانی قبضه
تصرفه کتورمک و عجم شاهنی طوتوب صاحب تاج و تخت اولق فکر
وملاحظه سی میرمچودک واغواندن بر فردک خاطرینه دخی خطورایتمش
برمعنادکل ابدی انجق میرمچودک ویا جمله اغوانک مشاونه ابله صورته
افراغ ابلدکاری مقصودلری بوبله ابدی که ایام شتاده علی الغفله جوانب
اصفهانی غارت ابلدکاری تقدیرده اولاغوان عسکری غنیت عطیه
تحصیل ابدلر ثانیه ایام شتاده اطراف غارت ابلدکاری سببیده عجم خلقنک
قلوبنه نوعا خوف دوستوب کله جک یازین کرمانه اولان اغوان اوزرینه
عسکر کلی ندادارکنندن عاجز اولور لر واغوانلر بو تقریبه فرجه بولوب
کرمانی الوب وقتیهله کینلری محبوب قلعه یه لوق ممکن اوله وسائر استحکاملرینه
وعجم عسکری کلدوکی صورنده مقاومتنه لازم اسباب ندادارکیله اقتدار
حاصل ومن بعد کرمانی ککندولرینه ملجأ ومرجع ابدینوب محل
مزبور دن تشبیت مافی الضمیرلرینه بو طریقیله سهولت حاصل ابدلر
ومحل جمعیتلری ومقسم عسکرلری بوندن بوبله کرمان اولق اوزن اتفاق
واندن شیراز ولار اصفهان جانب لری نین ابله تضییق ابلکی نصیم ابلشکر
ابدی عزیت کردن میرمچوداز کرمان بجانب اصفهان وفرستادن خان
هویره از جانب شاه برای تجسس احوال میرمچود وخروج لشکر عجم از
شهر اصفهان میرمچود کرمانی محاصره ابلدوکی خبر سمع شاه ورجاله
لاحق اوله جق سکز بیک قزلباش عسکری ندادارک اولنوب هویره
خانی کندویه مخصوص بش بیک قزلباش عسکر بله کرمان طرفلرینه

کوندردی

کوندردی نام اولو الیده برمناسب محله مکث وکندولرینی کرکی کی محافظه
ایله مقید اولوب اغوانلرک واقع حالن حقیقتیه تفتیش و تجسس ابدوب
اصفهانه عجاله بلدون وکندوسی اولجانبه توقف ابدوب اصفهاندن
کرکی کی مهمانله عسکر کثیرورودینه مترقب ومنتظر اوله هویره خانیهله عسکر
قزلباش عازم راه اولوب اثنای راهله میرمچودک عسکر کثیر ایله کرماندن
قالقوب شدت وصولت ابله جانب اصفهانه متوجه ووصول مرامه کمال
کر میت ایله صرف مقدرده ابدوکن خبر ایجق عسکر قزلباش مقاومتنه
واول حوالیده مکث ورامه جرأت ابدی میوب بوخبر ابله رجعت و عجاله
اصفهانه کلوب واقع حالی بلدرد پلر تحریر و تدارک کردن عسکر در شهر
اصفهان برای مقابله بالشکر میرمچود بوخبر ملات اثر شاه ورجال
وناسک مسوعی اولیجق جمله یه عظیم وحشت ودهشت ال ویروب تحیر
اولد پلر و عجاله عسکر ندادارکنی مراد ابلد پلر اکن جمله وهمه دوستوب چندان
عسکر یازلمغه رغبت ایتدی لر کورد پلر که ایش ایشدن چمکه قریب اولدی
خزینه دن وفرت اوزنه لچه چقاروب اون کون مقدار زمان ایچنده لچه
قونیه نفس اصفهاندن خپلی عسکر ندادارک ایتدی پلر و عجاله اوزنه اصفهاندن
چقوب دورت ساعتک مسافه ده واقع کلنا باد نام قریه ده قونوب
اوردولرینی قورد پلر اعتمادالدوله فرق الی بیک عسکر وهویره خانی
دخی وافر عسکر ندادارک ابدوب برکروه عظیم اولد پلر نچه نچه خانلر و بکر
وسردار و ضابطلر جمله سی معاشمت عظیمه ابله اصفهاندن چقوب برده میت
دهشت خا اولد پلر کثرت وفرتلرینه الد انوب عظیم غرور ابله مغرور و بو
حال اوزنه اغوان عسکر ندادارک و مننه اشتیاقلر اظهار ابدوب منتظر

۱۰

اولد بيلر و عجم عسکر نندن بر فردانهم احسان و بر ميوپ مسافه بعينه دن
ککش تعب طريق ايله زده نيمش عشار و قبا بيلدن مجمع عسکر عجمک
قواناد مج دو باس شند بید عسکر جنگ جو بيله مقاومته قدرت نه احتمال دور
واغواندن بر فرده پنجه زور بزدن سلامت ورهانه بکنند رد بويينلار نه
شاعرانه واد بيلر و نکته اميزا بيتات و اشعار کفتاری رايح اولوب حنی
هويزه خانی شاهم مير محمودی دیری طو توب اول نابکاری کشان کشان
حضورينه کتوريم قندهار سمتنه قاچسه قاچه مر عثمانلويه فرار مراد
ايلسه دخي تازی سواران عرب تعقب ايدوب المدين خلاص اولماز ديو
وا فرلاخی کراف سو بلمش ایدی قدوم لشکر مير محمود در جوار اصفهان
ومشاوون کردن رجال عجم برای مقابله بالشکر اغوانيان ايکی کونند نصبره
مير محمود عسکر بيله کلوب عجم آورد و سنه قارشو بر ساعتک مسافه مقداری
برده عسکر نيني قوندوروب آورد و سنی قورودی عجم عسکری رؤسایسی
مشور تبار ايتد بيلر چون عسکر تدبيری اعتماد الدوله يه وهو يره خانه
سپارش اولمش ایدی حرکت کتار بری برلرينه مخالفت اوزن اولد بيلر
بعضی بيلری متر سار یا پالم اطرافره استحکام و يره لم کنند و من اغوان
اوزر بنه کنيوب انلرک کليسنه متر قب اوله لم و اگر اغوان عسکری اوزر بنه
کليوب اصفهان شهرينه وار مق قيند نه اولور سنه بز عسکر بيله تعقب
ايدوب اصفهانلور دخي قارشو چقوب ما مولدر که ايش اسان اوله
وال حاصل بزه توقف مناسب تام طشره دن امداد بيلر کلوب بر طر بقله
اغوانلری قوشادوب بر محله محصور ايدوب و زوب بيله اولد قندهار خيره ل بنه
ازمدتد قلت اکلوب کسه لر بنه واقع جنگلری دخي ساروب بند ايدوب

بر فرد

۵۲ بر فردانهم دن خلاص اوليه بعضی بوي تدبيره قابل اولميوپ نام شان
کسي دعوا سنه دوستد بيلر بوي بيله باغی هندی خزانلرينه قارشو متر سه
کرمک قند بدن بر و عالمه متوار شهر تزی محو و لغوايتمکد روعرض و ناموس
دولتی اضمحلالدراچقدن بونلرک اوزرينه واروب عسکر جنگ جو بيز
جمله و جو مننه بو کونه عسکرک مقاومته اقتداري نه احتمالدر ما مولدر که
همان وهله اولاده لشکر دریا خرو شيزک حرکتی کوروب قراری فران
تبدیل ايدلر و کلدکاری بونی بوله ميدهل مقابله کردن لشکر عجم بالشکر
اغوان وانهم شدن لشکر عجم بوند بيرک اريابی غالب و ملغله بوجه اوزن
حرکتته ميل و رغبت ايدوب همان منجملر بر شرف ساعت تعیین
ايلسونلر ديو خبر کوندر د بيلر انلر دخي بازار کونی وقت ظهرده جنگ
مبارکدر ديو عرض ابلد بيلر بوا تاده طشره دن بر مقدار عجم عسکری
امداده کليور ديو خبر ککش ایدی انک دخي ورودينه توقف مناسب
کور لميوپ و نام و شاتلر انلر ايله شرکته جواز و بر لميوپ وقت معينه
دخي فوت اولينه ديو يوم معهودده اوله دن بر ساعت اول قوللر اغاسی
اولان مير زرستم قولندن اغوانلره جمله اولتوب جنگه مباشرت اولندی
من قوم مير زارستم نقشنده شجیع و بهادر اولوب ياتنه ما مور قزلباش
عسکری و قيو خلقندن غيری دور تيوز کوز بيله منتخب کورجی عسکری
اولوب جمله دن اول اغوانک بر جانی اوزن هجومه اقدام ايلدی علی مردان
خان دخي بشيوز کندويه مخصوص کز بيله عسکری و سار مير بدن
محرير اولنان عسکر ايله و سائر خانان و ميران و ضابطان قول قول
جمله ده سرعت و مبادرت ايدوب ناره قتال شدت اوزن استعمال بولوب

عجم عسکری مبادی حریبه بر مرتبه ده سعی و کوشش قلند پلر که اغوان
عسکرینک بر جناحی اضحلاله قریب اولدی حتی هویزه خانی اغوان
عسکرینک بر جانبی منهزم اولدوغن مشاهده برله عرب عسکر بله
اغوانلر اوردوسنه سرعت ایدوب اوردولرینی غارت و یاغما و روایتلری
اوزن میر محمد کون ایچی قومن مقداری نقود التوتنی فبضه تصرفه
کوردی میر محمد بو حال ملالت اشتمالی مشاهده ایدیمک دروننه خوف
وهراس عارض اولوب فرار قیدنده اولدی صباغ قول صول قول
سردارلری اولان امان الله و نصر الله یانه شتاب ایدوب نجه نجه ایات
قرآنیه و احادیث نبویه معنالی نی ذکر و یاد ابله پند و نصیح و تقویه
ویره رک پای فرسینی قید و بند ایدوب پابند سیندا اختیار ایتدیلر چون
قلبکاه عسکر اولان سردارک سپنه سنده هیجان واضطراب بر مقدار ارام
وسکونت بولدی مین و مپسرو میانه ده واقع عسکر دخی غیرته کلوب
جانب قزلباشه قصد و عزیمت و صرف مقدور و مکت ابله مردانه
جنبش و حرکت و جان و دلدن جمله سی سلامتلی فکر و اندیشه سیله
بو خطیره عظیمه و کرداب مهلکه دن ساحل سلامتته وصول امید یله
قهر و تدمیر اهداده بذل قدرت و تعب و شدت حرب و قتله تحمل
و مضارندن غیری چاره اولدوغن ادراک ایتدیلر بو اثناده اتفاقا
عساکر عجمک قلبنکاه اولان اعتماد الدوله اوزرینه بر مقدار اغوان عسکری
سرعت و کرمیت اوزن هجوم ایدیمک بازار کار گزار جنک و قتال رایج
اولیحق عسکر قزلباشک مقاومتته اقتداری درکار و پایداری اولیوب
اغواندن رو کردن و جنکدن کریزان اولدیلر با خصوص باعث
تقرت دل و درونلری اولان عسکر تو فتنکجیان قراری فران تبدیل و ثباتی

اخر افه

اخر افه تحویل ایدیمک سایر عسکر طابغه سی دخی قیام ابله میوب
جانب عجمیانده علامت ملالت اثر انهم روزا اولدی ستون عسکر اولان
قوللر اغاسی میر زار ستمک یاننده اولان شاه قوللری دخی بوز دو ندروب
اقبال و اقدامی ادبار و فران تغییر ایتدیلر اغوانلر اوردوسی غارتنه مشغول
اولان عرب عسکری دخی قزلباشک اختلال و انهم زمان مشاهده
ایدیمک اسباب و اثنالی بر اقدیلر خانلری اولان هویزه خانی ایسه غیرت
ایدوب التوغنی التو نیله شتاب اوزن فرار ایتدی قزلباشک طوطی
باشیسی اتفاقا مبادی جنکده هلاک اولغله سارطو و چیمانه کللال الویروب
طویلر با جمله معطل قالدیلر بو حالت جست و جسارت و شجاعت و قوت
اغوانیانه علت مستقله اولوب مرده لریکن زنده و دلیر اولدیلر هر چند که
عسکر قزلباش مقاومتته اقدام اوزن اولدیلر فایده و یر میوب بنه
معلوبیلر و عاقبت رحمت میرزا و اوغلی و علی مردانک قزلباشی قتل
و کندی و سی دخی مجروح اولدیلر و اغوانلردن محمد نشان نام خان کورجیلری
تعقب ایدوب جمله سن قتل و بی نشان ایلدی ضبط کردن اغوانیان
اوردوی عجمیان بعد الغلبه بو صورت و سیاق اوزن طرفینک عسکرنده
شدت روز کار ناهموار ابله هجوم ایدن دریای قتال ایکی جانبدن مد
و جز را بله کاه تلاق و نلاطم و کاه زوج و کاه تفر دایدی رک بر محق ساعت
نجومیه زمانی مرورنده بر مقدار سکونت بولغله اموال و اسباب مهمات
ابله خالی قلان قزلباش اوردوسنه دک و حد عدا حتمالیله اغوانیان
بر درلو تعرض ایشیوب کند و اوردولر بنه رجعت ایتدیلر ایکی ساعت
مرورنده عجم اوردوسنک احوالن کرکی کی تجسس ایلدیلر کارندن صیگره

تماما اخذ ویلا حائل و مانع دلخواه لزی اوزن ضبط ایلد پلر عجم
اور دوستند بکرمی بش عدد حاضر و آماده اولمش و اغزشش بال یز طوب
بولوب سائر مهمات و اسباب و ائقال بی نهایت و بکرمی بش بیك تومن
نقود آنچه بولوب آورد و لر بنه نقل ای تدبیر نکته چونکه بوانه کججه ظهور
و حدوث ابدن احوال عن قصد اولیوب جمله اتفاق واقع اولوردی
بود فعه دخی اغوانلرک اصغهنلی محاصره ابلک فکر و سوداسی خاطر لر بنه
دخی خطور ایشش معنی دکل ابدی اول اجلدن بولد قلی طو پلره قطعا
نظر و وضع بد ایلوب انجق اسباب و اموال سائر بی اور دولر بنه نقل
ایلد پلر و مراد و مقصود لری چالوب چار یوب اله کتورد کلمی غنائم ایله
قند هار جانب لر بنه عودت ابلکه مقصود ابدی و بوانه داده اصغهنانده اولان
وقایع ملالت اشمال و جزع و فرج و سائر احوال قیامت نشان ذکر و بیان
محتاج اولیوب ارباب عقوله معلوم اولغله تحریرندن کف لسان قلم
قلندی اغوانیان دخی ر قایح کون تنفس و راحتته محتاج اولوب اطرافه
بی در پی قره غولر تعیین و ارسال و بوطر بقیله صدوری محمل قضا
طهورندن بصیرت اوزن حزم و احتیاط و هر جانبده طرق موارد غدایی
سد و بند و دیله بانلر نصب و ارسال اولندی مشورت کردن اغوانیان
بعد الغلبه برای رجعت در کرمان وقعه کونندن برو جانب اصغهنانده
اغواندن بر فرد بحملره کور غیوب غیر میرو رجال و اعیان و اشراف قوم
جمع اولوب کند و احوال لر بنی مشاؤون و مکالمه بی مینا ستر اولد پلر بعضیلری
الد بکتر اموال غنائم ایله کرمانه عودتته سعی و همت ابدی لم و بوز اقلق ایله
وصولتند بیری کون لم زوا و ممدن قلعه فتح اولد یسه قبهها و نغم و الا فتح

و نسخیر بنه

و نسخیر بنه صرف مقدور ابدی لم تا کم من بعد بزه بوبله بر حصین حصین جای ۴
قرار و هر حالده حصین ابدی جک مقام استقرار اولوب قلعه ده کمال استحکام
ویرد کد نصیحه خزینه و مهمات لری قلعه ده قویوب کرکی کی محافظلر
نصب و تعیین و زاد و خیره کورلد کد نصیحه عسکر عزی طرف طرف
اقینه کوندر مک سهولتی تحصیل ایشش اولور ز انجق طو پلری کتور مک
ندار کنز اولد غندن غیر بر نره مهمات امکان سبکبار لقی لازمه حال ایکن
سرعت سیر عیزه پایند بر امر خطیر اولغله لا محاله قز با شلر بوله عز میزدن
اکاه او ایجق وار قونلر بی بازویه کتوروب بای وجه کان بر مقدار عسکر
ندارک برله بزه عقبیکر لر اولسه لر کر کدر دید کده جمله اغوانیان بورای
و تدبیره راضیلر اولوب طقوز بیك عسکر انتخاب و صورتا اصغهنانی
محاصره قصدند اولد قلمر بی اشعار ایچون اول جانبه سرعت و سائر لری
دخی اسباب و ائقال لر بی دوروب دوشوروب ایلر و بر مقدار عسکر اغرق
ایله کیدوب بر مقدار در قفانظارت و اصغهنانه کید جک طقوز بیك عسکر
دخی بعد الا یام رجعت و بونلره قفادار اولق اوزن مشاؤون لر بنه نتیجه
ویرد پلر فرستاده شدن خان هو یزه برای تجسس احوال اغوانیان و بو
ایام ثانیه خالیه ده حوالی اصغهنانده اغواندن بر فرد کور غند یغندن بحملر
مخیر اولد پلر اغوانلر غنمشی الوب کتد پلر صداند پلر عاقبت هو یزه خانی
عرب فارس لر بزه محسسه تعیین اولوب بر قره کو کججه ده شهر دن چقوب
اغوانلر سمته زور امد اولدی محل معاز که یه و اصل اولد قده اسباب و ائقال
با چله نقل اولمش انجق طو پلره وضع بد و انیوب علی حلاله جنگ بر نره فالش
و بر مقدار اغوانیان پلر بی تجسس ابدی کور دیکه اغوانلر آورد لر ندر ارام

وسکونت اوزن بریره حرکتی یوق فی الحال ندرک کوروب طوباری
سرعت و کمال کرمیت و شتاب ابله اصفهانه نقل ایتدردی و اغوانلرک هتوز
اوردولرینه علی حالهم فالد قلمر بنه خبر ویرنجه اغوان فرصت بولدی
کندولر بنه من بعد قلب قوت حاصل اولدی بزما اختلال و اختلا فزاغوانی
جست و جسور قلبی بوندن بوبله الد قلمری اموال فنایم ابله کیر و کتمکه
نیت و عزیت علائمی کورغد یغندن اصفهانه تعرض قصدند اولد قلمری
ظاهر اولدی دیو جمله ناس و رجال و شاه متکدر اولد بلراغنی اغوانک
کورغد وکی سکر کونده فی الجاه ارام بولوب برمقدار عسکر تدارک و طشره لره
و قلمر کوندر و ب عسکرک و رود بنه مترقب و اصفهان شهر بنه مهمالمن
متانت ویرمهده اهتمام قلمش لری ابدی بومقدار وجه ندرک کندولر بنه
مقاومت و باری نفس اصفهانی حفظ و حمایه یه کفایت ایدو وغالباً
اغوانلرک دخی مطمح نظری جولفه و سائر حوالی اصفهان غارننه
محمور اولوب بومرادلری حاصل اولد قلمر اصفهان دن ال چکوب کیر و کتمکه
قصد و عزیت ایدر لر فکر و ملاحظه سیله اضطراری برمقدار سکونت
بولش ابدی اوسال شدن مکتوب از جانب خان هویزه برای مصالحه
باغوانیان بواثما ده بو یوزدن طهوری روغا اولان داهیه ننگ حسن
تدبیر ابله دفع ملاحظه سیله شاه حسین هویزه خانی یاننه چاغروب
امر ابلد بکه میرمخوده کاغذ یازوب صورتا شاهک خبر واکھی اولیوب
هویزه خانینک کند و اخترعی اولق اوزن مصالحه عقدنه فتح باب مصالحت
ایدلر بس شاهک تنبیهی اوزن شاه و رجال کویابی خبر و هویزه خانی
کندی قریحه سمندون اولق اوزن میرمخوده کاغذ یازوب برمقدار قصد

ایله

ایله ارسال ابدی مفهومند طر فکره بو کونه غلبه لر واقع اولدی بونک
نام و شانیه اکتفا بوسوب الد بیکر اموال و اشیایله ولا بتکر عودت ایلد سکر
مناسب اولوردی احتمالدرکه یادظفر خلا فکره ووزان اولوب هر بار تقدیر
ازل مقصود بیکره موافق ظهور ایشیدین دخی سنی مذهب و سز کله یک
اعتقاد اولد و عمدن طرف فکره خیر اندیشلک مقتضای دیانند و بوعیرندن
ناشی طرف فکره نافع اولق اوزن بر خدمت مبروره کرده بولغنی در عهد
والنزام ابله رمسلا متکدر و وعده مضمهر مطلوب اولغله شاهی و رجالی اغفال
و تعلیط ابله رم تام کفما کزدن عسکر کوندر ایلد و مصالحه اولی کوریلوب
موافقت ابلد بیکره بوردند قندهار اولکده سی توابع برلر ابله عزه تنبید
اولور و من بعد شاهلر طرفندن تصرفنه تعرض اولماز عسکر بیکره
بخش ایچون طرف شاهیدن سزه برمقدار اچید دخی هدیه نامیه الیور ملک
مکندر بویندم ابله عامل اولوب بران اول رجعت قیدند اولور سز
طرفزه حامل ورقه ابله نتیجه لو جواب کوندن سز بو موادده سز کله معهود
اوله رق حصوله کتورلمه سنه متعهد اولورم همان بران اول ادمی رجعت
ایتدورن سز تیز عزیمتکز هر بار هدف مقصوده اصابت ایشیه چکی احتمالن
فکر و ملاحظه دن غافل اولیه سز دیوتهدید کلام ابلدی فراغت کردن
اغوانیان از هوای رجعت دو کرمان و عزیت ایشان بشهر اصفهان اغوان
عسکری دخی مقدماتفاق ابلد کلمری صورت اوزن عودته حاضر و مهیا
اولش ایکن اتفاقا قصدید ببله مکتوب چقه کلوب میرمخوده واصل اولدی
امر او اعیان و ارکان اغوان بریره جمع اولوب جمله ننگ مواجهه سنده مکتوب
مرقوم چهار ببله قراءت اولنوب مهور می معلوم اولیچن مشاوی ایتد بلر

۵۵

مکتوب مرقوم بعض مواد پنه نسبت اکثر چه مصنع لکن حیل هر بیه
احتمالاتی جهتندن عاری اولغله همان عجم لک کمال ضعف لر پنه علم خیر
اولوب اغوانلرک جانب وطن لر پنه معمم عزیمت لر نه فر اغت لر پنه بادی اولدی
ومشورت ایدوب بعضی لر ی ظاهر مکتوب ابله عمل مناسب انجق قوی
سند لر و کفیلار ویرسو نلر دبد پلر ولکن اکثری خلافتنه ذاهب اولوب
بو مکتوب دن عجم لک کمال مرتبه ده خوف وضعف اوزن اولد قلری اشکان
اولدی عون حق ابله بو فرصت بزه ال ویردی جمله مز کیر و کتک سودا سندن
فارغ اولوب برایشه میاسر اولالم دیوب همان دم میر محمد ک میا نجیسی
یعنی معلمی و مریدیسی اولان عالمه واروب دانش پلر اول دخی بسط کلام
ایدوب قزلباش دولتی بر شهرت کاذب دن عبارت و کند ولری دخی بالجله
مرحت و شفقت دن بی نصیب و مترصد فرصت مرتکب کذب و حیله بر قوم
غدار اولد قلری معلوم کز در عهد لر پنه اعتماد و مینلر پنه استناد ممکن
اولیوب چونکه صالحه میل و رغبت لر ی وارد در قندها اولکه سندن مفهوم
مکتوب لر ی اوزن کف بد و حضاری و بلاوج اغوانلری بزم ابله معا بولنوب
جنک کرده دخی موجود اولملر ابله انلر دن دخی بالکلیه ال چکد کد نصکره
شاه حسین قیز بنی میر محمد و ویرسون و مملکت لر قیز بنگ جهان پله معاهدیه
اولسون بعد حد و دتصیب و تعیین اولنوب مابیندن بو طر بقبله برو دت
قالقوب جد ال ترک اولنور و دوستنه دوست دشمننه دشمن اولمق اوزن
شروط عقد اولنور بو جمله بی راضی اولور لر ایسه مصالحه عقد اولسون
دبد کله جمله اغوان مناسب کوروب هویره خاندنه قاصد ابله قطع جواب
یازد پلر یاز بلان جواب رجال و اعیانه معلوم اولجق مشور نلر ایدوب
شاه

شاهه عرض ایلد پلر شاه انگشت تحیری دندان تفکره قویوب وادی ۵۶
خیر نه سرگردان قالدی رجالتنه عطف نظر ایدوب بو بابله انلر دن جواب
استدی رجال و اعیان دخی شاهم جمله سی ممکن انجق قیز ویرمک نجه اولور
شاهم زر عایاسی مقوله لر پنه قزین ویردوکی حاله روی زمینده موجود
ملوک و ملل پنه البینه شایع اولوب بردخی ذن دکلو اعتبار بزم قالماز بویله
بدنام اولدن جمله مزه اولمک بکدر همان عرض ایچون غیرت ایدلم
بو کونده یار نه طشره دن عسکر یز کور اطراف شهره محکم چند قلر
کسوب نفس اصفهانی محافظه ده اهتمام ایدلم فرح اباد خلقی ور عیالی
دخی ممکن اولد قچه ایچرویه الوب خدمته قوشالم شهر مزده دخی وافر
موجود عسکر یز وارد بر مدت کند و مزی محافظه ابله اغوانی اشغال ایدوب
ذخیره لر ی دو کتور بو صورنده رجعت ابله مجبور اولور لر اول وقتنه دخی
اقتصاد سنه کون حرکت اولنور پس اغوانلره کاغذ یاز بلوب مطالب
سایره کز شاید که حصول پذیر اوله انجق سزستی مذهب اولدوغ کز دن
غیری عجم شاهلر بنگ رعایا لر ی مقوله لر ندن بولنوب بنگر اجلدن قیزالمق
ویرمک تقر بیدله مصاهره بر وجهله حیر امکانده دکلدردیو جواب یاس
ویرلدی ظاهر ده و باطنده بو کونه تحقیر و مزو ایجابی متضمن جواب
اغوانلرک معلومی اولجق غیر ته کلد پلر و بونک اوزر پنه اتفاق ایلد پلر که
بر قاج ایام دخی مکت ایدوب کونده بر قاج دفعه اصفهان اطرافنی چالوب
چار یوب مهمال ممکن غارت ایدلر و بو کونه تضمیق ابله مطلوب پلر بنی محصل
ایدلر یاری قیز ویرمز لر سه ده مواد سار یه رضا کویستروب قوی سندلر
و کفیلار ویرمز لر یا خود بو دخی اولیوب اطراف دن عسکر کله چکنی فهم
ایدلر یکمز ده رجعت ایدوب نصمیم اولندوغی اوزن کر مانه عزیمت ایدلر

بورایه جمله اغوان تابع اولوب اطراف وجوانبه در حال چته لر تعیین
ایدوب کوندردیلر بیان احوال فرح اباد عجم لر دخی فرح آبادی تخلیه ایدوب
انجق بش عد طو پی کونون میوب یه کومد کلر بی اغوانیان خبر الوب
اول جانبه دخی ادملر کونون میوب تجسس قلندیلر و فی الواقع فرح اباد نام
محل خارج اصفهان قلعه مثلاً متین دیوار ایله و خندق بعید القعر
ایله محاط دروننده خیاض و میاهی و باغچه و باغاتی جنت مثال انواع
اشجار و ازهار ایله رونق خاقصور و بیوت کونا کون ایله وسعت پیدا ارم
ذات العماد بر سر ای بی همتا اید و کن اغوانیان مشاهده اید جنگ غازیان
و مجاهدانه موعود اولان جنت فردوس یه نزول ایدوب کندولر پنه
تعجیل اجر جزیل قلنش صاندیلر پس ادخلوها المنین ابنی مفهومیله
عمله سرعت و شتاب ایدوب جیفه مز خرقائیه ملوس اوردولرندن
قالقوب فی الحال سرابه نقلی ایتدیلر بووجه اوزن اغوان عسکری فرح
آباد سرابنه قونوب دیوار لر پنه متانت و خندق لر یقه توسیعه و یروب
برقات دخی قلب قوت بولدیلر و درون و بیرون سرابه عسکر قویوب
برشکل اخره کیردیلر و مهمالکن زاد و ذخیره ندر کی فکر نده اولدیلر بیان
احوال جولفه جولفه اصفهانک محله سی مثابه سنه بر و اسع شهر مقداری
از منیلر محله سی اولوب مابینتی فصل ایدن نهر زنده رود در اغوانلرک فرح
آباد سرابنه کیروب کندولر پنه استخکام و یرمک قیدنده اولدیلر بی
عجملر کوردکاه جولفه یه فرمانلر کوند وروب الجماله ارمنیلر سلا حلوب
اصفهانده شاه سراینی محافظه یه کلسونلر دیوتنیمه ایتدیلر زیر اقلر باش
قوللری بو کجه جولفه اطرافنده اغوانلره قارشو مترس المعه مأمور
المشردر و بووجه اوزن جنگه شروع و مباشرت

مباشرت اید جگر دربی چان ارمنیلر کال انقیاد ایله عجم حیله سنه ۵۷
الدانوب کند و در دینه درمان فکرندن غفلت ایله جمله سی ساحلنوب
اصفهانده کتدیلر و شاهک سراینی محافظه عزیمتده اولدیلر عجم غدارلری
پهچان لک سلج و بساطلرینی یک پان الوب تعی دست جولفه یه کوندردیلر
وقر ایلاشلر دخی جولفه محافظه سنه وار مدیلر و چونکه تقدیر ازل بوبله
بر قوم بی رحم و غدارک جزالری ترتیبه تعلق ایلش ایدی هر ندر بیرونلر کیری
لا محاله خلاف صواب واقع اولوردی بود فعه دخی جولفه دن بر قاج بیگ
مسلم عسکر حاضر ایدوب و عیاللری غیرتله اوانجه جنگ ایتدردوب
کندولرینه تقوی و یرمک ممکن ایلکن اغوانه عسکر اولمیه لر دیو ساحلرینی
الدقلرندن صکره مشورنلری بو کامنجر اولدی که اغوانلر البته جولفه بی
الوب ضبط ایدر لر و صاحب چقمیوب دفع قیدنده اولمیه بلر زبر اولفه
ارمنیلر نده مال و جوهر و امتعه ذی قیمت بی حد و بی حسابدر اغوانلر کیری
کی غنیمت الوب طویوم اولور لر و اندن صکره طور میوب کیر و کیدر لر
نرم دخی بو ار القده طشره دن عسکر یز کلوب تعقب ایدر لر و جمیع ماللرینی
الدرندن الورز عسکر یز کلدو کی صورنده بر مقدار مال دخی بزور زور
بو تقدیرده جمله سی غنی اولوب ارزوی وطن درونلرینه دوستوب کندو
کندولرینه چقوب کیدر لر صاندیلر اغوانلر ایسه همان اول کجه جولفه یه
یوریش ایتدیلر لکن شهر مز بوردده ارمنه طایفه سی غایت ایله کثرت
اوزن بولمغله اهل و عیال و اموال وارز اقلری غیرتله شهر ی محافظه ایتدیلر
و شاهنه فریادچی کوندروب امداد طلب ایتدیلر صورتا اگر چه عجملر
امداد و عیال ایتدیلر لکن نه امداد ایتدیلر و نه ساحلرینی و یردیلر عاقبت

نامیدار اولوب قزلباشلرک دخی کند ولرینه سوء قصدینی کوروب جولغده بی
اغوانه خواهنا خواه تسایم ایله مجبور اولدیلر اغوانلر جولغده بی ضبط
ایلد کلری کبی ارمنیلردن اللی نفر دونمش ملبس و مزین قیز اوغلان
قیز و عسکره بخش ایچون بنش بیک تومان ایچیه طلب ایلدیلر و اغوانلرک
بو کورنه مطالبه لر بی دفع و تعدیل و تسهیل بر در او حد امکانده اولمیوب
چار و ناچار قیزلری ندارک و الیسه فاخره الباس و بولد قیزی در و جوهر
ایله تزیین و اللردن طو توپ میر محودک دازه سنه کوتوروب تسایم
ایلدیلر ایچون تمش بیک تومان ایچیه بی جمع ایلدوب ویرمک امر مشکلی اولغله
پیر و اختیار و باش بو غلری بریره جمع اولوب مشورت ایلدیلر غیرت
ایلدوب جمع و تحصیل و اغوانه بو محجه مبلغی تسایم ایلدیکمز صورته شاید
که اغوان بودیارده یا بدار اولمیوب کرها و یا طوعا چقوب کتدی و کی نقدی رده
مال مزایع اولدوغندن غیر قزلباش بزه جور و ستم و همچون ویردیکز
دیو اعذاب و نجیز ایلملری امر مقرر اولوب پس اتفاقیه جواب و مال مز
اصفهانده اولوب بو حالده جمع و تحصیل بر طریقیله حد امکانده اولمیوب
شهر اصفهانده ظفریاب اولدوغنر حالده بالتمام ادا ایلدیر زدیو هزار نیاز
و تضرع برله تمسک ویردیلر مباشرت اغوانیان بمحاصره اصفهان از جانب
چولغده ایرته سی کون اغوانلر ارمنیلردن اغنیا اولانلرک اولرینه کیروب
اموال و ارزاق و افره لرینی غارت ایلدیلر و لکن فقرا اولرینه و کلپسارینه
تعرض ایتمیوب برفردی دخی قتل ایلدیلر چون یوم اتیه ده نوروز
ظفر اروس عادت رهبر مقرر اولدی همان اولیوم فیروزده جولغده
جانبدن اصفهان محاصره سنه مباشرت ایلدیلر مابینده نهر زندارود

واقع

واقع اولغله کجک ممکن اولمیوب دوه لر بله زنبق تعبیر اولنور طو پیلری ۵۸
کتوروب قارشو قارشو جنگ ایلدیلر بر محجه ارام عجم و اغوان بیننده واقع
اولان جنگ همان صبیانک لعینه مشابه بی مال بر قوری هنگامه ایدی
طوب و توفنک احیا ناللوب ادم قتل اولنق نادر اولور دی و اصفهان
محاصره ده عاجزلر اولوب ایچون سرای فرخ اباددن جولغده کالجیه
احاطه ایلباشلر ایدی انهزام اغوانیان در هجوم مجسر شیراز بو حال اوزن
ایکن بر کون اغوانلر شیراز جسرینی اخذ و ضبط ایچون یوریش ایلدیلر
قزلباشلردن چوق عسکر کلوب اغوانلرک دفعنه کال کر میت ایله کوشش
قلدیلر ضبط جسر و ظفر مپسر اولمیوب اغوانلردن و افر کسنه قتل
اولند قده با قیلری رجعت ایلدیلر اند نصکره اغوانلر جنکدن چکلوب
ایکی طرف بر مقدار استراحت ایلدیلر بر قاج ایام ارام ویرلده بر کون
اغوان بلوک بلوک اولوب جسرلرک ضبطنه مباشرت ایلدیلر اینه کمی
تخته پارچه سن و کی قیو قنادن و کی پنجره لر قیاغن الوب سپر لنه رق
بسر شیرازی قبضه تصرفه کتوروب صودن دخی کجکه باشلدیلر ایچون
جسر مر قومک محافطه سیچون اون ایکی عدد طوب ندارک اولنمش و اصلی
فرانچیه لو بر استاد طو یچیلری دخی بو نغله اغوانلرک ز خام اوزن
یوریشلرینی کوردکده طو پیلری صیاحه و طاش پارچه لر بله طولدروب
اغوانلر ز خامی یقلشدیغی برله بیک قتلدن اتش ایلدوب اغوانلرک اکثری
تلف اولدیلر و با قیلری دخی جنکدن روگردان اولوب فرخ اباده متوجه
اولدیلر عجم طرفنده خادم اغار دن احمد اغانا منده بر شجیع و جسر رود لیر
ودلاور کسنه کتدویه متعین عسکر بله جسر مر قومک محافطه سی

خدمتند ما مور اولمش ابدی اغای مرقوم کمال شدت و کرمیت ابله اغوانلره
عقبه کبر اولوب عین زمان کور مامش بر جنگ ایتدی بلر اغوانلر بود فعه
مغلوب اولوب چوق کز بده کسنه لری تلف اولدی و حاللری اول کونه
بر مرتبه ده دیگر کون اولمش ابد بکه اگر خادم احمد اغایه امداد ایدر بر مقدار
عجم عسکری بولنیدی کلنا باده عار که سی انتقامینی عجملر بلا شبهه بو کون
اغوانلردن الملق امکانی حاصل اولمش ابدی زیر اغوانلره بو کون تلف نفوس
ایله انهم بر محله واقع اولماش ابدی اغای مرقوم دخی عجمک کیوردن
امدادی ظهورندن مایوس اولجقینه دونوب جسرک محافظه سنده ثابت
قدم اولدی رغبت کردن اغوانیان بامر مصالحه با عجمیان اغوانلرک اینه
بالو باشلو امور دپده لری میر مجوده کلوب مشاوان ایتدی بلر و کلنا باده
صاحبه رغبت ایتدی کلرینه نادملر اولوب چوق تا سف ایتدی بلر عسکرک
کز بده سی ضایع اولوب حیوانلر جز لاغر اولد قده قزلباشلره طشره دن
قوی امداد کلوب بزه مضایقه و یرد کارنده حالز مشکل اولور همان بر
طر بقیله مصالحه تد بیرین کون لم دبدیلر و هماندم جولفه شهری
ارمنیلر نیک بالو باشلورینی چاغروب دبدیلر که قزلباشلره وارک اگر
بزم ابله صلح ابلک مراد ایدر لسه کلنا باده نصیم اولندوغی اوزن خلقمزی
ارضا ایدر زوسزدخی تقاضدن قورنش اولور سز اعیان ارمنیان دخی
پنلرند مشورت ایدوب صاحبه توسطی معقول کورمدیلر و بو کونه
احتمالات و یردیلر که بزین السیفین قالمش بر قوم ایزتوسط ابله صلح عقد
اولندی بیه بده تمسکمز موجبه تمش بیک تومانی اچیدی اغوانلر لاحاله
طلب ایدوب یزدن الملی مقرر در و سز اغوانلر ابله بربک اولدو کز دیو
قزلباشلر

قزلباشلر دخی اصفهانده اولان مالزی الدقلرندن غیری اغوان چکلوب
کیتدی بکی کبی نجه نجه بهانه لر ابله بزی نچیزور نچیده ابله جکلری محققدر
بزه مناسب اولان ارالینه قارشمیوب مقید اولما مقدر هر نه حاللری
وار اینه کندولری کورسونلر بزه اهون الشیرین بو اولمق کر کدر و اگر
قزلباشلره امداد یشوب اغوانی دفع ایدر لسه بزه انلر ابله معال اغوانلری
تعقب ایدر ز بو تقر بیده خدمتده بولنسک احتمالدر که عجملر من بعد
رنجیده ایتیموب مالزی و یره لر و اغوانلره و یره جغیر تمش بیک تومانی
دخی یاغزه قالمش اوور همان مساحه برله بو خصوصی تعویق ایدر لم دیو
اتفاق ایتدی بلر رسیدن پیام از جانب خان هویزه باغوانیان و فراغت کردن
ایشان از رغبت مصالحه اغوانلر بو اثناده خوف واضطرابه دوشوب
نه یوزدن حرکت ایدر جکلرینی بلیوب اشد اختلال و اختلاف ابله عظیم
پریشان الحال اولمشلر ابدی قضا و قدر اول کجه هویزه خاتندن خفیه
ادم کلوب بو کونه خبر کتور دیکه کونیم سزی ایش کورک و یرد لو فکر
واندیشه اوزن اولمیوک بن دخی سزدخم انشا الله تعالی عن قریب مراد بکنر
حاصل اولور و اصفهان نه حالده ونه کیفیتده ایدوکنه و فتح و تسخیری نه
طر بقیله میسر در دیونقییر و قطمیر خبر کوندر مکه کویا اغوانیان نه هاتف
غایبدن مرده سلامت صداسی کلدی و هویزه خانینک بو کون و وضعنه
باعث بو اولمش ایدیکه کندوسی سنی مذهب اولوب اگر چه خدمتده
شاهه خلوص اوزن ابدی لکن سائر رجالدن نجه موادده منکسر خاطر
اولوب اعتماد الدوله فتح علی خانک موادده سنی مذهب در دیو بونهمت
ایله قزلباشلر کوزلرینی جقارند کاری خطیره سی در و تنده جای کیر اولمش

ابدى و خان مر قومه شاه خزينه سندن اختلال بهانه سيله بهر يوم الى
تومن آنچه وير بيلور اپكن و طشردن امداد لرى دخی کلو ردیو امید لری
غالب اولمغله صاحبه راضی دکل ابدی ندارك شدن ذخایر از جانب اغوانیان
برای محاصره پس اغوانلر هویزه خاتندن بوگونه خبر ابله عجملرک
احوالنه و قوف تام حاصل و صلح و یاغیری طریقیه رجعت و عود نلرنده
دخی صعوبت عظیمه فکر و ملاحظه ابلد کارنده یینه قیام و ثباته قرار ویردیلر
وابکی ای مروینه دکن قطعایوریش و هجوم یوللو حرکت ابله تلف نفوس
ایتمیوب کند ولرینی اتعابه جواز ویرمدیلر انجق کند ولرینه متانت و یروب
اصفهان قار شو بو حال اوزن طور ووب اطرافى محافظه دن خالی اولدیلر
و طرفیندن مصاحت ملاحظه سیله ادملر کلوب کیدوب شاه دخی
طشردن امداد کلو رامید بله رفق و ملائمت اوزن معامله برله اغوانلری
اغفال و تعویق و تاخیر ستمنه ذاهب اولمش ابدی اغوانلر دخی بو ابکی ای
ایچنده اطراف و اکنافه چته لر کوندر ووب بی حد زاد و ذخیره جمع و ندارك
ابلدیلر و جوار لرنده نجه بلاء دو قری نی کرها و طوعا فتح و تسخیر ابدوب
قبضه تصرفه کتور دیلر ارسال شدن خان هویزه از جانب شاه برای
مصالحه با اغوانیان شاه امداد انتظارنده اپکن بو قدر زمانه ظهور ایتمیوب
و اغوانلر دخی ایام خالیبه ده ندارك مالزم ابله کون بکون قوت بولدقلرین
فهم و ادراك ابدوب الصلح خیر دیوب مکالمه سی ایچون هویزه خانینی
اغوانلره کوندردی چون امر مصالحه خان مر قومك در و تنه منضوری
ابدی بو تقریبه اغوانه واروب کندویه مخصوص امورینه تشبیت
ویروب اغوانلر ابله دوستلق و اشغالق پیدا ابلدی امر مصالحه یه صرف

مقدور ایتمیوب تعلیل و بهانه ابله تعویق و شاهه صعوبتلر کو ستردی
هجوم اغوانیان بحسراب سایاد و مباشرت ایشان در محاصره تمامی شهر
اصفهان او حجبی ای دخول ابلد وکی برله یینه جنگه مباشرت اولنوب
اغوانلر بروقت سخرده علی الفقله اب سایاد جسرنه یوریش ابدوب
ضبط ابلدیلر جسیرك محافظه سنه مأمور کورجی عسکرینی یکپار هلاک
ابدوب اصفهان جانبینه عسکر کچوردیلر شهرک جوانب اربعه سنی
محاصره ابدوب طرق و مواردی محکم سد و بند ابلدیلر احوال آمدن
عسکر عجم برای امداد اصفهان و انهزام قرنداش علی مردان اغوانلرک
شهر اصفهانی بو طرز اوزن محاصره ابلد کوری خبر مو حش اطراف و اکنافه
شایع اولجق بالجه قزلباش قومنك دوونلرنده خوف و هراس و دهشت
و وحشت جاپگیر اولدی جسراب سایاد ضبط اولند قد نصکره اطراف
ملکتدن اصفهان امدادینه جمع و عزیت ابدن باش سز بوغ سز قزلباش
عسکری اون ابکی دفعه جنگ ابدوب اکثر یا منهزم اولوب اغوانلر
غالب اولمشلر ابدی و بو معار که کرده جمله دن زیاده اغوانلر ابله جنگه
اقدام ابدن علی مردان خانك قرنداشی ابدیکه ندارك اولنان ذخیره ابله
اصفهانه گیر مک مراد ابلش ابدی زیر اعلی مردان خان ساثر لر ایچنده
امور دینه کار از موده برمدیر خان اولمغله وافر ذخیره ندارك
و بش یک قزلباش عسکرین جمع ابدوب ایوجه ندارك ابله اصفهانه
امداد مراد ابدوب ندارك اولنان ذخیره و عسکری بر محله قویوب
اوز لرینه کوجک قرنداشی سردار نصب و تعیین و کندوسی بر مقدار
عسکر دخی کتور ووب قرنداشینه کلوب ملاقی اولوق اوزن بر جانبه کشش

ایدی سردار مرقومه اغوانلر اصفهانك فلان جانبی هنوز محاصره ایله
احاطه ایلد بئر اول جانب اچقدن و اول طرفه اغوانلر ك نظر و اهتنامی
پوقدر سهولت ایله شهره وصول و دخول ممکندر دیو بعض اعناده
ناشایسته خبرلر ك کذبه احتمالن ویرمیوب سرعت و مبادرت و علی
مردان خالك عسکر بله قدوم و ورودینه توقف ایتیمیوب یاننده موجود
بش بیک عسکر و وافر مهمات و ذ خایر ایله اصفهان و وصوله عزم راه ایلمش
ایدی اغوانیان ایسه خبر الدقلری بله قارشو چقوب عظیم جنگ ایتدی بئر
عجملر منهزم اولوب اکثری مقتول و سردار لری کوجیله فرار ایلدی
و بونجه زاد و ذخیره اغوان النده قالدی علی مردان خان و قعه بی خبر
ایچق کند و یه دخی یاس کلوب اصفهان هز میتدن فراغت ایلدی
و اصفهان خلقینك دخی امید لری ایچق علی مردانك و قرنده اشنگ قدومنه
منحصرا و لمش ایکن انلر ك دخی حالی بو یوزدن اولد و غنه خبر ایچق جمله
مخزون و مخیر اولد بئر محاربه اهالی بن اصفهان با اغوانیان و اخذ ذخیره
از دست ایشان اغوانلر دخی عجم عسکرینی بوزوب زاد و ذخیره و مهماتی
اخذ و قبض و اوردورینه نقل ایلك مراد ایدوب بو خصوصك تمشینی
ایچون بر مقدار اغوان تعیین و انلر ایله ارسال ایدوب باقیلری خدمت
مأمون لرینه کتدی بئر مکر اصفهانندن بر ساعت مقداری محمد بن اصفهان
تعبیر اولنور ایدار و هوادار و صاحبه الاشجار بر بلده معمون اولوب
اطراف و اکنافدن بلاد و قری خلقی اول قصبه ده جمع اولوب و اطرافنی
حند قلمر ایله احاطه ایدوب کندورینه کرکی کبی استحکام ویرمشلر ایدی
اغوانلر الدقلری غنیمی اوردورینه نقل ایدرکن اثنای راهده قصبه

مزبورده مجمع قزلباش خلقی کمال کثرت اوزن اغوانلره قارشو چقوب ۶۱
با جمله زاد و ذخیره و مهماتی اغوانلر الندن الوب بن اصفهانه نقل
ایتدی بئر و اغوانلر چوق کسنه لری اخذ و قتل ایتدی بئر انهم میرمچود
در جنگ باهالی قصبه بن اصفهان میرمچود بو خبری اشدی بچك عظیم الم
و کدر و ظهور ایله اغوانلر وافر عسکر سچوب ککند و بنفسه قصبه
مزبورده تحصین ایدر قزلباش اوزرینه کیتدی لکن محل مزبورده
قزلباشلر ك کثرتی اولوب کمال شدت و کرمیت اوزن جنگه قیام و اقدام
ایتدی بئر عاقبت ظفر و غلبه منسر اولمیوب میرمچودك عسکری مغلوب
اولیچق وینه اغوانلر دن چوق کسنه قتل اولتوب بچه لری دخی قزلباشلره
اسیردوشدی میرمچود بو وقعه دن غایت ایله مغموم و متکدر اولدی
یا خصوص که اقربا و تعلقا تندن بر قاج نفر کسنه یاننده موجود بولنوب
بوز جنگه قزلباشلره اسیر اولمشیندی بیان سبب قتل و اسنیمصال اسارای
قزلباش و عهد میثاق در میان اغوانیان برای اخذ انتقام پس میرمچوم
عجالة اصفهانه پایچی کوندروب شاه حسینه بو کونه خبر کوندرد بکه شاه
حسین کند و جانبندن بن اصفهان ادم و رقم کوندروب قصبه مزبورده
مجمع قزلباشلر زینهار و زینهار اغوانلر دن اخذ ایلد کاری اسراخی قتل ایلیمه
و بجزیره و مجید ایتیمیوب خوش طوته لر تا که اغوان دخی اکامکافات ایله
قزلباش اسیر لرینه معامله ایدر فی الواقع شاه حسین وجه محرر اوزن
رقم یازوب و مهماندار باشی میرزارا قیام محمد بنی بو تمیمی ایله کوندروب
و بر قاج اغوان دخی معا کیدوب بن اصفهان و اصل اولد قلمر نه کورد بئر که
قزلباش بد نهاد اغوانلر دست زاسی اولان اسرادن بر فردی صانع

قوم محبوب جمله سنی صلب ابلش و صلب اولنا نلرك وجود لرنه صانع ير
 تالمیوب کلیدن ابله قویاروب یل مومتری ابله یا قش یا ندر مش و بونلرك
 ایچند میر مجرد کوجک قرندا شی و عیبسی اوغلی و خاله سی اوغلی
 و اغواندن نجه نجه بلار باشلور بولتوب جمله سنی قزلباش او باش التندن
 بو کونه سگجه ابله گرفتار نجه شیراجلی اولد قلمرینی اغوان کور یجک
 فی الحال رجعت و اوردولرینه واروب میر مجوده و صغیر و کبیر جمله اغوان
 طایفه سنه بو احوالی اشاعت ابدوب بو فعل شنیعک و خیر موحشک
 صیت و صداسی دل دریا انتقام اغوانیانی جوش و خر و شه کتوروب
 بریره جمع اولد بلر انلردخی للرنده اولان قزلباش اسیرلرینی جمله قتل و من بعد
 صلح و صلاح لفظی دخی بر فرد لسانه المیوب اغواندن بر فرد صاغ قانجه
 انخذ انتقامه جان و یا شیه بدل مقدر و ابله جکله نینه جمله سنی متعهد
 و مصحف شریفی اور تیه کتوروب متفق الدرود جمله سنی ال اوروب ایمان
 خلیط ابله عهد و امانلر ابدوب بونیت و عزیمتلرنه قیام و ثباتی تا کید
 و تائید ایتد بلر و من بعد عهد و امانلرینه موافق انتقامه جان حقیله
 سعی و کوشش ایتد بلر و اللرنه موجود قزلباش اسیرلرینی صغیر و کبیر
 فقیر و غنی خان و رعایا اعلی و ادنی دیمیوب قزلباشلرك کوزلرینه قارشو
 جمله سن صلب ایتد بلر و بو حالی اذعان ابدن مسلم و نصیرا و یهود و مجوسی
 جمله سنی یک لسان علیهم ما یستحقون دبد بلر استمداد شاه عجم از جانب
 وختان خان و الی کور جستان چون کلنا بادانها زامی انما منده علی مردان
 خان اصفهانیه قباغیموب امداد ایچون عسکر تحریر و ندر کنه کنش ابدی
 و ندر ارك ابلدوکی بش یک عسکر و ذخیره و مهمات بالاده ذکر اولندوغی

اوزن

اوزن دست رس اغوانیان اولوب کوجک قرندا شیهه عسکر منهزم
 اولدی بوخبر موخشدن سار عجلره دخی نفرت و وحشت کلوب
 علی مردان یا تنده بولنان بر مقدا و عسکر دخی پراکنده اولمغه یوز طوتوب
 اصفهانیه امداد من بعد ممکن اولدوغن بلوب کند و محافظه سی ندر ارك کنه
 اولدی و اصفهان خلقی دخی علی مردان دن و سار امداد و اعانت ما مول
 ایتد کلمی کسنه لردن ما یوس اولیجق کور جستاندن غیر بر در لو امید لری
 قالمدی چون مقدا شاه حسین و ختان خانه عظیم اعتدار ابله دعوت
 نامه یازوب هدیه بهیه لر کوندروب اغوان الننه مقتول اولان
 خسرو خانک انتقامن الموق غیر تنه ترغیب ابدوب بو تقریبه استمداد
 و اصفهانیه کلمه سن مراد ابلش ابدی بو اثناده و ختانه فرستاده قلنان
 بینک نامه ور کلوب و ختان خان مقدا ابلدوکی یمینده ثابت قدم و من
 بعد عزم اولد قچه عجم شاهلر بینک دشمنلرینه عهدم اولسون قلیج حکیم
 قولنده راسخ الدم اولدوغی جواب یاس دخی کلوب باب امید امداد
 بالکلیمه منسد اولدی احوال شهزاده طهما صیب بوندن صکره نینه
 مشا و ن ابدوب طهما صیبی برطر بقیله اصفهان دن طشره کوندر مک
 ند بیرین ابلد بلر اون ایکی دفعه امداد نیزه عزیمت ابدن عسکرک انه زامنه
 باعث مجرد باش بوغلی اولدوغی در شهزاده مرقوم بیرون اصفهانیه
 بوانسه البته خلق اشدوب کوروب یا تنه جمع اولور لر و عسکر کثیر اولوب
 زاد و ذخیره ندر ارك ابدوب اصفهانیه کوندر مکه غیرت ابدن و بزه دخی
 کلینتلف عسکر بله کلوب امداد و اعانت ابدن دیو مشورتلرینه نتیجه
 و پرد کلرنه سکر یوز کز پله جنکچی قجر عسکر بله بر شب تارده غیرت

ابدوب میان افوآندن کچوب سلامت بولدی واکریه اطراف واکنافه
نک وپو عسکر جمع اهنمانده اولدی لکن خلق چندان میل و رغبت
ایتمیوب عسکر یازلمدیلر زیرا بوندن اول امداده کتک مراد ابدن خانلره
کرمان شاهان لورستان و شیراز و بونلرک جوارنده اولان خلق بردفعه
عسکر یاز بلوب بوزلمشدر ایدی بعد طوایف اکراد بکله مر اجعت
ایلدیلر انلر دخی بز دولت علیه عثمانیه حدودی جوارنده ساکن اولوب
کند ویرلری هر حاله محافظه به محتاج ایز بوبله اختلال اثناسنده حرکت
ایده جک اولور سق عثمانلویه تابع اکراد و سائر ملل مختلفه مترصد
فرصت اولوب در حال ولایتی غارت ایللمی مقرر در دیو جواب ویردیلر
و شروان حواله سنده اولان قزلباش خلقی دخی طوایف از کیمان ابله
مشغول الحال اولوب انلر دخی پایند غایب اولملر ابله نه اصفهان امداد
ونه طهماسبه عسکر اولدیلر بعد طهماسب قزوینه کلوب او توز بیک
مقداری درتی عسکر پیدا ایلدی و اصفهان امدادینه کتک سودا سنده
اولدی نه یوزدن حرکت اولمور و رونه ندرک رونه صورت و طریق ابله
کنملور در دیو مقر بلری اولان رجالیله مشورت ایلدی چون عجم خلقی
بوجبه زماندن بروروز کار ناهمواردن زده انمش تعب اختلال و اختلاف
احوال ابله پریشان الاحوال اولمش و شیدا بد حرب قتال دن کندورینه
نفرت و دهشت کش ایدی با خصوص که شهر اصفهانک احوال دیگر کونی
قیابندهم سیموع بولمش ایدی اول کرداب بلادن اجتناب و اول مهلکه
عظماندن محاشی ضمیر لره مکتوم ایدی بناء علی هذا طهماسبی دخی اول
طریق برتعبه عزیمتدن و اول بادیه سیموم دان تو جهدن منع و تجویل ایلک

قصده ابله

قصده ابله تعویق و تاخیر مراد ایتدیلر شاهم عجله ابله کند و عسکر جزه
برخو شجه نظام ویره لم زاد و ذخیره و مهماتزی کرکی کی کور لم و بر مقدار
عسکر دخی جمع ابدوب ندرک تام ابله وان لم ما مولد رکه بجه مدت
مرورینه دکن شهر اصفهان اغوانک دست رسلمی اولیماز از قضا اولدوغی
صورنده دخی اغوان طائفه سی نهب و غارندن صکره طور میوب
عودت ایلک مقرر در بز دخی عسکر کثیر ابله عقبی لرلی او اورن و اموال
واشیالری الی لرندن سهوات ابله الور زد یوب طهماسبی اغفال ایتدیلر
و بر قاج کوندن صکره پنه مراد لرینه و سوء قصد لرینه تمسبت و تقویه
و یرمک ایچون شاهم بو عسکر و افره ابله اصفهان اوزرینه وارد یکمزده
غالب احتمال بودر که اغوانی دفع ایلدرز و اغوان دفع اولدوغی برله پنه
شاه شاه اولوب رجالی رجال اولور سزی دخی میرزا سلیمان و میرزا
صنی کی حبس ایلدر لر دیوب طهماسبی بو کونه اغوا ابله مقصودندن
فراغت ایتدر دیلر احوال میرزا سلیمان و میرزا صنی ایام محاصره امتداد
و شدت داهیه عجمیان اشداد بو اوب شاه حسینک معتادی دولتخانه
اولان سرای شاهیدن طشره بقمیوب و نظارت احوال عسکر و ناسه
اقتداری منعدم اولوب رجالیله دخی کیدرک نافذ الحکم مسموع الکلام
صاحب تدبیر عدامه یوز طوطغله برکون جمله عجم انفاق ابدوب شهزاده
میرزا سلیمانی شاه حسیننه وکیل و قائم مقام اولمق اوزن تحت چقار دیلر
شهزاده مرقوم مقتضای حال ووقته کون کینه قهر ابله و کینه لطف ابله
معامله ابدوب روز شب سعی و اهنام ابله عسکره و خلقه حبلی نظام
بولدرمش بکنی اون کون حکومتندن صکره غدار و ظالمدر و شاه حسیننی

تختندن اندیروپ کوزلینه میل چکک سودا سنه دوشمشدر دیو
خلق جمع ایدوب عزل و حبس ویزه شهزاده میرزا صافی بی تخته چقاروب
شاهه ولی عهد نصب و زمام حکومتی بد تصرفنه نفویض ایتدیلر میرزا
مرقوم برای مقداری وکالت ایدوب حکومته مستعد صاحب ذات
اولغله اگرچه نظام احوال عسکر و ناسه جداوفی ایلدی لکن طبایع
افراد عجم بالکلیه متغیر و اصلاح پذیر اولقدن دور و بعید سقیم المزاج
اولدوغن مشاهده ایدوب بر مقتضای قضای ازل عجبه عارض اولان
ادرده دوامپسر اولدوغن قهم و ادراک ایدیک و لم یصلح العطار ما افسه
الدهردیوب کندوسن حکومتدن عزل ایلدی عجم رجالی انی دخی حبس
ایدوبینه حکومت شاه حسدنه قرار داده اولدی باهل کردن
طهماسب در شهر قزوین بقریک رجال بدنهادش ازین جانب ینه
طهماسبی مقربلری تعویق و تغلیط و صغری و کبری دن عبارت
قضایای کاذبه ایله اغفال همچون شاهم اصفهان التماز دن اول واروب
مخلیص ایلستک شاه شاه اولور رجال ینه رجال اولور اندوغنی کی واروب
بزخت و تاجی اغوان النندن اله لم تا کم یا جمله عجم بزم ازاد کرده مزاوله
بوصورنده سن تخت شاهید برقرار اولوب سنگله معامک کشرک
سکار رجال اوله دیوب بو کونه کلمات فساد امیز لر ایله طهماسبی اغفال
واغراردن غیر عاقبت اولنک سودا سنه دخی دوشوردیلر و خانلردن
برینک قیزینه فی الحال نامزاد اولوب قزوینه سورندارکن کوردیلر و بجه
ایام دونما و شنلکرا ایدوب سرور و شادمانی اظهار ایتدیلر اتفاقا زافی
کیجه سی اصفهانک اغوانه تسایم اولندیغی خبر ایله سور و شنلکرینی
ایچنمه رسیده قلدیلر اصفهانلو طهماسبک احوالین خبر ایچق مرقومی
طشیره

طشیره کوندروب بقر عسکرینی یاتمه تعیین ایلدکرینه نادم اولدیلر ۴۳
واولنک قیدینه دوشوب امداد لری اهنمانده اولدوغن ادراک ایلدکرینه
اصفهاندن طشیره به فرار سودا سنه اولدیلر و یومافیوما قحط غلبه
ایدوب چنکه اقتدار لری قالمیوب علنا اصفهاندن چقوب کیدر لردی
اغوانلر دخی انماض العین ایدوب چندان ممانعت ایتمز لردی فی الواقع
طهماسب اصفهانده بولنسه اوراق دفتر انسال و انساب شاهان انکله
دور یلوب عرق خاندان صفویه انده منقطع اولوردی و بو تقدیرده
همچملر میر محمود بیعت ایلک امر مقرر ایدی ز بل در میان وقایع غریبه دور
اصفهان از شدت محاصره و جمع و مراجعت کردن ناسی بد دولت خانه امر
محاصره مبتدا و لایق قحط غلا و سائر ماکولات مضایقه سیله و هر جانبدن
شد ایدود واهی بیانی ظهور ایله اهالی اصفهان حیز تعبیر دن بیرون
حال پریشانه گرفتار اولوب مشاشوب قالدیلر شاهلری اولان شاه
حسین ایام محاصره ده بیدی ای ایچنده سیرای شاه اولان دولت
خانه دن بزکز طشیره چقمندی برکون عجمک صغیر و کبیری جمع اولوب
برکروه عظیم شاهک سراینه واردیلر سرای میدانده اهننلری عیوقه
چقوب جاغر شدیلر شاه فریاد و فغانلر ینه تمهل ایله میوب طشیره
چقدی قوللرم مراد و مقصود بکزن ندر دیو خطاب ایلدکده جمله سی
صوت بلند ایله شاهم شدت قحطدن بو نجدیمک نفوس بشر و غیر ینک
تلف اولدوغندن خیر بکزو و بوجه قوللر بکز شداید یلادن هر روز شب
خاک مذلتله غلطان اولدق لر ینه اکاهکر وار میدر شاهمک دبد اوزه
اشتیاق غایته ایشوب قوللری شاهک حالندن بی خبر شاه دخی

قوللر نيك دېكر كون احوالندن اكا دكل شاهم بوند نصكره ايش ايشدن
چكدي غيري درد بزه دوا قالميو ب همان غيرت ايدوب سر ايدن چقه سز
وقوللر ك اراسنه كلوب جمله مزه قلب اولوب يك دل و درون صغير و كيريز
اغوانه هجوم ايدن زير فرديز حيانده اولد چچه جان و باسنيله جنك ايدن رف
اجلقدن قرقلقدن بوضورده شمشير اعدادن جمله مزه اولك اولي در
ديو جوق اغلشد بلر شاه حسين دفع قيدنده اولوب خوازش خاطر لر ينه
مهيا امكن رعابت ايلدي بود دفعه اموري هوزره خانه حواله ايدوب
انك ياتنه كيدوب معيتله اغوانه هجوم ندير يني انك راي واهنما منه
سپارش ايلدي وهوزره خاشي وكيل مطلق ايدوب علي الاستقلال
جمله يه سردار نصب و تعيين اياكله دفع مجلس ايلدي مراجعت كردن
ناس مجانب خان هوزره بوند نصكره جمله قزلباشلر هوزره خاننك
ياتنه واروب غلوايتد بلر شاهك تبنيغي اوزن بزه سردار اولوب پيشرو ويز
اول بزدي سكاپيرو اولوب اعدى اوزر ينه شبنون ايله لم ديو عظيم ابرام
والحاح ايله فرياد لر ايتد بلر خان مر قوم دخي دفع مراد ايدوب مدار ايله
معامله و بللوياشلور يني ياتنه كتوردوب جمله اتميوك برايكي كون دخي
صبر و تحمل ايدوك بش كونه دك طه ماسب لشكري شمار عد و شكار ايله
امداد مزه بتشمك اوزن درائلر بير وندن بزاندروندن دشمنه هجوم
ايدوب بو طر بقبيله انشاء الله غلبه ايدن رزو بو كچه طه ماسبدن بكا
مكتوب وادم كلوب ساخته مكتوب دخي اراز ايليو ب اول كون كو جيله
بو جمعيتي دفع ايلدي ايرته سي كون ينه جمع ايدوب دفع ممكن اولدي
عاقبت خلقك او كونه دوشوب بر مقدار اغوانه قارشو كدلد كه

طرز

طرز عرب و عجم اوزن تطير و نفال ايدوب بوگون يوم نخسدر و فالز ٦٥
نامبار كدر جمله مزه ناف اولور زديوينه خلقي دفع ايلدي بوندن صكره دخي
بر قاج دفعه جمعيتله طشره چقلوب كاه يوم نخس و كاه فال نامبارك ديوب
عجم عسكرينك اغوان اوزر ينه هجومني امهال واهمال ايلدي هجوم و غلو
كردن ناس بسراي شاهي غيري عجملر هوزره خاننك جنكه وارمغه مرادي
اوليو ب اغوانه معين شكند اولد و غن واراده بش كون مرور و طه ماسب
صسكردن اثر ظهور ايلد و كن كوروب ينه جمع و شاهك سز اينه توجه
ايتد بلر كورد بلر سراي قيقولري قيقانوب محكم سد و بند اولمش فرياد لر
باشليوب شاهك سز اينه مثال باران طاشلر ياغدر دبلر شاه بونلره
كور غيوب سكوت ايله معامله كن بعضي خادم اغالري كلوب مطلق بكن
ندرد يو سوال ايتد بلر شاه مز طشره بيور و سونلر حيانده ميدر ايله لم بزه
قلقان اولوب دشمنه هجوم ايدن لم شاه مزي كوزد كچه جمله مز اوغر ينه
فدا اولوب خاك ايلر ينه قربان اولور زديونيازوزن جالميز فرياد و فغانيله
چاغر شد بلر و اغلشد بلر حيز قبولده واقع اوليو ب سوزلر ينه التفات
اولندي شاه دخي كور غيوب هر چند كه خادم اغالري دفع قيدنده
اولد بلر فائده وير ميوب شاهم اجلقدن هلاك اولدق هوزره خاننك
بزه سوء قصدي در كار دوا البته غيرت ايدوب طشره بيورك قوللر ينه
سپر اولوب دشمنه وان لم شاه مزي يولنه جمله مز بو كون قربان اولام
وياد دشمنه غالب اولوب خلاص اولام ديوب كتد كچه جمعيتلري وفرت
و فرياد و فغانيله شاهي طلبنده اصرار لر ي كرميت بولوب عاقبت دفعنده جان
بولميوب اندرون سزاي شاهيده موجود خدام سلا حلوب مقاومتته

حاضر اولد بیلر و حصار سر ایدیه موجود قولون بورنه و سایر صاحبه
طوبلرینه اتش ایدوب نجه لری هلاک و سایر لری برقات دخی منکسر الحال
و پریشان خاطر اولد بیلر من بعد شاهدن دخی مایوس و روگردان
اولوب بلوک بلوک اصفهان دن قراری فران تبدیله یوز طوبلر میان
احوال خادم احمد اغا ذکری مرور ایدن اغای مومی الیه صاحب شجاعت
دلیر و بهادر کسینه اولوب سابقا جسر شیراز و قعه سنده شجاعتی
بالمشاهده جمله یه معلوم اولمش ایدی و تحت حکومتده اولان عسکر
لشکر قزلباشک کزیده سی اولغله اغای مرقوم جانندن اغوانیان دخی داغما
تخوف و احتیاط اوزنه اولمش ایدی بود قعه عسکرینک زاد و ذخیره لری
قالیبوب شدت جوم جانلرینه طاق ایدوب اغای مومی الیه اوزرینه
طلب از قلمری سوقیله هجوم ایتدیلر لرنندن خلاص ممکن اولدوغن
خلوب تخلیص کریمان قصد بیلر شاهک مطبخنه حواله ایلدی وارک هر نه
بولور سکرالوب امروز کفافلنوب فرادا ایچون رزقزی خدای تعالی
بریردن کوندور ما مول ایدر ز دبد کده بر جمعیت عظیمه واروب
بر تفریبله شاهک مطبخنه یول بولوب بولد قلمری ارزاقی یاغما ایلد بیلر
اغای مرقومه شاه عتاب و خطاب ایدوب ایچون عسکر بیکه بو کونه ایش
ایبتدر دک دید کده شاهم بوندیم مقصودم مجرد عسکرالندن تخلیص
کریمانه محرم و رد کل ایدی بلکه قصدم بو اید بیکه اندرون سرای شاهیده
موجود خادم و ندیلر باوی بر کجه اچ قالوب طشره ده اولان عباد الله
شدت جوم ایلر نه کونه یلایه گرفتار اولد قلمری بی برکز خاطره کتون لر
شاه دخی اغای مرقومک بو کونه جرابندن ملزم اولوب رفیقیه معامله یی
شایسته

شایسته کوردی بو اثناده اغای مرقومه خبر کلد بیکه طشره دن بر ۶۶
مقدار عسکر بیلر و افر ذخیره کلوب ایچرویه کیرمکه جسارت ایدمد کلرندن
جوار اصفهانده بر محله قونوب اطرافلرینه خندق کسوب بو حال اوزن
اصفهانلو ایلر مخایره و اتفاقا قلمر بیلر حرکت مقرر قلمر در اغای مرقوم فی الحال
هویره خاتمه واروب واقع حالی بلدردی وان لم بجه لری طرفندن اغوانلر
اورد و سندن دو کوشه دو کوشه کجه لم و اول عسکر و ذخیره یی ایچرویه
اله لم دید کده هویره خانی مخالفت ایتیبوب و افر عسکر بیلر قالقوب طشره
چقد بیلر احمد اغا عسکر بیلر پیشرو اولوب اغوانلر ایلر عظیم جنگ ایلدی
هویره خانی قفادن امداد و اعانت ایلر مقید اولیبوب اخر کار احمد اغانک
کزیده عسکر یی قریلوب منهزم اولدی و کندی و سی دخی فرار ایدوب
کوجیله سلامت بولدی شاه واقع حال دن خبیر اولیچق احمد اغای
جاغر دوب ایچون هویره خاتندن اول حرکت ایدوب دشمنه واردک
و ایچون انک رای و تدبیر بیلر عامل اولوب امر بینه منتظر اولدک دیو عتاب
و خطاب و تعزیر لر ایلدی اول دخی جوانبده شاهم هویره خانی سنک
دشمنکدر امداد بیکه کلسه اغوانه غلبه مقرر ایدی و اول عسکر و ذخیره یی
ایچرویه الحق حد امکان ایدی لکن خان مرقومک دماغنده فساد
اشکان اولغله اراقندن حاملزی تماشا ایدوب نه کندی و سی اعانت ایدی
ونه اعانت مراد اید نلره اذن و یردی چون شاهم دوستک دشمنک
باغدن قالدی بنم دخی الله ایلر عهدم اولسونک بزدخی طشره چقوب دشمنه
تارشو وارمیه ایم ایچق اغوانلر کلوب شاهمی تختندن اروب یاغندن
سور و بیوب کورتور دک کار نه بن قولک دخی کلوب صد اقمی ابات و جمله

اعلان همچون اول اراده شاهمك او غورینه قلی چکوب خاکپای شاهه
 وجود و جاننی نثار ابدیم و یاغی التمه اولوب شاهمك قربانی اولام
 دیوب شاهك حضورندن چقوب کندی خانه سنه کندی غایت
 ابله غیور بر مرد جسور اولغله شاهك تعزیر بنی حضم ابله میوب و خاین
 و صادق شاهك حضورنده بلندی دیو غیرتندن صبر و تحمله قراری
 قالمیوب اول کجه کندوستی زهر لیوب هلاک ابلدی لشکر قزلباش اغای
 موسی الیهك فونی خبرین استماع ایدیمك من بعد برفردن امیداری
 قالمیوب یا س کلی ابله ما یوس و نا امید اولدیلر بیان احوال قحط در شهر
 اصفهان اصفهان محاصره سندن اوج ای مرورینه دکن چار سو
 و بازارده کفایت مقداری نان و لحم و سایر ما کولات اقسامی بولنوردی
 اوج ای مرورنده اتتمک بولنمیوب دوه قاطر بار کیره چار انلری فروخت
 اولنوردی و بر بار کیر بوغز انق ایچون اون ایکی تومننه صائلوردی بر قاج
 گوند نصکره بکرمی بش تومن چقدی و چوغه وار میوب بر چار الی تومن
 لچه یه صائلدی بعد بونلرک وجودی بولنمیوب کلب و کدی ینکه
 باشلندی و بر مرتبه یه وارد بکه درون اصفهانده کلب و کد بدن بردانه
 بولنزا اولدی بر کون بو فقیر بر مهم ایچون فر آنچه الچسی سر ایندن چقوب
 انکله بالیوزی سر اینه کیمک مراد ایلدم کورد مکه سرای قپوسی
 او کونده برنی چان خاتون بر کدی توتمش بوغز لبق استردرد مند خاتون
 شدت جوعدن ضعفه واروب کدی یه کوچی تمز اللرینی طر ملیوب قان
 روان اولمش ایکن جان حقیله طوتوب سلامتی ایچون ایکیسی دخی فریاد
 و فغان ایدر عاقبت حقیر دخی صبر و تحمل ابله میوب بیچان حیوانی
 بوغز لبقه

بوغز لبقه خواه نا خواه خاتونه اعانته مجبور اولدم دورت ای مرورنده ۴۷
 انسان اتی ینکه باشلندی و انسان اتن صتار بش نفر قصاب طوتلوب
 سارزه عبرت ایچون باشلرین طاش التمه قویوب ازوب قتل ایتد کلرینی
 کوردم بوند نصکره اسواقده هلاک اولمش تازه میتلرک بودلرین کسوب
 برلدی و جمله اسواق اچلقدن هلاک اولمش انسانیله رختم رختم اولمش
 طولمش ابدی التمهید اگر چه بو حقیر ناچیزک اعتقادیمه بو جمله مقتضای
 قضای ازل بر امر بر حکمت لم یزلدر انحق قصور و کسور ندرت بیدرخی ظهوری
 قضایه باعث اسباب و عللدن ایدوکی لاریب و لا استنباهدر فعلی هذا
 اتفاق و اختلاف خلق و اختلاف ناس و رجال و بالجمله امور لرنده قصور
 فرای و تدبیر اهالی اصفهانک بو حال حیرت استمالرینه باعث و بادی علی
 و اسباب ظاهره دن ایدوکی دخی امر بد بهدر اهالی اصفهان بلاد سائره
 خلقی کی روزمره محتاج اولد قلمی نان و لچمی هر کون بازاردن صاتون
 الوب اولرنده زاد و ذخایر بولنماز ابدی و برفردک خانه سنه بر ایکی ابلق
 موجود کفافی یوغدی بو بله بکن اطرافده که بلاد و قری خلقی ذخیره سز
 شهره الوب کتوردیلر محاصره احتمالینی قطعادر خاطر ایتدیلر ذخایر
 ندارکی ممکن ایکن صرف زهن ایتدیلر اغوانلر فرح آبادی ضبط ایلد کدن
 صکره جسر اب سبابد تصرفلرینه کیرنجه اوج ای مرورینه دکن اطراف
 اصفهان اچق ایکن اصفهانده جنکچی نی قویوب رعایا و نسوان و صبیانی
 طشره چقر میوب آخر مملکتته کوند میوب ذخیره ندارکی فکرین دخی
 ایتدیلر همان بر ایکی کونلک هنکامه در صا اولور صاندیلر دیا کفتهای
 مفرحه ابله شاعرانه مبالغه لر و کفت و کوی کاذبه بله رستمانه جنکگر ایدوب

هکس قضیه ظهور ایدر سه حال نجه اولور دیدیلر بر کون اصفهانده
مقیم فرانجه الجبسی اعتمادالدولهیه واروب فرصت الله ایکن ندرک کورک
وینی فایده خلقی طشره چقارک انجامنده ندمت چکر سکر دیوب ایقاط
مراد ایلدکه اعتمادالدوله شمد بلاء اصفهانده بر قاج سنهیه کفایت ایدر
ذخیره مر واردر دیو جواب ویردی حال بوکه بر فردده برای کفایت ایدر
ذخیره بولتمدی مداهنه اربانک خوش امدی کلامنه ولاف وکذاف
امیز کفتارینه الدانوب وار دبد کبری صحیح در دیو اعتقاد اتمش ایدی
بر وقتده حنطه و شعیروار زوسا ارجبو باندن دانه اثری قالمیوب اخر کار
انجارک پیراغنی و قپوغنی دارچین مثالووز نیله فروخت و هو انلرده دوکوب
کپک ابله قارشدروب دورت وقیه سی اون تومان اجهیه صائلوردی
انواع اونلر و کولکر و یاغ و پینر پوسته کیلری و ساردردی پارچه لری
پیشریلوبینوردی کهنه پایوج کون پارجه لری و بونلرک امثالی قایش
پاره لری صوده اصلد بلوب پاسطرمه یوللوینور اولدی بونلر دخی
بولتماز اولدقده غیری خلق سو قاقلره دوشوب اول صاحب خاندان
خان زاده لر کونش یوزین کورمین خاغلر ثبته و باکره صاحبلی
وصاحبسز خاتونلر و قیزلردر و یاقوت و لعل ابله دونمش عنقا بازرگان
زاده لر سو قاقلره دوشوب ماملکر بیتی و جوهر لرینی باشلرینه الوب
فریاد و فغان ابله بر پارچه نان طلب ایدر لردی نه جوهر لرینه رغبت
ایدر وارونه سدر مقیچون بزنان پانستی و یرمکه قادر کسنه وارهبان
بچان لرک فریاد و فغان ابله نفسلری دو کتوب ضعف جوع ابله یره دوشوب
سورینه سورینه وهره کی ماولیه ماولیه جان ویرر ایدی هر کس نه یره

دوشمه انده قلوب دخی ممکن اولمیوب اول حال اوزن قالوردی ونهر
اصفهان دخی لاشه ابله لب بر لب طوموش ایدی بو احوالی کورن اهل دل
نفسی نفسی دیک حسب حالی ایکن کند و نفس و حال فراموش ایدوب
بونلرک غمیله وادی حیرنده سرگردان و لایعقل طوکا قالوردی غریبه شاه
حسینک بر عنقا میرزاسی بو حال حیرت اشتمالی مشاهده ایدر بچک فکر
واندیشهیه واردی نور دبد لری اولان اولاد و انساب و اهل بی بی بر قاج
گوندن صکره نفقه لری قالمیوب بو حال وحشت افزایه خواه نا خواه گرفتار
اوله جقلرین بقینافهم و ادرک ایدوب ماملکن بذل ابله ایکی اوج وقیه
مقداری طعام ندرک ایددی و بالجمله اهل بی بی و اولاد و انساب و اقر باسنی
دعوت ایدوب اطعام ایددی بعد جلهیه خطاب ایدوب دد بکه ای نیم
نور دبد لرم سوکاو قرداش و اقر بالرم بو طعام جمله مزک صوک طعامیدر
زیرا اکل و شربه متعلق بوندن غیر برذن مز قالمدی مکر میرزای مرقوم
اهل و عیال و تعلقاتی سو قاقلره دوشوب اول حال وحشت اشتمالیله
ملف اولمیه لردی و طعامه سم هندی قاتوب بر مقدار زمان مرونده
کندوسی و غیر بلری بالجمله خانه سنه هلاک اولد بلر اعراب غریب
بو حقیر دخی بو اثناده اسرار حکم علیه ربانیه دن بر حکمت عظیمه
مشاهده قلدیم شهر اصفهانده محاصره دن اول بر قاج سنه دن بر و سائیک
ایدر بر مسکین اعما کوردیم اثنای محاصره ده نه سائیک ایدر کوردیم
بعد المحاصره میر محمود کونتمه نه مسکین مرقومی سائیک ایدر کوردیم
و بوسری ادرکیم غایت ابله متخیر و عاجز و در مانده قالدیم احوال اباحیان
ملوک نصاری در محاصره اصفهان اصفهانده موجود ملوک نصاری

ایچیلری کندلرینی بحمه قیاس ایتیموب و وقت اختلاطه ذخیره ندارکی
کند و لرینه نسبت حد امکانه اولماز ملاحظه سینه پیشین ندارک
کوردیلر و ما کولات و مشرو بانلرینه متعلق حنطه و دقیق وارزه و سکر
و حواچ بیوندن اولان حبوبات سائره و لحوم مقدده نی و فرت اوزن
ادخار ایتدیلر ابتدای محاصره دن اوج ای مرورینه دکن لحوم جدید
بولنوردی و اطراف اصفهان اجق اولوب طشره دن دخی ندارک
و احضار ممکن ایدی شهر اصفهان محصور اولدوغنی کی ایچیلر دخی
اولرینک قیولرینی محکم قیادیلر و ناس ایله اختلاط ایتیموب تحاشی
واجتناب و کند و لرینی لیل و نهار محافظه اوزن اولدیلر میرمخود دخی
چاسوسلر و سائطیله احوال اچیانندن خبر ایچق عجملره ذخیره و برمیله
و شکر لرین فروخت ایتیمه لردی و خفیه تبییه اولدیلر عدد مقتولان
از شمشیر و هلاک شد کان از قحط در شهر اصفهان تبییه شهر لده
طوغوب بیویوب جنگ و قتال کور میویوب و هرج و مرج و فتنه فساد لرینی
مشاهده ایتیموب با خصوص سرحد لده محاصره شدن لرینی بلیویوب
ناز و نیاز یله پرورده اولان بلدی و سائر بونلرک امثالی ساده دل لر نعمت
راحتی اذعان ایتیموب بو کونه تقریر و خبری مبالغه یه جل ایله کاشلردر
مع هذا که شهر اصفهان بر بلده عظیمه و خطه واسعة اولوب درون
شهرده ممکن بلدی و مسافر و محاور و عسکری اولنلردن غیری اطراف
بلاد و قری علقی دخی شهره کبروب همان انساندن عبارت دریای عمان
اولمش ایدی اثنای حروب و قتاله مقتول اولان قزلباشلرک عددی
بکری بیگه بالغ اولدوغنی صدقه بقین برتواتر در لکن افات قحط دن هلاک
اولنلرک تعداد و تخمین بر وجهله حد امکانه اولیموب بر قاج کره بوز ییک

اولدوغنده

اولدوغنده دخی اشتباه قالمیوب اولی و انساب اولان تعیین عدده کف ۹۹
لسان قلم قانقدر تسایم کردن شاه حسین آج شاهی و تحت ایرانی بجانب
میرمخود و ضبط شهر اصفهان و احوال سائره در میان اغوان و عجم میرمخود
اصفهانده وقوع بولان احواله نقیر و قطیر خمیر و ایچق غیر شهر اصفهان
دسترسی اولدوغنده اشتباهی قالمیوب محاصره تمشیتی شدننده بر مقدار
تسهیلی رو و کوردی و عسکرینی بر مقدار کیر و چاکوب تلفنی من بعد جائز
کورمدی سر بلوکار بتی چاغروب عجم اوزرینه وار لیمه دیو تبییه ابلدی
بر ایکی کوند نصکره عجملرک یریشان حالی اغواندن علی و ادنایه معلوم
اولیچق اغوان عسکری اصفهانده یوریشه اذن طلب ایلدیلر و مطلوب بلرند
مصر لر اولوب میرمخود و میاچچیسی دفعنه سعی ایدوب کوجیله
تحویل ابلدی و بنه هر فردی بر لورینه کوندروب خدمت مامونده
ثابت الاقدام اولدیلر و میرمخود یوریشه جواز و یرمدی زیرا اموال
و خزینه شهر غارت اولدوغندر غیری بو محضر حمتدن تیب و مشقتدن
صکره عسکرنده الهزام وقوعندن خوف ایدوب حزم و احتیاط ایدردی و
بو کونلرده شاه سرانده دخی ما کولات و مشره با تهر بر ذن مقداری زاد
و ذخیره قالمیوب و با جمله اطرافدن معاون و ره دندن یاس کلی ال و پروب
مشاه عاقبت خواب غفلتدن بیدار اولدی و ایش نیه منجر اولدوغنی بلدی
لباس فاخره سن چقاروب یاس و ماتم کیاسن کیدی اندرهن سرایی کروب
خادم و ندیم و تعلقانیله اغلشرق و داعلشردی سر ایدن طشره چقوب
میدان اسواق قحط ایله هلاک اولمشلر ایله مال اولمش کوردی دره نده
رفق و شفقت هیجان ایدوب دپنه لرینی مثال سحاب ابدار اشکیار اولدی

صوت بلند ایله اغلیوب کوردو کی ندیم و خادم و ناسه متوجه او اوب
وداعه بشلدی و گاه خطاب و گاه عتاب ایله بو گونه کلامه اغاز ایلدی
ای بتم صادقلم محبت ایله محنته گرفتار اولمش قوللرم بو بحر بلا ده
پاردا شلرم نار غیرتم ایله یاغش یا قاش صد اقتکار لرم بو قضای مبرمه
رضادن غیر ی چان مزو بو حکم ازله تسامیدن اوز که منالز یو قدر بناه
دولتمزی ایله هدم اپتدک جناب حقندن مستغرق اولدوغم نعمتک
شکر ن بلدک نفاق و شقاق و اختلاف ایله دو شمنلریزی ایقلندردق
سو تدبیر و قصور و کسور رای ایله ماملکیزی یادالنه و پردک قضای
ازل ناشایسته فعلمز ایچون تخت ایرانی زه لایق کور میوب انحره و پردی
سزی و بری تقدیر خدایه بنده قلبدی چون ارادت علیه بو کاتعلق
ایتدی شاه جدید و اروب جمله مز سرفرو و اکقول اولقدن غیر ی
چان قالدی شهری کزوب و صوت بلند ایله والوام ای تحت شاهی
الوداع ای ملک ایران الوداع ای تاج دار الوداع ای شهر اصفهان الوداع
دیوب شاه وناس و اعلی و ادنی بر مر نموده اغلشدیلر که اه و اینملری
افلاکه چقوب جولفنده و اغوانلر اوردوسنه اشکان اشیدیلوردی
و اول کون اخشامدک بو حال اوزنه کزوب اغلشوب اخشامه قریب
شاه وناس سراه واروب جمع اولدیلر و مشورت ایدوب شهری اغوانه
تسامینه اتفاق ایتدیلر چون صباح اولدی شاه حسین معتمد لردن بر قاج
کسته بی میر محمود ایله مکالمه یه کوندروب نوردیلر سی قیزینی دخی
جهیز ایدوب میر محمودک ایاغنه کوندردی مکالمه یه مأمور اولانلر
کند ولر بنه سپارش اولنان شروط و قیودی ایراد و میر محمود دخی قبول

ایدوب

ایدوب ویره مواد لری عقد اولند قلم کیر و عودت اولند پلر بعد شاهی
کتور مک ایچون مخصوص ندرک وائلر انصاب اولنوب میر محمود
کند و رجالندن بر قاج کسته بی معاکوندردی شاه حسین کوندرلان
اتلر سوار اولوب و عادت ایران اوزن الا پلر قوروب میر محمود جانبندرو
براه اولدی میر محمود دخی رجالیله حاضر و اماده شاهک قد و مننه مترقب
اولدی و شاه ایچون براوطه حاضر لنوب بر مندراوز و بتمه سوزنی مقصد
دو شنبوب اورته ره بر بالین قود پلر بعد شاهه اکر ام نه صورنده اولمورد
دیومندا کره ایتدیلر بعضیلر شاه شاه ایران اولوب الان میر محمودک
قاین پردی و مقدمه ماجمله اغوانلک افندیسی بو نغله استقبالی روا کوردیلر
لکن میر محمود استقباله تنزل ایتیبوب انجق دیوان خانه ده کنددی
رجالیه شاه حسین ایاغ اوستند بکلیبوب شاه حسین رجالیه کلوب
دیوانخانه به چقد قلرند میر محمود بر قاج ادم یر شاهه استقبال ایدوب
بری بر لرنه سلام و پردیلر و شاه حسین میر محمودی قوچوب و الندن
و ابکی کوزندن بوس ایدوب قو بنندن بر صر غوج چقاروب کنددی ایله
محمودک باشند طاقدی واللهم مالک الملک ایتنی او قویوب بو معنای متضمن
بو مقدار کلامه نصکره میرم تقدیر ازل تاج و تخت ایرانی بنندن اوب سکا
لایق کوردی و هیمان مبارک او اسون دیدک شاه حسین کند و رجالنه
و بعد میر محمودک و حالنه عطف نظر ایدوب بو گونه خطاب ایتدیکلای رجال
وناس بو کوندرکن مالک ایران شاه بن ایدم الان تحت و تاج و ملکی فراغت
ایدوب میر محمودک بد تصرفنه قصر ید ایتدم و بن دخی تحت حکمنه کیردم
دیوندر نصکره سزک و یزم شاهمز بودرد بد کده اولانکند و سنی پردی مقامنه

قبول رجاستنه شروع ثانی اهل و عیالنه وضع یه رضا ویر میوب و الندی
مقامنه تنزیل بالثا اولاد لرینه رنجیده نی رو اگور میوب کوچک قرند اشلری
مقامنه استخدا م رابعیا یاغده موجود رجالک صد اقتلری بو انه کعبه
عرب و مشاهده اولغله بکا صد اقت ابله خدمت ابلد کلری کبی سکا دخی
صد اقت و استقامته ثابت الاقدام اولملری مأمول اولغله خور و حقیر
اولملرینی شایسته کور میوب عزیز طوته سن خامسا مملکتده اولان فقرانک
اوز رندن ظلم و غدر دفع و رفع سادسا احکام شرع مبینی هر حالده اجرا ده
صرف مقدور ابلد سن دیو نیازی تمامنه میر محمود شاهی اوطه یه دعوت
ایدوب یرکوستردی شاه حسین مندن التفات ایشیوب کنان او توردی
میر محمود دخی مندر او ستنه او تور مغه رغبت ایشیوب مندر ک اول برکنارنده
زانوا وزن او توردی بعده شاه حسین کند و مهر بده و بالجمله ایران دولتی
خانلر بنک و معروف اولان اعیان و رجالک اسملر بده مضا و مهر لر بده
مهور تحت و تاج و ملک ایران فراغتی متضمن بر کاغد چقاروب میر محمودک
النه صوندی اول دخی قارشو سننده قائم دیوان کابینه و یوب جهر بده
قرا ت ابلد کده یننه میرمر قومک ید بنه و یردی در حال معتبر و معتقدلری
اولان مشایخدن بر کسنه نی احضار ایدوب یا نلر بنه کلدی شاه و میر
ایکپیسی دخی دیزا وزن کلوب اول دخی بران میر محمودک باشنه و برالن شاه
حسینک باشنه قویوب دعالم و ثنالر اتمامنده تحت و تاج ابرانی میر محموده
نبریک ابلدی بعده با جمله رجال عجم کلوب سرفرو و میر محمودک دامن
بوس ایدوب بیعت ایتدیلر بعده خانان و ضابطان و اعیانان اعوانیان
کلوب انلر دخی دامن بوس ابله رسم تبریکی اخیالیتدیلر فعلی هدا شاعر

دانا و طر بقک هائف غایبیدن الهام ایله مذهب ناحق دیدو کی تاریخ نکته ۷۱
امیر مفهومی منه موافق شاه اسماعیلده ظهور و ابتد اولان دولت شاهان
طقوز نفر شاهان کراهانک تقریبا ایکپیوز بکرمی سکز سنه مقداری مدت
ممالک ایرانه امثیلا برله حکومتلری بو کون شاه حسینک تمام اولوب غالباً
دفتر لری بونده دور بلوب ختم اولدی ضبط شهر اصفهان و ترتیب لای و رفتن
میر محمود و شاه حسین بدولت خانه و جلوس میر محمود در تحت شاهی
بعده میرمر قومک خان اولی اولان امان الله خان سرای شاهی اولان
دولتخانه ضبطنه مأمور اولوب کوندر لیدی و خان ثانی اولان نصر الله خان
بر مقدار عسکر یله قزوین جانبلر ینک یوللرین محافظه و اولطر قلرده
طهماسب حرکتنه نظارت ایچون ارسال اولندی شهر اصفهان ضبط
اولنوب قیولر بنه عسکر تعیین اولندی مرور اید جکلری سو قاطر تطهیری
ایچون ادملر تعیین اولنوب لاشه لرد فن اولنوب یوللر بیقنوب مهما
امکن رواج قبیحه از اله اولندی شاه حسین ایچون غیری اوطه دوشنوب
انده اسکان اولندی ذکر اولنان احوال جمعه کوننه مصداقت ایدوب
ایرتسی کون آرام و استراحت اولندی درون اصفهان مأمور اولانلر اهتتام
ایدوب مأمور اولد قلری خدمت امکان مرتبه سی یر بنه کتور لیدی و چخی
کونکه یوم بازار ایدی الابلر ترتیب اولنوب شاه و میراتلره سوار اولوب
شهر اصفهان توجه اولندی اغوانلر لندن قتل اولنان قزلباش لاشه لری
اذر جاری بغچه سننده بخلغله شاهه کوسترمک قصد بده اول یولدن
کید ملک تنبیه اولندی شیراز کویر یسنه وارد قده جمله الای و میر و شاه
کوپرویا اوغرا میوب کجد دن عبور ایتدیلر ایکی یول اغزی نام محله

کند کده مير محمود طوغری يولان اصفهان کيدوب شاهي ايسه ديگر
طريقيله کوندر دبلر فراجه وانگله وندر لاندده باليوزاري مير محمود
استقباله کلوب اوکونه دشديلر و قزلباشلردن برفرد الايه کلمسون
وسير طريقيله يوللرده بولمسون ديو محکم نتييه ايدوب مناد بيلر ندا
ايتدر ديلر طرف طرف اغواندن عسکر وسوقا قلا باشنه زيرق تعبير
اولنور طوپلر قونلوب مستوفي توفنگچيلر حاضر واماده قلملوب
قزلباشلرک حيله و خدعه سندن کرکي کبي حزم و احتياط ايتد بيلر وجه
محرراوزن سراي شاهي اولان دو تخانه يه وارد بيلر اندرون سرايه اولان
خدما وندما سراي شاهي ني ريزين ايدوب مير محمودک مري اولان
حولي ده سر تا پار پرياي سمند ميرده ديباي ذيباي ذرياف دوشيوب
اوزرندن کچورد بيلر و بوضورت اوزن عزت واکرام ايله تحت شاهي يه
اجلاس ايتد بيلر شاهک خادم اغاري کلوب بيعت و مقام خدمته قائم
اولد بيلر و اندرون سرايه موجود سارندما و خدمه بالجه کلوب مير
سرفروورسم بيغي پر بنه کتورد بيلر بعد کيرو قلان رجال دولت و خانلر
واختيارلر و اصفهانده موجود ايش ارلري و عسکرلري کلوب بيعت
ايتد بيلر و صداقت و استقامت برله من بعد ميرده خدمت و خلوصي
و طوبته نابت قدم و راسخ الدم اوله جضلر بنه عهد و امان ايتد بيلر مير
موردک دخي قحطک شد تيله خلقتک مضابقيه سي معلومي اولغله حل و عقد
امون مباشرندن اول ذخيره مهمه سنه صرف مقدور ايدوب اغوانلر
اورد و سندن اصفهانده ذخيره کتورلسون ديو فرمان و همان اول کونده
يهاي ارزاق تنزله يوز طوبت و خشامه دک دورت و قيه دقيق ابي غروشه

ايندي

۷۲ ايندي فعلی هذا بر قاج کوز ايچنده تحصيل ارزاق ناسه اهتام اولوب نان
ولحم ايله خلق بر مقدار کفاقلندي بوخبر شايخ اولوب طشر مرده
مسموع خاص و عام اوليحق اصفهانده صاحب خانه و مالک متصرفلري
اولوب محاصره شدنندن فرار ايدنلر اولر بنه گلکه رغبت ايتد بيلر و يوما
فيوما اصفهانده خلق چوق اولغله باشلند بيلر بعد مير محمود رسم عجمه
مراعت کوستروب ضيافت ترئين امر ايلدي و امورد و لئي مشورت ايچون
کند و سندن بيعت ايدن عجم خانلر بني و بکلر بني و سائر اسنشان اربابي
دعوت ايلدي شاه حسينه خلوص و صداقتده پايدار اولانلره اکرام
صورتن اظهار و خيانتده بولمئلري جمله قتل ايلدي انجق هوزره خاني
ايله مير محمود بيننده مقدمه عهد و امان جاري اولغله ائي قتل ايتيوب
حبس موربد ايله حبس ايلدي خان مرقومک عوجده سي اوغلي
محاصره دن اول مير محمود کلوب مسبوق خدمت و مشهود الصداقت
بولغله پر بنه هوزره پرخان نصب و تعيين ايلدي مير مرقوم شاه حسينه
خلوص و صداقتي مجرب اولان رجاله خطاب ايدوب شاهکزه ايلد بيلر
صداقت و استقامتکز مجرد رفعتکزه علت مستقبله اولوب بکادخي خلوصي
اوزن خدمته اولور سکر ملا خطه سييله بولند بيلرکز مناسبي سزه ابقا
و مقرر ايتدم واروب مأمور اولد بيلرکز خدمته سي بليخ وجد او ف ايد سز
فعلی هذا شاهکز جالي مير محموده رجال اولوب اعتماد الدوله سي بنه اعتماد
الدوله اولدي مرقوم اعتماد الدوله اولدندن بروبا عن جد عجم شاهلر بنده
خدمته صداقت و استقامت برله شهرت بولمش کسنه اردن اولوب
بود فعه مير محمود جانبنندن خدمت مرقومه اعتماد الدوله مرقومک

ذمت خلوص و همت استقامتته تفویض اولنوب الباس خلعت برله
امتیاز قلند قد میر محمدک یا غنهر و نهاده قلوب بوکوته نیاز مندانه
تضرع ایلد بکه میرم هر حاله امر بنه اطاعت و انقیاد برله ما مور بیورد قلمری
خدمانه صدق خلوص اوزن صرف مکنت ایلدرم انجق طهما سب
طهور ایدوب انکله جدال و قتال اقتضا بلسه شاه زاده مرقوم کر بنه
مستغرق اولدیغ ولی نعم افندیگ اوغلی اولوب خاندان شاهیدن
اوز ریمه اولان حقوق نان و نعمت باشمدن اشمس برحالت لازمه الرعایه
اولغله اولیای نعم افند بلیریمه عدویانه سل شمشیر و کافرتنه انکار نم برله
جانبلر بنه قصد یله انداختن کمان و تیر بو قوللر بنه نسبت امر دشوار
الجسارت بلکه بویله بر فعل شتمیع ارتکابی محالانندن اولغله میرم بو قوللری
طهما سب ايله حروب وقتاله امر ايله و بو کونه عنان اختیارم الیمه
اولدوغی خصوصه قولنی کر مندتن عفو ايله دبد کده میر محمد اعتماد
الدوله نیک بوکوته ناشر الکریم و شا کر النعم حق شناس و خاطر پرور صداقت
شعار کلامندن عابت ايله حظ ایدوب من بعد خدمت و کالتدن عزل بلامک
و عدلر بنی متعین و افر تحسین و جوق افر بیلر سو بلدی و رجال عجمه
علی مراتبهم اطهار ملا طفت و نوازش خاطر لر بنه رعایت کوستروب
هر فردی متسویته ابقاه تقریر قلد قد اغواندن اوزر لر بنه برز طردنی
تعیین ایلدی انجق تعدیل و تسوییه منازعات و دعوائی حقوق عبادده
حل مسکلات و احقاق حق خصماده اجرای شریعت قانون ایرانی اوزن
دیوان بکلیتک عهد ذمتلر بنه تفویض اولنه کلد و کونه بناء بو مقام
الیه دیکر انک استخدا می روا کور لمیوب جنس اغوا یاندن صاحب زهد

و تقوی

و تقوی کامل ورشید عالم قواعد شریعت مستقیم و معتدل اعتقاد ۷۳
ایلد کلمی برکسندنی انتخاب و امتیاز ایدوب دیوان بکی نصب و تعیین
و بو خدمت واجب الدقت و لازم العفی انک ذمت اهنامنه سپارش
ایلدی دیوان بکی مرقوم دخی اجرای قوانین شرع نهوبده بر مرتبه
جد و سعی و اطهار عفت و عصمت ایلد بکه جمله قزلباش انکشت تحیری
دندان تفکره قویوب باعث زوال دولتملری اولان اسبابی هنوز فکر
و اذعانه باشلد بیلر و سبب زوال دولتملری اولان سوء حاللر بنه ندامت وان
ینفعهم الندم ايله نادملر اولغله یوز طوند بیلر احوال جمع و تحصیل
خزیننه از جانب میر محمد عجم شاهلر نیک خزیننه مستند موجود ذی قیم
الات و اسباب و جواهر و بساط اگرچه وفرت اوزن بولندی لکن سیم
وزن دارنقود اقل قلیل ایدی میر محمد جانیندن جمله سی ضبط اولندی
بعده رجال عجمک هر برندن بر مبلغ اچقه و جوهر طلب اولنوب خواه
ناخواه تحصیل اولندی حال بو کدر رجال عجم شاهلر نندن زیاده خزیننه
مالک اولمشتر ایدی جو لغه دن و اصفهانندن تاجر لر دن و غیر بیلر دن
حتی ملوک نصارا ایلیچیلر نندن دخی بر بهانه ايله مبلغ و افره طلب اولنوب
طوعا و کرها جمع و تحصیل و میر محمدده تسایم اولندی میر محمد و ددن
غیری رجالی و سرکارده اولانلری دخی جروجع اموال سودالر ی غالب
اولغله انلر دخی بر تقریب و بهانه ايله اموال کثیره جمع و ادخار ایلد بیلر
و عسکر اغوانده متعین علوقه لو عسکر اولمیوب کسب و تحصیل ایلد کلمی
اموال غنائیک جمسی حا کلمر بنه تسایم و باقیسن بیلر نده تقسیم ایدوب
طوا ئیف عسکر دخی اموال غنائیدن منقول اولد بیلر حا کلمری طرفندن

بخشش وقوعی دخی نادر واقع اولوب انجق اصفهان فتحند نصیره
سرکارده اولانلارینه تعیینات ویریلوب عسکر طواپغنه دخی احیاناً
ذخیره ویریلوردی ارسال کردن عسکر برای فتح قزوین و وقعه قزوین
اصفهان شهری وجه محرر اوزن فتح و تسخیر اولند قد نصیره برای قدر
زمان مرورنده قزوین شهری دخی فتح و تسخیر اولنق مراد اولنوب میر
محمد خان اولی اولان امان الله خان سکر بیک عسکر ایله قزوینیه
تعیین و ارسال اولندی و میر محمد طرفندن قزوین اهل بسنه خطابا
امریازیلوب کوندلدی مضمونده سز که قزوین اهل بسی سز امرم
وصولنده انقیاد ایدوب شهر قزوینی اول جانبه مأمور سر عسکر چه
تسلیم اید سز و طهمااسب اید بولنورسه بلا عوق و تاخیر طرفزه
کوندن سز امره انقیاد ایلد بکنز صورنده اموال و اهل عیالکز و عرض
و اشیاکزه تعرض اولنمیوب ینه اولدوغکز حال اوزن منال و مناسبکز
کند و کزه ابقا و مقرر قلنوب اسوده حال اولور سز و اغوانلردن طرف کزه
بردر لو ضرر و کزند تریب اید جلا اولورسه طرفزدن تضمین و تکمیل اولنور
والا امره اطاعت ایتیموب عناد و مخالفت و مقاومتیه جسارت اید جلا
اولور سکن عون جناب حق ایله یاد ظفر و غلبه طرفزه و زان اولدوقه
بر فرد بکزه بر طرفله امان ویریلوب عموماً قتل و استیصال اولنور سکز و بو
سیاقده شاه حسین طرفندن دخی مکتوبلری یازلدی و ندادار کلر کوریلوب
لشکر اغوان جانب قزوینیه روان اولدی قطع منازل طی مراحل ایدرک
قزوینیه یقین اولدقلرند طهمااسب خبر اولوب یاننده موجود عسکر ایله
نیریه فرار ایلدی اغوانلر وصولنده شهر قزوین عسکر دن خالی
اولجق

اولجق و کند ولری دخی طهمااسبه استناد ایله جنگ و محافظه ندادار کلرینی
چندان اهتمام ایله کور میوب غفلت اوزن بولنملر ایله لشکر اغوانک بجایه
وصولرند میر محمد ک امرینی واکام منضم شاه حسین مکتوبلری
کورد کلری برله شهر قزوینی بلا قتال وجدال و بلا منازعه لشکر اغوانه
تسلیم ایتدیلر و درون قزوینیه قوناقلر ندادارک اولنوب با جمله اغوانی
قوناقلره توزیع ایدوب بشقه بشقه قوندر دیلر اهل قزوین لشکر اغوانه
و سردار لری اولان امان الله اکرام ایدوب وافر هدیه لر ویردی لر علی
روایه سردار و اغوان قناعت ایتیموب طمع خامه دوشدیلر و میر محمد
امر و وعده بنه مخالف حرکت و وضع اقدام ایتدیلر عاقبت قزوینلی طاقت
گتور میوب خفیه مشورتلره یاشلر دیلر و قزوین شهرنده یوز بیک قزلباش
موجود تخمین اولنوب سکر بیک اغوانی کوزلرینه کستر دیلر سکر
طقوز کون مقداری زمان بو حال اوزن کچوب قزلباشلر اغوانلره سوء
قصدده یلگ دل و یلگ جهت مترصد فرصت اولدیلر چون معتاد
یلد لری اوزن کجه لده حمالر ایلد قده حمالیلر بوری چالوب بووجه
اوزن خلعتی نومدن ابقاط و حمالر ایلد یغن اعلام ایدر لر مش پس بو حالیه
ملعنترلرینه اتفاق اوزن مباشرته و سیمله ایدینوب بر کجه اغوانیان خواب
راحت و پستر غفلتده بالین امن و امانه یاش قوبوب کند و حاللرند ایکن
قزلباشلر ایدسه ملعنتده جمله معهود و فساد تشبیتند متفق الیرون
اولوب انلردن هر فردیدار و اتفاق لری اوزن اغوانلر بر طرفله اکاه اولمیلر
دبو معتاد اولان وقتندن اول حمالیلر بوریلرینی او فروب بوریلرینک
هدیه ای اشدیلر بکی برله قزلباشلر هر مهماندار اغواندن کند و خانسته

اولان مهمانی بلا توقف هر نه ظریقه ممکن اولور سه قتل ایلیمه دیوسرا
و خفیه اتفاق و سواقاقلر ده دخی حاضر و ماده بولماق اوزن قول قول
ادملر تعیین اولمغی ترکیم و نصیم ایتدیلر و اغوانلردن برفرد اللردن
بر طریقه رها بولماق اوزن عظیم تدارکار کوردیلر شب معهودده
اتفاققاری اوزن تمشیی مراملرینه مباشرت دخی ایتدیلر اغواندن بر بلوک
بیدار بولنوب احوالنه یوزدن اید و کن فهم ایتدیلر و عجاله انلر بنبوب
چار ستوره چقدیلر هر جانبدن قزلباشلر هجوم ایدوب عظیم قتال ایتدیلر
سردار اغوانیان اولان امان الله مجروح اولوب بیک مقدار چایک اغوانیله
کوجیله فرار ایدوب اصفهانده دوشدی دورت بیکدن مجاوز اغوان
قزلباشلر انلر مقتول اولدیلر ماملر کله رینی بالجمله ترک ایدوب نجھاری
عریان و بریان جانلرین قورتاروب کلدیلر و نجھاری یول بولیبوب
چوله ابله قندهار سمتن طوقوب کیمتدیلر بیان قتل عظیم در اصفهان
بیک یوز اوتوز بش تار یخنده بووقعه ظهور ایدوب غیری اغوانیان فکر
واندیشه واروب کندورینه عارض اولان ضعف ملاحظه سی موجب
الم و کدر لری اولدی و اصفهانلر دخی بو حالی اشدوب بو گونه فساد
جسارت ایلد جکلرین عین الیقین بلوب کال مرتبه ده خوف ایتدیلر
و طابغه قزلباش اسمالت ابله و نوازش خاطر لرینه رعایت اولنوب
الباس لباس کرام و توجه مناسیب ابله کندور بینه دوست اولیمه جقلرینی
بالمشاهده اذعان و ادراک و تحقیق ایتدیلر و دفع محذوره کال حزم
و احتیاطی و سرعت و مینادری اهم مهامدن شمار ببله هماندم میر محمود
جانبدن عموم ضیافتی رتب اولنوب شهر اصفهانده بقیه السیوف

و القحط

و القحط رجال واعیان و ایش ار لری بیرو جوان میرک ضیافتنه دعوت
اولنوب مهمان اولدیلر اگر ام صورتلری اطهار اولنوب معتاد عجمیانه
رعایت مراسمی احیا اولندی و لمصلحه مألوف اولدقاری عیش و عشرت
حبتلرینه جواز کوستر لدی اوج بیک مقداری قزلباش بو حال اوزن
ضیافت میرده موجود اولوب جمله سی قتل و طعمه شمشیر اغوانیان
اولدیلر میرزار سمتک اون ایکی یاشنده بزنجوان پرهتر و صاحب معارف
اغولی اولوب کبار اغواندن بری کندوی اوغول ایدمش ایدی قضایله
مجلسده حاضر بولنوب هر چند که اغوانلر شفاعت ایدوب تخلیصی یابنده
میر محموده نیاز مند اولدیلر رجالی قرین قبول اولیبوب اول نور سینه
جوان پرهتری دخی قتل ایتدیلر پس بو طریقه قزویین و قعه سی
ظهور ندن اغوانیانه واقع اولان وحشت و دهشت بر مقدار دفع و رفع
اولوب قلوب اغوانه نوعا امنیت حصولیله یوز لرینه اب راحت سر بلدی
و مقتول اولان قزلباشلرک لاشه لری شاه سرانی اوکنده میدانده بر اخلدی
بو کادخی قناعت اولنوب مقتول اولانلرک اولاد لری ارانوب و شهر
اصفهانده کوزه کورینوب جتکه قادو اولان قزلباشلر اخذ اولنوب
قتل اولندی اندرون سرای شاهینده پرورده اولان ایکی یوز نفر مقداری
عجم خان زاده و کورجی بک زاده لر بینه دبلد کلری محله کتکه رخصت
ویرلوب هر بری بر جانینه باشن الوب کتک ملاحظه سینه شهر دن طشره
چقد قند قفادن اغوانلر تعیین اولنوب قتل اولدیلر و دورت بشر کون
ایچنده اغوانلر حوالی شهری کشت و کذار ایدوب قزلباشلردن
بولدقاری ایش ار لری و سوز صاحب لری و جتکه قادو اولنلر بینه امان

فرید میوب قتل ابلد پلر رجال عجمدن انجق بکرمی بش نغر کسغه فی
صاغ قوبوب باقیلمری استیصال اولندی و بوند نصکره اعتماد الدوله
دخی اطفیله معامله بر طرف قلنوب کند و سندن عنقیله یتیمش بیک
تومن اچیه طلب اولنوب تحصیل اولندی و باجمله مقتوللرک اموال
واشیالری مصادن اولنوب در خزینه قلندی اشبو قزوین و قعه سی
سینه سی اولان مقتل عظیمه متواری خاک هلاک اولان قزلباشلرک
عددی باجمله جنکرده قتل اولنالرک عددینی اشدی و اغوانلرک
دخی جمع اموال سوداسنه و ادخار خزینه هوالرینه باعث و بادی بو
اولدی و افراد قزلباشلرک بفرده من بعد بر طرف بقیله اعتماد یابی بو جمله
محکم سد و بند اولدی گفتاری بند امیر سیاح ای دل بیکانلر در دین
گوروب شاد اولمه دشمنک بلاده کوروب مغرور اولمه بو کون بکایارینی
سکا مضمون اوتمه بو چرخ فلکک اقبال و ادبارینه اعتبار ایتمه نه سعد نه
و فاونه نخواستنه بقاز بنهار بر در لو حالنه طینه بنده سی اولدوغک دولتک
دکل مهمانی اولدوغک کسه نک زوالن کورمه ای کوکل عاقل ایسک تماشا
ارزو سینه بو پله برهنکامه قیامت نشانده بولمه ولی نعمتندن رنج و الم
گوردک ایسه ده زوال دولتن تنی قله مرد اول نفاق و شقاق و خیانتی
ارتکاب ایتمه اشنادن بیکانه بکایکدر دجه قصور اعمالک و سوء افعالک
تختنه سکا حقندن مقدر اولان جز دشمنک ایله رتیب اولنق ارزو سنده
اولمه جرم و جنایتک ایله دشمن و بیکانه نک پیخه قهرینه و دست بی
رحمنه گرفتار اولیوب ولی نعمتک افندک استناک ایتمه دوشمکی سکا نعمت
عد ابلد دوست المندن سم و حنظل دشمن المندن و سکر عسل تنیا اولندن
سکا اولی شمار ایله احوال عالم کون و فسادی چون بو مرتبه ده بحر به
قلدک

۷۶ قلدک طبایع ناسی لختلافی اوزن بولدک ممالک غرب خلقینی قتل نفوسه
اتقی وارجم اجناس عثمانیانی انعام و احسانده اجود و اکرم اهالی شرقی سفک
دماده خلف و عدده لاف و کذا فله ابلخ و اغلب بلدک بونجه امور عظامی
چون بالمعاينه کوردک حسب حالک فهم و ادراکد برابینه مجلا بولدک من
بعد عاقل ایسک دعای دوام اشتغالیله بولندغک دولتک قدرنی بلدک
رفیع شدن قدر اغوان و تعیین حد و دو مراتب در میان ناسی بوندن
صکره میرمچود کند و اجناسی و عسکری اولان اغوان طایفه لرینه رفیع
قدر و تعظیم شان و اعتبار طر بقله دخی نوازش خاطر لرینه رعایتلر
مراد ایدوب منادیلرندا ایتدردی ممالک ایرانده و با خصوص شهر
اصفهانده واقع اولان طوایف مختلفه من بعد اغوانلره اکرآمده
مراسم تعظیم رعایت و اغوانلره مصادفت ابلد کلری محللرده ایاغه
قالقوب و قارشولرند قایلر اولوب وال بغلیوب بوللرده دخی قالدرمدن
اینوب تعظیم ایله پول و یروب هر حالده لازم کلان اکرآمده قصور
ایتمه لر دیو تنبیه ابلدی و اجناس ناسک هر صنفینه مرتبه ده حد تعیین
ایدوب جمله نک رتبه ده اعلی و اقدمی اغوانیان تانیا در کز بنیان ثالثا
ارمنیان رابعاهنددن کلان منتانین خامساتش پرستان سادسا
یهودیان سابعار فاضیان که جمله دن ادنا و احقر اولق رتبه سنه تنزیل
مراد اولنوب صورت و سباتی مر قومه حفظ و صیانت اولنق محکم تنبیه
اولندی ندارک کردن ذخایر برای اصفهان بوانئانده شهر اصفهانده
واقع زاد و ذخیره قلت بولوب خلقه مضایقه ال و یردی پس میرمچود
فکر و ملاحظه و رجالیله مشورت ایدوب نصر الله نام خانی اوج بیک
کز پده اغوانله چته لره تعیین ایدوب کوندردی ملکئی کشت و کذار ایدوب
اطاعت ایدن بلاد و قری خلقنی علی حالهم ابا

وقری اهلنه رأی و یروب اصفهانہ بر مقدار ز خیره کوندون لرو اطاعت
ایتمینلر اهل بسن قتل و اموال وارز اقلری نهب و غارت ابله لرد بو فرمان
ابلدی منوال مشروح اوزن نصر الله خان اصفهان دن چقوب همدان
جانبلرینه متوجه اولدی نجه نجه بلاد قری اهل ایلسی اطاعت ابدوب
رای ویرلدی و ذ خیره و یروب اصفهانہ کوند رلدی نجه لری دخی عناد
و مخالفت و مقاومته مباشرت ایدوب قتل و اموال وارز اقلری یاغما
وغارت اولدی و نجه لری کندیورینه کمال مرتبه ده استحکام و یرمش
یونمغله ظفر میسر اولمیوب علی الهام رک اولندی همدان قربنده درکزی
نام شهره وارد قلمزنده اهل ایلسی استقباله چقوب نصر الله تبریک قدوم
رسمن اجر اوکندولری تبع اولدیلر شهر مزبون نیک اهل ایلسی سنی مذهبلر
اولوب شاه عباس عصر نده موصل حوالیسنندن اجلائی وطن و همدان
نواچسننده اسکان اولمشلر ابدی نصر الله خان درکزی نینه بر قاج کون
مکت ایدوب انلردن دخی الی بیک عسکر ندرک ایدوب طقوز بیک
عسکر ابله همدان حوالیسننده غارت میاش اولدی اطاعت ایدنلره رای
و یروب مخالفت کو سترنلر ابله مقاتله و مغلوبی اولنلری قتل و اموال
اشیالرینی یاغما و ابکی بیک قزلباش عسکر بله شاهک هرکله سنه راست
کلوب بر مقدار مقاومند نصره قزلباشلر مغلوب و یجق هرکله فی اللرندن
الوب کزیده لرینی میرچوده کوندردی النان فی حد و بی حساب حیوانانندن
واموال غنیمتدن ماعد اللی بیک دوه یه ذ خیره تحمیل ایدوب بو نجه
عسکر ابله سکسن کون مقداری زمان مرورنده اصفهانہ کلدی بر قاج
کوند نصره عسکر تعیین اولنوب یوز بیک نفوسدن مجاوز درکزی
اهل ایلسی اموال وارز اقلری بله اصفهانہ نقل و شهر مزبوردده صاحب سز

اولان

اولان خانه لرده اسکان ابلدی و انلره مراد لری اوزن نجه نجه املاک دخی
توزیع و تملیک ابلدی بو نجه نفوس اصفهان ایچنده غایب اولوب هیچ
عدم و وجود لری معلوم اولدی و بنه شهرک اکثری محارری خالی قالدی
مشورت کردن اغوانیان برای ندرک عسکر بوندن بو بله اصفهان شهری
محافظة سنه درکزی اهل ایلسی کفایت ایتدوکن میر محمود ادراک و اغوان
عسکر نیک دخی کزیده سی بو نجه وقایع تقریبله تلف اولوب اشده احتیاج
ایله عسکر جدید و اصفهان طولد ر مغه بر نجه خلقه محتاج اولد قلمزین
ملاحظه ایدوب پیرو د انلری اولان از باب استنشان ابله بو بله مشورت
ایتدیلر و خلاف چنسلری و عدوی دینلری اولان عسکر و خلقه دخی
اعتماد کلی ممکن اولمیوب مهمالمن کند و جنسلر نندن عسکر ورعایا
و بر ایانداری اهنامنده اولدیلر و اصفهان شهر بیک انا فانا محافظه سی
عسکر و افر وجود بنه محتاج اولد و غنندن غیری بر طرفدن دشمن ظهور
ایدن احتمالیه بو امر واجب لاذعانده تا خیر وقتانی مناسب کور لمیوب
قندهار جانبلرینه عسکر ندرکی ایچون عجاله تمهید کسنده ل کوندن بیک
مناسب کورلدی و میرچو دیک ایشکلر اغاسی اولان عبد الله اغانام کسنده
انتخاب اولنوب هدایای کثیره و خزینه و افره ابله قندهار از سال اولندی
وصول بولد قدر از سال اولنان هدایای قساید نصره عسکر تحریرینه
مباشر اولدی از زمانده مراد لری نینه موافق اهل و عیالری بله معا اصفهانہ کلک
اوزن و افر اغوان تحریر اولنوب حاضر و آماده قلندی صغار و کبار و ذکور
واناث مجموعی او توز بیک دوه یه تحمیل اولنوب بر بلوک عسکر ابله اغای
میر قوم ابله معاسلامت برله اصفهانہ واصل اولدیلر بعد قندهار خلعی

گروانیه گوچوب و یا نگرینه برر مقدار اغوان عسکری قوشلوب اصفهان
کلمکه باشد بلرگاه اون بیک دوه و گاه بش بیک دوه ابله انی بدی دفعه ده
وافر خلق کلوب نهاییه تنه میر محمودک واله سی دخی اوج بیک دوه دن
مرتب کار بان ابله دوه یه سوار اولمش اصفهان کلمدی بو صورت اوزن کلان
کار بانیله برر بلوک عسکر کلوب میر محمودک عسکری کفایت مرتبه سی
وفرت بولدی انجق اغوان بپننده بخشش وهدایا عادت و عسکره متعین
علوفه نظامی جاری اولیوب کلان عسکره بر طرف کوستروب
وارک فلان محلی فتح ایدک اطاعت ایتمز رایسه قتل و غارت ایدوب غنیمت
الوک دیوب بو طریقه اغنا ایدردی خزینه سندن بر فرده بر حبه ویرمزدی
تدارک اغوانیان برای فتح و تسخیر بلاد در حوالی اصفهان میر محمودک
عسکری وفرت بولجه کند ولرینه هجوم اعدان نوعا امینت کلوب قلوب
عسکره دخی قوت کلمدی بر مقدار نظام و انتظام عسکر دن صکره توضیح
اوقات ره واکور لیوب عسکری ایش ابله مشغول قلیق مصاحبت ایلندی
چون ظهیر سبک احوالی پریشان اولوب عجم ایغه نیی بکند و سنه
عسکر یا زلفه رغبت ایتد کلمدی اغوانک معلومی اولمش ایدی اول جانبدن
چندان خوف و اندیشه قالیوب اصفهان حواله بسنده واقع بلادک
تسخیری تدارکی کورلدی وز بردست نامنده بر خدان سر عسکر تعیین
اولنوب بر مقدار عسکر ابله تسخیر بلاد تعیین اولنوب قرب اصفهان اوج
ساعت مسافه مقداری یرده واقع کز نام قصبه فتحه عازم اولدی قصبه
مز بون ده وافر قزلباش جمع ایدوب طرفه عمیق چند قلمرو طوپراقدن
قوی بدنرا ابله استحکام و یروب وافر زاد و خیره دخی تدارک ایلر ابله

اغوانلره

اغوانلره اطاعت ایتیموب مقاومت اقدام ایتد بار عاقبت لاغم ایدوب ۵۸
یوریشیله ایلر اندن ینه قرب اصفهانک واقع بن اصفهان نام قصبه یه
وارد ایلرانی دخی محاصره ایدوب عظیم جنکرا ایتد بار قصبه مرقومه ده
مجمع قزلباش غایت ابله کثرت اوزن اولدوغندن غیره مقدمه دخی اغوانلر
جانبدن دفعاتله کند ولرینه تعرض سبقت ایتکله کند ولرینه غایت ابله
متانت ویرمشلر ایدی بود دفعه محاصره ابله ظفر مبر اولیوب عاقبت
گب تعبیر اولنور ایش برستلری کتوردوب لاغم امرینه مباشرت و یوریش
تدارکی کورلدی لاغم ابله بر طرف ایلوب عسکر اغوان یوریش اوزن ایلکن
قزلباشلردن ادملر کلوب امان ایلد ایلر سر عسکر اولان زبردست
خان دخی فی الاصل بن اصفهانلی اولوب قصبه مرقومه اها ایلسنک سلامتی
عمده مافی الضمیری اولغله شروط و قیود ویره متانت اوزن عقد
اولنوب قصبه مرقومه ضبط و ایچنده بولنان زاد و ذخیره اصفهان
نقل اولندی میر محموده بو خبر واصل اولدقده فی الاصل قصبه مز بوره
قزلباشلر ینه عداوتی زیاده اولغله ویره ابله النوب کند ولرینه امان
ویرلد یغندن حظ ایتیموب من بعد وسیله انتقام اولق اچون بر تهمت
ابله متهم قلمه چوق سعی ایلدی قزلباشلردخی حالدن خیر اولوب اغوانک
تبعیز و جفالی ینه حمل ایدوب هر درلونا شایسته حرکتلرینی حضم
ایتد ایلر و بردن اوتهمت و بوانه و علت طرفلرندن ظهیر و رده عظیم تحاشی
ایتد ایلر و بوانه لطف علی خان اصفهانندن فرار ایدوب بن اصفهان
داخل اولغله قزلباشلر اخذ و قید و بند ابله میر محموده کوتوروب تسلیم
ایتلر بله صداقت اوزن اولد قلمر بنی اثبات ایدوب میر محمودک مرقوملرک

حقنه اولان نار غضبی بو تفریله بر مقدار سکونت بولدی فرستادن عسکر برای
فتح شیراز میر محمود نصر الله خانی بنه سر عسکر نصب و تعیین ابدوب اوج
بیك اغوان وانی بیك در کزین عسکر یله شیراز فتحنه تعیین وارسال
ایلدی خان مرقومه اثنای راهه مرور ایلدی وکی قصبات وقری اهل البسی
اطاعت ابدوب بر حمله مخالفت ککو سترمد پلر و فی الاصل نصر الله خان
هندستانه کعب طایفه سندن اولوب عجم ایچنده شجاعت و بهادرلیق ایله
شهرت بولوب اغوانلر پیننده یخی کشاده بلدوم خان دیککه معروف
اولمش ایدی حتی اصفهانک محاصره سی اثناسنده اصفهان امدادینه طشردن
کلان قزلباش عسکر یله اغوانلر پیننده اون ایکی دفعه صواش واقع اولوب
یدی دفعه ده اغوانلر غالب و بش دفعه ده مغلوب و منهزم اولمشلر ایکن
نصر الله خان امدادلر بنه پشوب وسیله سلامت و باعث ظفر و غلبه لری
اولمش ایدی و کندی و سی سر عسکر بولند وخی جنگلر ده مغلوبیت
وانهزام طرفلر نده وقوع بولموب بو سببدن اغوانلرک معتقدی و مسند
غلبه سی اولوب قزلباشلر دخی کند و سندن خوف و خشیت اوزن
اولد قلری اعتقاد یله خان مرقومه عظیم انابت و غرورال ویرمش ایدی
بو حال اوزن فتح بلاد ابدوبک طقوز بیك عسکر یله وقتاکه قرب
سیرازه وصول بولدی شیراز اهل البسی دخی سارلره قیاس بلا توقف
شهر و قلعه شیرازی اغوانلر هتسایم ابدوبلر امید و اعتقاد نده ایکن عکس
قضیه ظهور ابدوب اهلالی شیرازی حرب وقتاله حاضر و مقاومته آماده
بولدی لرو هماندم مدافعه یه اقدام ایتدی لرو نصر الله خان قزلباشلرک
بو گونه حرکت و جسارتلری کور یچک ککند و سنه غیرت ال و یروب

و در حال

۶۸ در حال عسکرینی ترتیب و تنظیم ایدوب یوریش ایلدی و شدت
و کرمیت اوزن طرفیندن جنگ اوله رق شهره تقرب ایتدی لرو خان
مرقومک اینه غیرت و شجاعتی حسن ند بیرینه غالب اولغله جبهه
عسکرده بولنوب دانه توفنک اصابتیله انداخته زمین تلف اولدی
اغوانلر سردار لرینک زمین هلاکک غلطان اولدوغن کوروب
هجوملر نده اقدامدن ابدوب و مقابله دن روگردان اولوب سردار لرینک
نعشیده رجعت و بر مقدار کیر و چکلد کده بر حولو دیوارینه سپر لنوب
طورو دیلر واللر نده بولنان قزلباشلرک جمله سن شیراز لویه قارشو قتل
و بو حال یله اوزاقدن بنه محاصره امر بنه اقدام و کند ولرینی محافظه یه کال
اهتمام ایدوب واقع حالی اصفهانک میر محموده عرض و افاده ایتدی لرو میر
محمود نصر الله خانک شهید اولدوغن اسماع ابدیچک غایتله ملول اولوب
ما تخر کیدی و برمصنوع بر به بنالولنوب نعشه سن نقل و انده دفن اولتیق
اوزن نذینه و ایکی تر به دار نصب ابدوب اوقاف تعیین ایلدی و زبردست
خانی نصر الله برینه سر عسکر تعیین ابدوب عجاله عسکره کوندردی
نصر الله خانک فوتی خبری شیوع بولدیچق معرفتیله اطاعت ابدوب بلاد
و قری خلقی بنه جمله عصیان ایلدی زبردست خان عسکر اغوانه وصول
بولد قدره مشدد و نمادی جنگلر اولوب شیرازه ظفر میسر اولدی زیرا
شیراز خانی عاقل و مدبر کسنه بولنوب شهر شیرازه کال مرتبه استحکام
ویروب زوجه و خایر و عسکرده کرکی کبی ندارک ایله صرف مقدور ایش ایدی
حتی قبل المحاصره مسکت قارشو سندن سوا حل بحر فارسده ساکن قبایل
عربدن الحاج عبد الباقی نام خانه و افر اچه کوندروب بر مقدار عسکر یله

استمداد در جابلش ابدی اولدخی التماسی اوزن شیر از آمد اینه وافر مسکر بله
مکلی متعهد اولمش ابدی شیر از خانی واهالپسی الحاجی عبدالباقی خان متعهد
اولدوغی اوزن آمد لرینه کلور امید بله سکر ای مقدار مدت شد ابد
محاصره یه تحمل و اغوانلردخی بوایامده جنک وجد الله کریمت اوزن
حرکتدن خالی اولمیوب عسکر لری نصف مرتبه سی تلف اولمش ابدی
ونصر الله خانک شهادتی تقریدله مقدمه اطاعت ابدن بلاد وقری اهلپسی
دخی عهدیان ابدوب اغوانلر زاد و ذخیره ده مضایقه اوزن اولمشلر ابدی
برکون اتفاقا وقت عصر ده الحاجی عبدالباقی خان النی بیگ عرب و بر مقدمه
فرلماش عسکرین جمع ابدوب بی حساب زخیره ابله شیر از آمد اینه
کلور دیواغوانلره خبر کلدی سره مکر زبردست خان بوخبری اشد یجک
سکر بوز اغوانله فی الحال اتلنوب قارشو واردی و بر محله شیر از آمد اینه
کلان عرب و عجم عسکر بله ملاقی اولوب رسنانه جنک ایتدی و عجم
عسکر پنک چوغنی طعمه شمشیر اغوانیان اولوب اپکی یوز نفر مقداری
عرب ابله الحاجی عبدالباقی خان میدانده قالدی خان مرقوم دخی غیور
وجسور و شجیع و بهادر کسینه اولغله بو حال ابله مقاومتدن بوز دوند میوب
عاقبت اولدخی قتل اولندی بازار کار گزار قتال کاسد اولجه زبردست خان
مهمات و ذخایری اغوانلر آورد و سنه نقل ابدوب جمله سی غنی اولد پلر وادم
کوندروب شیر از خلقنه واقع حالی بلدر دپلر ایام محنت ون ایبالغ اولوب
چون طول محاصره شیر از اهلپسنه مضایقه و یروب زحمته کرفتار
اولمشلر ابدی و امداد لری امید دخی بو یوزدن یا سه مبدل اولدی
غیری شهر شیر از ک اغوانلره تسامی کند ولرینه مصاحبت کورندی

خان

۸۰ خان واعیان شیر از و ساژ ایش اولری اتفاقیه خانک فرنداشی ویره
موادی مکالمه سنه طشره کوندردی چون اغوانیان شیر از اهلپسنک
کمال مضایقه سنه وقوف نام تحصیل ابلشلر ابدی شیر از خلقنه امان
ویرمکه میل و رغبت لری اولد و غندن کلن ادمه جوابی عوق و تاخیر
ابدوب برکون فحاشه یوریش ابله شیرازی اخذ و ضبط ابلد پلر سر عسکر
مرقوم شهره طفره مپسر اولد قده اموال وارزاق ناسر یاغمه و غارت اولنسون
دیواغوانه اذن ورخصت و یردی انحق قتل نفوسدن احترام ابدلر
دیو محکم تنبیه ابلدی وجه مشروح اوزن شهرک ضبطی مپسر اولد قده
نچه فقراتک اچلق ابله هلاک اولدوغن کورد پلر و بر عنقا محنتک بازرگانک
انبارنده مجموع شیر از خلقنه اوج ای مقداری زمان کفایت ابد جنک
بغدای بولندوغن زبردست خانه خبر و یرد پلر صاحبی بولد و رب نچون
بو فقرایه بغدای اتفاق ایتدی دیو عثمان و حبس ابدوب اچلق ابله هلاک
مرتبه سی تعزیر ابلدی شهر ضبط اولد قده بر مقدمه محافظ تعیین اولنوب
باقی عسکر اطرافه چته لره تعیین اولنوب کوندردی دورتیمو ز مقداری
اغوان بندر عباس جائینه راهی اولوب مرور ایلد ک لری بلاد وقری اهلپسنی
اطاعت ایتدردوب حاله و حاللر نجه بر مقدمه ماللرین الوب بندر عباسه
وارد پلر محل مزبور اهلپسی اغوانلر کله جکنی اشد یجک اموال وارزاق لره بله
سفینه لره سوار و هر مز جزیره سنه کورد پلر بندر عباسه انحق انگاز
و فلنک اچیلری نوابلر بله قالوب نلردخی اولرینک اطرافنه حندلر
کسک ابله کند ولرینه استحکام و یروب جنکه حاضر اولمشلر اپکن اغوانلره
استقبال ایچون ادم کوندرد پلر قزلباشلر اموال وارزاق لره بله هر مز جزیره
سنه نقل و کند ولری اچیلک تقریدله اول دیارده مسافرنه اقامت اوزن

اولد قلمر بنه خبر و پرد گزنده اغوانلر تعدی و دست درازلق ایشیوب بر مقدار
ما کولات و مشرو بائیمله اکتفا ایدوب رجعت ایلدیلر و لکن اثنای
طر بقلمر نده کندولر بنه خسته لك اصابت ایدوب اللی نفری سلامت ایله
عودت باقیسی یولده وفات ایتدیلر سر عسکری فریدون خان از جانب
طهماسب و عزینش بایالت بر یقزوین معارکه سنیدن صکره طهماسب
ینه تیریزدن قالقوب گاه قزوین و گاه طهرانه مکث واقامت و گاه
حوالیلمر نده کشت و گزار و مهما ممکن عسکر تدارکندن حالی اولمیوب
شیراز شهری اغواندن محاصره اولندوغنی اششش و باش و الحاجی عبد
الباقی خانک شیراز امدادینه وارمق ایله متعهد اولدوغنی معلومی اولمش
ایدی پس اغوانک بر فرقه سی شیراز جانبار بله مشغول ایکن برورده
و مصاحت کور بلور ملا حظه سیمله سکر بیک قزلباش و بر مقدار
ستسو نلو و سائر درنی بکرمی بیک مقداری عسکره فریدون خانی سر
هسکر نصب ایدوب جوار اصفهانده بریه ایالتی اوزر بنه کوندوردی و بوکونه
ننیه و توه به ایلدیکه اول بالته وصوله عجله ایدک زیرا اولحو الیه نجه نجه
بلاد و قری هنوز اغوانلره اطاعت ایشیوب انلردن دخی ممکن مرتبه ده
عسکر بحر روجع ایدک بعد کل یکند نام شهره واروب انده مکث ایدک
و شهر مزبور بر بلایع عظیمه اولوب اطرافده واقع قزلباشلر انده مجمع
و چند قلمر و دیوار ایله کندولر بنه عظیم استحکام و یرمشلر در و شهرک
ایباری اولیق امزن شهره بر ساعت مقداری مسافه ده قلعه مثلا و طویراقدن
خند کلر و دیوار ایله محاط بر حصار یا یوب ایچنه عسکر و ذخیره
یغمشلر در بو تقریبه اول جانیه کلان اغوان بلوکلر بنه غلبه
اقتدارین تحمیل و وافر اغوان تلف باشلر در طهماسبک ایسه بو کونه

ند بیده

۸۱ ند بیرندن مرادی بو اید بیکه سر عسکر مرقوم محل مز بورده اقامت و تحصن
ایدوب شهر اصفهان اطرافنه اول محلدن پیانی عسکر کوندن و بو تقریبه
اغوانی نچیزدن خالی اولمیوب میر محمود عاقبت غیرته کلوب و بالذات
اخذ انتقام سودا سنه دوشوب بو نلرک اوزر بنه حرکت ایله اصفهان
شهر بنی خالی قویه و بو صورتده اغوانک بر بلوکی شیرازده و میر محمود
دخی اصفهانندن اوج دورت قوناق مسافه ده بو اتمق صورتده طهماسب
مترصد فرصت اولوب کندو عسکر بله اصفهان شهر بنه دخوله فرجه
بوله و شهری بو تقریبه ضبط ایدمیر محمود و نوب شهره قصد ایدر سه
فریدون خان در قفا اغوانی اشغال ایلد و شیرازده دخی عبد الباقی خان
اغوانلری اشغال ایدوب بو تقریبه بینلر نده افتراق واقع اولوب بری
پرلر بنه امداد و اعانتدن عاجز اولد قلمری حالده طهماسب تشبیت مافی
الضمیر بنه سهولت بوله پس ایشیو مصمم اولان صورت قوندن فعله کلک
ملاحظه سیمله فریدون خان عسکر بله صوب مأمور بنه راهی اولدی
ایالت مرقومیه و وصول بولد قده نجه نجه ارامنه قریه لری اغوانلره اطاعت
ایشش و کندولر بنه طرفلرندن رای و یرمشش بولندی ایش ارلری و سوز
صاحب لر بنی کتوروب نچون اغوانلره اطاعت ایتدیکر دیوالنی یوزدن متجاوز
رعایا کله سنی قلع ایدوب طهماسبه کوندردی و اغوان کله سیدردیو
عرض ایلدی بو ائناده الحاجی عبد الباقی خانک انهرامی و شیرازک اغوانلر
الینه گرفتار اولمشی خبری کلوب فریدون خانک اورد و سنه ده استان
اولدی و سمع طهماسبه دخی حقیقی اوزن لاحق اولدی بو خبر موخس
کرک طهماسبک و کرک فریدون خانک همتلر بنه فتور و عز چتلمر بنه

قصور و کسور کتور و ب عسکر لر بنه دخی وحشت و دهشت ال و پردی
طهاسب و فریدون بو حالت حیرت اشتمال تفکر نه ایکن میر محمود
بنفسه اصفهان دن وافر عسکر ابله حرکت و فریدون خان صوبنه
سرعت ابلدی فریدون خان دخی میر محمود ک بنفسه حرکت و عزیزمتن
خبر ایچق اندیشه یه واردی و عسکر بنی جمع ایدوب حاضر و آماده قلدی
و کندوسی بر بوکسک یره چقوب میر محمود ک عسکر ک کثرت اوزن
و حرکت شدت و کر میت اوزن اولدوغن مشاهده ایدیک ک دروننه
خوف و هراس عارض اولوب قفای عسکره توجه برله فرار سمتن
کوستردی خان مرقومی عساکر قزلباش قفاده کوریک قراری فران
تبدیل نیتنه اولدوغنه حمل ایدوب جمله عسکر قزلباش جنکه مباشرندن
فی الحال روگردان اولوب فران یوز طوندیلر میر محمود ک عسکر ک قزلباش
عسکر بنی فرار ایش بولد قلر نه کل پکنده شهر بنه قصد و یوریش
ایتدیلر لکن شهر مزبوره کمال استحکام و یریلوب اطرافنه بعید القعر
خند قلر قازلمش و خارجنه بر یوجه دیوار بنا اولمش بولندوغندن
اغوانلر ک شهره دخولنه حایط مرقوم سد سدید مقامنه مانع حاجز
اولدی چون اغوانلر ک جنک ابله مالوف نیمون غرق اولمش بر معلم فیلاری
وار ایدی دیواری فیله یقدر و ب تله اچدیلر اول تله دن هجوم ایدوب
شهری کل پکندی فتح ایدوب دروننه موجود قزلباشلر ک اکثر بن طعمه
شمشیر قلدیلر و در عقب شهر مزبور جوارنه قلعه مالدو بنا اولمان مجمع
ذخائر و محل تحصنلری اولان حصار لر بنه توجه و محاصره برله مضایقه
و یرد کلر نه دروننه موجود قزلباشلر امان دیوب و یره ایتدیلر میر

محمود

محمود دخی و یره لر بن قبول ایدوب حصاری اخذ و قزلباشلر مال ۸۲
و جانلر ابله امان و یروب سلامت بولدیلر فریدون خانک انهم زامی کلپکنند
شهر بنک قهر ابله فتحی حصارک ضبیطی و الحاصل بووقایعک مجموعی
اوج ساعت مقداری زمانه تمام اولدی اطاعت کردن اهالی کشان بو حالی
اطراف بلاد خلقی مشاهده ایدیک ک نچه لری طوعا اغوانلر طاعنی
معقول و مناسب کوروب کندولری تسلیم اولدیلر ایالت مزبور ده واقع
کشان شهری اهاپسی دخی بورانی حسب حالر بنه مناسب عد ایدوب
وافرهد ایایله میر محموده ایلچی کوندردیلر و شروط و قیود و یره یی تحریر
ایدوب کوندردیلر میر محمود دخی و یره لر بنی قبول و کندوب بنفسه کشانه
واروب اخذ و ضبط و کفایت مرتبه سی محافظلر نصب و تعیین ایدوب
جانب اصفهان روان اولدی اصفهان داخل اولدوغی کونده عظیم الاپلر
قوریلوب اوج کون دخی دو نماوشنلر کرایتدیلر و بوند نصکره میر محمود
برجانبه حرکت سوداسنده اولیوب من بعد اصفهان اقامت عزیزمتنه
قرار و پردی وقعه امان الله خان میر محمود ک خان اولی اولان امان الله خان
اغواندن اولیوب میر محمود ک او ایل حکومتنه سرحد هندستاندن
کابل نام شهر دن قندهار کلوب میر محموده انتساب ایدوب و کتخدا سی مقامنه
اولمش ایدی مرقوم امان الله عاقل و کامل و جنک امور نه غایت ابله مدبر
کسنه اولوب میر محمود ک عجم دیار بنه بومر بنه ده تعرضنه و بو کونه امور
عظامه وضع ید و مباشرت باعث و بادی امان الله خانک رغیبی و توصیه
و تربیه سیله اولمشدر حتی هنوز کرمانه حرکتلرندن اول میر محمود ابله
امان الله پکنده جاری اولان عهد میثاق بونک اوزر بنه جاری اولمش

ایدینکه صوب مراملر پنه حرکت ایلدکاری کوندن حصول مراملری
وقتته دکن عجم دیار نندن کسب و تحصیله قادر اولدقلری اموال و اشیا
هر نه دکلو اولورسه نصیفی میر محمودک و نصف اخری امان الله خانک اوله
یرکون میر محمود ایله امان الله خان بریره کلوب صحبت و سلفه وقوع بولان
بعضی احوال لر بنی در خاطر و مکالمه و مذاکره اثنا سنه امان الله مایینلرنده
واقع میثاق و عهد و سابقه بی یاد و تذکیر و میر محموده بو گونه خطاب
ایلدینکه جناب خدای متعال حاضر نلری بزم کبی عاجز لره خاطر و فکر بزمه
کلیان وحد و وظیفه مر اولیان امور عظامی محضی عنایتندن فتح و تسخیر
ایدوب بو نعمت عظمایک شکر و نشری و هر حاله حقوقک احقاقی
و عدل و انصاف قانونلرینک احیاسی اوزر بزمه فرض منزله سنه
اولوب دوام و قیام سلامت بوجه به رعایت ایله مقدر اولوق امر محققدر
بو بله اولدقده مبادی مباشرت اموره مایینلرنده واقع عهد و میثاقه وفا
ایدوب لطف حق ایله قبضه تصرفه و وصولی مپسر اولان اموال غنایک
و مالک و افره نک نصیفی بنم حق صریحیم اولوب میثاق و عهد بزم مقتضای سنجه
طرفه تسلیم اولونق مطلق و بدد کله میر محمود بو کلامدن غایت
انکسار خاطر ایله مألول اولوب فکر و اندیشه به واردی و امان الله خانه
خطاب و عتاب ایدوب بو قدر الله کیرن مال کثیر ایله اکتفا ایدوب بنم
مال و ملکده شرکت سودا سندن فراغت و بودعوائی من بعد فراموش
ایله دبد کله دفع مجلس قلوب امان الله خانه سنه کیتدی و در عقب
شاهلر صرغونه تقلید بر صرغوج یا پدروب باشنه کیدی و کمال
تهور نندن نه ایله جکی بلیوب میر محموده جواب کوندردیکه چونکه عهد
وامانه

وامانه و فایتمیوب خلف ایتدکین دخی من بعد سنک خدمتده اولم
۸۳ و فی الاصل سنک قبیله نندن دکام هندستان پادشاهی توابعندم سنک
بکار در او حکمک جاری دکلدرو شهید نصیره توابع اولان عسکر بی الوب
و ظم اولان کابله کیدرم دیوب بر قاج کوند نصیره کابل اطرافنده اولان
عسکر دن ایکی بیکدن مجاوز عسکر ایله اصفهان دن قالقوب عازم راه
اولدی میر محمود دخی اغماض العین ایدوب امان اللهک کیتدی و کی چندان
مهمی اولدوغی صورتی اظهار ایتدی اوج کوند نصیره امان الله
خان کابل سودا سندن فراغت و طهماسبک یا ننه عزیمت ایلش دیو
میر محموده خبر کایجک میر محموده عظیم خوف و وحشت ال و یروب
در حال قیو و خلقیه انلره سوار اولوب اصفهان دن طشره اوغرادی و عجماله
قفادن اون بیک عسکر سرعت ایله کلوک پشوک دیو ننیسه ایلدی چون
اغوان عسکر ی سریع حرکتلر اولوب چایک سوار لر در و ایام خالی بده
رتیب نظاملری دخی حسن صورته افراغ اولش بولندی بر ساعت ایچنده
حاضر و آماده لر اولوب میر محموده قفادن پشیدیلر و الغار ایدوب ایکنجی
کون امان الله ملاقی اولدیلر میر محمود عسکر نندن بلاوج محمد خان نام
کسنه امان اللهی کوروب سو قصد بله حمله ایلدی میر محمود عجماله دفع
ایدوب و کندی و بنفسه دوستانه وضع اوزره امان اللهک یا ننه واروب
او پوشوب قوجشدیلر بر مقدار عسکر دن ایریلوب خلوت ایتدیلر
و میر محمود امان الله خانه نیاز مندانه معامله برله بنی خاک ایله یکسان
ایلمی روا کورمه دیو اثنا سنلر ایله خاطر بنی اله الوب ارضا ایلدی و پنه
بیلرنده عهد و میثاق رسمی تجدید اولنوب میر محمود امان الله خانک
وامانه

عسکرین الوب کند و عسکر بنه ضم و الحاق و امان اللهه مهتمد کسنه لر
قوشوب اصفهانه ارسال و عزت و اکرامی کما فی الاول کماله اولوب ایچ
کوزدن ایرمیوب یاننه مخصوص ادملر تعیین اولنق اوزن قائم مقامی
اولانه کاغد تحریر ایلدی میر محمود ایسه بو غایله سنی دفع ایلد کده حاضر
واماده اولمش عسکر و افره ایله بر مقدار بلاد تسخیری ملاحظه سیله
بختیاری ولورستان و کونک کیلان مملکتلر بنه عزم راه ایلدی نکته
احباب فراست و دقت و حقیقت شناس اریاب فطنت تفرس لر بنه
کون میر محمود امان الله خانه غدرو عهد و میثاقده وفادار و پیمنده پایدار
اولیوب بو نجه امور عظامه مباشرت و نجه نجه مهلکه دن رها و سلامت
و میر محمودک مشار با بنیان اولسنه سبب و علت مجرد امان الله اولدوغی
جمله بی معلوم و مسلم ایکن تطیب خاطر امان الله ایله اهتمام لازمه امور دن
اولمش ایدی سلطنت و حکومت شرکت قبول اینر دیسه بنه طریق
اختر ایله تطیت خاطر لری ممکن ایکن نفسانیت و بی و فالدک و عهد
و میثاقده بی ثبات و پیمنده حانت اولغی ارنکاب ایدوب بو حالت
ناشایسته من بعد میر محمودک حقیقه بخت بر کشته لکنه بادی اولدی دیو
احباب فراست حکم ایتدی لر فعلی هذا میر محمود ایات اصفهانک جنوب
و غرب بنده ولورستانک اتصالنده واقع بلاد بختیاری بی عزیت و واصل اولیچ
بختیاری قومی عسکر نداریک و حاضر و اماده بولنوب علی الغضله میر
محمودک عسکر یغه هجوم ایتدی لر و چوق کسنه لر بی قتل و اموال
واشیالر بی غارت ایدوب بنه رجعت ایتدی لر میر محموده ایسه غیرت
ال

ال و یروب اخذ انتقام هو اسیدله بونلر ک دیار بی کشت و کذار و نهب و غارت
سود اسیدله کونک کیلان نواحبسنه توجه ایتدی اتفاقا بر کجه عظیم قار
یاغوب میر محمود اول نواحدن بر جانبه چقوب کتمکه مجال بولمیوب هر
طرفدن نمری اولان طریق قاری برف شتا ایله محکم سد و بند اولیچ قزلباشلر
فرجه بولوب اطراف و کنافن احاطه ایتدی لر اوج ای مقدر ای شدت
شتا و صوت برد و کثرت برف سد بمنعت ایدوب اولوالیده پای بند اختیار
اولدی لر هر جانبه جست و جوی صحرای نیمه سرگردان اولمش اسباط
بتی اسرایله دوندی لر اوج ای مرورنده قارلار اریوب انهار صغار و کبار طغیان
ایلدی قزلباشلر دخی جسر لری قطع ایدوب بو بوزدن دخی عظیم مضایقه
ویردی لر خواه ناخواه صور دن کیمکه مجبور لر اولوب چوق اموال
و عسکر تلف ایتدی لر بنه سلامت لری حد امکانه اولمیوب مکر بختیاری
خانی قاسم خان اصفهان الند قد نصره میر محموده کلوب حدندن زیاده
خان مرقومه میر محمود جانندن التفات و اکرام اولمش بو انگله دوستلغه
بناء خان مرقومه میر محموده خفیه ادملر کوندروب اولکرداب بلادن اغواندن
بر فرد ساحل سلامتیه چقمق متصور دکل ایکن خانک ادملری دلیل
ور هر اولوب رها بولدی لر و بالجمله مهماتلر بی براغوب یا لکرا و یچ بیگ
اغوان سواری و پیاده عریان و بریان اصفهانده دوشوب کیمه نیک
بر وقتنده خفیه شهره کیردی لر بو وقعه ده میر محمودک عسکری
کند و سندن دلگیر اولوب جمله سی روگردان اولغله یوز طوشش ایدی
و نارفته اشتعال بولغله چوق قالماش ایدی میر محمود دخی مهما ممکن
تطیب خاطر عسکر یله اهتمام ایدوب نوازش خاطر لر یغه رعایت واللی

قومن آنچه چقاروب عسکرینه بخش ایلدی چون بویوزدن عسکر
اغوانیانه ضعف طاری اولدی اول ایام صیفه برجانبه حرکت ممکن
اولیوب ککندولرین محافظه برله اصفهانده مقیم اولدی لر بعد زمان
قند هاردن بر مقدار اغوان و هندی عسکری کلوب و درکنز بنیلردن
هسکریازوب بر مقدار قوت بولدی لر اغوانک ضعیفی طهماسبه معلوم
اولوب اولدخی اصفهانده کلک اوزرندارکن کورمش ابدی لکن طرف
دولت علیه دن تبریز شهر بیک فتح و تسخیری مراد اولنوب طهماسب تبریز
امدادنده بولمغنی اصفهانده کتیکه و جیح ایدوب اول جانبه عزیت ایلش
بولندی عزیت کردن میر محمد برای تا دپ اهالی شهر کز بوانتاده
قند هاردن اصفهانده اپکی بیک کوچ دوه سی کلورکن اثنای طرفه
کز شهر بیک خلقی عصیان ایدوب قارشولر بینه چقوب جمله سنی اخذ
وضبط و اغواندن چجه کسنه لری قتل ایلدکاری خبر اصفهانده شیوع بولمغنی
میر محمد و اغوان تهون کلوب شهر مز بورک خلقی استیصال اولنوب من
بعد قند هاردن کلوب کیدنلره قزلباشلردن بر درلومانع قالماق اوزر
رای و ندبیر ایتدی لر بر قاج کوند نصکره اغوان عسکری حاضر اولوب
کز شهر بینه عزیت ایتدی لر شهر مز بوردده واقع قزلباشلر بوار القده حوالی
شهرده بولنان خلقک جنکه قادر اولنلرینی ایچرویه الوب بر عظیم جمعیت
اولدی لر و شهر اطرافنه خندقلر ایله برقات دخی استحکام و یروب
وافر ذخیره دخی ندارک و جنکه یرامیان صبیان و نسوان و پیران
مقوله لرینی طشره چقاروب طاغله قاجور دیلر و اطرافده واقع نیانی
اتشه اورب عاف و ما کولات اقسامنی بالکلیمه افنا ایتدی لر بوانتاده
کعب طابغه سندن بروافر کسنه اتفا کز شهر نده بولنوب قزلباشلر ایله
معاقیماغنی اقتضا ایتدی طابغه مز بون نک اپسه اغوانلره میل ور غیبی

عجلردن زیاده اولمغله میر محمد خفیه ادم کوندروب بزکعب طابغه سی
شهرک قلان طرفنده فلان قیوم محافظه سنده ایزکلدی بکزده طرفه کلکه
سی ایدوک بز سزکله جنک ایتیموب قیولری اچه زدیو خیر کوند ر مشلر
ایدی وقتا که میر محمد عسکر ایله کز شهرینه واردی خوالی شهرده عاف
وما کولاته دائر رشی قالمیوب خراب و بیاب اویش بولدی چون کعبلرک
دخی و عدلرینه اعتمادی در کار ایدی رؤساء عسکری احضار و شهر دایرا
مادار محاصره ایله احاطه اولنوب کتوردیکمز ذخیره فنا بولماز دن فتح
و تسخیره اقدام و اهتمام اولنده دیو محکم تنبیه ایلدی و بونیت اوزر مباشرت
اولنوب درون شهرده واقع کعب طابغه سی اغوانلره خفیه قیو اچمق
تدبیرنده اپکن قزلباشلر اطلاع حاصل ایدوب جمله سن قتل ایلدی لر
و بالذفات طشره چقوب اغوانلر ایله جنک و جان حقیله اوغراش ایدوب
و وافر کله و دل الوب غالب کلدی لر عاقبت اغوانلرک بر قاج کون ایچنده
ذخیره لری دخی دو کتوب بیلائی قحطه گرفتار اولدی لر ناچار تسخیر شهر دن
ما بوسلر اولوب رجعت و اصفهانده عود ته عزیت ایتدی لر قزلباشلر
اغوانلرک رجعت عزیتلر نده اولدقلرین مشاهد ایدیک صغیر و کبیری
زنه سی و مرده سی سوار و پیاده سی اغوانلرک اردینه دوشوب بنشدیلر
مردانه حرکت ایدوب صواش ایتدی لر اغوانلر منهنم اولوب اکثر یانلف
اولدی لر و باجمله مهمانلرینی براغوب کیتدی لر بقیه السیوف اولنلر
بر جزء عسکر اولوب میر محمد ایله اصفهانده داخل اولدی لر ظهور جنون
میر محمد بوابکی وقعه دنصکره میر محمد فکر اندیشه یه واروب بی حضور
اولدی ضعیفی ادراک ایدوب عدولرندن خوف و وهمه دوشدی بخت

برگشته لکنه حمل ایتمک غیله لیل و نهار اکل و شربی و خواب و راحتی ترک
ایدوب عقلنه خفتال و یردی و وهم و سوسنه به تابع اولوب کند و سننه
اثر جنون ظاهر اولمغه یوز طوتدی انجامنده شیخلر کتور دوب او قوتدیلر
انلردن برینه تسایم اولوب تعالیم و تربیه سیمله قرق کون خلقدن کسلوب
و برکوشه انواده خلوت و جله چکوب ار بعینه کردی شیخک کند و سننه
و یرد اولمق اوزن تعیین ایلدی و کی اسم اعظمه مداومت ایتدی بو حالت
میرمخوده سبب سلامت اولار ملاحظوظ و مؤمول ایکن برکون جنونی عقلنه
غالب اولوب چله دن چقدی و سوسو نکویو کند و کند و سیمله سو بلشوب
طشله و دویوارلره و اعجلره سلا و یره رک کز مکه باشلدی و یاتنه کلوب
کیدن احباب و اشنایه میهوده سوزلرسو بلکه و بی معنا عتاب و خطاب
گفتار بنه باشلدی شیخ یاتندن لیل و نهار ایرلیوب خدمتند مقدم اولدی
وند ما و خد مایه بو حالت نشانی کشف کرامت و اثر مبادی و لایتدردیو
جنونی ستم و کتم ابلکنه عظیم اجتهاد ایلدی و قرق کون مدتی بو حال
اوزن گاه عاقل و گاه جنون ال و یروب چوردی مدت انواتمام اولمق بنه بو
حالت کند و سندن زایل اولمیوب یومافیوم امراض جنون زیاده اولوب
ترقی بولدی قتل کردن و استیصال کردن میرمخود شهزادگان عجم میرمقوم
برکون دیوانخانه ده کزینورکن اشنای افکارده اتش تهوری اشتعال بولوب
امر ایلدی بکه شاهک اولاد لر نی و قرنداش لر نی و سائر ذکور دن اولوب خاندان
شاهی دن اولان اقربا و پیوند قرابت ابله شاهلره تعلقلری ثابت اولوب
دیوانخانه ده موجود کسنه لر ییره کتور و ب و میانلر نندن قوشاقلر نی
چوزوب اول قوشاقلر ابله اللرین ارد لر بنه بغلیه لرو بو صورت اوزن حضور بنه
کتون لر اغوانلر امر بنه امتثال برله اولاد و اقر بادن یوز بش نفر کسنه

وشاه

۵۶ و شاه عباس اولاد لر نندن اولوب پیر و اختیار اولمش و شاه سلیمان عصر
کوزلر بنه میل چکلمش اوج نفر کسنه بی جمله وجه مشروح اوزن قید و بند ابله
گشان کشان دیوانخانه ده میرمخودک حضور بنه کتور دیلر و صف صفا بدب
قارشو سننه طور در دیلر و باشدن باشلیوب اخر بنه کلجه جمله سنک بونی
اورلسون دیو امر ایلدی جلاد بی مانلر امره میباشرت ایدی چک شهنزاده لرک
لالاری و خادم اغاری و سائر خدمت لرنده بولنان امکدر لر ی کیر بیانلر بن چاک
و چاک ایدوب اغلشدیلر پدر صاحب شفقت بواه واهی و فریاد اینینی اشد چک
در مند فی الاصل بیتاق اولمغه لنگ و لوک افتان و خیزان فریادرس اولمغه
سرعت ایتدی و هر چند که میرمخود ابله سبقت بدن عهد و میثاقی ذکر و یاد
و عهد و فانیاز بله نور دیلر ی اولاد لر بنه خلاصی ایچون صوت حزین و فریاد
غرین ابله میرمخوده خاک پای اولوب جبین رقیبی زمین مزلتنه نهاده و سوده
قلدی تیریازی هدف مقصوده اصابت ایتمیوب رجا و نیازی قبوله قرین
اولدی مر قومون ار اسنده شاه حسین اولاد لر نندن ایکی کوچک شهنزاده
بولنوب پدر لر ی شاه حسینک صوتن اشدوب کلدیکن کور چک بچان
معصوملر پدر لر ی فریاد و سلری اولور امید بله قوشوب پدر لر بنه جان
اندیلر مخود جانیندن اثر رحمت کور چک شاه حسین بوزی قویون اولاد لر ی
اوزر بنه قیامت شاه و معصوملر قنار قصابه کیرمش غم و یره کی
چاغر شدیلر و شاه حسین بنی قتل ابله معصوملره قیده دیو فریاد و فغان ابله
یوز بن یره سوزوب چوق یا لواردی عاقبت میرمخودک بغری سنک
نشانه بر مقدار تا تیر و شاه حسیننه خطاب ایدوب سکا بغشلمدم دیدی
چه فایده بو هنکامه قیامت اترده معصوملرک ذهره لر ی چاک اولوب

ایکی کون ایچند ایکیسی دخی وفات ایدوب کتید پلر روایت کا ذبه فی سبب
 استیصال شهزاده کان اشیر شاه حسین اوغلی نیک و خاندان شاهدن
 اولان سائر کمنه لک قتل واستیصال اولنلرینه باعث مجرم میر محمد ک ابکی دفعه
 انهمندن صکره کند وسنه عارض اولان وهم ووسوسه در کند وضعف
 حالن ادراک ایلد که خوفه دوشوب اغوانلرک دخی کند وسنه اولکی کبی
 اعتباری قالمیوب عجلردن دخی کند سنه وحشت ودهشت ال و یروب
 بر طریقله فرصت یاب اولیه لردیو عرق شاهی بی قطع واستیصال فکرن
 ایلدی واکر چه بعضلرک روایتی بوبله در که بالاده ذکر اولندوغی اوزن اتنای
 محاصره ده طهماسبک فرارند نصکره تحت شاهی یه اجلاس اولنوب بهس
 اون کون شاه ولی عهد اولان میرزاصفی بو اتناده دولت خانه دن فرار ایدوب
 مختیاری یه وصول اولدخی اول جانبلرده تسلطن دعواسنه ذاهت اولمش
 اوله حتی طهماسب خبر الیمه کند وسنه ادم وکاغد کوندروب معیننه دعوت
 ایلد که میرزام قوم بنم سکا بردر لوضارم یوقدر ویا نکه وارم وایشکه دخی
 مانع اولم دیو جواب ویرمش دیو کفت وکوی اولمش ایدی لکن بوجه نیک
 اصلی اولیوب مطلق اولاد وانساب شاهی استیصال ایچون بر بهانه وتصنع بزحیر
 غیر صاد قدر بیماری میر محمود وقتا کدمیر محمود شیخک تعالیم وریبه سیله
 اربعینی تکمیل ایدوب چله دن چقدی ومن بعد دفع وسوسه ایچون شاهک
 اولاد وانسابنی بو مرتبه ده قتل واستیصال ایتدی ینه مرض جنونه دوام پسر
 اولیوب یوما فیومارقی بوادی جابجاء عقلی بالکلیه زایل اولوب ایتنه موجود
 بولنتلری بلیوب انلری دخی ضرب وقتله مباشر اووردی کاه سر خوش
 ومد هوش کبی بلند اوز لبله چاغرر باغرردی خد ماوند مایو وحشت
 ودهشت ال و یروب یانندن قاچر کیدر لردی مرقوملر عاقبت دیوانه نیک ضبط

وربطنه

وربطنه عاجزل اولوب براوطه یه قیاد پلر اوزر بنه قپولری محکم سدو
 بند وطره دن عا فطه ایلد پلر اول دخی نجه ایام میوب ایچمیوب یا تمیوب
 او یومیوب بی تاب وطاقه صاحب فراش اولدی هر چند که معالجه بانه
 دقیقه فوت ایتمیوب سعی وکوشش قلد پلر افاقتنه نشان بر اثر ظهور ایتمیوب
 مایوس وناامید اولد پلر خزینه سندن اچه چقاروب یحوق صدقه
 ویرد پلر کند وسندن رنجیده اولمشلرک تطیب خاطر لرنده اهتام ایتد پلر
 جولفه خلقنک توازش خاطر لرنه رعایب ایچون راهیلرینه بیک تومن
 نقود و جوهر ویرد پلر و فلنک ایچ سنه دخی بیک تومن اچه و یروب نجه نجه
 رعایت واکر املر وعدین ایتد پلر لکن کون بکون خسته لکی مشتد اولوب
 بطننده بروجع پیدا اولدی وجع شدتدن اللربنی و او موزلرینی دیشلر بله
 قویاروب فریاد ایدردی بر قاج کوند نصکره وجودنده یانلر اچلوب بدنی
 غربال کبی دلك دلك اولدی تلاری پور ییوب قور نلنغه باشلدی طیبیلر
 وجر احلر نیارندن عاجز اولوب وجودی منشنش و بدر ایجه اولدی
 فرستادن سید علی خان بجانب قزوین وانهزامی اوست میر محمدک
 حیاتندن طوا پفاغوان مایوس اولیحق کند و احوالری مشورتنه مباشر
 اولد پلر چون طهماسبک جمعینی قزوین طرفلرنده شیوع بولمش ایدی
 میر محمودک دخی بو حاله کرفقار اولدوغی اطراف واکن افده استید پلر
 شایع اولورسه دشمنلر او یانوب بوبله بر فرصتی لایحاله کند ولرینه غنیمت
 عد ایدوب حرکت ایدر لردیو خوفه دوستد پلر بو محدودک دفعنه حزم
 واحتمیاط ایدوب قزوین طرفلرینه طهماسبه نظارت واول طرفلرده
 دپه بان اولوق ایچون سکر بیک اغوانه سید علی نام خانی سر عسکر ایدوب
 صوب مقصوده مائور قلد پلر اغوان عسکری قزوین جانبلریند قریب

اولد قلرنده مكرطهما سبك تير زامدادی همچون حاضر و آماده قلديغی
 وافر قزلباش عسكری اغوانلرك اول جانلمره كلد وكن خبر ایچق علی الغفله
 اغوانلره هجوم ایتدیلر و عظیم جنگ ایدوب اغوانلر منتهز مافرار و اصفهان
 واصل اولدیلر انهم خبری اغوانلری تشویشه بر اغوب عظیم کدر چکدیلر
 جلوس اشرف بجای مجود و قتل کردن مجود را غیري خواه ناخواه میر مجود
 یزینه کندولرینه حاکم نصب و تعیین اولنق فکر و اندیشنده اولدیلر میر مجودك
 بیوک قرداشن قندهاردن کتورمك مناسب کوردیلر ایچق مسافه بعیده
 و ایام صیف اولد یغندن ناشی طول زمانه محتاج اولوب بومقدار مدتده
 عجلردن امنیت و عسکرده دخی باش اولنجه نظام جمعیت و برایشه مباشرنده
 حصول تشییت حد امکانده اولماق ملاحظه سیله میر مجودك عیسی
 میر عبد اللهك اوغلی اشرف سلطانی محمودك یزینه کندولرینه حاکم نصب
 ایلمکی جمله اغوان مناسب کوردیلر و بر بلوگ اغوانی کوندروب اشرف
 سلطانی زنداندن چقاردیلر و شاه سرانیه تحت حکومتده اجلاس مراد
 ایتدیلر میر مجودك خادملری و قعه دن خبیر و ایچق سرای قیولرینی
 قیابوب مدافعه ایتدیلر و ایکی ساعت مقداری زمان طوب و توفنك ایله
 جنگ و قتال ایتدیلر انجامنده بر تقریبله بول بولوب سرایه کیردیلر و
 قیولری چدروب اشرف سلطانی سرایه کورتوروب تحت حکومتده اجلاس
 مراد ایتدیلر چونکه سابقه هنوز قندهارده ایکن اشرفك پدیری میر
 عبد اللهی میر مجود قتل ایدوب تحت قندهار اول تقریبله جلوس
 ایلش ایدی اشرفك در دنده پدیری انتقامی چاپکیر اولوب مترصد فرصت
 اولمش ایدی و میر مجود دخی هر حالده اشرفدن امین اولیوب بر بهانه ایله
 در زندان ایلش ایدی بو اتماده فرصت ال و یروب مجوددن انتقام

سوداسنده

۸۸ سوداسنده دامن در میان قلدي و اغوانه خطاب ایدوب پدیرم قتل
 ایچون میر مجود قصاص اولد قجه تحت حکومتده صعود ایتیم و بوغایله
 عظیمه یی بو پنهالم دبو جواب قطعی ویرد کده القتل بالقتل دیوب اغوانلر
 میر مجودك فراشته باسن کسوب اشرفك حضورینه کتوردیلر و اشرفی
 مقصودنده بو طریقه ارض و تحت شاهی یه اجلاس ایدوب رسم مألوف
 اوزن بیعت ایتدیلر اشرف سلطان دخی تحت حکومتده قراردان
 اولد وخی کی میر مجودك خادم و ندیلرینی و کندو محافظه سی خدمتده
 اولان بشیوزنفر حضاری اغوانلرینی قتل و سایر تعلقات و محرم اسراری
 اولنلری اخذ و حبس ایتدردی ذکر سی سبقت ایدن امان الله خان
 دخی بو اراده نفسانیت ایدوب میر مجود ایلله اولان ماجرا دن ناشی اشرفی
 بو کونه افعال ناسا بنسسته یه وضع بده چوق کیموب ترغیبدن خالی اولدی
 و جزاء سینه تسیته مثلها مفهومی مقتضا سنجه امان الله دخی اشرف خان
 الندن جزاسن بولدی اوصاف و مناقب میر مجود میر مجود اوزته بویلو
 بغدادی بکر لو کوجك کوزلو کسنه ایدی و کوزلی دایما حرکت ایدردی
 عبوس چهره لوقبیح المنظر ایدی تازه مدور قرال صقاللوو باشی کویا
 اموزلرینه یا شمش قصه ییو نلو ایدی غایت ایله ضابط و حکمتی اجراه غیور
 وعدولری حقند جبار و قهار ایدی و بالجمله اغوانی قورقودوب کندوسنه
 اطاعت ایتدیرمش ایدی بو مرتبه ده که جنگ شد تکرنده دخی کندوسنه
 مخالفته اقتدار لری قالماش ایدی میر مرقومك اگر چه جود و کرم و انعامی
 یوغیدی لکن خلقی مال غنیمت ایلله احیاده علوهیت ایدی جنگرده
 عسکرینك و کونه دوشوب بنفسه مقصودینی حصوله کتورمکده اهتمام
 ایدردی بر دفعه ده حصول پذیر اولیان ماده یه تکرار و تکرار اقدام

و حصولنه جد تام ابدردی او محوی از او یوب اکثر اوقات بیدار ایدی
نفسی عزتته و ن پرور لکه راغب اولیوب طعام دن هر نه بولسنه بر ایدی
ونه یرده اولسه یا توردی نجه دفعه بر یغمور لوق بله قناعت ابدوب بر قاج
کونلاک یوله هجوم اعدایه بو حال اوزنه کیدردی غایت چایک سوار فارس ایدی
سفر اثناسنه قره غوللری هر بار کند و کزوب یوقلاردی و بر کسنه یه
بو امر خطیری اینا غازی شرع مبین اوزنه اقتضایدن قصاص و تعزیر
وتا دپید بر کسنه نك شفاعتی یاتنه مقبول اولیوب حکم شرعی تنفیذ
ایدردی و بردر لوکیفه مبتلا دکل ایدی شاه حسینک قیزی نیکاج ابدوب
من بعد جازیر غبت و بقینلق ایتدی شاه حسینک قیزندن برارکک
او غلی اولوب بعضیلر قولی اوزنه اشرف جلوسنه قتل اولندی و بعضیلر
کوزارینه میل چکادی دیر لکن بو عاجزه حقیقی معلوم اولدی بیان
احوال برادر میر محمد و میر محمد دقند هارده تحت حکومته صعود ایلدی یکی
وقتده بیوک برادری قندهان والی نصب اولمش ایدی و محمودک مالک ایرانه
کلوب اصفهانده قرارداد اولدوغی ایامده نینه قند هارده والی و محمودک قائم
مقامی اولوب بو اثناده محمودک برینه جلوس مرقومک ارثا و عرفا حقی ابدن
صاحب چقدوغنه ارباب فراست بر قاج سبب بیان ایلش در اولوالی
مرقوم درویش نهاد اولوب اصلا کندوسنه سلطنت هواسی بوغیدی
ثانیا اشرف سلطان حسن اختیار و ارادتیه تحت اصفهانی کندوسنه
قصر بد و فراغت و سودای سلطنتدن طوعا کف ید ایتیه جکی
عین الیقین بیلوب مقاومته کفایت مقدماتی عسکرندار کی دخی دشوار الحصول
اولمش ایدی زیرا قندهار اطرافنده ایشه و کوجه یرار عسکر قائم یوب میر
محمودک کوننده اصفهانده نقل اولمش ایدی و هندستان حدودنده واقع

طوائف

طوائف مختلفه دن اگر چه عسکرندار کی نینه ممکن اولوردی لکن ۸۹
کندوسی اوتدن برودرویش طبیعت اولوب نفود ادخارنده چندان
طمعی اولیوب خزینه تدارکنده اولماشی ایدی پس بو مثالو علل و اول
ابکن مع الاستحقاق فرزنداشی میر محمودک برینه بردر لور غبت اطهار ایتدی
پیمان مقدار عسکر اغوان و عدد ایشان میر محمود اصفهانده کلد بخنده
ته مقدار موجود عسکر ایدی و کندنه روایات اختلاف اوزنه درو بو
خصوصی تخمین و تقریبی اولغله اصابت دخی امر مشکدر مبادی
قدوملر نه شاه حسین کلان اغوان نه مقدار عسکر در دیو امور دپید کار
ازموده ادملر کوندروب تخمین ایتدر مش ایدی جمله جاسوسان
اون بش بیات عسکر در دیو تخمینلر نه اتفاق ابدوب شاه و ناس دخی جمله
بو اعتقاد ه ذاهب و عجملر بیننده تو آر برله بو بله گفت و کوی اولمش ایدی
بعضی عسکر احوالی کور میان بلیان ارامنه طایفه سی افراط ایدوب پوزاللی
پیک عسکر در دیو تخمین ایدر لردی بو فقیر ابدیه اقام اور و پاده
سیاحت ابله کشت و کزار و نجه نجه ملوکک معدود الافراد و معلوم
المقدار عسکر لر نی مشاهد ایلش بولند و عددن بنم غالباً اصابته قرین اولان
تخمین بو بله در که اغوانلرک عسکر اصفهانده کلد کارنده فرق بیکه بالغ
اولوب زیاده اولوق احتمالی دخی بوغیدی و عسکر اغوانک قدومی اثناسنه
جولفنده ده بولنوب و فرح اباده کلد کارنده و بعد جولفندی محاصره و بعد
اصفهان محاصره ایلد کارنده اوج دفعه اغوان عسکر نی اچقدن کوروب
بالمشاهده بو مقدار ایدوغنی تقریباً ابدنم فی الواقع نصف جهان
عنوانیله شهرت بولمش شهر اصفهان کی بر خطه واسعة محاصره
واحاطه اولنوب نینه اطرافین امداد قصد نده اولوب کلان عدو هجومنده

مانعت عقلا دخی انجق بو مقدار عسکر ابله صورت امکان بولمق بدیدیدر
مع هذا که طشره دن اصفهان آمد اینه شد رحل ایدن قزلباش عسکر ابله
جنگ ابدوب و جسر شیرازه هجوم ابدوب بدی سکر دفعه اغوانلرده
عظیم انهزام واقع اولوب چوق عسکر لری تلف واجل ابله دخی چوق
گمسنه لری اولمش ابدی حتی اصفهان اخذ وضبط اولند قدن صکره
بر مقدار غایله لری بر طرف اولوب میرمچودر و ساء عسکرینی حضورینه
کتوردوب نه مقدار صماغ و سالم عسکر و ارشمار اولنوب دفتر
اولنسون دیو تنبیه ابدی بر قاج کون مهلت ابله اهتمام اولنوب پراودن
غیری جنگه یرار بکرمی بیک عسکر موجود در دیو میرمچوده دفتر و یردیلر
حالا که بوندن اقدام نچه لری دخی مال غنیمت ابله ولایتلرینه عودت و جولغه
تسخیرند نصکره حضاری اغوانتک اکثری وطنلرینه کنش ابدی بو عهد
حقیر ایسه علم طب ابله بر مقدار اشنا اولوب بازار کار گزار قتال
صا ولد قدن تقریب طبابت ابله اشراق اغوانیله اکثریا کوریشوب
الفت و مو انست پیدا ایش ابدم حتی میرمچودک اشکر اغاسی عبدالله
اغایله کوریشوب انهای مصاحبته دیدم کدیم افندم اصفهانی
سکر بیک و یا اون بش بیک ادم ابله محاصره ابدوب الدیکر دیومیان
خلقه تواتر بولمش بر امر عجیبدر بونک حقیقتن افاده بیورک دیدم که
ایکی قول دخی غلطدر دیو جواب و یروب دبدیکه قندهاردن بوجانبه
توجه ابلدیکم زده ایشه کوجه یرار امان طقسان بیک ادم ندرک ابدوب
یولر و انه اولمش ابدک بر قاج مرحله برویکلدی کمزده پیر و اختیار مقوله سی
عجزه و سائرلر اون سکر بیک ادم یریلوب کیر و کیتدیلر اولمش و خسته
اولمشلرین

اولمشلرین دخی ایکی بیکه بالغ اولور و الخاصل اصفهانی محاصره ابلدیکم ۹
انهاده میراویس وقتندن قالمش جنگ کورمش اون دورت بیک اغوانلر
وار ابدی و سکر بیک حضاری اغوانیله دورت بیک بلاوج عسکر
دخی بولنوب سائر عسکرینر کعب و هندستان عسکر ابدی دیوب
اغای مرقومک تقریری بزم تخبینه قریبدر احوال اشرف سلطان
میر اشرف میرمچود ابله قندهاردن معا چقوب اکثریا جنگلرده ابله
بولمشلر ابدی بعد میرمچود میر اشرفه خانلق و یروب ککند و سنه
مخصوص بر بلوک عسکر ابله بعضی یرلره تعیین ایدوب کوندور دی
اشرف دخی عاقل و صاحب رأی و ندبیر اولوب مأمور اولدوغی
خدمت لری وجوده کتوروب شجاع و بهادر و خلقنه خیر خواه و متواضع
اولدوغندن عسکر طایفه سی کند و سنه میل و محبت ایش ابدی
و بعضی امور لری مشورتلرند رأی و ندبیری پسندیلر اولوب خبلی
اعتبار بولمش ابدی حتی کلنا بادنام محله شاه حسین مصاحبه طالب
اولوب اشرف سلطان قوی سنند ات ابله صاحبی جایز کورنلردن اولمش
ابدی میرمچودک ایسه دماغند عجم عسکرینک انهزامند نصکره شاهلق
هوایی جابگیر اولدوغندن اشرف صاحبه رغبت کوستردیغندن
اشرفه دلگیر و خاطر مانده اولمش ابدی لکن کیم ابله مقید اولوب اظهار
ایتماش ابدی و اشرف دخی خبیر و آگاه اولوب محموددن خوف و تحاشی
اوزن اولمقدن خالی دکل ابدی حتی روایت اولنور که اصفهانک
محاصره سی اثنا سنه شاهک سرایتند زاد و ذخیره نیک کمال مرتبه ده
قتل و مضایقه اوزن اولدیغنه اشرف سلطان اطلاع حاصل ابدوب

میر محموده سوء قصد ایچون یا خود بر غیر می مقصودینه وصول ایچون
بر کجه بولندوغی جانبدن ایچروده شاه حسینه بر معتمد امیر بیک بطمان
مقداری ذخیره کوندردی و مکتوب یازوب مفهومیته مشاهدهن بر مقدار
خزینه طلب ایدوب دبد بکه بکا تابع اولان عسکر ک قلوبنی صید ایچون
طرفزه بر مقدار خزینه کوندرسک بن عسکر امیر ایلر ایلر میر
محمود ایلر مقاومت مباشرت ایلر رم و سن دخی ایچرودن عسکر ایلر هجوم
ایدوب بو طریقه سلامت بولورسن ایچق معلومک اولسونکه بنم
مرادم اغوانلره قصد اولیوب بلکه بو طریقه میر محموده بر حجه
ویرمکدر مبلغ مزبوری ویرمکه قایل اولدوغک حالده بویوزدن
مرادیز حاصله ایش بر طرف اولدقده بکا و اغوانلردن بر فرده طرف کزدن
بودرلو ضروروزیان ترتب ایلر جنکه عهد و میثاقلر ایدوب اعناد
ویره سزدیو عجز ایلر ایش شاه حسین خدعه حریمه یه حمل ایدوب
اشرفک عجز ایلر اعتبار ایشیوب مقید اولدی میر محمود قضیه یه
واقف اولیچق فایت ایلر مغیر الخاطر اولدی لکن ستر و کتم ایدوب انفعال
خاطرین کسنه یه بلدرمدی بر قاج کوندن صکره اشرف سلطانی
اصفهاندن تبعید و بو طریقه شاهله مکاتبه و معامله طریقلرینی سد
ویند ایلر مراد ایدوب اشرفی بر مقدار عسکر ایلر اطراف و کنافدن
اصفهانله امداد کلیه دیو دبدبان اولمغه کوندردی بیان فرستاده کزدن
میر محمود اشرف خان و ایزندان اصفهان فتح و تسخیر اولدوغی ایلر اشرفی
حضورینه احضار ایدوب ایچون شاه حسینه ذخیره ویردک دیو
غضب و بانه خطاب و عتاب ایدوب در حال زندانه کوندروب حبس

ایتدردی

ایتدردی وینه حبس اولدوغی یرده تعییناتی ویر بلوب اکر ام اولنق اوزن ۹۱
تنبیه ایلدی زیر اغوان عسکری ایچنده بخی کشاده لکن نصر الله جمله یه
غالب حسن ند بیرده ایسه اشرف سلطان فایق الاقران اولوب بونلرک
وامان الله خانک و میاخی اولان عالمک رأی وند بیرلری محمودک اب روینی
اولوب دولت و رفعتنه باعث و اعدایه غلبه سنه بادی اولمش ایلدی
اسمالت دادن اشرف خان باهالی ایران اشرف سلطان تحت شاهی یه
جالوس ایدوب صاحب حکم و حکومت اولیچق رفیق و ملائمت اظهار
ایدوب حلم و تواضع و عدل و عدالت قصدن کوسر ووب کسنه یه
دخی حدینی تجاوزه رضا ویرمدی اطراف و کنافه ادملر و کاغذلر
کوندروب مفهومیته اهل بلاد و قری یه اعلام و افاده ایدوب اشاعت
ایلدی که بوانه کلجه کرک بزه تابع اولان و کرک تابع اولمیان بلاد و قری
اهالیسی بوندن بویله راحت و اسوده حال اوزن اولوب اغوان عسکر ندن
بالکلیه امین اوله سز لا محاله چوق زمان مرور ایشیوب ایران دولتی کیمه
قراردان اوله جق ایسه نمایان اولور باری مملکت خراب اولیوب تقدیر ازل
کیمه نصیب و مقدر قلدی یسه معمور و آبادان بولوب متصرف اولمش
اولور دبو اسمالت ویردی تطیب کزدن اشرف خان شاه حسین را و نسلی
دادن خاطر اوست و ارسال کزدن نعشه شهزادگان بشهر قم بعد شاه
حسینک یاغنه واروب انک دخی نسلی خاطرینه اهتنام ایدوب دید بکم
بتم بدرم الم اوزن اوله من بعد سنک انکسار خاطرینه باعث اوله جق
برایشه وضع بد و رضا که مخالف امور عزیمت ایتیم زینهار بنی ظالم
وغدار و جبار و بی وفا عوجم اوغلو میر محموده قیاس ایلر بی جرم و کناه

اولاد لری کی قتل ایدوب کند و سنده ذره دکلو مرتحت اثری و ذاتند و فائشان
یو غیش چون وقوع بولش بر قضا در بو کا صبر دن غیر ی علاج یوق
و جناب حقدن اجر جزیل برله مکافاتند دخی شبهه یوق انجق دپلر سگ
تطیب خاطرک ایچون اولاد لری کماکرینی جمع و صند و قه لره قویوب
اجدادک مدفن اولان قم شهرینه کوندروب دفن ایتد و نیم دبد کده
شاه حسین بر مقدر مطیب اولوب و بو خصوص غایت ارزوی درونی
اید و کنی اشرف خان فهم و ادراک ایدیکجک امر ایلد بیکه شاه حسینک
مقتول اولان اولاد لرن دن هر بری ایچون برر صند و قه یا یلوب بحال
احضار اولنه مقتول اولنلرک ایسه نعشه لری یا عجب نیک بر کوشه سنده
شاهان سالفندک بو گونه مصاحت ایچون بناوند ارک ایتد ک لری زیر زمین
وضع اولنش ایدی اشرف خلیک امر بله صند و قه لری کتوروب وزیر
زمیندن شهزاده لرن نعشه لری چیقاروب شاه حسینک حضورنده عود
و عنبر و کافور و سایر انجیره ایلد معتاد لری اوزن تربیه دن صکره کماکرینی
بشقه بشقه صند و قه لره قویوب محکم قیاد پلر و اوج قطار دوه احضار
اولنوب صند و قه لری تمجیل ایتد پلر و صند و قه لری و دوه لری ابرشیم
قالچه لر و سیم و زرا بله اسانش چوقه لرا بله شاهانه تجهیز ایتد پلر و قم شهری
فقرا سنه تصدق ایچون بیک تومن اچیه ویرد پلر و اول قالچه و چوقه لری
شاهزاده لری مدفن اوله جق تربیه لره وضع ایدوب بر مبلغ اچیه دخی وقف
ایچون ویرد پلر و معاکمک اوزن بر بیراق اغوان ایلد بر بیراق قزلباش عسکرینی
دخی تعیین ایتد پلر و بو خبر ایلد بر کورجی ضابطنی مقدمجه قم شهرینه
کوندرد پلر ضابط مرقوم واروب واقع حال دن خبر ویرد کده قم اهل پسنه

اعتماد

اعتماد کلیموب بو امری محالاندن عدا پدوب حیلله به حمل ایتد پلر و خبر
وسان ضابطک کوزلرینه فی الحال میل چکد پلر ازین جانب اشرف خان
کمال مرتبه ده استمالت مراد ایدوب امر ایلد بیکه مناد پلر ند ایدوب اصفهان
شهرندن نعشه لری الا پلر ایلد چقار لور رسم قدیلری اوزن قاعده
دیرینه لری نی اجر و مراد اید نلر تا قم شهرینه وارنجه تشبیه ایلد لرو معتاد لری
اوزن تعظیم و نکرمه رخصت ویر پلر و اجر ایلد لری پس بر یوم معینه
الایلر قور پلر و اغوان بیراخی صند و قه لری تمجیل اولنان دوه لره قد اماند
و عجلر بیراخی خلفنده شهر اصفهان دن طشره چقد پلر اصفهان خلقینک
صغیر و کبیری ذکور و انانی پیر و صبیانی تشبیه حاضر و فریاد و فغان
اید لری برهنکامه قیامت نشانیله شهر دن طشره چقد پلر و اصفهان دن
یدی مرحله مسافه ده اولان قم شهرینه متوجه اولد پلر بر ایکی ساعت
مسافه دن صکره نسوان و صبیان عودت ایدوب قزلباش لری کجه لری قم
شهرینه وارنجه معاکمک ایتد پلر یدی کونده قم شهرینه واروب درون شهره
برکسنه قوم پوب طشره ده قوندرد پلر طهما سبه عجاله واقع حال اعلام
ایدوب صند و قه لرن دفننده استیذان ایتد پلر طهما سب دخی اذن و یروب
صند و قه لره استقبال ایلد لرو کمال تعظیم برله رسم مالوف لری ییرینه
کتوروب دفن ایلد لری و تقبیه ایلدی فعلی هذا بر کون شهره کیروب ترب لری
اجدی لرو جزع و فزع عظیم ایلد صند و قه لری ترب لره معتاد لری اوزن
دفن ایلد پلر اشرف خان جانندن ارسال اولنان مبلغی فقرایه تصدق
و بقیه سن وقف ایدوب خدمت اتمامنده عودت ایلد مراد ایدوب
عجلر اغوان لره علی مراتبهم اهدا و هر فرد ک رعایت خاطر بله اهتمام ایتد پلر

۹۲

و بحال اوزن اصفهانه روبراه اولوب كلد بلسر شاه حسين بوجله دن
خبير او نجق درونی محظوظ اولوب خاطر پريشانی غایت خوش اولدی
تجربه کردن اشرف خان شاه حسين را در ارزوی تخت شاهی اشرف
سلطان بوندن بوبله شاه حسينك در و تنه سلطنت سوداسی وار میدو
دیو تجر به مراد ایدوب بر کون زیارت طریقیله شاهك یاتنه واردی انهای
حجته شاهه خطاب ایدوب شاهم بن بوخت ایرانك رحلی اولدوغی
بلدم و بوجله عظمی به و شاهلغك بار کیرانه تجلی ایدو میه جگمی فهم
وادو ایتدم دپلسك ملك و تاج ایرانی نینه سکا قصر بید ایدوب تخت
شاهی به جلوس ایدو دید یکنده شاه حسين دخی اشرف سلطانك بو کونه
تکلیفی قصده مقارن ایدو کن اذعان ایدوب جو ایدو اکر تخت شاهی به
بنم لیاقت اولدی جناب متعال الیدن الوب سکا ویرمزدی چون تقدیر
اذل سکا لایق کوردی مبارک اولسون و دنیا لطور دقچه طور ایدو
اوله سن بنم مروت شعارم او غم قضا و قدر ایدو ظهور ایدوب شاه
بولندوغم تقریبه باشمه کلان بونجه سرانجام دنه مکره تخت و تاج
سوداسی و حکومت هواسی صحیفه دروغدن بالکلیه محو و زایل اولوب
بو کونه شیمه رغبت ایری دخی قالمشدر و بقیه عمری کوشه از واده دوام
دولتکه دعای خیر ایدو اشتغال اوزن چکور مک اقصای مرادم و خلوص
اوزن مافی الضمیر مدروسندن نیاز مند اولدوغم انجق بودر که بر تاج کون
عمرم دخی و ارایسه بکا ضرورت چکمی روا کور میه سز عمرم اخر اونه اولاد
اجپنی دروغدن زایل اولدوغم بلوب دل مجروحی صیانت ایدوب بکا
عقب و قهر بده معامله بی لایق کورمه دید که شاه حسینك بو کونه عاطفت

و شفقت

و شفقت انکیز نیاز مندانه کلامندن اشرف سلطان مرحت ال و یروب ۹۴
شاه حسیننه مدار معاش ایچون ماه بجاه ویره کلد کوری چب پولی تعبیر
اولنور ایدو ز تو من ایچه بی تضعیف ایدوب بر قاج ایام مرورنده چب پولی
یرینه ایدو ایدو ز تو من ایچه تعیین ایدو بلسر و شاه حسین اندرون سرای
شاهیده واقع باغچه لره و قصور بی نظیره و سرایك دبلدیکی محالینه واروب
دبلدوکی وجه اوزن صفای خاطرین محصیله و شاهك محبتی اینه احد اینه
غالب اولغله نایتام اولان قصورك مقتضای طبیعتی اوزن نکمیلنه اذن
ویر بلوب بر فرد مانعت ایلیه دیو محکم تنبیه ایدو بلسر تکلیف کردن شاه
حسین تزویجی دخترش با اشرف خان بوباید دخی شاه حسین
محظوظ و اشرف سلطانك کند و سنه بو کونه عاطفت و مودت آثار وضع
و حرکتندن دلشاد اولوب بر کون اشرف سلطانله ملاقاتنده
مافی الضمیرینی کشف ایدوب دید بکه بنم او غلوم شان و شهرت ملوکه
شیان هدیه بیه علاقه افزایه دائر بر شیمه مالک اولدوغم معلوم کردو
انجق نور دیده لرم اولاد لریدن بر با کره دخترم جاریه کنز باقی قالمشدرانی
سزه و یروب قبول بیرون سز و سز بر اولادم و اول دخی بر اولادم اولوب
بنی پدر بکر مقامنه قویوب دبدار بکر ایدو دلشاد بیرون سز و یا نکر دن
دوره مهجور اولغی روا کور میه سز دید که اشرف سلطان حظ موفور
اظهار ایدوب فی الحال اطراف و اکناف مالکه اسنالت ایچون نکرار و نکرار
مفصل کاغدلریازوب مفهومنده بوند نصیکره جمله کنز طر فرزند امین
اولوب راحت و اسوده اولک من بعد بویسه و ده حروب و قتال ایدو تلف
نفوس روا کور لمیوب مایند اولان برودت و عداوت عن قریب الفت

و موافقت و ستفاق و اتفاق صدق و وفاقه متبدل اولیای اسماء خصول
قوت قریبیه کلوب و پینزده اوزن شلوب دو ستلق بر قوی صورت افراع
اولیای مامل و ملاح و طهر در دیو تحریر اولندی فرستادن ایلیچی از جانب
اشرف سلطان بجانب شهنزاده طهمااسب اشرف سلطان اطراف ممالک
واقع قریباً شله و وجه بحر اوزن استمالت کاغذ لرینی کوندرد کد نصبره
طهمااسب طرف لرینک دخی خاطر لرین اله الحق مناسب عدایدوب عظیم
ندارک ایله ایلیچی کوندرد مکه قران و یردی و اون عددا ت حاضر ایلدوب
شاهک خزینه سنده بولنان جوهر اکر لر و قدی قیمت رختلر و مزین
بساطلر ایله تجهیز و تزین ایلدوب ایلیچی ایله طهمااسب هدیه نامیه
کوندردی و محبت نامه یازوب مفهومند نیم دوستم بولنه کججه مایینده
وقوع بولان احوال من بعد نسیم منسیا فراموش اولنسه سزادر
وما پینز وجه مناسب اوزن توفیق اولنسه شایاند و بوند نصبره برودت
و عداوت معاهده سی طرفینه موجب ملالتدر و ما پینزده اوزن شلوب
ممالک ایرانک نظامی اهنمانه علی الاتفاق بدل مقدور قلم الزم لوازمندن
اولشدن زیر بر قاج سنه دن بر و وقوع بولان اختلال شیبیه اطراف
ملوک ممالک ایرانه وضع بد عزیتند اولوب سزه و بزه قصد قیدند
اولد قلمری امر محققدر مسقو کفره سی دخی فرصت بولوب حالیا کجه
یرله استیلا اینمشد و دوات علیه عثمانیه یو مافیو ممالک ایرانه وضع بد
ایتمکه در بودردک علاجنه بر کون اول اهنام طرفینه نافع بر مصاحتدر
پس ایلیچی مزاروب مراد و مقصدی دیز معلوم اولد قده مملکت الدن کمدن
نظامی ندرکنه بالذات کند و مز مباشر اولام ایلیچلر توسطیه اولنسه

طول

طول و دراز زمانه محتاج اولوب اهنماند رگه ایش ایشدن کجوب مراد پیر ۹۳
حاصل اولمیه انسیب و اوفق اولان بودر که طهران ایله تم مایینده بر مناسب
عمل مکالمه ایچون تعیین اولنوب سزو بزبالات معلوم المقدار و متساوی
الاقتدار عسکر ایله اول محله جمع و طرفینک عسکری قوندردیلوب
کند و مز میانه ده دوستانه کوریشوب ایشمزی کند و مز کون لم و صلح
و صلاحی شروط و قیود قوییه اوزن بنا ایلدوب قوی عهد و میثاق لر ایله
تأکید ایلم دیوب مضمون نامه شهنزاده طهمااسبک مفهومی اولیحق
قطعا حدعه اهنمانن فکر اندیشه و حزم احتیاط طریقن ملاحظه ایلیوب
مضمونیه عمده حاضر و اماده اولدی زیر ابوندن اقدام دخی اشرفک
سوز لرینه اعتماد حاصل ایلدوب مکاتب دلفریبی مضمونیه فریفته اولمش
ایلی بیان فرستادن نامه از جانب اشرف بجانب طهمااسب در سابق
اصفهانک محاصره سی احیانده اشرف سلطان شاه حسینیه خفیه بر
مقدار ذخیره کوندردیکی بهانه ایله فتح و تسخیر شهر واقع اولد و فی بره
میرچود بالاده ذکر اولند و غی اوزن اشرف سلطانی زندانه وضع ایلمش
ایلی اشرف سلطان زندانه محبوس ایکن طهمااسبه خفیه نامه
کوندروب مفهومی قریباً شله عسکرینی جمع ایلدوب اصفهان اوزرینه
کلمه بدل مقدور ایله سن و براغوانلرک اولورنده معلوم الاسامی عجه
کسنه لر ایله اتفاق و اتحاد و سوز بر لکین ایلیشدر اصفهان کلوب عسکر بکر
کوندردیکی کبی مرقومون اغوان اولوری کلوب نی زنداندن اطلاق
وجه سی نکاقتد ایلدوب سکا تابع اولور زرم بو حال مزی مشاهده بدن
اغوانلرک اکثری کلوب بزه تابع اولور لر و ما پینزده عهد و میثاق ایلدوب

اطمینان حاصل اولدوخی بزله وار قوتی بازویه کتوروب میر محمودی
اخذ ایدرز و سنک الینه تسلیم ایدرز دیو محری را ونمش ایدی و میر
محمود عجم رجالی قتل عام ایلدیغی ائنده لمصاحت حیانه قودوخی بکرمی
بش نفر رجال عجمک دخی اشرفک نامه سی مفهومی مؤکد مکتوبلری
واروب طهما سبک منظوری اولدقه اشرفک تحریراتی صدق و خلوص
اوزن دردیو اعناد ایش و عجمه جواب یازوب اشرفه کوندر مش
ایدی و بوتدبیره مخالفت ایدنه لعنت اولسون کلامن نامه سنه خانه
یازمش ایدی اشرف ایله طهما سب بو مصاحت تشبیه تدبیرنده ایلکن میر
محمود جانبندن سید علی خان سر عسکر تعیین اولتوب بر مقدار عسکر
ایلله طهما سب احوالی تجسس و حرکتنه نظارته ما مور اولوب قزوین
جانبلرینه عزیمت ایتمشلر ایدی انفاقا تبریر امد دینه کیله جک عجم
عسکر بله اغوان عسکری مصیبت ایدوب حروب و قتال عظیمدن
صکره اغوان عسکری منهزم اصفهانه عازم اولدی و بو ائنده اشرف
سلطانک زنداندن چاقوب تحته جلوسی و میر محمودک قتل و قعه سی
دخی واقع اولمش بونقله میر محمودک قتل ایتدوکی رجال عجمدن بقیه
السیوف اولان مارالذکر بکرمی بش نفر رجال عجم انفاق و عزل
و نصب و قتل و سایر اصفهانه متداول امور و تغییر و قطمیر تحریر ایدوب
نهایتند اشرف سلطانک بو کونلر ده سزه ارسال ایلدیغی نامه سنه
متعهد اولدوخی دوستلق و عهد و امان جمله فسخ و لغو اولوب غافل
اولیه سزیرا زندانده اولدوخی وقتده سزکله ایلدوکی انفاق ضروری
ولغرض ایدی شمیدی ایسه طریق اخر ایلله مرادی حاصل اولوب قولنده

صادق

صادق اوله جفی بروجله ما مول دکادر دیوب مکتوبی تبدیل نام و قیافه
بر کسنه ننگ الینه و یروب طهما سب کوندر دپلر سر عسکر سید علی خان
بعد الانهزام اصفهانه کلورکن مکتوبی کونورن کسنه یی اخذ و مکتوبی
الندن الوب نظر ایلدک کیم غیابنده وقوع بولان احواله و قوف حاصل
ایدوب اشرف سلطانک حضور ینه شتاب و مکتوبی الینه و یردی دقت
ایلله منظوری اولدقه مفهومی کیم ایدوب کسنه یه سو یلدی و سید
علی خانه دخی زینهار وزینهار ستر و کیم ایدسن دیو محکم تنبیه ایلدی
مصرف کردن اشرف خان بجانب قزوین برای اخذ طهما سب بر قاج کون
مرورنده اشرف سلطان فرح ایلده بش ایدوب بعضی رجالن دعوت
ایلدی و بقیه السیوف اولان بکرمی بش نفر رجال عجمی دعوت ایدوب
جمله سن قتل ایلدی بر مقدار ارامدن صکره رجالنه خطاب ایدوب
معلوم المقدار عسکر بله متعین ضابطان و سر بلو کبری عجمه حاضر و آماده
اولوب یاغنه کاوک دیو تنبیه ایلدی معتمداری اولنلرینه طهما سب اوزرینه
عزیمتین بلدردی اشرف سلطان سرایه کیم یوب فرح ایلدن قیو خلقیله
انلره سوار اولوب صوب مقصوده متوجه اولدی ایکی ساعت ایچنده
بکرمی بیگ مقداری چاپک سوار اغوان عسکری حاضر و اشرف سلطان
قغادار اولوب یئشد پلر بوندن اقدام مصاحله اموری ایچون ارسال
ایلدیغی ایلی دخی قزوینه واروب اشرفک اصفهاندن چقدوخی کوندن
بر کون اولخه نامه سن طهما سب تسلیم ایدوب کتد و سنه و افر اکر ام
ایدی اصفهانه وقوع بولان وقایعدن طهما سب و رجالی جمله غافل
و ایچیی یی بر قاج کون اکر امامت و نامه ده تحریر اولنان مصاحله احوالینی

مشاوران ایدوب جمله سی معقول و مناسب کور دپلر وارسلان نام خانی
بر مقدار عسکر ایله عجاله وارمق اوزن قم شهرینه تعیین ایلد پلر تا کم طهران
ایله قم راستند محل مکالمه و التقای عسکرین اوله جق پرلده اغوانلرک
بومصاحت تنفید و تمشیتی بنتیله زاد و ذخیره جمع و ندادار کتبه مباشرت
ایتد کلرینی تجسس ایدوب طهما سببه عرض و سائر اقتضا ایلدن احوالی
دخی بلدروب اکا کون طهما سبب دخی محل مزبوریه وجه مهم اوزن امر
مصالحه مکالمه سی ایچون عازم راه اوله عزیت کردن ارسلان خان از جانب
طهما سبب بجانب شهر قم و قدوم عسکر اشرف خان بقزوین و مقابله
وانهزام لشکر عجم ارسلان خان بر مقدار عسکر ایله قزویندن چقوب قم
شهری جانبدنه روان اولدی همان چقدوغی کون بر مقدار مسافه قطع
ایلد کده کور دپکه قارشو سنه بر عظیم عسکر کلیور حال نریوزدن ایدوکن
فهم ایدوب سرعت ایله رجعت و طهما سببک یاتنه جان اندی شاهم
باشمیزک ندادارکن کون لم زیر اشرف سلطان نجه پیک عسکر ایله شتاب
ایدوب اوزریمزه کلیور طهما سببک رجالی فی الحال جمع اولوب مشاوره
ایتد پلر چون وفرت اوزن حاضر و آماده عسکر لری بوانندی اغوانه
قارشو چقوب مقاومتی اقدامی مناسب کور دپلر و بونیت اوزن جمله سی
انلنوب شهر دن طشره چقد پلر اغوانه قارشو وارمق اوزن ایکن حجر
عسکری بریره جمع ایدوب طهما سببه عرض ایلد پلر که شاهم بز جمله مز
اغورینه فدا اولور زوانشاء الله دشمنه غالب اولور زانچق من بعد سنکا
اعتماد الدوله اولنلری قزلباشلردن نصب ایتیموب قجر طایفه سندن
نصیب ایدو جکنه عهد و الیزه قوی سندا احسان ایله دبد کلرند

طهما سبب

طهما سبب خواه ناخواه راضی اولوب متعهد اولدی طو ایف قزلباش ۹۶
ایسه خبیر اولیجق انلردخی تجمع و بز دولتمیزده سنی اعتماد الدوله استمیز
دیوب پینلرند عظیم نزاع ایله شقاق واقع اولدوغن طهما سبب مشاهد
ایدو بجک بوکونه عسکر ایله دشمنه غلبه میسر اولدوغن جزم ایدوب
اغوان عسکر دخی کور نکلکه همان بر مقدار ادم ایله طریق مازندرانی
طو توب اول جانبه فرار ایلدی ارسلان خان ایسه قزلباش عسکر ایله اغوانه
یقین بوانوب جنکه اقدام و قزلباش عسکری منهزم و کندوسی کوچیله
سلامت بولوب طهما سببک اوردنجه مازندرانه قاجدی اشرف خان دخی
سالما غانما اصفهانه عودت ایلدی بود فعه دنصبره اشرف سلطانک
عجم طو ایفنه ایلدوکی استیالات و کولریوز ایله رفیق و مرحت اوزن معامله
والچی کوندروب مصالحه یه رغبت و انعام و احسان و هدایا ایله خاطر لرینه
رعایت جمله سی حیله و خدعه حریمه اولدوغی ظاهر و اشکار اولدی
انچق زندان ایکن میر محمود کندوسی قتل ایدر خوفندن و میر محمود دن
انتقام الملق سودا سندن ناشی طهما سببه یازدوغی مکتوبیک مالی غالباً
حقیقت حال اولمق اوزن ایدی باقی مدارا و استیالته دابر عجملر حقند
اظهار ایلدوکی ملائیت محضی دك اولوب اقصای مرامی طهما سببی اناندروب
بر طریقیله طهران و قم شهر لری ار اسنه کتوروب اطرافن احاطه و برنقر بیله
اله کتوروب اخذ ایلد ایدی زیر اطهما سببی اله کتوروب اخذ ایلسه غیر
جمله قزلباشلر کند و سنه اطاعت ایدر لر و ممالک ایران بو نقر بیله شاه اولمغه
اقتدار حاصل ایدر ملاحظه و اعتقادی کند و سنه خا بکیردرون اولمش
ایدی با خصوص کد دولت علیه عثمانیه ایله مستقوجاری بیننده طهما سببی

تحت شاهی به اجلاس و عدول زنی دفع باینکه اتفاق اولمش دیو اشرف
خانک سمعنه بو بله بر خبر موخش لاحق اولغله طهما سبک غایله سنه
دوشوب مراسله و بوجه دوناش ات وهدایا کوندروب طهما سبی
هجاله بر طرف ابلکه مسارعتی بوندن ناشی اولمش ابدی اهتمام کردن اشرف
خان برای جمع و تحصیل خزینه چون اشرف خان طهما سبی مازندرانه
قاچروب اول طرف غایله سی بر مقدار بر طرف اولدی بزجاج ایام اصفهانده
مکت و اقامت امکانی روغا اولدی غیری جر اموال ناس ابله تحصیل خزینه
سود اسنهد و شدی اغوان طایفه سی خانلرندن عنقا و ممول اون ابکی
کسنه نی اخذ و قتل ابدوب مالترین مصادره ابلدی و سائر رجالندن
ممول اولنلری خبر الوب اکثری مالترین الوب کندولرین زندانه وضع
ابلدی میر محمدک مرضی موشه جواله لویه و فلنک اچیسنه و سائراره
انعام ابلدوکی مال نه ایسه تحصیل ابدوب الدی احوال امان الله خان
اشرف خان میر محمدک ریه تخته جلوس ابلد ککه امان الله خانی
کند و سنه اعتماد الدوله نصب و تعیین ابلش ابدی خان مرقومک دخی
طمع غالی اولوب بر هفتنه اچینده قزلباشلردن طقساز بیک تو من اچیه
الدی اشرف خان خبر الوب امان الله خانی احضار و بقلرندن صلب
ابدوب بر کون و بر کجه اول حال اوزن قویوب یا لجه مالک اولدوغی
جو اهر و نقودی اظهار ابله مجبور قلدی جمله سن اشرف خان اخذ و قبض
ابدوب من بعد امان الله خانک حیاتی و نمائی معلوم اولیوب بجه
اولدوغی بر کسنه بلدی بیان احوال میاچی میر محمد بعد اشرف خان
میر محمدک میاچیسی اولان شیخی اخذ ابدوب حبس ابلدی و جمع و تحصیل

ابدوکی

ابلدوکی نفوذ و جواهر کثیره فی البدن الدقه اطلاق و هدیه طریقیه
بر مقدار شی و یروب و یاننه ادملر قوشوب کند و ولایتی اولان کابل
شهرینه کوندردی امان الله خان مزبور شیخک همشیره زاده سی اولوب
کابلدن کلوب میر محموده معا انساب و بجه بجه امور عظامده بولنشملر
ابدی و ابکی دخی اغوان عسکرینک اب روی اولمشلر ابدی و شیخک
خارق عاده بجه بجه احوالی سو بلنوب کرامته حلی اتمشلر ابدی
و معتاد لری اوزن جتکه شروع ابلد کلرند شیخ عسکرک او کونه چوب دعا
و شار ابدوب بعد عدویه جمله و هجوم ابدولدی و دعا سیله مباشرت
ابلد کلری جنکرده غالب اولورلدی اول صیبه بن جمله اغوانک معتبری
و معتقدی اولمش ابدی میر محمود دخی یاننه کلر کجه استقبال ابدوب
دست بوس ابدردی فی الواقع تمام اغوان اچینده مرقوم میاچی مثل او کولر
یوز لوطتلو دلتو حایم و سلیم بر کسنه یوغیدی اغوان اچینده محمد بلوچ
خان و سید علی خان و عجمیانندن زبردست خان اشرف خانک
وضعندن متضرر اولیوب عزت و رفعت بولد بلر سائر لری متضرر اولوب
کیمک مالنه و کیمک عرضنه نقصان کلرک کسنه از قالدی احوال قرنده اش
اشرف خان اشرف خانک کوجک قرنده اشرفک جلوسن کوردوکی
کی فرار ابلدی عاقبت اشرف خان اخذ ایتدر دوب کوزارینه
میل چکدی احوال مادر میر محمود اشرف خان میر محمدک والد سنی
احضار ابدوب بچون زندانه اولدوغم حالده بکاصاحب چقمک دیو
خطاب و عتاب و شهزاده لک نعشی اولدوغی زیر زمینده اوج کون و اوج
کجه حبس ابلدی بعد اطلاق ابدوب خانه سنه کوندردی بعد شاه

حسبناك باكره قيزيني كند وسنه تزوج ابلدى ومير محمود اهلنه حرم
جوارنده برسراى ويروب انده اسكان ابلدى وكفاف اوزن تعينات
ويردى لكن طشره چقمغه وان وارمغه اذن ويرمدى خاتمه چون بوحقير
وفقير سباح برقصورك زمين ايرانه خطه واسعه اصفهانده سيره تماشاي
وقايح برله مدت مكث واقامت بر محنم بكرمى التى سنه يه بالغ اولدى وينه
حوادث غريبه ظهورى وهرج ومرج ملل متنوعه وقوعى ارام وسكونت
بوليوب كاه ميان افوايانده فتنه وكاه عجميانده شقاق ونفاق وعصيان
ونميه وقوعى نقر بيله هر يوم توج دريائى حروب وقتال احتمالى دركار
ابدى بو بحر بلا مهلكه سندن بركنان چقمق وبونهاكه عظيمه كرد ابدن
صاحل سلامتته جان اتقى فكر وملا حظه سى انديشه سيله سر كردان
وادى حيرت ايكن اشرف خان جانبنندن در دوات عليه يه كوند رملك
اوزن اباجى تعين بولغوب صوب مأمور سنه عزيمت تمككه بو بيجان دخی
رفاقت وبوفرصتى غنيمت عدايدوب حمد اتم حمد ابو بله برنقریب دلقریب
ايلاه ممالك محروسه دولت عليه عثمانيه يه وصول برله سلامت وراحت
واطمنان مبصر اولدى الحمد لله على كل الحال واليه المرجع والمآل
تمت الترجمة بعون الملك الوهاب فى غرة شهر ذى الحجه سنه احدى
واربعين ومائه والى تمت النسخة الغريبه على ابدى الضعفا المأمورين
بعمل الطبع بدار الطباعة المعمور فى غرة صفر الخير سنه اثني واربعين
وما يه والى فى البلدة الطيبة قسطنطينيه

صانها الله عن الايات

والبليه